

کاشان

مجله کاشان‌شناسی مقالات پژوهشی مربوط به تاریخ، فرهنگ، ادبیات، هنر، معماری تاریخی، جغرافیای تاریخی و مشاهیر منطقه کاشان شامل شهرستان‌های کاشان، نطنز و آران و بیدگل را منتشر می‌کند.

شیوه‌نامه درج منابع و استناد

- درج مشخصات منابع متن و تصاویر، براساس شیوه‌نامه ایران (تهیه‌شده توسط پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران) است.
- این شیوه‌نامه در وبگاه نشریه موجود و قابل بارگیری است.
- در متن مقاله به‌صورت: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، صفحه.
- در فهرست منابع پایان مقاله به‌صورت:
- کتاب‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر، ناشر.
- مقاله‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام مجله، دوره (شماره مجله): شماره صفحه ابتدا - شماره صفحه انتها.
- مقاله اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، عنوان مجله علمی، دوره ش. نشانی الکترونیکی مقاله (دسترسی در تاریخ)

ضوابط و راهنمای تدوین مقالات

- مقاله ارسالی قبلاً در جایی چاپ یا ارائه نشده باشد.
- مقاله مبتنی بر تحقیق و شامل مطالب نو و ابتکاری می‌باشد.
- چاپ مقالات و تقدم و تأخر آن با بررسی و تأیید هیئت تحریریه تعیین می‌گردد.
- هیئت تحریریه در ویرایش مطالب و یکسان‌سازی مقاله آزاد است و مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- مقاله‌های مندرج صرفاً مبین آرای نویسندگان است.
- مقاله‌ها پس از داوری تخصصی و احراز شرایط در مجله چاپ می‌شوند.
- مقاله باید در محیط Word تایپ و از طریق سامانه «کاشان‌شناسی» به‌صورت الکترونیک ارسال شود.
- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله حداکثر در ۳۰۰ واژه بیاید.
- ذکر کلید واژه‌های مقاله (حداکثر ۵ واژه) الزامی است.
- نویسندگان برای مطالعه راهنمای تدوین مقالات به سامانه sh-kashan.kashanu.ac.ir مراجعه کنند.



- ۳ تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان در مطالعات علمی غرب...
داوود شادلو، مریم فروغی‌نیا
- ۴۱ نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشانی اسنادی مصور از وجوه آشکار و پنهان بافته‌های عصر زندیه
سمانه کاکاوند
- ۷۹ بررسی خاصیت ضدباکتریایی نخ پشمی رنگ‌رزی شده با پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری کاشان
سعیده رفیعی
- ۱۰۳ تاریخ اجتماعی کاشان در قرن نهم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی / محمود صادقی علوی
- ۱۲۱ برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل‌دهنده آن در شهر کاشان
صدیقه کیانی سلمی، مریم محمودی برام
- ۱۵۵ آداب ازدواج در تاریخ اجتماعی شهر قمصر / مرضیه آبیاری قمصری، رضا شجری
- ۱۸۱ طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در صنعت آب و فاضلاب (مورد مطالعه: شرکت آب و فاضلاب کاشان)
حمید رحیمی، زهرا صادقی آرانی
- ۲۱۵ نمادشناسی نقوش کاشی‌کاری حمام خان کاشان / امیرحسین چیت‌سازیان، زهرا خشای
- ۲۳۷ بررسی فنون ساخت مسجد تاریخی پرزله در ایبانه / حسین راعی، سپیده بنایی
- ۲۵۹ بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی / عظیم حمزئیان، قاسم روفی

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۳-۴۰

مقاله علمی پژوهشی

تحلیل شیوه دستهبندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان**در مطالعات علمی غرب (۱۹۰۱-۱۹۲۶م)**

داود شادلو*

مریم فروغی‌نیا**

چکیده

از دغدغه‌های فرش‌پژوهان غربی، در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، تبیین الگوهای شناختی فنی و زیباشناختی، برای دستهبندی و انتساب فرش‌های ایرانی به یک جغرافیای بافت مشخص بوده است و از آنجا که داده‌ها در این دوره، عموماً با اتکا به فرش‌های موزه‌ای و روش کتابخانه‌ای - و نه پیمایشی - به دست آمده بود، شناختی دقیق از تنوع طرح، نقش و شیوه‌های بافت و تولید فرش‌های ایرانی وجود نداشت؛ بنابراین دستهبندی، تاریخ‌گذاری و انتساب فرش‌ها به یک حوزه فرش‌بافی، با معیارهایی گاه نادرست صورت می‌گرفت. از جمله حوزه‌های فرش‌بافی که در مطالعات غربیان در سال‌های ۱۹۰۱-۱۹۲۶م به سبب ناآگاهی نادیده گرفته شده یا انتساب‌ها به آن نادرست بوده، کاشان است. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل شیوه دستهبندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان از ۱۹۰۱-۱۹۲۶م در مطالعات علمی غربی است. نگارندگان کوشیده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که فرش‌شناسان غربی چه شیوه‌هایی را برای دستهبندی و انتساب فرش‌ها به کاشان در این بازه زمانی به کار گرفته‌اند؟ پژوهش با رویکرد تاریخی و به شیوه تحلیل کیفی با اتکا به داده‌های کتابخانه‌ای و اسناد دست‌اول، با ابزار فیش‌برداری به انجام رسیده و تقریباً به همه نمونه‌های در دسترس در بازه زمانی ۱۹۰۱-۱۹۲۶م مراجعه شده است. نتایج نشان می‌دهد که فقدان الگوهای شناختی از جغرافیای گسترده فرش ایران، سبب شده بود که فرش‌شناسان در مطالعات اولیه، شناختی دقیق از جغرافیای بافت کاشان نداشته باشند و فرش‌های نوباف (قاجاری و پهلوی) و عتیقه (صفوی) را که امروزه در انتساب آن‌ها به کاشان تردیدی وجود ندارد، به دیگر مناطق منتسب کنند. حتی در دستهبندی‌هایی که نخستین فرش‌پژوهان از جغرافیای بافت فرش ایران ارائه کرده‌اند، نام کاشان به‌عنوان منطقه فرش‌باف غایب است؛ اما در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰، مطالعات و به تبع آن شناخت درباره فرش کاشان گسترش می‌یابد و با برگزاری نمایشگاه شیکاگو ۱۹۲۶، نام کاشان به‌عنوان شهری برجسته در جغرافیای فرش ایران که برخی از برجسته‌ترین فرش‌های صفوی در آن بافته شده است، تثبیت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مطالعات علمی فرش، فرش‌شناسی غربی، فرش کاشان، جغرافیای بافت فرش.

* استادیار گروه فرش، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران، نویسنده مسئول/

Shadloudavood@shirazartu.ac.ir

** استادیار گروه فرش، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران / m.foroughinia@shirazartu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵



۱. مقدمه

فرش‌های شرقی، به‌ویژه ایرانی، تا اوایل سده بیستم کمتر شناخته‌شده بودند و مجموعه‌داران بر پایه جذابیت‌های زیباشناختی و ارزش مادی، آن‌ها را گردآوری می‌کردند؛ سوبه‌های تاریخی یا فرهنگی نیز کمتر اهمیت داشت. در سال ۱۸۷۷م، با تألیف کتاب نقوش فرش‌های کهن شرقی بر پایه نقاشی‌های سده‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی^۱ نوشته لسنینگ،^۲ تجزیه و تحلیل علمی فرش‌ها در مجامع دانشگاهی غرب آغاز شد. همچنین برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی فرش شرقی (وین ۱۸۷۳^۳ و ۱۸۹۱^۴)، در اواخر سده نوزدهم، فرش‌ها را در معرض دید و دسترس محافل وسیع‌تری قرار داد و موزه‌ها و مجموعه‌داران به آن‌ها علاقه بیشتری نشان دادند. فرش‌شناسان نیز کوشیدند منطبق با شیوه‌های علمی پژوهش، روش‌هایی برای شناخت، تاریخ‌گذاری و مجموعه‌سازی فرش‌ها به کار بگیرند و تا حد امکان زمینه‌های تولید اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را نیز در نظر آورند. «نمایشگاه‌های هنر اسلامی پایان سده نوزدهم، خبرگی، روش پژوهش علمی، دانش، ارزیابی و اصالت‌یابی آثار را در هم آمیختند» (Komaroff, 2000: 3). همچنین «آلوئیس ریگل^۵ با انتشار کاتالوگ نمایشگاه وین ۱۸۹۱، سپس نگارش کتاب فرش‌های شرقی^۶ در ۱۸۹۵ که بر پایه همان کاتالوگ تدوین شده بود، برای نخستین‌بار هنجارهای زیباشناختی برای ارزیابی فرش‌های شرقی وضع کرد. ریگل به این نکته می‌پردازد که کدام فرش‌ها را باید اثری هنری دانست و کدام‌ها کف‌پوش‌اند و فاقد ارزش زیباشناختی. معیار او در تعیین حدود زیباشناختی، فرش‌های صفوی است (شادلو و رفیعی، ۱۴۰۲: ۴۷). باین‌همه این شناخت فرش‌های شرقی چه از بُعد فنی چه زیباشناختی، طی چند دهه به دست آمد. برای نمونه والتینر در کاتالوگ نمایشگاه نیویورک ۱۹۱۰ می‌نویسد: «در دو دهه گذشته، آثاری از فون‌بده، مارتین، زاره درباره فرش‌های عتیقه نوشته شده، اما طرح‌ها، نقوش و هماهنگی غنی رنگ‌ها هنوز برای دانشگاهیان ناشناخته است» (Valentiner, 1910: 10).

از برجسته‌ترین دغدغه‌های نخستین فرش‌پژوهان، دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به یک جغرافیای بافت مشخص بوده است و از آنجاکه داده‌های اولیه در مکاتب برلین^۷ و وین^۸ عموماً با اتکا به فرش‌های موزه‌ای به دست آمده بود و با ورود مستقیم و پیمایش جغرافیای بافت همراه نبود، شناختی کامل از جغرافیای بافت، تنوع طرح، نقش و شیوه‌های بافت و تولید فرش‌های شرقی وجود نداشت؛ بنابراین دسته‌بندی مشخصی نیز از فرش‌های ایرانی انجام نشده بود و دسته‌بندی، تاریخ‌گذاری و انتساب فرش‌ها به یک جغرافیا، با معیارهایی گاه نادرست صورت



تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان...، داود شادلو و مریم فروغی‌نیا

10.22052/KASHAN.2024.253853.1097

می‌گرفت؛ مانند انتساب گروهی از فرش‌های صفوی به لهستان (پلونیزی)^۹ یا نام‌گذاری لسینگ از فرش‌های عثمانی بر پایه نام نقاشان اروپایی (هلباین،^{۱۰} لوتو،^{۱۱} مملینگ^{۱۲} و...). این روش دسته‌بندی نخست ریشه در ناآگاهی از جغرافیای بافت فرش‌های شرقی دارد؛ چنان‌که والتینر می‌نویسد: «دربارۀ فرش‌های عتیقه شرقی، باید راضی باشیم که تخمینی تشخیص می‌دهیم احتمالاً در کدام استان [نه دقیقاً کدام شهر] بافته شده‌اند» (Ibid: 11-12)؛ دیگر اینکه نخستین فرش‌پژوهان به‌ویژه آنان که به دانشگاه‌ها و موزه‌ها وابسته بودند، در تعیین جغرافیای بافت محافظه‌کاری بسیار داشتند: «هرچه بیشتر با فرش‌های شرقی سروکار داشته باشید، درباره تعیین قدمت و محل بافت آن‌ها احتیاط بیشتری کرده و از تاریخ‌گذاری صریح‌تر و بیش از حد قدیمی پرهیز می‌کنید» (Sarre & Martin: 1912: 229). آنان در تاریخ‌گذاری و گمانه‌زنی محل بافت، ترجیح می‌دادند نام کشور را برای جغرافیای بافت به کار ببرند، و اگر ناگزیر از گمانه‌زنی جزئی‌تری بودند به‌ویژه برای فرش‌های صفوی، عموماً از نام پایتخت‌ها مانند تبریز و اصفهان استفاده می‌کردند. این نکته در همه کتب و کاتالوگ نمایشگاه‌ها پیش از ۱۹۰۰ صادق است.

پس از برگزاری نمایشگاه وین ۱۸۹۱ که به گفته اردمان^{۱۳} (1970: 33): «نقطه‌عطفی در دانش ما [غربیان] از فرش شرقی بود»، در آغاز سده بیستم، سفر فرش‌پژوهان به ایران، به شناختی گسترده‌تر از فرش‌های ایرانی انجامید و گمانه‌زنی جغرافیای بافت جزئی‌تر شد. از جمله حوزه‌های فرش‌بافی که در سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۶ بسیار مورد بحث بوده و عموماً به‌سبب ناآگاهی نادیده گرفته شده یا انتساب‌ها به آن نادرست بوده، کاشان است. هدف و مسئله این پژوهش، شناسایی و تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان از ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۶ در مطالعات علمی غربیان است. سؤال پژوهش نیز در همین راستاست: فرش‌شناسان غربی چه شیوه‌هایی را برای دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به کاشان در این بازه زمانی به کار گرفته‌اند؟ ضرورت پژوهش به وجه تمایز آن با پژوهش‌های پیشین برمی‌گردد که روش انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان را در مطالعات غربیان تا نیمه سده بیستم به‌صورت جزءنگر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. علت‌گزینش این دوره زمانی آن است که در آغاز آن، کتاب «فرش‌های شرقی» نوشته مامفورد منتشر شده که برای نخستین بار، کاشان به‌عنوان شهری با پیشینه فرش‌بافی معرفی می‌شود و در پایان آن با برگزاری نمایشگاه شیکاگو ۱۹۲۶، نام کاشان به‌عنوان شهری مهم در جغرافیای فرش ایران که احتمالاً برخی از برجسته‌ترین فرش‌های صفوی در آن بافته شده‌اند، تثبیت می‌شود.



۱-۱. پیشینه تحقیق

این پژوهش فاقد پیشینه تحلیلی مستقیم است؛ آنچه در ادامه می‌آید، منابع قابل مطالعه برای درک ماهیت موضوع است.

شادلو و رفیعی (۱۴۰۲) به واکاوی نقش نمایشگاه‌های هنر اسلامی در شناخت و دسته‌بندی فرش‌های صفوی در جوامع علمی غرب (۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰) پرداخته و نشان می‌دهند که سیر گردآوری فرش‌های صفوی پیوندی تنگاتنگ با گسترش شناخت آن‌ها در غرب داشته است. روشی که پژوهشگران در تجزیه و تحلیل فرش‌های صفوی به کار گرفته‌اند، مطالعه تطبیقی بوده و فرش‌شناسان فرش‌هایی را که به گروه یا ساختاری وابسته نبوده‌اند، با مقایسه‌ای مبتنی بر همسانی‌های عصری در ساختاری نسبی جای داده‌اند. چیت‌سازیان (۱۴۰۱) بافت فرش‌های موسوم به اردبیل در تبریز، اردبیل یا قزوین و مالکیت آن‌ها به بقعه شیخ صفی را رد می‌کند و بافت آن‌ها در کاشان و مالکیت آستان قدس رضوی را گزینه‌ای محتمل‌تر می‌داند. کتیبه، گره نامتقارن و تاروپود ابریشمی از مواردی است که احتمال جغرافیای کاشان را برای بافت این فرش‌ها برجسته‌تر می‌کند. همچنین با توجه به درج نشدن سفارش بافت این فرش‌ها برای بقعه شیخ صفی در فرمان‌های درباری صفوی یا فهرست اموال بقعه، احتمال سفارش برای بقعه‌های ارجمندتر به‌ویژه حرم مطهر رضوی محتمل‌تر است. بختیاری و همکارانش (۱۴۰۰) نشان می‌دهند که تحولات فرهنگی و تجددخواهی شاهان قاجار و شرکت در نمایشگاه‌های سده نوزدهم، از علل فرش‌اندوزی اروپاییان به شمار می‌رود. در این نمایشگاه‌ها نه تنها قالی‌های قاجار، بلکه قالی‌های صفوی مورد توجه قرار می‌گیرند و به مجموعه‌ها راه می‌یابند. میرزایی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که بازدید ناصرالدین‌شاه از نمایشگاه وین ۱۸۷۳، نگاه اروپاییان را به سوی پاپیون ایران معطوف می‌کند و نمایش قالی‌های ایرانی که تحسین نخبگان فرهنگی را برمی‌انگیزد، نقشی مهم در گرایش جوامع غربی برای خرید قالی‌های دست‌باف دارد. میرزایی (۱۳۹۹) با تمرکز بر نمایشگاه وین ۱۸۷۳، به زمینه‌ها و تبعات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این نمایشگاه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که مقارن با احیای مجدد قالی‌بافی ایران در اواخر دوره قاجار، حضور قالی‌های ایرانی در نمایشگاه‌های جهانی و ارزش‌گذاری آن‌ها به‌عنوان آثار هنری از سوی موزه‌های اروپایی، باعث تغییر نگاه به قالی دست‌باف از منظر یک فرآورده کاربردی به دست‌بافته‌ای فرهنگی و هنری شد. کارل^{۱۴} (۲۰۱۹) نمایشگاه وین ۱۸۹۱ را در بستر تحولات سال‌های پایانی سده نوزدهم در امپراتوری اتریش-مجارستان بررسی کرده است. نویسنده به این نکته می‌پردازد که انگیزه اصلی برگزاری این نمایشگاه ارتقای جایگاه اقتصادی امپراتوری با



تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان...، داود شادلو و مریم فروغی‌نیا

تأسیس موزه‌های بزرگ و ایجاد پیوندهایی تجاری با شرق بوده است. شادلو و شیرازی (۱۳۹۶) به تجزیه و تحلیل دو مکتب فرش‌شناسی برلین و وین پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اصلی‌ترین کاستی‌های مطالعات خاورشناسان عبارت‌اند از: تمرکز صرف بر مطالعات کتابخانه‌ای و فرش‌های موزه‌ای، بی‌توجهی به تحقیقات میدانی، قطعی پنداشتن فرضیات، نسبت دادن نادرست فرش‌ها به جغرافیای خاص، تاریخ‌گذاری‌های نادرست با دلایل ناموجه، بی‌توجهی به بسترهای تولید فرش و جدا کردن هنر از خاستگاه بومی و فرهنگی خود. فولکو^{۱۵} (۲۰۱۷) به بررسی نمایشگاه‌های وین ۱۸۷۳ و پاریس ۱۸۷۸ پرداخته است. نویسنده اثبات می‌کند که دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰، دوره‌ای مهم در تجزیه و تحلیل و نمایش آثار هنر اسلامی بوده است و کارشناسان با تمرکز استراتژیک بر آثار هنری جوامعی خاص، نمایشگاه‌های اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم را جهت داده و روش‌ها و رویکردهای جدیدی را در شناخت هنر اسلامی پدید آورده‌اند. دشتی‌زاده و همکارانش (۱۳۹۵) بیان می‌کنند که درک ما از هنر اسلامی متأثر از میراث و گفتمان‌های مسلط نمایشگاه‌های موقت و مجموعه‌های دائمی هنر اسلامی در غرب و رویکردهای این موزه‌هاست. یافته‌ها نشان می‌دهد که تسلط گفتمان‌های شرق‌شناسانه، تاریخ هنر و مطالعات بینا فرهنگی به چرخش معنای هنر اسلامی به‌عنوان «کالای مادی»، «هنر» و «کالای فرهنگی» انجامیده است. زارع‌زاده و همکارانش (۱۳۹۴) ابعاد گوناگون نمایشگاه لندن ۱۸۵۱ را کاویده و به این نتایج رسیده‌اند که نخبگان بریتانیا به سه روش از هنر بهره‌برداری کرده‌اند: طراحی معمارانه مبتنی بر ایده‌ای نوآورانه، تولید آثار با درجه کیفیت و کمیت پیشرفته و نمایش خلاقانه صنایع دستی اقوام مستعمره. کادوی^{۱۶} (۲۰۱۳) به نمایشگاه فرش‌های شرقی که ۱۹۲۶ در شیکاگو برگزار شده و روش پژوهش آرتور پوپ^{۱۷} در نگارش کاتالوگ آن پرداخته است. این مقاله نشان می‌دهد که پوپ به‌عنوان فرش‌شناس، مجموعه‌دار، سخنران و نمایشگاه‌گردان چگونه نمایشگاه نام‌برده را مدیریت کرده است. کادوی همچنین به این نکته می‌پردازد که چرا نمایشگاه شیکاگو ۱۹۲۶، نوری تازه بر مطالعات علمی بر فرش‌های ایرانی تابانده است. ترولنبرگ^{۱۸} (۲۰۱۲) به این نکته پرداخته که نمایشگاه مونیخ ۱۹۱۰ معیارهای ارزیابی علمی تازه‌ای برای پژوهشگران هنر اسلامی تعریف کرد. همچنین به کار بردن اصطلاح «شاهکار»^{۱۹} برای آثار هنر اسلامی توسط گردانندگان این نمایشگاه، مرزهای فرهنگی-ذهنی-تاریخی نوینی را پدید آورده و سنت خاورشناسی را متحول کرده است. کادوی (۲۰۱۲) نگاهی دارد به نخستین پژوهش‌هایی که درباره فرش ایرانی در سده بیستم انجام شده است. او با بررسی مقاله‌ای که پوپ (۱۹۲۵) در نشریه *آرت بولتن*^{۲۰} منتشر کرده است، به چگونگی گنجاندن



فرش ایرانی در گفتمان هنری-تاریخی اوایل سده بیستم می‌پردازد. دریایی (۱۳۹۰) به چرایی گزینش نام‌های غیرایرانی برای فرش‌های صفوی مانند سانگوژکو^{۲۱} و سالتینگ^{۲۲} پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد اسامی غیرایرانی عموماً حاصل روابط سیاسی، تجاری و شناسه‌های مجموعه‌داری بوده است. همچنین برخی محققان غربی کوشیده‌اند با گزینش نام‌های غیرایرانی، هنر قالی‌بافی ایران را به حاشیه برانند؛ ولی عرصه تحقیقات عملی و علمی بر جایگاه ایران به‌عنوان مرکز مهم قالی‌بافی جهان صحنه می‌گذارد. جی. راکسبورگ^{۲۳} (۲۰۱۰) به ارزیابی جایگاه نمایشگاه مونیخ ۱۹۱۰ در تاریخ نمایشگاه‌های هنر اسلامی پرداخته است. تمرکز نویسنده بر روش مجموعه‌سازی، ارائه و چیدمان آثار است و اینکه این روش‌ها، چگونه جریان‌ساز شده و در نمایشگاه‌های آینده به کار گرفته شدند. کُماروف^{۲۴} (۲۰۰۰) به تاریخ‌نگاری هنر اسلامی از اواسط سده نوزدهم تا اواسط سده بیستم که دوره شکل‌گیری این رشته دانشگاهی است پرداخته. نویسنده تأکید دارد که پژوهش‌هایی که مفهوم هنر اسلامی را امروز شکل داده‌اند، متمرکز بر گردآوری و مجموعه‌سازی آثار بوده است؛ از این‌رو ضروری است که مسیر طی شده بازمینی و آسیب‌شناسی شود. جی. راکسبورگ (۲۰۰۰) به نقش و عاملیت مجموعه‌داران آماتور در گردآوری آثار و شکل‌گیری نخستین نمایشگاه‌های موقتی هنر اسلامی در اروپا پرداخته است. رویکرد پژوهش جامعه‌شناختی است و به زمینه‌هایی می‌پردازد که آماتورها در پذیرش هنر اسلامی در جوامع غربی داشته‌اند. د. وود^{۲۵} (۲۰۰۰) به نقش برجسته پوپ در برگزاری نمایشگاه جهانی هنر ایرانی می‌پردازد که ۱۹۳۱ در لندن برگزار شد و تأکید می‌کند که برگزاری این نمایشگاه، هنر ایرانی را در خط مقدم آگاهی عمومی و مطالعات علمی و دانشگاهی قرار داد.

۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش تحلیل کیفی و رویکرد تاریخی انجام پذیرفته است. روش گردآوری اطلاعات، استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، اسناد، کتاب‌ها و کاتالوگ‌های نمایشگاه‌هایی است که در بازه زمانی ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۶ منتشر شده‌اند. تقریباً همه منابع در دسترس بررسی شده‌اند، از این‌رو روش نمونه‌گیری سرشماری است.

۲. یافته‌های پژوهش

۱-۲. فرش کاشان، تاریخ و ویژگی‌های آن

«چندین ایالت و شهر بوده‌اند که به‌رغم شهرت فرش‌هایشان از سده نهم ه.ق تا به امروز، در



تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان...، داود شادلو و مریم فروغی‌نیا

هیچ‌یک از منابع سده‌های نخستین و میانه، سخن از فرش‌بافی آن‌ها نرفته است. نه از ایالت پهن‌اور کرمان یاد شده است، نه از ایالت‌های مرکزی و غربی میانه، و نه از شهرهای اصفهان، کاشان، یزد و تبریز [...] یاد نشدن از این مناطق و شهرها، بی‌گمان نشانه فقدان کامل فرش‌بافی در آن‌جاها نیست» (پرهام، ۱۳۹۹: ۶۰). متأسفانه مواد اولیه نابودشونده فرش، سبب شده است که تاریخ فرش سرشار از ناسازه، ابهام و فقدان باشد؛ از این‌رو پژوهشگران داخلی و خارجی در انتساب فرش‌ها به یک جغرافیای خاص دشواری‌هایی پرشمار داشته‌اند. از جمله این مناطق کاشان است. گرچه امروز دانسته‌ها درباره فرش کاشان بیش‌ازپیش و گسترده است، این دانش به مرور زمان و بر پایه پژوهش‌های فرش‌شناسان داخلی و خارجی به دست آمده است و دست‌کم تا آغاز سده بیستم اطلاعاتی منسجم درباره منشأ بافت برخی از شناخته‌شده‌ترین فرش‌های کاشان وجود نداشت.

«سابقه هنری کاشان در زمینه منسوجات به‌ویژه مخمل و زری [...] عامل اصلی و زمینه اساسی رشد و بالندگی هنر فرش در دوره صفوی در این شهر است» (چیت‌سازیان، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۱۱). بر پایه داده‌های کنونی می‌دانیم فرش‌بافی در کاشان در دوره صفوی به اوج خود رسیده است و گرچه هنوز درباره همه مصادیق و نمونه‌ها، میان فرش‌پژوهان هم‌رأیی وجود ندارد، بی‌تردید برخی از شناخته‌شده‌ترین فرش‌های سده‌های دهم و یازدهم قمری قطعاً و برخی احتمالاً در این شهر بافته شده‌اند. برای نمونه، بیست تخته فرش با تار، پود و پرز ابریشمی موسوم به فرش‌های ابریشمی کاشان که معروف‌ترین آن‌ها فرش شکارگاه موزه وین است یا گروه قالی‌ها و فرشینه‌های (گلیم‌باف) پلونیزی (اتیک و واکر، ۱۳۸۴: ۸۰-۸۴). با یورش افغان‌ها در ۱۱۰۰ش (۱۷۲۱م) فرش‌بافی در کاشان متوقف می‌شود و در سده‌های دوازده و سیزده قمری (هجدهم و نوزده میلادی) بسیار ناچیز بوده است (بصام، ۱۳۹۲: ۱۵۷). فرش‌بافی در دوره قاجار تا پیش از رونق دوباره در ۱۸۶۰م، صنعتی مهجور بود که در معدود شهرهایی مانند کاشان براساس تأمین مالی محلی و برای مصارف داخلی فرش‌بافی انجام می‌شد (اتیک و واکر، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۷). با آغاز سده چهاردهم قمری (بیستم میلادی)، فرش‌بافی در کاشان با استفاده از پشم مری‌نوس استرالیا که در منچستر انگلستان رسیده می‌شد، آغاز شد. این فرش‌ها تا اوایل دهه ۱۳۱۰ش، هم‌زمان با شروع بحران اقتصادی جهانی در کاشان بافته می‌شدند (بصام، ۱۳۹۲: ۱۵۷). روی هم‌رفته، فرش کاشان از همان آغاز یک قالی اشرافی محسوب می‌شده است [...] سبک [معاصر] کاشان لول‌باف دوپوده با گره نامتقارن و رنگ سنتی آن، متن لاک‌ی با حاشیه سرمه‌ای یا برعکس است. هرچند که رنگ متن



کرم هم در بافته‌های قدیمی‌تر دیده می‌شود (روفه‌گر حق، ۱۴۰۱: ۱۳۷). تاروپود این فرش‌ها بیشتر پنبه و رج‌شمار حدود ۴۰ است.

۲-۲. تجزیه و تحلیل یافته‌ها از ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۰

در آغاز سده بیستم، مطالعات فرش‌شناسی عموماً بر پایه فرش‌های موزه‌ای و متکی به روش گردآوری داده کتابخانه‌ای و از نظر رویکرد تاریخی، متمرکز بر نمونه‌های به‌جامانده از سده‌های پانزدهم تا هجدهم بود. فرش‌های نوباف ایرانی (قاجار) تا حدود ۱۹۰۰ در مطالعات جایی نداشتند و کمتر پژوهشگری کوشیده بود از فرش‌های صفوی فراتر رفته و به روش میدانی به مطالعه وضعیت جغرافیای فرش ایران بپردازد؛ بنابراین همه دسته‌بندی و انتساب‌ها بر پایه نمونه‌های صفوی در دسترس انجام گرفته بود. در این دوران، جان کیمبرلی مامفورد،^{۲۶} روزنامه‌نگار آمریکایی بنیاد رسانه‌ای هرست،^{۲۷} به برجسته‌ترین حوزه‌های فرش‌بافی شرق در آناتولی، قفقاز، ایران و هندوستان سفر کرد. برآیند این پژوهش پیمایشی به نگارش کتاب فرش‌های شرقی در ۱۹۰۱ انجامید.

- | | |
|--------------------------------|---------------------------|
| FERAGHANS— | 1. Feraghan Proper. |
| | 2. Sultanabad. |
| | 3. "Saraband" or Sarawan. |
| | 4. Hamadan— |
| | (a) Kara-Geuz. |
| | (b) Oustri-nan. |
| (c) Burujird. | |
| (d) Bibikabad. | |
| 5. Teheran-Ispahan-Saruk. | |
| 6. "Jooshaghan" or Djushaghan. | |

شکل ۱: جغرافیای بافت فراهان بر پایه دسته‌بندی مامفورد (Mumford, 1901: 100)

مامفورد در کتابش، فرش‌های ایرانی را بر پایه جغرافیای بافت به چهار دسته اصلی با چند زیرمجموعه تقسیم کرده است که عبارت‌اند از: ۱. آذربایجان؛ ۲. کردستان شرقی؛ ۳. فراهان؛ ۴. کرمان (Mumford, 1901: 100). حوزه فرش‌بافی فراهان، شش زیرمجموعه دربرگیرنده خود فراهان، سلطان‌آباد (اراک)، سرابند، همدان، تهران، اصفهان، ساروق و جوشقان دارد (شکل ۱). این دسته‌بندی با دانش امروز ما از سبک‌شناسی و جغرافیای بافت فرش ایران هماهنگ نیست. مامفورد می‌نویسد: «مبنای دسته‌بندی من نام‌های تجاری است که در بازار استانبول و از میر مرسوم بوده. برای خریداران آمریکایی نیز همین نام‌ها شناخته‌شده است؛ اما برخی از این نام‌ها در بازار ایران

مرسوم نیست و بازرگانان ایرانی نام‌های دیگری به کار می‌برند» (Ibid: 98). در این دسته‌بندی نامی از کاشان نیست و شاید یکی از زیرگروه‌های اصفهان، ساروق، جوشقان حتی تهران در نظر گرفته شده باشد. در متن کتاب نیز کمتر اشاره‌ای به کاشان به‌عنوان حوزه فرش‌بافی شده است و احتمالاً مامفورد در سفرش به ایران، کاشان را ندیده باشد؛ باین‌همه دو بار از کاشان نام می‌برد. نخست در وصف فرش ابریشمی از مجموعه مارکاند^{۲۸} به این نکته می‌پردازد که این فرش از نظر فنون بافت، طرح، نقش و رنگ‌بندی متفاوت با نمونه‌های صفوی بافته‌شده در اصفهان است؛ پس متأخرتر و احتمالاً بافت فراهان، سنه، کاشان یا رشت باشد (Ibid: Plate VI) (شکل ۲). مامفورد آشکارا در تعیین جغرافیای بافت فرش مردد است؛ از این‌رو جغرافیای بافتی وسیع و ناهمگون را گمانه‌زنی کرده است. او در شرح این تردید می‌نویسد: «دسته‌بندی و تعیین محل بافت فرش‌های ایرانی به سبب تغییراتی مستمر که در طرح آن‌ها وجود دارد بسیار دشوار است؛ از جمله این تغییرات، جابه‌جایی صنعتگران فرش از شهری به شهر دیگر است [...] آن‌ها] در این انتقالات روش‌ها و طرح‌هایشان را نیز با خود می‌برند» (Ibid). گفتنی است چله ابریشمی متداول در سنندج که در شکل ۲ پیداست، همچنین طرح واگیره و حاشیه فرش که به گروه گل‌فرنگ‌های سنه تعلق دارد، وابستگی این فرش به سنه را قوی‌تر می‌کند.



شکل ۲: فرش سنه، دوره قاجار که مامفورد به اشتباه آن را به کاشان منتسب کرده است (Mumford, 1901: Plate VI).

همچنین مامفورد در سفر به تبریز از کارگاه قالی‌بافی هیلدبراند استیوینز^{۲۹} بازدید کرده است. او در گزارش خود می‌نویسد: «بافندگان مشغول بازبافی قالی اردبیل [شیخ صفی] بودند. فرشی که در کاشان طراحی شده است (Ibid, 171). با توجه به این متن، کاشان اصلی‌ترین گمانی بوده که درباره محل بافت قالی شناخته‌شده به اردبیل، در اوایل سده بیستم وجود داشته است و علتش نیز استناد به کتیبه آن، «عمل بنده درگاه مقصود کاشانی» برمی‌گردد.

در همین سال کتاب دیگری به نام *قالی‌بافی شرقی* نوشته و. گورجی در ایالات متحده آمریکا منتشر شده که در آن دسته‌بندی ۲۷گانه‌ای از جغرافیای بافت ایران آمده است (Gurdji, 1901: 20). مبنای این دسته‌بندی

مشخص نیست. برخی حوزه‌های فرش‌بافی مانند آذربایجان با زیرمجموعه‌هایی چون هریس، گراوان، سراب، اردبیل، ساوالان (سبلان) و تبریز با جزئیات بسیار آمده؛ اما به برخی مناطق مانند کاشان هیچ اشاره‌ای نشده است.

سال ۱۹۰۲، ویلهلم فون‌بده،^{۳۰} از پایه‌گذاران مکتب برلین که حوزه مطالعاتی‌اش فرش‌های آناتولی بود، کتاب *فرش‌های عتیقه آسیا از دوران کهن* را با تمرکز بر فرش‌هایی که در نمایشگاه وین ۱۸۹۱ به نمایش درآمده بودند، منتشر کرد. این کتاب که سه فصل دارد و دو فصل آن درباره فرش‌های صفوی و فصل سوم درباره فرش‌هایی از آناتولی و شام و مصر است، نخستین مطالعه جدی فون‌بده بر فرش‌های ایرانی است. تنها بخشی که فون‌بده به حوزه بافندگی کاشان می‌پردازد در تحلیل قالی اردبیل است: «بافت آن در کاشان با استناد به کتیبه تأیید شده است. درعین حال این فرش، شواهدی از منشأ تمام فرش‌های ایرانی، همچنین معتبرترین شواهد برای تعیین قدمت آن‌ها به سده شانزدهم ارائه می‌دهد» (Von Bode, 1902: 68). گرچه فون‌بده در کتابش به تحلیل فرش‌هایی مانند شکارگاه وین از مجموعه امپراتوری اتریش-مجارستان، همچنین نمونه‌ای فرش سانگوژکو مشهور به فرش قرقاول^{۳۱} و چندین نمونه فرش پلونیزی پرداخته است که امروز با توجه به مستندات و شواهد، بافت آن‌ها را در کاشان تأیید شده، به این سبب که در آن سال‌ها هنوز معیارهای شناختی دقیقی از فرش‌های صفوی، همچنین محل بافت آن‌ها وجود نداشته، از هرگونه گمانه‌زنی درباره جغرافیای بافت پرهیز و به نام کشورها بسنده کرده است.

برادران پوشمن نیز در سال ۱۹۰۲ کتابچه‌ای با نام *نقشه‌های هنری دارهای شرق دور از چشم بافندگان بومی* در شیکاگو منتشر می‌کنند که در واقع راهنمایی ساده برای خریداران و علاقه‌مندان تازه‌کار فرش شرقی است. پوشمن‌ها یک دسته‌بندی تجاری از فرش‌های ایرانی بر پایه آنچه در بازار آمریکا رایج بوده، ارائه کرده‌اند: فرش‌های کرمان، سنه، سرابند، شیراز، کردستان، بلوچستان، هریس، همدان و خراسان (Pushman, 1902: 11-14). تقریباً بیشتر مناطق فرش‌بافی ایران از جمله کاشان در این دسته‌بندی غایب‌اند.

سال ۱۹۰۳، نمایشگاه هنر مسلمانان^{۳۲} به کوشش گاستون میژون در پاریس، ویژه هنر و صنایع کشورهای مسلمان با رویکردی علمی به آن‌ها - نه نگاه خاورشناسی بازاری رایج - برگزار شد. میژون در کاتالوگ نمایشگاه، هر اثر را براساس نام، تاریخ، مواد ساخته‌شده و نام مجموعه‌دار دسته‌بندی کرده و در تاریخ‌گذاری نیز کوشیده بود با استفاده از روش تطبیقی و خواندن کتیبه‌ها و تاریخ احتمالی ثبت‌شده بر اشیاء، آثار را باهم مرتبط یا از هم تفکیک کند و مجموعه‌هایی همگن

تشکیل دهد. نخستین بار بود که برای آثار هنری کشورهای مسلمان چنین روشی به کار گرفته می‌شد و در نمایشگاه وین ۱۸۹۱ نیز چنین دسته‌بندی منسجمی در چیدمان و دسته‌بندی تاریخی فرش‌ها وجود نداشت. بر پایه کاتالوگ نمایشگاه، ۳۳ فرش ایرانی از سده‌های چهارده تا هجده به نمایش گذاشته شده است. گرچه میژون در دسته‌بندی آثار رویکردی تازه را پیشنهاد می‌دهد، عملکرد او بی‌نقص نیست. برای نمونه یکی از فرش‌های محرابی گروه سالتینگ از مجموعه کلکیان^{۳۳} که در نمایشگاه عرضه شده (Migeon, 1903: 85)، به اشتباه مربوط به سده چهاردهم گمانه‌زنی شده است. یافته‌های امروز تاریخ این فرش را که اکنون در مجموعه‌ای خصوصی در تورین نگهداری می‌شود، اواخر سده شانزدهم و بافت کاشان می‌داند (نک: Franses, 1999: 83). به‌واقع در این دوره هنوز درباره منشأ ایرانی فرش‌های گروه سالتینگ و بافت برخی از نمونه‌های این گروه در کاشان تردیدهایی وجود داشت. دیگر اینکه در ۱۹۰۳، پژوهشگران شناختی از اصالت ایرانی فرش‌های پلونیزی نیز نداشتند و از آنجا که نخستین بار در نمایشگاه پاریس ۱۸۷۸ از مجموعه چارتوریسکی^{۳۴} ارائه شده بودند، فرض این بود که در لهستان بافته شده‌اند. در کاتالوگ پاریس ۱۹۰۳ (Migeon, 1903: 90) نیز این فرش‌ها به‌عنوان پلونیزی دسته‌بندی شده‌اند. همچنین با استناد به پایگاه اینترنتی موزه لوور (URL1) یکی دیگر از فرش‌های ارائه‌شده در این نمایشگاه، از گروه ساگوژکو بوده ولی به‌سبب فقدان نمونه‌های کافی برای تطبیق، محل بافت آن به‌طور کلی ایران و به‌ویژه از نقوش آن بسنده شده بود: «فرشی تزیین‌شده با نقوش سرو، گل، سوارانی در پی جانوران وحشی و بز کوهی» (Ibid: 86). امروز می‌دانیم تعدادی از فرش‌های گروه ساگوژکو قطعاً در کاشان بافته شده‌اند.

سال ۱۹۰۴، مری چرچیل ریپلی^{۳۵} در نیویورک کتاب *فرش شرقی* را منتشر کرد. ریپلی در این کتاب مراحل گوناگون فرش‌بافی را از مواد اولیه تا جغرافیای فرش‌های شرقی بررسی کرده است. به باور او دسته‌بندی طرح و نقش فرش‌های ایرانی دشوار است زیرا آبشخورهای فرهنگی گوناگونی دارند؛ از سویی داده‌های تاریخی ما از ایران کم است (Ripley, 1904: 178). ریپلی برای نخستین بار جغرافیای بافت فرش‌های ایران را با رویکردی سبک‌شناختی تحلیل کرده و به یازده سبک اصلی (اصفهان، کرمان، هرات، خراسان، سنه، کردستان، همدان، شیراز، گراوان، سرابند) و دوازده سبک متفرقه^{۳۶} (شکل ۳) از جمله کاشان رسیده است. این نخستین بار از آغاز سده بیستم است که به کاشان به‌عنوان یکی از حوزه‌های فرش‌بافی ایران اشاره می‌شود.

Sarakhs	Teheran	Tabriz
Meshed	Sultanabad	Irak
Kashan	Kermanshah	Kara Dagh
Azerbaijan	Ardebil	Sirab

شکل ۳: دوازده سبک متفرقه در جغرافیای بافت فرش ایران براساس دسته‌بندی ریپلی (Ripley, 1904: 201)

ریپلی به تجزیه و تحلیل مناطق متفرقه نپرداخته است؛ اما به تعبیر خودش پرسشی مهم را پیش می‌کشد: «گاه با فرشی روبه‌رو می‌شویم که در منطقه الف بافته شده اما نقوشش شبیه منطقه ب است. این فرش را باید به کدام یک از این مناطق منسوب کنیم؟ در پاسخ [باید گفت] فرش‌شناس تازه‌کار به نقوش می‌نگرد و فرش‌شناس کارکشته به شیوه بافت. با توجه به اینکه نقوش ساده‌تر از شیوه‌های بافت از جایی به جای دیگر منتقل می‌شوند، پس اولویت انتساب با شیوه بافت است» (Ibid: 198). با این همه خود ریپلی در تشخیص جغرافیای بافت فرشی عشایری از مجموعه جیمز السورث^{۳۷} اشتباه می‌کند: «گبه‌ای کهنه (مورخ ۱۲۶۳ق/۱۸۴۷م) که آشکارا [بافت] فارس و به احتمال بسیار لری است، به‌رغم نظر کارشناس فرش‌شناس مشاور خود [اس. اس. کاستکیان]^{۳۸} - که آن را بافت عشایر کوچنده دانسته بود - قالی ابریشمی کاشان خوانده است» (پرهام، ۱۳۹۹: ۱۵۰). این

شواهد نشان می‌دهد که در این دوره، فرش‌شناسان غربی شناختی از جغرافیای بافت کاشان، سبک و طرح و نقش این حوزه فرش‌بافی نداشته‌اند (شکل ۴).

سال ۱۹۰۸، فردریک رابرت مارتین^{۳۹}

فرش‌شناس و مجموعه‌دار سوئدی، کتاب تاریخ فرش‌های شرقی پیش از ۱۸۰۰م را منتشر کرد. شیوه مارتین در تاریخ‌گذاری و گمانه‌زنی درباره محل بافت فرش‌های ایرانی همانند سنت جامعه دانشگاهی آن دوران و فرش‌شناسانی چون فون‌بده و زاره، محافظه‌کارانه و کل‌نگر است. او جغرافیای فرش ایران را به غرب، شمال غرب، شرق، جنوب، جنوب غرب و وسط دسته‌بندی کرده و جزئیات بیشتری نیفزوده است.



شکل ۴: گبه لری فارس که ریپلی به اشتباه آن را فرش ابریشمی کاشان دانسته است

(Ripley, 1904: Plate III)

کتابچه راهنمای فرش شرقی نوشته دو مجموعه‌دار به نام‌های فون رودولف نوبگار و ژولیوس اورندی،^{۴۰} ۱۹۰۹ در لایپزیک منتشر شده است. این کتاب از نظر علمی هم‌تراز آثار فرش‌شناسان آلمانی (فون‌بده و زاره) نیست و روش و رویکرد آن، به فرش‌پژوهان آمریکایی چون مامفورد و ریپلی شبیه‌تر است. آن دو برای گردآوری فرش و اطلاعات به جنوب غرب آسیا سفر و یک دسته‌بندی کلی از فرش‌های شرقی بر پایه کشور تولیدکننده ارائه کردند که دربرگیرنده فرش‌های آتاتولی، قفقاز، ایران و کشورهای آسیای میانه است. نوبگار و اورندی بر این باورند که هرگونه دسته‌بندی طرح و نقش فرش‌های شرقی بسیار دشوار و شاید غیرممکن باشد؛ زیرا اقوام آسیایی بسیار درهم‌آمیخته‌اند و به این دلیل هنرشان نیز آمیزه‌ای از فرهنگ‌های گوناگون و خرده‌فرهنگ‌هاست (Neugebauer & Orendi, 1909: 91). آنان فرش‌های ایرانی را از نظر طرح، نقش، کیفیات بافت و نوع مواد اولیه به شش دسته تقسیم کرده‌اند که عبارت است از: آذربایجان، فراهان، کردستان، خراسان، کرمان و قشقایی. نویسندگان توضیح چندانی درباره هر دسته نمی‌دهند و به شرحی کلی در حد دو بند بسنده کرده‌اند. ازسویی به زیرمجموعه‌های هر دسته چون کاشان نیز اشاره‌ای نمی‌کنند. گنجاندن گروهی عشایری (قشقایی) برای نخستین بار به دست نوبگار و



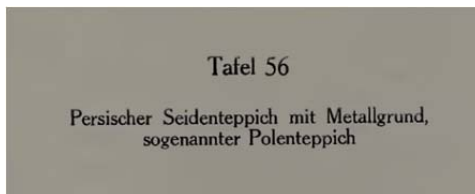
شکل ۵: فرش لچک‌ترنج ابریشمی کاشان، نیمه دوم سده دهم ق، موزه گوبلن/موبیلیه ناسیونال. نوبگار و اورندی این فرش را بافت اصفهان پوپ کاشان دانسته‌اند

(Neugebauer & Orendi, 1909: 27).

اورندی انجام گرفته است که نشان می‌دهد هرچه شناخت فرش‌پژوهان از جغرافیای فرش افزایش یافته، دسته‌ها نیز به همان تناسب تکمیل شده‌اند. ازسویی بسته به اینکه فرش‌پژوهان در کدام مناطق به کاوش پرداخته‌اند، نوع دسته‌بندی آنان متفاوت بوده است. گفتنی است نویسندگان کتاب، برخی از فرش‌های صفوی را که امروز به کاشان منتسب شده‌اند، مانند فرش لچک‌ترنج ابریشمی محفوظ در موزه گوبلن/موبیلیه ناسیونال پاریس^{۴۱} (ر.ک: پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۲۰۱) بافت اصفهان دانسته‌اند (شکل ۵).

سال ۱۹۱۰، نمایشگاه شاهکارهای هنرمحمدی^{۴۲} در مونیخ برگزار شد که بزرگ‌ترین نمایشگاه هنر اسلامی تا آن زمان بود. «این نمایشگاه برجسته‌ترین

حالت ممکن را برای جایگاه هنر اسلامی در سنت‌های هنری جهان ایجاد کرد [...] برگزارکنندگان صراحتاً به دنبال فاصله گرفتن از فضای هزارویک‌شبی [خاورشناسی غیرعلمی بازاری] نمایشگاه‌های پیشین بودند» (Roxburg, 2010: 362). شیوه تحلیل هنر اسلامی در جوامع علمی غرب نیز دگرگون شد. «کمیته علمی نمایشگاه» کوشیدند نگاهی فرم‌گرا و غیرتاریخی به آثار داشته باشند» (Troelenberg, 2012: 9). مدیریت بخش فرش‌ها و نگارش کاتالوگ بخش مربوط نیز به مارتین و زاره سپرده شد. انگیزه اصلی نمایشگاه اما حل معمای فرش‌های پلونیزی بود. رورپرشت، پرنس ایالت بایرن (باواریا)،^{۴۳} مجموعه‌ای از فرش‌های صفوی کاخ ویتلسباخ^{۴۴} را که درباره منشأ آن‌ها تردید وجود داشت، گرد آورد و با ارائه مدارکی نشان داد این فرش‌ها در سال‌های نخستین سده هفده در ایران بافته شده‌اند و انتساب آن‌ها به لهستان نادرست است. همچنین در اسناد یافت‌شده در خرابه‌های قصری دوک‌نشین در اطراف لهستان، اسنادی درباره سفارش فرش‌های پلونیزی به دست صفر موراتوویچ،^{۴۵} تاجر ارمنی تبار لهستانی آمده که حتی به بهای پرداخت شده بابت این فرش‌ها نیز اشاره شده است. «بایگانی ورشو نشان می‌دهد که در سال ۱۶۰۱م پادشاه لهستان سیگیسموند سوم واسا،^{۴۶} موراتوویچ را برای سفارش و خرید کالا به کاشان فرستاد. موراتوویچ پس از بازگشت از ایران در سپتامبر ۱۶۰۲م از کالاهای خریداری شده برای پادشاه به شرح زیر نام برده است: ۲ خیمه ۳۶۰ کران؛ ۲ جفت فرش، فرشی ۴۰ کران، ۱۶۰ کران؛ ۲ فرش، فرشی ۴۱ کران، ۸۲ کران؛ هزینه اجرای نشان اضافی ۵ کران، ۲ قالی هر یک ۳۹ کران، ۷۸ کران؛ [...] ۲ تخته گلیم ابریشمی موزه رزیدنس مونیخ که نشان سلطنتی خانواده واسا را دارند، از جمله فرش‌هایی هستند که توسط موراتوویچ در کاشان خریداری شده‌اند» (حاجی‌حسن، ۱۳۸۲: ۳۸). همچنین در سفرنامه موراتوویچ آمده است: «از تبریز پس از بیست روز طی راه به شهر بزرگ و دارالسلطنه قزوین رسیدیم و از آنجا بعد از پانزده روز به شهر بزرگ کاشان حرکت کردیم. در آنجا سفارش کردم که قالی‌های ابریشمی با نخ زرین برای پادشاه بیافند و همچنان چادر و شمشیر و غیره برای وی بسازند» (رکنی و یاشکوفسکی، ۱۳۹۳: ۸۶). به‌هرروی، دانسته‌های کنونی گواه بر این است که بسیاری از نمونه‌های گروه پرشمار پلونیزی در جغرافیای بافت کاشان بافته شده‌اند (رک: چیت‌سازیان، ۱۳۸۹: ۴۴)؛ باین‌همه کمیته علمی نمایشگاه، شاید به‌سبب کمبود الگوهای شناختی یا سنت محافظه‌کار فرش‌شناسان مکتب برلین، ترجیح داده‌اند فرش‌ها را بر پایه جغرافیای بافت کشورها دسته‌بندی کنند و از ورود به جزئیات تعیین دقیق حوزه بافندگی پرهیز کرده‌اند (شکل ۶).



شکل ۶: برگی از کاتالوگ نمایشگاه مونیخ ۱۹۱۰ که فرش‌های پلونیزی به اصطلاح نادرست لهستانی اما اصالتاً ایرانی ذکر کرده است (Sarre & Martin, 1912: 291).

در همین سال (۱۹۱۰)، موزه متروپولیتن نیویورک نیز نخستین نمایشگاه تخصصی هنر اسلامی را در آمریکا ویژه فرش‌های شرقی برگزار کرد. گردآورنده و نویسنده کاتالوگ آن والتینر، شاگرد و همکار فون‌بده در برلین بود. والتینر گرچه رساله‌اش را با راهنمایی فون‌بده نوشت و از پیروان مکتب برلین بود، جسارتش در گمانه‌زنی محل بافت فرش‌ها آشکارا آمیزه‌ای از شیوه فرش‌پژوهان



29
SILK RUG WITH ARABESQUES AND
CHINESE SYMBOLS
CENTRAL PERSIA (KASHAN?),
ABOUT 1580

شکل ۷: فرش ابریشمی، کاشان؟، حدود ۱۵۸۰،
مجموعه آلمن (Valentiner, 1910: 36)

آمریکایی چون مامفورد و ریپلی است و در تحلیل‌هایش ردپای روش اروپاییان چون زاره، مارتین و فون‌بده دیده می‌شود. به گفته والتینر، نیویورک در این دوره بزرگ‌ترین بازار فرش‌های نوباف جهان بوده است (Valentiner, 1910: 9)؛ بنابراین شرایطی مطلوب برای تطبیق طرح، نقش، رنگ و فنون بافت فرش‌های عتیقه و نوباف برای فرش‌پژوهان فراهم بوده است که شناخت خود را از جغرافیای بافت فرش‌های ایرانی تکمیل کنند. «نام‌هایی [محل بافت] که عموماً به فرش‌های عتیقه داده می‌شوند، بیشتر از انواع فرش‌های نوباف گرفته شده‌اند (Ibid: 15). گرچه والتینر تأکید می‌کند که این روش نمی‌تواند به نتایجی دقیق بینجامد، برای نخستین بار در کاتالوگ نمایشگاه با همین روش به گمانه‌زنی محل بافت برخی از

فرش‌های صفوی می‌پردازد و یکی از فرش‌های مجموعه بنجامین آلتمن^{۴۷} را احتمالاً به کاشان نسبت می‌دهد (شکل ۷)؛ اما دربارهٔ هشت فرش پلونیزی ارائه‌شده در نمایشگاه به «فرش ایرانی؛ به‌اصطلاح پلونیزی؛ بافت کارگاه دریاری» بسنده کرده و از گمانه‌زنی دربارهٔ محل بافت پرهیز کرده است.

۳-۲. تجزیه و تحلیل یافته‌ها از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰

وقوع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، و همه‌گیری آنفلوآنزای اسپانیایی (۱۹۱۸-۱۹۲۰) و پیامدهای پیش‌و‌پس از آن‌ها، سبب شد در این دهه کمتر نمایشگاهی ویژه هنر اسلامی و فرش شرقی برگزار شود. شمار کتاب‌ها و آثار علمی منتشرشده نیز قابل مقایسه با دههٔ پیش نیست. باین‌همه معدود آثاری که در این دوره منتشر شدند، شناختی ژرف از جغرافیای فرش کاشان در جوامع علمی غرب به وجود آورده‌اند.

در ۱۹۱۱، جی. گریفین لویس^{۴۸} کتابی با نام کتاب راهنمای کاربردی فرش‌های شرقی را در لندن منتشر کرد. لویس نیز چون دیگر فرش‌پژوهان چون مامفورد، ریپلی، نوبگبار و اورندی بر این باور است که دسته‌بندی فرش‌های شرقی، به‌ویژه ایرانی پیچیده است؛ زیرا مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و جابه‌جایی‌های اقوام گوناگون، سبب دگرگونی در الگوها شده و برخی طرح‌ها و نقوش از جغرافیایی به جغرافیای دیگر آمده و بنا به پسند و جهان‌بینی گروه دوم چه از نظر شکل چه محتوا دگرگون شده‌اند؛ سپس گروه سومی نیز آن نقش را استفاده کرده‌اند و این روند گاه چندین بار تکرار شده است؛ از این‌رو گاه به‌سادگی نمی‌توان رد این دگرگونی‌ها را پیگیری کرد و به سرچشمه

رسید (Griffin Lewis, 1911: 98-99). او فرش‌های ایرانی را بر پایهٔ جغرافیای بافت به هفت دسته تقسیم می‌کند که دربرگیرندهٔ آذربایجان، اردلان، عراق عجم، فارس‌ستان، خراسان، کرمان و کردستان شرقی است (Ibid: 163). شگفت آنکه در این دسته‌بندی، کاشان زیرمجموعهٔ جغرافیای بافت آذربایجان آمده است (شکل ۸).

Azerbaijan	Herez { Bakhshis Gorevan Serapi (a)
Ardelan	{ Bijar, Sarakhs, (d) Lule (e) Kermanshah Senna (e)
PERSIAN OR IRANIAN	Irak-Ajemi { Feraghan (f) Hamadan Ispahan Jolshaghan (g) Saraband (h) Saruk Sultanabad { Mahal (i) Muskabad (i)
Farsistan or Fars.	{ Niris, Laristan (j) Shiraz
Khorasan	{ Herat (k) Khorasan proper Meshed
Kirman	{ Kirman
Eastern Kurdistan.	{ Kurdistan proper.

شکل ۸: جغرافیای بافت فرش‌های ایرانی بر پایهٔ دسته‌بندی لویس

(Griffin Lewis, 1911: 180)

پرسش این است که لوییس براساس چه داده‌هایی کاشان را زیرمجموعه جغرافیای بافت آذربایجان آورده است؟ آیا با تحلیلی سبک‌شناختی به این برآیند رسیده که فرش‌های کاشان به جغرافیای بافت آذربایجان نزدیک‌ترند؟ یا به‌درستی با موقعیت مکانی کاشان در ایران آشنا نبوده است؟ در پاسخ باید دو نکته را در نظر داشت: نخست اینکه در این دوره، لوییس از محدود فرش پژوهانی بوده است که به تفصیل درباره ویژگی‌های ظاهری و فنی فرش‌های هر حوزه بافت، به‌ویژه فرش‌های نوباف سخن گفته و به تجزیه و تحلیل زیرگروه‌های هر حوزه پرداخته است. او با توجه به نمونه‌های احتمالی که در اختیار داشته - به شرط تشخیص درست جغرافیای بافت - ویژگی‌های غالب فرش‌های کاشان را این‌گونه نوشته است: «گره: گیوردس [ترکی/مقاران]، تار: پنبه، اغلب ابریشم، پود: پنبه، اغلب ابریشم، پرز: پشم ظریف کوتاه اغلب ابریشم، نوع بافت: بسیار یکنواخت و محکم، رنگ‌های غالب: آبی تیره، قرمز، سبزی، صورتی، فیروزه‌ای، شرابی سیر، عاجی؛ طرح: مشابه ساروق، ترنج‌دار، گل‌دار با شاخه‌های ختایی پیونددهنده، قیمت: از ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار برای هر فوت مربع و [...]» (Ibid: 180). شاید لوییس این ویژگی‌ها را به فرش‌های آذربایجان نزدیک‌تر تشخیص داده است؛ به‌هرروی در مواردی چون نوع گره بررسی او دقیق نیست. دیگر اینکه به نظر می‌رسد لوییس موقعیت دقیق جغرافیایی کاشان را نیز نمی‌دانسته است؛ او در جایی به‌درستی می‌نویسد: «کاشان شهری بین تهران و اصفهان که مرکز صنعت فرش‌های ابریشمی در ایران است. فرش مشهور اردبیل در کاشان بافته شده است» (Ibid). اما در جای دیگر: «فرش‌های ابریشمی اصیل و کمیاب در کاشان، شهری در شمال ایران بافته می‌شوند» (Ibid: 317). شاید فرش مشهور به اردبیل - شهری در شمال ایران و نزدیک به آذربایجان - که در کاشان نزدیک به مرکز ایران - بافته شده، او را سردرگم کرده است: «فرش مسجد مقدس اردبیل بی‌شک مشهورترین دست‌بافته جهان است که براساس کتیبه‌اش، در ۱۵۳۶ به دست مقصود در کاشان بافته شده است» (Ibid: 26). به‌هرروی لوییس بشخصه به ایران نیامده و داده‌هایش را براساس سیاهه حراجی‌ها و گزارش فروشندگان اروپایی به دست آورده بود.

در ۱۹۱۳، والتر. ای. هاولی کتابی به نام فرش‌های عتیقه و نوین شرقی را در نیویورک منتشر کرد. این کتاب هفده فصل دارد که در آن به تاریخ فرش‌های شرقی، مواد اولیه، رنگرزی، بافت، نقوش، دسته‌بندی فرش‌های امروزی شرقی و فرش‌های مناطق گوناگون فرش‌باف جنوب غربی آسیا می‌پردازد. هاولی فرش‌های ایرانی را بر پایه جغرافیای بافت به شش دسته بخش‌بندی می‌کند که دربرگیرنده خراسان، شیراز، فراهان، سنه یا اردلان، تبریز و کردستان است (شکل ۹). هاولی مانند



پیشینیان، متغیرهایی چون باورهای دینی، مهاجرت و جنگ‌ها را در شکل‌گیری طرح و نقش فرش‌های شرقی مؤثر می‌داند؛ اما به نکته‌ای اشاره می‌کند که فراتر از گفته‌های گذشته است و آن نقش برجسته ساختار کلی نقشه و حاشیه به‌عنوان شناسه‌ای در تعیین جغرافیای بافت فرش‌هاست. به باور هاوولی هیچ بخش دیگری از فرش به‌اندازه حاشیه برای تعیین خاستگاه سودمند نیست (Hawley, 1913: 60). جدای از درستی یا نادرستی سخن هاوولی، این موضوع نشانگر آن است که هرچه شناخت فرش‌پژوهان از فرش‌های شرقی افزایش می‌یافته، آنان می‌کوشیدند با یافتن ویژگی‌هایی مشترک به تعیین خاستگاه و جغرافیای بافت فرش‌ها پردازند: «برای نمونه در فرش‌های ایرانی شخصیت گل‌های به‌کاررفته در حاشیه همچنین دیگر نقوش مورد استفاده، نشان‌دهنده محل بافت آن‌هاست» (Ibid: 156).

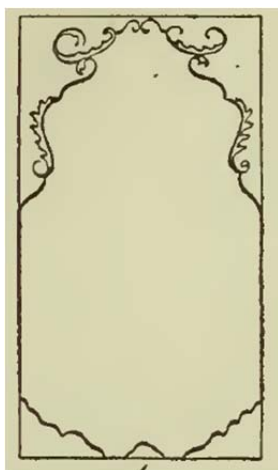
GROUP I. PERSIAN.	
(a)	Khorassan district: Herat, Khorassan, Meshed.
(b)	Shiraz district: Ispahan, Kirman, Yazd, Shiraz, Niris.
(c)	Feraghan district: Feraghan, Hamadan, Kara-Geuz, Bibikabad, Iran, Sarouk, Kashan, Sarabend, Burujird, Sultanabad, Muskabad, Mahal, Joshaghan, Gulistan, Teheran.
(d)	Sehna district, or Adelan province: Sehna, Bijar, Kermanshah, Persian Kurdistan, Karaje.
(e)	Tabriz district: Tabriz, Gorevan, Bakshis, Serapi, Herez, Suj-Bulak, Karadagh, Afshar.
(f)	Kurdistan district: Western Kurdistan, Mosul, Gozene.

شکل ۹: جغرافیای بافت فرش‌های ایرانی بر پایه دسته‌بندی هاوولی (Hawley, 1913: 100)

از اواخر سده نوزدهم تا ۱۹۱۳، هاوولی نخستین فرش‌پژوهی است که موشکافانه به تجزیه و تحلیل فرش کاشان از دیدگاه تاریخی، فنی و زیباشناختی پرداخته است. او درباره تاریخ فرش‌بافی در کاشان می‌نویسد: «[این شهر] روزگاری خانه مقصود بود که شاه‌اسماعیل اول دستور بافت فرش معروف مسجد اردبیل را به او داد. بدون شک دیگر شاهکارهای سده شانزدهم و هفدهم هم در آنجا بافته شده‌اند؛ زیرا غیرمنطقی است که باور کنیم شهری که مقصود هنر خود را در آن آموخته بود، در آن زمان مرکز برجسته تولید فرش نبوده باشد [...] ابریشم خام را از جاهای گوناگون به کاشان آورده، ریسیده و تبدیل به فرش‌های ابریشمی می‌کردند» (Ibid: 128). هاوولی مانند لوییس فرش‌های پشمی کاشان را از نظر طرح و رنگ شبیه ساروق دانسته با این تفاوت که بافت نمونه‌های کاشان ظریف‌تر، گره سنه (فارسی/نامتقارن؛ برخلاف لوییس که گره‌ها را متقارن تشخیص داده بود)، چله اغلب پنبه است، پرز کمی کوتاه‌تر پس ترسیم جزئیات نقوش واضح‌تر، بافت کمی

سفت‌تر و تعداد حاشیه بیشتر، رنگ‌ها، عمدتاً آبی تیره، قرمز و قهوه‌ای مایل به زرد، با مقادیر جزئی آبی‌روشن و سبز است (Ibid). همچنین هاوولی آشکارا به تجزیه و تحلیل فنی نمونه‌ها نیز پرداخته و درباره نوع ریس الیاف نظر داده است: «برای پود بسیاری از فرش‌ها و برای پرزهای چند منطقه فرش باف مانند ساروق و کاشان از نخ دولا به‌تنهایی استفاده می‌شود» (Ibid: 35)؛ در جایی دیگر نیز بافت ظریف فرش‌های کاشان را با دیگر مناطق تطبیق داده و می‌نویسد گره فرش‌ها نه‌تنها ممکن است گیوردس (مقارن) یا سنه (نامقارن) باشد، بلکه ممکن است ویژگی‌های دیگری چون ریزباف یا درشت‌باف را هم در بر بگیرد و این نکته به‌سادگی در پشت فرش دیده می‌شود. کسی که پشت فرش‌های ساروق، کاشان، کرمان و داغستان را دیده و لمس کرده باشد، آن‌ها را با شیراز، کولا، یوروک یا قره‌باغ اشتباه نمی‌گیرد (Ibid: 51).

آنچه کتاب هاوولی را نسبت به فرش‌شناسان پیشین متمایز می‌کند، تجزیه و تحلیل طرح و نقش فرش‌هاست. او نمونه‌ای خطی از ساختار نقشه‌های محرابی کاشان نمونه آورده و اشاره کرده است



شکل ۱۰: ساختار کلی طرح‌های محرابی کاشان براساس تحلیل بصری هاوولی (Hawley, 1913: 62)

بر پایه نوع قوس محراب می‌توان محل بافت فرش‌ها را تشخیص داد (Ibid: 62). از دیگر سو براساس نقوش حاشیه نیز می‌توان خاستگاه فرش را تشخیص داد (شکل ۱۰ و ۱۱). بر همین اساس، نقوش فرش کاشان را متفاوت از فرش‌های عشایری می‌داند که در آن نقوش به هم پیوسته‌اند [چندتراز]، نه مجرد و مستقل [تک‌تراز]^{۴۹} (Ibid: 134). در همین راستا اگر زمینه فرش دارای تریج‌های متحدالمركز باشد، فرش ممکن است کرمانشاه، ساروق، کاشان، سنه، گروان، هریس، تبریز، محل، مشک‌آباد یا سلطان‌آباد باشد (Ibid: 286). قاعدتاً برخی از آنچه هاوولی درباره متغیرهای شناختی فرش کاشان ذکر کرده قابل بحث است؛ اما آنچه اهمیت دارد، تعیین حدود برای شناسه‌ها و موشکافی آن‌هاست که نشان می‌دهد تا چه اندازه بر دانش فرش‌شناسان بر جغرافیای بافت کاشان افزوده شده بوده است.



شکل ۱۱: حاشیه گل‌دار رایج در فرش‌های کاشان و ساروق براساس تحلیل بصری هاوولی (Hawley, 1913: Plate E)

در ۱۹۱۷، آرتور پوپ و همکاران کاتالوگی برای نمایشگاه مجموعه آثار هنری فیبی هیرست^{۵۰} آماده کردند که در کاخ هنرهای زیبای سان‌فرانسیسکو برگزار شده بود. نگارش بخش فرش‌های شرقی مجموعه را خود پوپ بر عهده داشت. این کاتالوگ نخستین پژوهش جدی پوپ در زمینه فرش‌های شرقی و ایرانی است. او نخست به مقایسه فرش‌های عتیقه صفوی با نمونه‌های نوباف قاجاری می‌پردازد. به باور او، فرش‌های نوباف گرچه ظریف و مجلل هستند، روح ندارند: «کاشان‌ها، ساروق‌ها و کم‌ویش کرمان‌ها [ی نوباف] از نظر ظاهری غنی و فاخر هستند؛ اما روح آن‌ها از بین رفته است و برای کسانی که به فرش‌های عتیقه خو کرده‌اند، به طرز ناامیدکننده‌ای مصنوعی به نظر می‌رسند [...] و ظرافت آن‌ها گاهی کسل‌کننده است» (Pope, 1917: 76). همچنین پوپ درباره فرش‌های کاشان دوره شاه‌عباس، ادعایی بدون ارائه مستندات و پشتوانه علمی طرح می‌کند: «شاه‌عباس با استعدادترین طراحان ایرانی را به ایتالیا فرستاد و در آنجا نزد رافائل شاگردی کردند و رازهای رنسانس را فراگرفتند [...] بسیاری از فرش‌های ایران، عملاً همه کاشان‌ها، ساروق‌ها و کرمانشاهان، بر این آموزش اروپایی بوده‌اند» (Ibid: 101). به‌هرروی این ادعا نادرست و طرح آن از سوی پوپ نامنتظره است. رافائل در ۱۵۲۰ درگذشته (URL2) و شاه‌عباس زاده ۱۵۷۱ (URL3) است. درضمن، شهرت فرش‌های ساروق بسیار متأخرتر از دوره صفوی است. پوپ بعدها (۱۹۳۸) در کتاب *سیری در هنر ایران*، دیگر این ادعا را پیش نمی‌کشد.



شکل ۱۲: فرش تصویری کاشان، مجموعه سی. میر مولر (Pünter, 1917: No. 8109)

در همین سال، فون‌کارل میر پونتر،^{۵۱} کنسول زوریخ در ایران، کتابی با نام تاریخ هنر و تجارت فرش شرقی منتشر کرده است. پونتر که خود از کاشان بازدید کرده بود، در کتابش داده‌های بسیاری درباره فرش‌های کاشان به همراه تصاویر رنگی باکیفیت از آن‌ها منتشر کرده است. او کاشان را زادگاه فرش‌های ابریشمی باشکوه خوانده است (Pünter. 1917: 84). برجسته‌ترین نکته‌ای که پونتر به آن می‌پردازد، در وصف فرش‌های تصویری است به ادعای نویسنده بافت کاشان از مجموعه سی. میر مولر^{۵۲} (شکل ۱۲). این موضوع از آن‌رو اهمیت دارد که فرش‌شناسان غربی را با گروهی نواز فرش‌های کاشان روبه‌رو می‌سازد؛ فرش‌های تصویری کاشان.

نقوش فرش، کاروانی را نشان می‌دهد که مقابل مسجدی برآسوده‌اند. در دوردست مسجدی شبیه ایاصوفیه و در آسمان آبی چند لکه ابر دیده می‌شود. بر کتیبه‌های حاشیه بازوبندی فرش، اشعاری به فارسی (اما ناخوانا) بافته شده است. براساس تشخیص پونتر، فرش حدوداً پنجاه سال سن دارد؛ یعنی تاریخ بافت ۱۸۶۷ باید باشد. چله آن ابریشم سه‌لا و پرزها نیز ابریشمی است. گفتنی است پس از بررسی و رایزنی‌هایی که با کارشناسانی چون تورج ژوله صورت گرفت، در ایرانی بودن این فرش تردیدهایی ایجاد شد. بنابراین تشخیص کاشان به دلایلی چون پیکرنگاری خام‌دستانه، بافت ناشیانه نقوش در حاشیه‌های کوچک، ضعف قلم در طراحی جزئیات مانند ابرها و... نگارندگان را به این نتیجه رساند که این فرش احتمالاً کپی‌برداری از فرش کاشانی است؛ اما بافت آن در کاشان بعید به نظر می‌رسد، زیرا در فرش‌های تصویری ابریشم باف کاشان با رج‌شمار بالا، چنین خام‌دستی‌هایی دیده نمی‌شود. از این‌رو جغرافیای بافت، ترکیه، احتمالاً هر که باید باشد که از «حدود ۱۸۶۴ نخستین تولیدات تجاری آن با مواد اولیه مرغوب و رج‌شمار حدود ۸۰ و کپی از فرش‌های ایرانی آغاز شد» (بصام، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

۴-۲. تجزیه و تحلیل یافته‌ها از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۶

پیامدهای سیاسی و اقتصادی جنگ جهانی اول و ظهور فاشیسم (۱۹۲۱) سبب شد در این دهه مطالعه بر فرش‌های شرقی در اروپا محدود شود؛ اما برگزاری نمایشگاه‌ها و انجام پژوهش بر فرش‌های شرقی در ایالات متحده آمریکا رشد کند که از علل آن برآمدن پژوهشگرانی چون پوپ و آکرم، همچنین مهاجرت گسترده هنرشناسان از اروپا به آمریکا - مانند موریس دیماندا - با گسترش فاشیسم بود.

در ۱۹۲۲، آلبرت فرانک کندریک،^{۵۳} کتابی به نام فرش‌های دست‌باف شرقی و اروپایی را در نیویورک منتشر کرد. او نخستین فصل کتابش را با فرش‌های ایرانی آغاز می‌کند: «هر نوشته علمی

ساختارمند درباره فرش‌بافی، بهتر است با ایران آغاز شود؛ زیرا هم نقطه آغاز درستی است، هم گریزناپذیر. فرش‌های ایرانی، نخستین فرش‌هایی نیستند که در اروپا شناخته شدند؛ این فرش‌ها برای سده‌ها ناشناخته بودند و در نقاشی‌های اروپایی سده‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم نیز دیده نمی‌شوند... دلیل آن موقعیت جغرافیایی ایران است که [صادرات را به اروپا دشوار می‌کرد] و در گذشته شمار اندکی از فرش‌های ایرانی می‌توانستند خود را به اروپا برسانند» (Kendrick & Tattersall, 1922: 8). تمرکز اصلی کندریک بر فرش‌های صفوی است. او در دسته‌بندی فرش‌های صفوی به فون‌بده و زاره و در فرش‌های معاصر به نوبیگار و اورندی ارجاع می‌دهد.

پژوهشگرانی که تا ۱۹۲۲، درباره فرش موسوم به اردبیل نوشته بودند، با استناد به کتیبه، بافت آن را در کاشان محرز می‌دانستند؛ اما کندریک نخستین کسی است که در بافت آن در کاشان تردید می‌کند. به باور او این فرش به دستور مستقیم شاه‌طهماسب بافته شده است؛ بنابراین دربار مایل بوده روند بافت را زیر نظر دائم داشته باشد؛ پس شهری را برای بافت برگزیدند که نزدیک‌تر به پایتخت باشد. از سوی دیگر، حمل فرشی یا این ابعاد از کاشان به اردبیل دشوار بوده است؛ ساده‌تر آن بوده است که مقصود کاشانی به‌همراه بافندگان به اردبیل آمده و فرش را آنجا ببافند (Ibid: 18). دو نکته اینجا اهمیت دارد: نخست اینکه لازمه این تحلیل آن است که نویسنده به موقعیت جغرافیایی کاشان در ایران واقف باشد؛ دیگر اینکه از سخن کندریک این‌گونه برداشت می‌شود که زیبایی‌شناسی نقشه و مهندسی فنی بافت فرش از آن هنرمندان و صنعتگران کاشان، اما بافت آن در اردبیل بوده است. همچنین کندریک، فرش مشهور به موج دریا (پرتغالی) را با توجه به سامان‌بندی نقشه و خطوط زیگ‌زاگ پیرامون ترنج که بنا به ادعای او در نقوش مخمل‌های کاشان نیز وجود دارد، در کاشان محتمل می‌داند (Ibid: 29).

کندریک به بررسی فرش‌های کاشان معاصر با خود نیز پرداخته است. به گفته او بهترین فرش‌هایی که امروزه در ایران تولید می‌شود، بافت کاشان و در این میان فرش‌های ابریشمی آن سرآمدتر است. او به تجزیه و تحلیل فنی فرش‌ها نیز می‌پردازد: «تار از پنبه است و پود نیز پنبه‌ای و آبی‌رنگ. از گره سنه [نامتقارن/فارسی] استفاده می‌شود و پرزها که تراکم بالایی دارند، نسبتاً کوتاه اما براق و بسیار نرم و مخملی هستند. رنگ‌ها عمیق، غنی و ملایم‌اند. متأسفانه در فرش‌های امروزی [کاشان] رنگ‌ها پس از شست‌وشو کمی می‌روند؛ البته نه به آن‌قدر که به فرش آسیب برسد. طرح آن‌ها بیشتر شبیه تبریز است؛ اما غیررسمی‌تر. معمولاً ترنج مرکز زمینه قرار دارد و کل متن از جمله حاشیه پر از گل، باشکوه طبیعت‌گراست» (Ibid: 176). در ادامه او اشاره می‌کند که

بعید است بسیاری از فرش‌هایی که دارای ویژگی‌های نام‌برده هستند، واقعاً در کاشان بافته شده باشند؛ ممکن است بافت اطراف کاشان یا ساروق باشند اما باکیفیت پایین‌تر، اما شهرت کاشان سبب شده که در بازار هر فرش خوبی را کاشان بنامند.

گرچه به تعبیر والتینر (9: 1910)، در آغاز سده بیستم، نیویورک مرکز اصلی تجارت فرش‌های نوباف شرقی در جهان بود، پس از ۱۹۲۵، با نقش کلیدی که پوپ در مطالعات هنر ایرانی با پشتیبانی دربار ایران به دست آورد و پس از تأسیس «مؤسسه آمریکایی هنر و باستان‌شناسی ایران»^{۵۴} در شیکاگو، این شهر نیز به‌عنوان یکی از شهرهای برجسته تجارت و مطالعه فرش‌های عتیقه و نوباف شرقی در جهان مطرح شد. در ۱۹۲۶، پوپ نمایشگاه امنی فرش‌های آغازین شرقی^{۵۵} را در باشگاه هنر شیکاگو^{۵۶} برگزار کرد. این نمایشگاه با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد و پوپ را در ۴۵ سالگی پرآوازه ساخت. یوکا کادوی به نقل از منتقد روزنامه شیکاگو تریبون^{۵۷} که از نمایشگاه بازدید کرده است می‌نویسد: «خبرگان از راه‌های دور برای دیدن بهترین نمایشگاه فرش‌های شرقی که در ایالات متحده برگزار شده است، آمده‌اند [...] برگزارکننده نمایشگاه، کارشناس برجسته فرش‌های شرقی و مشاور افتخاری هنر در دولت ایران است» (Kadoi, 2013: 265). براساس کاتالوگ نمایشگاه که پوپ نگارش آن را بر عهده داشت، ۲۹ فرش صفوی از مجموعه‌داران آمریکایی و اروپایی در نمایشگاه عرضه شده بود.

پوپ در پیشگفتار کاتالوگ بیان می‌کند: «روش‌هایی بسیار برای مطالعه فرش و راه‌های زیادی برای درک آن‌ها وجود دارد. نخستین گام در فرش‌شناسی، نام‌گذاری فرض می‌شود [منظور پوپ شناخت جغرافیای بافت و معیارهایی برای دسته‌بندی است] و هرکس نام و دوره تاریخی هر فرش را بداند، به خردمندی شهره می‌شود؛ [...] اما شناخت انواع فرش‌ها به‌خودی‌خود معرفت نیست. قدردانی از کیفیت هنری فرش‌ها دانشی اساسی‌تر است. مشکلات پژوهش‌ها در این زمینه عمدتاً به شناسایی مربوط می‌شود» (Pope, 1926: 14). پوپ کوشیده است که فرش‌های صفوی را براساس جغرافیای بافت و کیفیت آن‌ها دسته‌بندی کند که عبارت است از: کاشان و غرب ایران، شرق ایران (به اصطلاح فرش‌های اصفهان)، مرکز ایران (اصطلاحاً فرش‌های گلدانی) و کارگاه‌های درباری (به اصطلاح فرش‌های پلونیزی). چنان‌که پیداست این دسته‌بندی از فرش‌های صفوی اشکالاتی دارد که دلش کمبود اطلاعات درباره جغرافیای بافت فرش ایران در دوره صفوی و محل قرارگیری کارگاه‌های درباری است. به گفته کادوی (2013: 267)، پوپ فقط دو هفته برای

نگارش کاتالوگ فرصت داشت و این زمان کوتاه امکان پژوهش را به او نداد. او دوازده سال بعد، در سیری در هنر/ایران، دسته‌بندی نسبتاً بی‌نقص‌تر - اما قابل نقد - از فرش‌های صفوی ارائه کرد. گفتنی است در این نمایشگاه جفت فرش اردبیل هم که در موزه هنر لس‌آنجلس نگهداری می‌شود، نمایش داده شده بود و این فرصتی برای پوپ فراهم آورد که مفصل درباره این دو فرش بنویسد. او به دلایلی بافت فرش‌های مقصود کاشانی را در کاشان محتمل‌تر می‌داند: نخست اینکه بافت آن‌ها نیاز به شرایط کارگاهی مناسب و نیروی انسانی ماهر داشته که این امکانات در کاشان با پیشینه صنعت نساجی فراهم بوده است؛ درضمن، بافت این فرش‌های چندین سال طول کشیده است و نمی‌توان این تعداد بافنده را چندین سال از موطنشان دور کرد. از سوی دیگر، جابه‌جایی این فرش‌ها و بزرگ‌تر و سنگین‌تر از آن‌ها، از کاشان به اردبیل در ایران همیشه بدیهی و رایج بوده است (Ibid: 37). اما پوپ در سیری در هنر/ایران نظرش را در این باره تغییر می‌دهد و بافت آن‌ها را با توجه به نوع مواد اولیه‌شان، به تبریز منتسب می‌کند: «...پشم آن [قالی اردبیل] آشکارا از منطقه تبریز است و متفاوت از پشم مناطق ایران مرکزی. احتمال نمی‌توان داد به‌رغم فراوانی پشم در کاشان، پشم قالی اردبیل را از تبریز به کاشان آورده باشند تا به سبک قالی‌های تبریز بافته شود و سپس به اردبیل برده شود که به تبریز بسیار نزدیک است» (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۶۱۶). به‌هرروی پوپ بر این باور است که شناخت فرش‌ها براساس طرح و نقش دشوار است؛ زیرا حکومت در تشجیع یا تضعیف برخی طرح‌ها و نقوش، نقشی برجسته دارد و پسند دربار سبب رواج برخی نقشه‌ها در شهرهایی شده که آن نقشه در آن شهر بومی نبوده است. «انتساب قالی‌های پراحتشام سده دهم هجری به مناطق خاص دشوار است، چراکه نفوذ دربار باعث می‌شود که سلیقه‌ها و پسندها همه‌جا یکسان شود» (همان).

به‌هرروی آنچه در دسته‌بندی پوپ در کاتالوگ نمایشگاه شیکاگو ۱۹۲۶ جلب نظر می‌کند، جایگاهی است که کاشان به‌عنوان جغرافیایی برجسته در فرش‌بافی ایران در مطالعات غربی یافته است و این نکته در مقایسه با پژوهش‌های نخستین - اواخر سده نوزده و اوایل بیست - که در بسیاری از آن‌ها نامی از کاشان وجود ندارد، قابل توجه است. پوپ می‌نویسد شکی نیست که بسیاری از بهترین فرش‌های سده شانزدهم در کاشان بافته شده است [...] تعریف این دسته هنوز فرضی [کاشان به‌عنوان گروهی مستقل از فرش‌های صفوی] را نمی‌توان تا زمانی که تحلیل‌های فنی بیشتری انجام داد به پایان رساند؛ اما آنچه می‌دانیم آنکه قالی اردبیل احتمالاً کار کاشان است [گرچه بعداً نظرش را تغییر داد] و فرش‌های ابریشمی زمینه‌قرمز که امروزه حتی در هندوستان هم به

کاشانی شه‌راند نیز در دسته کاشان جای می‌گیرند (Pope, 1926: 35). روی هم‌رفته، در سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۶، با شناخت بیشتری که از جغرافیای بافت فرش ایران، به سبب پژوهش‌های میدانی فرش‌شناسان غربی روی داد، فرش‌های عتیقه و نوباف کاشان برای غربیان شناخته‌تر شد. برای نمونه، سسیل ادواردز که در همین سال‌ها به‌عنوان نماینده شرکت O.C.M در ایران حضور داشته، در مجموعه داستان کوتاه *کاروان ایرانی* که چاپ نخست آن در ۱۹۲۸ منتشر شده است، از قول شخصیت نخست یکی از داستان‌هایش می‌نویسد: «کف اتاق را با فرشی اصیل از کاشان آذین‌شده یافتیم که بهترین فرش‌های جهان در این شهر بافته می‌شوند» (Edwards, 1970: 45). در جدول ۱ می‌توان سیری را دید که به شناخت فرش و جغرافیای بافت کاشان انجامیده است.

جدول ۱: مقایسه نظرات فرش‌شناسان غربی درباره شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان

سال	نام کتاب یا نمایشگاه	محل انتشار کتاب یا برگزاری نمایشگاه	نویسنده یا برگزارکننده نمایشگاه	دیدگاه
۱۹۰۱	فرش‌های شرقی	ایالات متحده آمریکا	جان کیمبرلی مامفورد	- ارائه دسته‌بندی تجاری چهارگانه (آذربایجان، کردستان شرقی، فراهان و کرمان) از جغرافیای بافت فرش ایران بدون اشاره به کاشان؛ - اشاره به فرش اردبیل (شیخ‌صفی) و احتمال بافت آن در کاشان.
۱۹۰۱	قالی بافی شرقی	ایالات متحده آمریکا	و. گورجی	- ارائه دسته‌بندی تجاری ۲۷گانه از جغرافیای بافت فرش ایران بدون اشاره به کاشان.
۱۹۰۲	فرش‌های عتیقه آسیا از دوران کهن	ویلهم فون‌بده	آلمان	- دسته‌بندی فرش‌های صفوی بدون اشاره به محل بافت آن‌ها و بسنده کردن به نام ایران به‌عنوان جغرافیای کلی بافت فرش‌های صفوی.
۱۹۰۲	نقشه‌های هنری دارهای شرق دور از چشم بافندگان بومی	برادران پوشمن	ایالات متحده آمریکا	- ارائه دسته‌بندی تجاری نه‌گانه (کرمان، سنه، سرابند، شیراز، کردستان، بلوچستان، هریس، همدان و خراسان) از جغرافیای بافت فرش ایران بدون اشاره به کاشان.
۱۹۰۳	نمایشگاه هنر مسلمانان	گاستون میژون	فرانسه (پاریس)	- ارائه چندین فرش صفوی از جمله نمونه‌های سالتینگ، پلونیزی و سانگوژکو که به سبب فقدان اطلاعات، اشاره‌ای به جغرافیای بافت آن‌ها نشده یا محل بافت به نادرست آمده است.
۱۹۰۴	کتاب فرش شرقی	مری چرچیل ریپلی	ایالات متحده آمریکا	- ارائه دسته‌بندی یازده‌گان / اصلی با رویکردی سبک‌شناختی و دوازده سبک متفرقه از جغرافیای بافت فرش ایران؛ - نخستین بار در این کتاب نام کاشان به‌عنوان سبکی متفرقه در فرش ایران مطرح می‌شود.

ادامه جدول ۱

۱۹۰۸	تاریخ فرش‌های شرقی پیش از ۱۸۰۰م	فردریک رابرت مارتین	اتریش	- دسته‌بندی فرش‌های صفوی بدون اشاره به محل بافت آن‌ها و بسنده کردن به نام ایران به‌عنوان جغرافیای کلی بافت فرش‌های صفوی.
۱۹۰۹	کتابچه راهنمای فرش شرقی	فون رودولف نویگبار و ژولیوس اورندی	ایالات متحده آمریکا	- دسته‌بندی شش‌گانه فرش‌های ایرانی براساس طرح، نقش، کیفیات بافت و نوع مواد اولیه (آذربایجان، فراهان، کردستان، خراسان، کرمان و قشقایی) بدون اشاره به کاشان.
۱۹۱۰	نمایشگاه شاهکارهای هنر محمدی	فردریش زاره، فردریک رابرت مارتین	آلمان (مونبخ)	- دسته‌بندی و انتساب قطعی فرش‌های پلونیزی به جغرافیای بافت ایران بدون اشاره به محل دقیق بافت آن‌ها و نام نبردن از کاشان.
۱۹۱۰	نمایشگاه امانی فرش‌های شرقی	ویلهلم والتینر	ایالات متحده آمریکا (نیویورک)	- تمرکز بر فرش‌های صفوی و اشاره نکردن به کاشان به‌عنوان جغرافیای بافت برخی از آن‌ها.
۱۹۱۱	کتاب راهنمای کاربردی فرش‌های شرقی	جی. گریفین لویس	ایالات متحده آمریکا	- ارائه دسته‌بندی تجاری هفت‌گانه (آذربایجان، اردلان، عراق عجم، فارسستان، خراسان، کرمان و کردستان شرقی) و دسته‌بندی کاشان زیرمجموعه جغرافیای بافت آذربایجان.
۱۹۱۳	فرش‌های عتیقه و نوین شرقی	والتر. ای. هاوولی	ایالات متحده آمریکا	- ارائه دسته‌بندی تجاری شش‌گانه (خراسان، شیراز، فراهان، سنه یا اردلان، تبریز و کردستان)؛ - کاشان به‌عنوان زیرمجموعه فراهان دسته‌بندی شده است؛ - نخستین تجزیه و تحلیل تاریخی، فنی و زیباشناختی فرش کاشان، از آغاز سده بیستم در این کتاب انجام شده است.
۱۹۱۷	نمایشگاه مجموعه آثار هنری فیبی هیرست	آرتور پوپ و همکاران	ایالات متحده آمریکا	- طرح ادعای طراحی فرش‌های صفوی بافته‌شده در کاشان به دست طراحانی که نزد رافائل در ایتالیا آموزش دیده بودند. این ادعا به‌رغم نادرستی نشان می‌دهد در این دوره کاشان به‌عنوان یکی از مناطق بافت فرش‌های صفوی پذیرفته شده بوده است.
۱۹۱۷	تاریخ هنر و تجارت فرش شرقی	فون کارل میر پونتر	سوئیس	- کاشان به‌عنوان زادگاه فرش‌های ابریشمی باشکوه معرفی شده است؛ - معرفی فرش‌های تصویری کاشان برای نخستین بار.
۱۹۲۲	فرش‌های دست‌باف شرقی و اروپایی	آلبرت فرانک کندریک	ایالات متحده آمریکا	- تردید در بافت فرش اردبیل (شیخ‌صفی) در کاشان؛ - انتساب محل بافت فرش موج دریا در کاشان؛ - بررسی فنی دقیق (مواد اولیه، بافت، گره، تراکم، طرح و رنگ) فرش‌های معاصر (فاجاری) کاشان. این تجزیه و تحلیل از آنچه هاوولی در ۱۹۱۳ انجام داده کامل‌تر است.
۱۹۲۶	نمایشگاه امانی فرش‌های آغازین شرقی	آرتور پوپ	ایالات متحده آمریکا (شیکاگو)	- دسته‌بندی فرش‌های صفوی براساس جغرافیای بافت و کیفیت آن‌ها و مطرح شدن نام کاشان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز بافت فرش‌های صفوی.

۳. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان از ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۶ در مطالعات علمی غربیان بود. به‌واقع سیر تاریخی، روش‌ها و رویکردهایی را که نخستین فرش‌شناسان غربی به کار گرفته بودند تا به شناخت، دسته‌بندی و انتساب گروهی از فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان برسند، بررسی و تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فرش‌شناسان در مطالعات اولیه که از اواخر سده نوزدهم آغاز شده بود، شناختی دقیق از جغرافیای بافت کاشان نداشته‌اند و عموماً فرش‌های نوباف و صفوی را که امروز در انتساب آن‌ها به کاشان کمتر تردیدی وجود دارد، زیرمجموعه دیگر مناطق دسته‌بندی می‌کردند. به عبارت دیگر، فقدان الگوهای شناختی از جغرافیای گسترده فرش ایران، سبب شده بود فقط برخی از مناطق به دلایلی برجسته‌تر و شناخته‌شده‌تر باشند و دیگر مناطق از جمله کاشان تقریباً تا دهه دوم سده بیستم ناشناخته بمانند.

بر پایه یافته‌های پژوهش در بازه زمانی ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۰ شناخت از جغرافیای بافت کاشان بسیار محدود بوده است و عموماً چه فرش‌های نوباف قاجاری چه نمونه‌های صفوی مانند گروه ابریشمی کاشان، سالتینگ یا پلونیزی، به دیگر مناطق نسبت داده می‌شدند. حتی در دسته‌بندی‌هایی که فرش‌پژوهان اولیه از جغرافیای بافت فرش ایران ارائه داده‌اند، عموماً نام کاشان به‌عنوان منطقه‌ای فرش‌باف غایب است. نخستین بار مری چرچیل ریپلی (۱۹۰۴) است که از کاشان به‌عنوان یکی از حوزه‌های فرش‌بافی متفرقه ایران نام می‌برد؛ اما شناخت او از این حوزه محدود بوده است و چنان‌که اشاره شد، ریپلی قادر به تفکیک یک گبه درشت‌باف لری از یک قالی ابریشمی کاشان نیست. دیگر اینکه فرش‌شناسان در این دهه، در انتساب فرش‌های صفوی موجود در مجموعه‌های اروپایی هیچ‌گاه از جغرافیای فرش کاشان نامی به میان نمی‌آوردند؛ به‌جز فرش موسوم به اردبیل که به مدد کتیبه‌اش به کاشان منسوب می‌شود. گرچه گریفین لویس (۱۹۱۱) کاشان را یکی از زیرمجموعه‌های جغرافیای بافت آذربایجان دسته‌بندی کرده است، در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰، دانش و به‌تبع آن مطالعات درباره حوزه فرش‌بافی کاشان گسترش می‌یابد. چنان‌که در ۱۹۱۳، هاولی از کاشان به‌عنوان منطقه‌ای مهم در فرش‌بافی ایران نام برده و به بررسی دقیق ویژگی‌های فنی و زیباشناختی فرش‌های معاصر (قاجاری) کاشان پرداخته است. همچنین در ۱۹۱۷، پونتر برای نخستین بار گروه فرش‌های تصویری کاشان را به جامعه علمی غرب معرفی می‌کند. به عبارت دیگر دهه دوم سده بیستم، با توجه به افزایش شناخت که از ایران و جغرافیای فرش‌بافی



آن برای غربیان به وجود می‌آید، فرش‌های کاشان نیز بیشتر شناخته می‌شوند. سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۶ را می‌توان دوره‌ای مهم در شناخت فرش‌های نوباف (قاجار و پهلوی) و عتیقه (صفوی) کاشان دانست. چهره کلیدی این بازه زمانی که نقشی برجسته در این شناخت بازی می‌کند، پوپ است که با برگزاری نمایشگاه شیکاگو ۱۹۲۶، نام کاشان را به‌عنوان شهری برجسته در جغرافیای فرش ایران که احتمالاً برخی از برجسته‌ترین فرش‌های صفوی در آن بافته شده‌اند، تثبیت می‌کند. گفتنی است در همین دوره، کندریک در ۱۹۲۲، برای نخستین‌بار این فرضیه را که قالی اردبیل در کاشان بافته شده است، به چالش می‌کشد و با ارائه دلایلی بافت این قالی در کاشان را رد می‌کند. بعدها پوپ نیز در سیرری در هنر/ایران در تقویت این فرضیه می‌کوشد؛ گرچه در کاتالوگ نمایشگاه شیکاگو ۱۹۲۶ به‌صراحت این قالی را بافت کاشان دانسته است. به‌هرروی، فارغ از این مسائل که سابقه‌های طولانی در تاریخ فرش دارد، آنچه مسلم است، با استناد به نقلی که از ادواردز آمد، تا پیش از ۱۹۳۰، جغرافیای بافت کاشان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین حوزه‌های فرش‌بافی ایران شناخته شده بود.

گفتنی است با توجه به جدول ۱، تحلیل فرش‌شناسان درباره ویژگی‌های فنی و زیباشناختی فرش‌های صفوی کاشان با قطعیت همراه نبوده است؛ زیرا هم‌اکنون دانسته‌ها درباره فرش کاشان افزون‌تر از گذشته است اما در آغاز سده بیستم به این سبب که هنوز جغرافیای بافت گروه فرش‌های ابریشمی، سالتینگ و سانگوژگو سده دهم قری، همچنین فرش‌های پلونیزی سده یازدهم قمری ناشناخته بود، پس فرش‌شناسان غربی نیز تحلیل فنی و زیباشناختی که بیانگر جغرافیای بافت کاشان باشد از آن‌ها نداشتند. نخستین تحلیل‌های فنی و زیباشناختی از فرش کاشان محدود به قالی اردبیل بود که به‌سبب کتیبه‌اش به کاشان منتسب می‌شد. این فرش تقریباً تا اواخر دهه دوم سده بیستم هیچ‌همتای هم‌دوره‌ای که منتسب به کاشان باشد نداشت؛ زیرا فرش‌شناسان غربی نه گذشته فرش کاشان را می‌شناختند و نه با نمونه‌های معاصر آن آشنا بودند. نخستین‌بار پونتر در ۱۹۱۷، به‌سبب پیشینه ابریشم‌بافی در کاشان، این شهر را به‌عنوان زادگاه فرش‌های ابریشمی باشکوه معرفی می‌کند؛ گرچه اشاره نمی‌کند منظورش فرش‌های ابریشمی معاصر (قاجار) کاشان است یا فرش‌های تاریخی (صفوی) آن. به نظر می‌رسد در همین دوران و پس از نمایشگاه هرست در ۱۹۱۷، اندک‌اندک نام کاشان به‌عنوان یکی از مراکز اصلی فرش‌بافی در ایران چه در دوره صفوی چه قاجار پیش کشیده می‌شود و گرچه کندریک در ۱۹۲۲ به بافت قالی اردبیل در کاشان شک می‌کند، فرش معروف موج دریا را به‌سبب شباهت نقوشش به نقوش پارچه‌های مخملی کاشان به این شهر نسبت



تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان...، داود شادلو و مریم فروغی‌نیا

10.22052/KASHAN.2024.253853.1097

می‌دهد؛ این درحالی است که مارتین در ۱۹۰۸ هرگز گمان طرح آن را نداشت. به‌هرروی شناخت فرش‌های صفوی و قاجار کاشان کم‌وبیش هم‌زمان و بر پایه تطبیق نمونه‌های تاریخی و معاصر، همچنین شناخت روشن‌تر از تاریخ پارچه‌بافی و فرش‌بافی در کاشان شکل می‌گیرد. چنان‌که کندریک به تجزیه و تحلیل فنی و زیباشناختی نمونه‌های قاجاری می‌پردازد و پوپ می‌کوشد بر پایه داده‌ها و یافته‌هایی که از ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۶ گردآوری آن به دست فرش‌شناسان غربی زمان برده بود، نام کاشان را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز بافت فرش‌های صفوی تثبیت کند. این مسیر، اندک‌اندک شناخت از جغرافیای بافت فرش کاشان را تکمیل کرده و به‌یک‌باره رخ نداده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Altorientalische Teppichmuster: Nach Bildern und Originalen des XV. – XVI
2. Julius Lessing
3. 1873 Vienna World's Fair
4. The 1891 Exhibition at the Handelsmuseum in Vienna
5. Alois Riegl
6. Altorientalische Teppiche
7. Berlin School
8. Vienna School
9. Polonaise Carpet
10. Hans Holbein
11. Lorenzo Lotto
12. Hans Memling
13. Erdmann
14. Karl
15. Fulco
16. Kadoi
17. Arthur Pope
16. Troelenberg
19. Masterpiece
20. Art Bulletin
21. Sanguszko
22. Salting
21. J. Roxburgh
22. Komaroff
23. D. Wood
26. John Kimberly Mumford
27. Hearst Corporation
28. Marquand Collection
۲۹. Hildebrand F. Steven: با استناد به پایگاه اینترنتی موزه ویکتوریا و آلبرت، شرکت زیگلر در سال ۱۸۸۸ فرش اردبیل (شیخ صفی) را با واسطه‌گری مستقیم یا غیرمستقیم هیلدبراند استیونز که از کارگزاران همین شرکت در تبریز و سلطان‌آباد بوده، خریده است.
30. Wilhelm Von Bode



۳۱. Pheasant Carpet: این فرش در کاشان، نیمه دوم سده دهم قمری بافته شده و در موزه گلبنکیان نگهداری می‌شود. فردریش زاره در کاتالوگ نمایشگاه مونیخ ۱۹۱۰، به سبب نقش تکرارشونده قرقاول در حاشیه فرش این نام را برگزیده است.

- 32. Exposition Des Arts Musulmans
- 33. Kelekian
- 34. Prince Wladyslaw Czartoryski
- 35. Mary Churchill Ripley
- 36. Miscellaneous
- 37. James W. Ellsworth
- 38. S. S. Costikyan
- 39. Fredrik Robert Martin
- 40. Rudolf Neugebauer & Julius Orendi
- 41. Mobilier national/Les Gobelins
- 42. Ausstellung München 1910; MeisterWerke Muhammedanischer Kunst
- 43. Rupprecht, Crown Prince of Bavaria
- 44. Wittelsbach Palace
- 45. Muratowicza
- 46. Sigismund III Vasa
- 47. Benjamin Altman
- 48. George Griffin Lewis

۴۹. اصطلاح تک‌تراز، چندتراز از نازیلا دریایی وام گرفته شده است (ر.ک: دریایی، ۱۳۸۶: ۹۱).

- 50. Phoebe Hearst
- 51. Von Carl Meyer Pünter
- 52. C Meyer-Müller
- 53. Albert Frank Kendrick
- 54. American Institute for Persian Art and Archaeology
- 55. A Loan Exhibition of Early Oriental Carpets
- 56. The Arts Club of Chicago
- 57. Chicago Tribune

منابع

اتیک، آنت، و واکر، دانیل. (۱۳۸۴). *تاریخ و هنر فرش بافی در ایران (براساس دایرةالمعارف ایرانیکا)*. زیر نظر احسان یارشاطر. تهران: انتشارات نیلوفر.

بختیاری، سهیلا، رضازاده، طاهر، و شادلو، داود. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر فرش‌اندوزی اروپاییان در دوره قاجار. *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۵(۱۸)، ۲۸۵-۳۰۵.

Doi: 10.30699/PJAS.5.18.285

بصام، جلال‌الدین. (۱۳۹۲). *فرهنگ فرش دست‌باف*. تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران.

پرهام، سیروس. (۱۳۹۹). *فرش و فرش بافی در ایران*. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

پوپ، آرتور، و آکرمن، فیلیس. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران: از دوران پیش از تاریخ تا امروز* (ج).

۱۲. ترجمه زیر نظر سیروس پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



تحلیل شیوه دسته‌بندی و انتساب فرش‌ها به جغرافیای بافت کاشان...، داود شادلو و مریم فروغی‌نیا

چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۵). بازتاب هنر کاشان در صنعت فرش‌بافی صفویان. *کاشان‌شناخت*، ۲(۳)، ۱۰۸-۱۲۶.

چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۹). *نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان*. تهران: انتشارات سروش.
چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۴۰۱). *کرسی علمی ترویجی «حقیقت وضعیت فرش مقصود کاشانی»*. کاشان: دانشگاه کاشان.

حاجی‌حسن، حسین. (۱۳۸۲). *نگاهی به چند فرش ایرانی در موزه (فرش‌های ایرانی و نام‌گذاری غربی)*. *فرش دست‌باف ایران*، ۹(۲۱ و ۲۲)، ۳۰-۳۹.

دریایی، نازیلا. (۱۳۹۰). *قالی‌های ایرانی و اسامی غیرایرانی*. *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، ۳(۴۵)، ۴۵-۵۲.

Dor: 20.1001.1.22286039.1390.3.45.5.2. ۵۲-۴۵

دشتی‌زاده، مریم، جوانی، اصغر، و سجودی، فرزانه. (۱۳۹۵). *واکاوی تغییرات مفهومی هنر اسلامی در مجموعه‌های موزه‌ای*. *مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۸(۳۰)، ۳۱-۵۰.

رکنی، محمدامین، و یاشکوفسکی، ستانیسواف آدام. (۱۳۹۳). *روابط ایران و لهستان در عهد صفویه*.

پژوهش‌های علوم تاریخی، ۶(۲)، ۷۹-۹۸. Doi: <https://doi.org/10.22059/jhss.2015.56613>

روفه‌گر حق، رسول. (۱۴۰۱). *مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی فرش ایران*. تهران: انتشارات بیر.

زارع‌زاده، فهیمه، مختاباد امرایی، سیدمصطفی، و رهبرنیا، زهرا. (۱۳۹۴). *بازخوانشی از هنر و*

سیاست در نمایشگاه‌های جهانی اکسپو (مطالعه موردی: نمایشگاه کریستال پالاس لندن، بریتانیا

۱۸۵۱). *باغ نظر*، ۱۲(۳۳)، ۸۱-۹۰.

شادلو، داود، و شیرازی، علی‌اصغر. (۱۳۹۶). *رویکردهای خاورشناسان در تاریخ‌نگاری فرش ایران*

از ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی و آسیب‌شناسی آن‌ها. *گلجام*، ۱۳(۳۲)، ۴۳-۶۶.

Dor: 20.1001.1.20082738.1396.13.32.8.8

شادلو، داود، و رفیعی، سعیده. (۱۴۰۲). *واکاوی نقش نمایشگاه‌های تخصصی هنر اسلامی در*

شناخت و دسته‌بندی فرش‌های صفوی در جوامع علمی غرب (۱۹۰۰-۱۹۱۰). *هنرهای صناعی*

ایران، ۶(۱)، ۴۳-۷۳. Doi: 10.22052/hsi.2023.248461.1066

میرزایی، عبدالله. (۱۳۹۹). *زمینه‌های شکل‌گیری و تبعات برگزاری نخستین نمایشگاه جهانی فرش*

در اتریش. *مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، ۱۱(۴۴)، ۱۲۳-۱۴۸.

Doi:10.29252/chs.11.44.2



میرزایی، عبدالله. (۱۴۰۰). ابعاد فرهنگی مشارکت ایران در نمایشگاه جهانی ۱۸۷۳ وین و تأثیر آن بر تولید و صادرات قالی ایران. *تاریخ‌نامهٔ ایران بعد از اسلام*، ۱۲(۲۶)، ۱۴۹-۱۷۶.

Doi:10.22034/JIIPH.2021.12970

D. Wood, Barry. (2000). A Great Symphony of Pure Form: The 1931 International Exhibition of Persian Art and Its Influence. *Ars Orientalis*. Vol 30, 113-130. Doi:10.2307/4434265

Edwards, A. Cecil. (1970). *A Persian Caravan*. New York: Books for Libraries Press.

Erdmann, K. (1970). *Seven Hundred Years of Oriental Carpets*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.

Franses, M. (1999). Some Wool Pile Persian-Design Niche Rugs. *Oriental Carpets & Textile Studies*, Vol. 5, 36-136.

Fulco, D. (2017). Displays of Islamic Art in Vienna and Paris Imperial Politics and Exoticism at the Weltausstellung and Exposition Universelle. *MDCCC 1800*, Vol. 6, 51-66. Doi: 10.14277/2280-8841/MDCCC-6-17-4

Griffin Lewis, G. (1911). *The Practical Book of Oriental Rugs*. London: J. B. Lippincott company.

Gurdji, V. (1901). *Oriental Rug Weaving*. New York: F. Tennyson Neely Co.

Hawley, W. A. (1913). *Oriental Rugs, Antique and Modern*. London & New York: John Lane Company.

Kadoi, Y. (2012). Arthur Upham Pope and his 'research methods in Muhammadan art': Persian carpets. *Journal of Art Historiography: Islamic Art Historiography*, Vol 6, 1-12.

Kadoi, Y. (2013). A Loan Exhibition of Early Oriental Carpets, Chicago 1926. In: *The Shaping of Persian Art: Collections and Interpretations of the Art of Islamic Iran and Central Asia*. Edited by Yuka Kadoi and Iván Szántó. Newcastle-upon-Tyne: Cambridge Scholars Publishing, 254-273. Doi: 10.1080/00043079.1926.11409482

Karl, B. (2019). Carpets and Empire: The 1891 Exhibition at the Handelsmuseum in Vienna. In: *À l'orientale: Collecting, Displaying and Appropriating Islamic Art and Architecture in the 19th and Early 20th Centuries*. Edited by Marcus Milwright and Mariam Rosser-Owen. Leiden: Brill, pp. 111-123. DOI: 10.1163/9789004412644_011

Kendrick, A. F., & Tattersall, C.E. C. (1922). *Hand-woven Carpets, Oriental and European*. New York: Scribner's sons.

Komaroff, L. (2000). Exhibiting the Middle East: Collections and Perceptions of Islamic Art. *Ars Orientalis*, Vol. 30, 1-8.

Lessing, Julius. (1877). *Altorientalische Teppichmuster: Nach Bildern und Originalen des XV. – XVI. Berlin: republished: Wasmuth 1926*); translated into English as *Ancient Oriental Carpet Patterns after Pictures and Originals of the Fifteenth and Sixteenth Centuries*. London: H. Sotheman & Co., 1879.

Martin, Fredrik Robert. (1908). *A history of oriental carpets before 1800*. Vienna: Printed for the Author with Subvention From the Swedish Government in the I and R. State and Court Printing Office.

Migeon, G. (1903). *Exposition des Arts Musulmans (Catalogue Descriptif)*. Paris: Société française d'Imprimerie et de librairie.

Mumford, J. K. (1901). *Oriental Rugs*. New York: Charles Scribner's Sons.

Neugebauer, R., & Orendi, J. (1909). *Handbuch der orientalischen Teppichkunde*. Leipzig: Karl W. Hiersemann.



- Pope, A. U., & Nilsen Laurvik, J., & Meyer Riefstahl, R., & Ackerman, Ph. (1917). *Catalogue Mrs. Phoebe A. Hearst Loan Collection*. San Francisco : The San Francisco Art Association.
- Pope, A. U. Ackerman, P. (1938-1939). *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*, six volumes published under the auspices of the American Institute for Iranian Art and Archaeology. London & New York : Oxford University Press.
- Pope, A. U. (1926). *Catalogue of A Loan Exhibition of Early Oriental Carpets From Persia, Asia Minor, The Caucasus, Egypt and Spain*. Chicago: The art Club of Chicago.
- Pushman, B. (1902). *Art Panels from the Handlooms of the Far Orient, as See By Native Rug Weavers*. Chicago: Pushman Brothers.
- Pünter, V. C. M. (1917). *Der orient-teppich in geschichte, kunstgewerbe und handel: studien an hand der sammlung C. Meyer-Muller in Zurich*. Zurich: Paul Bender.
- Riegl, Alois. (1895). *Ein orientalischer Teppich vom Jahre 1202 n. Chr. und die ältesten orientalischen Teppiche*. Berlin: Verlag von Georg Siemens.
- Ripley, M. Ch. (1904). *The Oriental Rug Book*. New York: Frederick A. Stokes Company.
- Roxburgh, D. J. (2000). Au Bonheur des Amateurs: Collecting and Exhibiting Islamic Art, ca. 1880-1910. *Ars Orientalis*, Vol. 30, 9-39. Doi: 10.2307/4434260
- Roxburgh, D. J. (2010). After Munich: Reflections on Recent Exhibitions. In Andrea Lerner & Avinoam Shalem, *After One Hundred Years: The 1910 Exhibition "Meisterwerke muhammedanischer Kunst"*. Leiden and Boston: Brill Publishers.
- Troelenberg, E. M. (2012). Regarding the Exhibition: The Munich Exhibition Masterpieces of Muhammadan Art (1910) and its Scholarly Position. *Journal of Art Historiography*, Vol. 6, 1-34.
- Valentiner, W. R. (1910). *Catalogue of a Loan Exhibition of Early Oriental Rugs*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Von Bode, W. (1902). *Vorderasiatische knüpfteppiche aus älterer zeit*. Leipzig: Von Herman Seemann Nachfolger.
- Sarre, F., & Martin, F. R. (1912). *Die Ausstellung Von Meisterwerken Muhammedanischer Kunst in München 1910*. München: F. Bruckmann.
- URL 1: <https://collections.louvre.fr/en/ark:/53355/cl010330920>
- URL 2: <https://www.britannica.com/biography/Raphael-Italian-painter-and-architect>
- URL 3: <https://www.britannica.com/biography/Abbas-I-Safavid-shah-of-Persia>

References

- Bakhtiyari, S., Rizazadeh, T., & Shadlou, D. (2022). Investigating the Effective Factors in Collecting Carpets by European in the Qajar Period. *Parseh Journal of Archaeological Studies*. 5(18) :285-305. DOI: 10.30699/PJAS.5.18.285. [In Persian]
- Bassam, J. (2013). *Oriental Carpet Lexicon*. Tehran: Ministry of Science Research and Technology and Iran Encyclopedia Compiling Foundation.[In Persian]
- Cheetsazian, A.H. (2006). Art in the carpet Industry of the safavid period. *Journal of Kashan Shenasi*. 2(3): 108-126. [In Persian]



- Cheetsazian, A.H. (2010). *The Kashan Carpet Its History and Splendor*. Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
- Cheetsazian, A.H. (2022). *Scientific Conference "The Truth about the Condition of the Maqsood Kashani Carpet"*. Kashan: Kashan University. [In Persian]
- D. Wood, B. (2000). A Great Symphony of Pure Form: The 1931 International Exhibition of Persian Art and Its Influence. *Ars Orientalis*. Vol. 30, 113-130. Doi:10.2307/4434265
- Daryaie, N. (2011). Iranian Carpets with non-Iranian names. *Journal of Honar-Ha-ye-Ziba: Honar-ha-ye Tajasomi*. 3(45): 45-52. Doi: 20.1001.1.22286039.1390.3.45.5.2. [In Persian]
- Dashtizadeh, M., Javani, A. & Sojoodi, F. (2017). Review on the Conceptual Changes of Islamic Art in the Museum Collections. *Cultural History Studies (Pejuhesh Nameh Anjoman-e Iraniye Tarikh)*. 8(30) :31-50. [In Persian]
- Edwards, A. Cecil. (1970). *A Persian Caravan*. New York: Books for Libraries Press.
- Erdmann, K. (1970). *Seven Hundred Years of Oriental Carpets*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Franses, M. (1999). Some Wool Pile Persian-Design Niche Rugs. *Oriental Carpets & Textile Studies*, Vol. 5, 36-136.
- Fulco, D. (2017). Displays of Islamic Art in Vienna and Paris Imperial Politics and Exoticism at the Weltausstellung and Exposition Universelle. *MDCCC 1800*, Vol. 6, 51-66. Doi: 10.14277/2280-8841/MDCCC-6-17-4
- Griffin Lewis, G. (1911). *The Practical Book of Oriental Rugs*. London: J. B. Lippincott company.
- Gurdji, V. (1901). *Oriental Rug Weaving*. New York: F.Tennyson Neely Co.
- Hadji Hasan, H.(2003). A look at some Iranian carpets in the museum (Persian carpets and western naming). *Journal of Persian handwoven carpet*, 9(21-22): 30-39. [In Persian]
- Hawley, W. A. (1913). *Oriental Rugs, Antique and Modern*. London & New York: John Lane Company.
- Ittig, A., & Walker, D. (2005). *History and art of carpet weaving in Iran (based on Encyclopædia Iranica)*. Supervisor: Ehsan Yarshater. Tehran: Niloofar Publications. [In Persian]
- Kadoi, Y. (2012). Arthur Upham Pope and his 'research methods in Muhammadan art': Persian carpets. *Journal of Art Historiography: Islamic Art Historiography*, Vol. 6, 1-12.
- Kadoi, Y. (2013). A Loan Exhibition of Early Oriental Carpets, Chicago 1926. In: *The Shaping of Persian Art: Collections and Interpretations of the Art of Islamic Iran and Central Asia*. Edited by Yuka Kadoi and Iván Szántó. Newcastle-upon-Tyne: Cambridge Scholars Publishing, 254-273. Doi: 10.1080/00043079.1926.11409482
- Karl, B. (2019). Carpets and Empire: The 1891 Exhibition at the Handelsmuseum in Vienna. In: *À l'orientale: Collecting, Displaying and Appropriating Islamic Art and Architecture in the 19th and Early 20th Centuries*. Edited by Marcus Milwright and Mariam Rosser-Owen". leiden: Brill, pp. 111-123. DOI: 10.1163/9789004412644_011
- Kendrick, A. F., & Tattersall, C.E.C. (1922). *Hand-woven Carpets, Oriental and European*. New York: Scribner's sons.



- Komaroff, L. (2000). Exhibiting the Middle East: Collections and Perceptions of Islamic Art. *Ars Orientalis*, Vol. 30, 1-8.
- Lessing, J. (1877). *Altorientalische Teppichmuster: Nach Bildern und Originalen des XV. – XVI.* Berlin: republished: Wasmuth 1926); translated into English as *Ancient Oriental Carpet Patterns after Pictures and Originals of the Fifteenth and Sixteenth Centuries*. London: H. Sotheran & Co., 1879.
- Mirzaei, A. (2020). Contexts of Formation and Consequences of Holding the First World Carpet Exhibition in Austria. *Cultural History Studies (Pejuhesh Nameh Anjoman-e Iraniye Tarikh)*, 11(44) :158-133. DOI: 10.29252/chs.11.44.2. [In Persian]
- Mirzaei, A. 2021. Cultural Dimensions of Iran's Participation in the 1873 Vienna World's Fair and its Impact on the Production and Export of the Iranian Carpets. *Journal of Iranian Islamic Period History*, 12(26): 149-176. DOI: 10.22034/JIIPH.2021.12970. [In Persian]
- Martin, F. R. (1908). *A history of oriental carpets before 1800*. Vienna: Printed for the Author with Subvention from the Swedish Government in the I and R. State and Court Printing Office.
- Migeon, G. (1903). *Exposition des Arts Musulmans (Catalogue Descriptif)*. Paris: Société française d'Imprimerie et de librairie.
- Mumford, J. K. (1901). *Oriental Rugs*. New York: Charles Scribner's Sons.
- Neugebauer, R., & Orendi, J. (1909). *Handbuch der orientalischen Teppichkunde*. Leipzig: Karl W. Hiersemann.
- Parham, C. (2020). *Carpet and Carpet Weaving in Iran*. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopaedia. [In Persian]
- Pope, A. U., & Nilsen Laurvik, J., & Meyer Riefstahl, R., & Ackerman, Ph. (1917). *Catalogue Mrs. Phoebe A. Hearst Loan Collection*. San Francisco: The San Francisco Art Association.
- Pope, A. U. Ackerman, P. (1938-1939). *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*, six volumes published under the auspices of the American Institute for Iranian Art and Archaeology, London & New York: Oxford University Press.
- Pope, A. U. (1926). *Catalogue of A Loan Exhibition of Early Oriental Carpets from Persia, Asia Minor, The Caucasus, Egypt and Spain*. Chicago: The art Club of Chicago.
- Pushman, B. (1902). *Art Panels from the Handlooms of the Far Orient, as See by Native Rug Weavers*. Chicago: Pushman Brothers.
- Pünter, V. C. M. (1917). *Der orient-teppich in geschichte, kunstgewerbe und handel: studien an hand der sammlung C. Meyer-Muller in Zurich*. Zurich: Paul Bender.
- Rofegar Hagh, R. (2022). *An Introduction to Iranian Carpet Stylistics*. Tehran: Babr Publications. [In Persian]
- Riegl, A. (1895). *Ein orientalischer Teppich vom Jahre 1202 n. Chr. und die ältesten orientalischen Teppiche*. Berlin: Verlag von Georg Siemens.
- Ripley, M. Ch. (1904). *The Oriental Rug Book*. New York: Frederick A. Stokes Company.
- Rokni, M. A. & Yashkovsky, S. A. (2015). Iran and Poland Relations during The Safavid Period. *Historical Sciences Studies*, 6(2): 79-98. Doi:10.22059/jhss.2015.56613. [In Persian]



- Roxburgh, D. J. (2000). Au Bonheur des Amateurs: Collecting and Exhibiting Islamic Art, ca. 1880-1910. *Ars Orientalis*, Vol. 30, 9-39. Doi: 10.2307/4434260
- Roxburgh, D. J. (2010). After Munich: Reflections on Recent Exhibitions. In Andrea Lermer & Avinoam Shalem, *After One Hundred Years: The 1910 Exhibition "Meisterwerke muhammedanischer Kunst"*. Leiden and Boston: Brill Publishers.
- Shadlou, Davood, & Shirazi Ali Asghar. (2018). The orientalists' approaches in historiography of the Iranian carpet between 1850 and 1950, and, finding their faults. *Goljaam*, 13(32): 43-66. Dor: 20.1001.1.20082738.1396.13.32.8.8. [In Persian]
- Shadlou, D., & Rafiei, S. (2023). The Analysis of the Role of Specialized Islamic Art Exhibitions in the Recognition and Categorization of Safavid Carpets in the Western Academies (1900-1910). *Honar-haye Sena'ee-ye Iran*, 6(1): 43-73. Doi: 10.22052/hsi.2023.248461.1066. [In Persian]
- Troelenberg, E. M. (2012). Regarding the Exhibition: The Munich Exhibition Masterpieces of Muhammadan Art (1910) and its Scholarly Position. *Journal of Art Historiography*, Vol. 6, 1-34.
- Valentiner, W. R. (1910). *Catalogue of a Loan Exhibition of Early Oriental Rugs*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Von Bode, W. (1902). *Vorderasiatische knüpfteppiche aus älterer zeit*. Leipzig: Von Herman Seemann Nachfolger.
- Sarre, F., & Martin, F. R. (1912). *Die Ausstellung Von Meisterwerken Muhammedanischer Kunst in München 1910*. München: F. Bruckmann.
- Zarezadeh, Fahimeh, Seyed Mostafa Mokhtabad Amreie, and Zahra Rahbarnia. 2015. Rereading Art and Politics in International Expos (Case Study: Crystal Palace Exhibition, London, Great Britain, 1851). *Bagh-e Nazar*. 12(33): Pages 81-90. [In Persian]
- URL 1: <https://collections.louvre.fr/en/ark:/53355/cl010330920>
- URL 2: <https://www.britannica.com/biography/Raphael-Italian-painter-and-architect>
- URL 3: <https://www.britannica.com/biography/Abbas-I-Safavid-shah-of-Persia>



Analyzing the Method of Categorizing and Assigning Carpets to the Weaving Geography of Kashan in Western Scientific Studies (1901-1926)

Davood Shadlou

Assistant Professor, Shiraz University of Arts, Shiraz, Iran, (Corresponding Author)
Shadloudavood@shirazartu.ac.ir

Maryam Foroughinia

Assistant Professor, Shiraz University of Arts, Shiraz, Iran.
m.foroughinia@shirazartu.ac.ir

Received: 12/11/2023

Accepted: 05/03/2024

Introduction

Oriental carpets, Persian ones in particular, were not thoroughly known until the early 20th century. These carpets were generally collected by collectors for their mere beauty or material value rather than for their historical or cultural aspects. At the end of the 19th century, some researchers tried to acquire more knowledge about Oriental carpets. Lessing, Bode, Riegel, Martin, and Sarre were among the leading characters. The scientific analysis of carpets in the Western academies began with the two schools of Berlin and Vienna. One of the concerns of these researchers in this period was the explanation of technical and aesthetic models of identification for categorizing and assigning Persian carpets to specific weaving geographies. Since the data in this period were generally obtained by relying on museum carpets and the library method--rather than by survey, there was no accurate knowledge about the variety of the designs, patterns, and methods of weaving and production of Persian carpets. Thus, the classification, dating, and assigning of carpets to a carpet-weaving area was done every now and then with incorrect criteria. Kashan was one of the areas of carpet weaving that were neglected in Western studies in the years between 1901 and 1926 due to the lack of information or incorrect assignments.

Research Method

The goal of this research is to identify and analyze the method of categorizing and assigning carpets to the weaving geography of Kashan from 1901 to 1926 in Western studies. The authors have tried to answer this question: what methods have Western researchers used in this era to classify and assign carpets to Kashan? The research was carried out adopting a historical approach and a qualitative analysis, based on library data and first-hand documents, by the means of note-taking. Almost all available samples in the time span from 1901 to 1926 were referred to.



Research Findings

According to the findings of the research, from 1901 to 1910, the knowledge about the weaving geography of Kashan was very limited, and carpets weaved both in the Safavid and Qajar eras, including the Kashan silk group, Salting, or Polonaise, were all assigned to other regions. Even in the categories provided by early researchers of the Iranian carpet weaving geography, the name of Kashan, as a carpet weaving region was generally absent. For the first time, Ripley (1904) mentioned Kashan as one of the subsidiary carpet weaving areas in Iran. Also, in this decade, researchers never mentioned the geography of Kashan carpets in the assignment of the Safavid carpets in the European collections except for the Ardabil (Sheikh Safi) carpet, which was attributed to Kashan because of its inscription. Although Lewis (1911) has classified Kashan as one of the subcategories of Azerbaijan textile geography, but between 1910 and 1920 the knowledge and, consequently, the studies about Kashan carpet weaving expanded. Hawley (1913) described Kashan as an important area in the field of carpet weaving in Iran. He carefully investigated the technical and aesthetic characteristics of Kashan's carpets in the Qajar era. Moreover, Pünter (1917) for the first time introduces the group of Kashan pictorial carpets to the western scientific community. The years between 1920 and 1926 can be considered an important period in the recognition of Kashan's new woven (Qajar and Pahlavi) and antique (Safavi) carpets. The key figure of this period who played a prominent role in this identification was Pope. By holding the Chicago Exhibition in 1926, he established the name of Kashan as a prominent city in the geography of Iranian carpet weaving, where probably some of the most prominent Safavid carpets were woven. It should be mentioned that in the same period, Kendrick in 1922, for the first time, challenged the hypothesis that Ardabil carpet was woven in Kashan and argued against it. Later, Pope rejected the hypothesis in his "A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present," although, in the catalog of the 1926 Chicago exhibition, he clearly considered the carpet to be woven in Kashan.

Conclusion

The results showed that the lack of identifying models for the extensive geography of Persian carpets caused the carpet experts not to have a detailed knowledge about the weaving geography of Kashan in the initial studies and, thus, they assigned some new (Qajar and Pahlavi) and antique (Safavi) carpets, which today with no doubt are assigned to Kashan to other areas. Even in the categories presented by the first carpet researchers of the geography of Iranian carpet weaving, the name of Kashan, as a carpet weaving region, was absent; however, between 1910 and 1920, studies and consequently the knowledge about Kashan carpet expanded, and with the Chicago exhibition in 1926, the name of Kashan was established as a prominent city in the geography of Iranian carpets, where some of the most prominent Safavid carpets were woven. This path has gradually added up to the knowledge about the carpet weaving geography of Kashan, and it did not happen overnight.

Keywords: scientific studies of carpets, carpet studies, Kashan's carpets, geography of Persian Carpet.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۷۸-۴۱
مقاله علمی پژوهشی

نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشانی اسنادی مصور از وجوه آشکار و پنهان بافته‌های عصر زندیه

سمانه کاکاوند*

چکیده

ابوالحسن غفاری افزون‌بر تاریخ‌نگاری، به تصویرگری نیز شهره است. نقاشی با رویکرد مستوفیگری موجب خلق آثاری از مضامین و شخصیت‌های تاریخی شد. درج امضا و نوشتار ذیل آثار او اهمیت دوچندانی در تاریخ هنر زندیه از یک‌سو و تاریخ هنر کاشان از سوی دیگر دارد؛ بنابراین وجود توأمان دو حرفه و مهارت نقاشی و تاریخ‌نگاری، موجب خلق تصاویری مستند و قرارگیری نوشتار و تصویر در یک قاب شده است. تعدادی از آثار ابوالحسن غفاری نمایانگر طرح بافته‌هایی از عصر زندیه است. شناخت طرح و نقش بافته‌های نیمه دوم سده دوازدهم از دریچه آثار هنرمندی کاشانی، در این مقاله پی گرفته شده است. مطالعه، طبقه‌بندی و تحلیل طرح‌ها و نقوش منسوجات غیرجامگانی در آثار ابوالحسن غفاری هدف نوشتار حاضر است. چه طرح‌ها و نقوشی از بافته‌های عصر زندیه در نگاره‌های ابوالحسن غفاری قابل مطالعه است؟ اهمیت آثار ابوالحسن غفاری در شناخت طرح و نقوش قالی عصر زندیه چگونه قابل تبیین است؟ داده‌های گردآمده از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات موزه‌ای تحقیق کیفی پیش رو با روشی توصیفی تحلیلی جمع و تدوین شده است. نمونه‌ها به اقتضای دارا بودن منسوجات غیرجامگانی جمع‌آوری و هشت عدد از آثار ابوالحسن غفاری بررسی شده است. دستاورد پژوهش آنکه بافته‌ها از منظر طرح و نقش، قطع و کاربرد در آثار ابوالحسن غفاری تنوع دارند. طرح لچک‌ترنج در نگاره‌های دیدار کریم‌خان زند و وهبی افندی، شاه‌عباس دوم در دیدار با فرستاده گورکانیان هند در دو قطع قالیچه و پشتی، طرح محرابی در قالب سجاده در نگاره قاضی احمد، دو کناره با حاشیه‌های مداخل، دوستکامی و شیر و شکری در نگاره‌های میرمعزالدین و تاج‌بخشی نادرشاه شناسایی شد. دو جل در نگاره‌های قاضی عبدالمطلب و کریم‌خان زند سوار بر اسب و یک غاشیه در نگاره کریم‌خان زند جلودار خاصه مطالعه شد. درنهایت، دستاورد اصلی تحقیق درک ارتباط معنادار مضامین تاریخی و بافته‌ها از یک‌سو و شناخت پیوند دو پیشه ابوالحسن غفاری به عنوان نقاش و مستوفی از سوی دیگر است.

کلیدواژه‌ها: عصر زندیه، ابوالحسن غفاری، منسوجات کاشان، طرح و نقش منسوجات غیرجامگانی.

*دانشیار، گروه فرش، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران / s.kakavand@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

۱. مقدمه

ابوالحسن غفاری علاوه بر تاریخ‌نگاری و حضور در دربار زندیه، نقاش نیز بوده است. اهمیت آثار تصویری ابوالحسن از چند منظر قابل شمارش است: نخست آنکه بخشی از نقصان و نبود منابع مصور عصر زندیه در حوزه بافته‌ها را جبران می‌کند. دوم، برخی آثار ابوالحسن نقطه پیوند تاریخ مصور زندیه و هنر تصویری کاشان در نیمه دوم سده دوازدهم هجری است. سوم، شاخصه‌های بسیاری وجود دارد تا بر اهمیت مطالعه نقاشی‌های ابوالحسن صحنه گذارد؛ اما تلفیق دو نظام نوشتاری و تصویری برگرفته از دو زمینه کاری تاریخ‌نگاری و نقاشی وی که منجر به انتخاب مضامین تاریخی نیز شده است، بر ضرورت تحقیق می‌افزاید. مضامین آثار وی شخصیت‌ها و رویدادهایی تاریخی هستند که این موضوع اهمیت نقاشی‌های او را به منزله مستندنگاری تصویری افزون می‌کند. نقاشی از افراد صاحب نفوذ خاندان غفاری، حاکمان و دیدار پادشاهان با سفیران از جمله موضوعات تاریخی بوده که ابوالحسن مد نظر داشته است. باین‌وصف، پژوهش درباره نقاشی‌های ابوالحسن با توجه به رقم‌دار بودن آثار، اطلاعاتی از ابعاد گوناگون بافته‌های اصیل عصر زندیه مانند طرح و نقوش به دست می‌دهد. از این‌رو مقاله حاضر بر آن است تا با مطالعه بافته‌های موجود از درگاه نقاشی‌های ابوالحسن، تعدادی از طرح‌ها و نقوش بافته‌های عصر زندیه را شناسایی کند؛ سپس طبقه‌بندی طرح در مقیاس کلی و نقش به‌صورت جزئی در بافته‌های داری و دستگاهی نگاره‌های ابوالحسن مد نظر خواهد بود. اهمیت آثار ابوالحسن، در شناخت طرح‌ها و نقوش بافته‌های عصر زندیه چگونه تبیین می‌شود؟ طرح‌ها و نقوش سنتی ایرانی بافته‌های نیمه دوم سده دوازدهم و دهه نخست سده سیزدهم موجود در نقاشی‌های ابوالحسن غفاری چگونه قابل مطالعه و طبقه‌بندی است؟

۱-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس هدف از جمله تحقیقات پایه‌ای نظری است؛ چراکه در جست‌وجوی لایه‌های نهان و آشکار منسوجات غیرجامگانی در آثار ابوالحسن غفاری بوده و اهتمام ورزیده تا مختصات بافته‌های یادشده را تبیین نماید. از منظر ماهیت و روش، نوشتار حاضر در بستری تاریخی، بخشی دیگر از هنر عصر زندیه را با روشی توصیفی تحلیلی کندوکاو نموده است. اطلاعات و مفاهیم ضمن مطالعات کتابخانه‌ای، کنکاش اسنادی و مشاهدات دیداری در فضای مجازی و حضور در موزه ملک در دو قالب برگه‌ها و تصاویر گرد آمد. به همین سبب، نمونه‌گیری هدفمند انجام شده و هشت نمونه از نگاره‌های ابوالحسن مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفتند.



۲-۱. پیشینه تحقیق

منسوجات زنده، شمایل‌نگاری عصر زنده و طرح و نقش پارچه و فرش کاشان محورهایی هستند که امکان هم‌پوشانی پژوهش‌های پیشین را با مقاله حاضر فراهم می‌سازند: عبدی (۱۴۰۱) مقاله‌ای با عنوان «ابوالحسن مستوفی از ورای متن و تصویر» نوشته و مبتنی بر گلشن مراد ابوالحسن غفاری به تحلیل آیکنوگرافیک آثار وی پرداخته است. آژند (۱۳۹۸) مقاله‌ای با عنوان «از عاق پدر تا حاق پسر؛ کارستان هنری ابوالحسن مستوفی غفاری (حدود ۱۱۴۵ تا ۱۲۱۲ هجری)» نوشته است. نویسنده مبتنی بر زندگی‌نامه ابوالحسن غفاری، آثار نقاشی وی را بررسی نموده است. با محوریت فرش کاشان نیز منابعی موجود است: چیت‌سازیان (۱۳۸۸) در بخش دوم کتاب نگاه‌ی به تاریخ درخشان فرش کاشان به هنر فرش کاشان در گذر زمان پرداخته و مطالبی درباره وضعیت فرش در ادوار افشاریه و زنده نوشته است. نراقی (۱۳۴۳) دو مقاله در ارتباط با فرش کاشان در شماره‌های ۱۹ و ۲۰ نشریه هنر و مردم به رشته تحریر درآورده است. در این مقالات نویسنده به دقت تاریخ فرش کاشان را بررسی کرده و در مقاله «قالی کاشان در قرن کنونی» به وضعیت منسوجات کاشان در عصر زنده اشاره‌ای کوتاه داشته است؛ اما پژوهش حاضر با رویکرد و هدف متفاوت از منابع یادشده، مطالعه منسوجات غیرجامگانی را در آثار ابوالحسن مد نظر قرار داده است.

۲. ابوالحسن غفاری

ابوالحسن غفاری از هنرمندان و نویسندگان اواخر سده دوازدهم و اوایل سده سیزدهم هجری بود: «او به قرآینی تا اواخر سال ۱۲۰۶ و اوایل ۱۲۰۷ در قید حیات بوده...» (سهیلی خوانساری، ۱۳۵۵: ۶۶). او «عموی صنیع‌الملک و فرزند میرزا معزالدین محمد حکمران کاشان و نطنز بود و به نقاشی و تصویرگری علاقه زیادی داشت. خاندان این دودمان طی قرون متمادی شاغل امور قضا و از زمان نادرشاه افشار و دوره کریم‌خان زند عهده‌دار مناصب و مشاغل حساس بوده‌اند» (کمال‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳: ۳۴). «معروف‌ترین نقاش عصر زند، ابوالحسن غفاری بود که علاوه بر نقاشی، در دیگر هنرها نیز دست داشت و از جمله نویسندگان نیز بود» (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۶۳). او «عمدتاً شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی را با آبرنگ نقاشی می‌کرد» (پاکباز، ۱۳۸۳: ۴). ابوالحسن در نقاشی سبکی تاریخ‌نگارانه داشت و به عبارتی مورخی تصویرساز بود؛ زیرا مضامین نقاشی‌های او بیشتر حول محور تاریخ گردش دارد. ابوالحسن نخست در پی فراگیری هنر نقاشی رفته؛ اما «به توصیه میرزا محمد بروجردی که در آن عهد منصب دیوان شاه را داشت، به کسب علم سیاق و انشا پرداخت و در دستگاه علی‌مراد خان زند مستوفی وارد شد و به همین واسطه به مستوفی اشتها یافت، بعد از

زوال این سلسله در دستگاه قاجاریه راه جست... [گلشن مراد] شامل حوادث بعد از نادرشاه و دوران سلاطین زند می‌باشد. این تاریخ که به نام علی‌مراد خان زند تألیف شده، به نثری مصنوع است و حکایت از فضل و دانش مصنف می‌نماید. [وی با] استعداد خاص در دبیری و منشی‌گری، در سلک مستوفیان دربار کریم‌خان و علی‌مراد خان و بنا به ذوق فطری در نقاشی استاد گردیده بود» (سهیلی خوانساری، ۱۳۵۵: ۶۱). ابوالحسن علاوه بر تاریخ‌نگاری، آثار تصویری یا نگاره‌هایی نیز خلق نموده است. در این مقاله هشت اثر از مجموعه آثار وی، با توجه به دارا بودن نشانی از ویژگی‌های بافته‌های سنتی ایران مطالعه شده است: ۱. دیدار کریم‌خان زند و وهبی افندی سفیر عثمانی؛ ۲. میرزا معزالدین غفاری؛ ۳. دیدار شاه‌عباس دوم و سفیر گورکانیان هند؛ ۴. قاضی عبدالمطلب در راه دشت مغان؛ ۵. کریم‌خان و جلودار^۱ خاصه در میدان نقش جهان اصفهان؛ ۶. کریم‌خان سوار بر اسب؛ ۷. تاج‌بخشی نادرشاه افشار؛ ۸. قاضی احمد غفاری.

۳. بافته‌های سنتی در آثار ابوالحسن غفاری

ابوالحسن ضمن ذکر وقایع سال ۱۱۹۹ هجری و استیصال مردم کاشان در پی محاربه مدعیان سلطنت در آن شهر آورده است: «بیچاره مردم کاشان که به‌سوی شغل نساجی پیشه‌ای و بر فراز بروج به‌جز از فکر فرار در خاطر اندیشه [ای] نداشتند» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۹۹). بنابراین اگرچه موقعیت خلق تمامی نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشان نیست، رشد و پرورش در کاشان بر شکل‌گیری درک وی از طرح و نقش قالی و به‌دنبال آن، طراحی قالی در آثارش مؤثر بوده است. بافته‌های سنتی ایران با توجه به روش بافندگی، به سه دسته داری، دستگاهی و دستی تقسیم می‌شوند که از آن میان، در آثار ابوالحسن بافته‌های داری در قالب زیراندازها و تنها یک دوخت سنتی به‌عنوان روانداز، مد نظر است. از منظری دیگر نیز می‌توان ویژگی‌های بافته‌ها را این‌گونه مورد مذاقه قرار داد: طرح، نقش و رنگ؛ اگرچه پرداختن به رنگ قالی از دریچه نقاشی با توجه به تفاوت ماهوی رنگ در نقاشی و بافته‌ها نتایج دقیقی به دست نخواهد داد. محور مهم دیگر کارکرد بافته است که در نقاشی‌های ابوالحسن غفاری متنوع است. با توجه به ماهیت تصویری بافته‌ها، از میان اجزای شناسه‌ای آثار، تنها طرح در مقیاس کلی، نقش به‌صورت جزئی، قطع و کارکرد به‌طور نسبی و رنگ تا حدودی قابل مطالعه است. این نوشتار از میان ویژگی‌های ظاهری منسوجات، طرح و نقش، کارکرد را بیش از سایر مؤلفه‌ها مد نظر دارد.

۳-۱. نگاره نخست. از آثار ابوالحسن غفاری تصویری از کریم‌خان زند و سفیر عثمانی (محمد

وهبی افندی) است (شکل ۱). اثر یادشده در مجموعه داوود کپنهاگ نگهداری می‌شود.



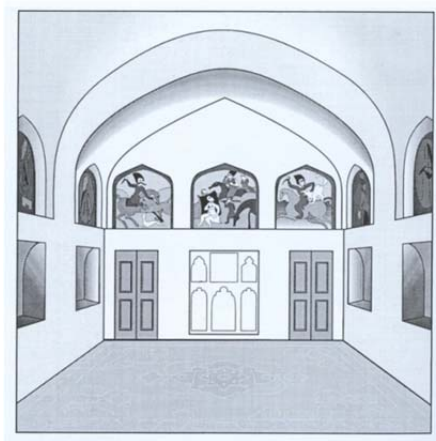
شکل ۱: کریم‌خان زند و وهبی افندی (سفیر دولت عثمانی)، ابوالحسن غفاری، ۱۱۸۹ هجری،

۲۳/۸×۱۷/۵ سانتی‌متر، محفوظ در مجموعه داوود کپنهاگ (URL)

مضمون نگاره شکل ۱ تاریخی است: «روس‌های تازه‌نفس، تازه سیاست تسلط بر همسایگان را آغاز کرده بودند و ایران و عثمانی در برابر خطر مشترکی قرار داشتند. در چنین روز و حالی، پادشاه جدید عثمانی تصمیم گرفت که سفیری به ایران بفرستد... و از او بخواهد دوستی دو کشور طبق پیمان ۱۱۵۹ نادر همچنان برقرار بماند. این بود که محمد وهبی (سنبل‌زاده) را که یکی از «خواجگان دیوان» بود و بعدها شاعر معروف عصر خود گشت، به ایران فرستاد» (ریاحی، ۱۳۶۸: ۲۴۶). مؤلف گلشن مراد ذیل وقایع سال ۱۱۸۹ هجری نوشته است: «و از آن جانب محمد وهبی افندی را که یکی از امنای دولت و از جمله اعیان آن حضرت و مردی خردمند صاحب فکر بود، به عزم سفارت روانه دربار گردون‌مدار قهرمان این کشور وسیع‌الارض نمود» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۳۴). «عمر پاشا والی بغداد حقایق آن حال را به سده جلال قیصری معروض داشته، محمد وهبی نامی را که از اعظم آن سرزمین و مردی صاحب تمکین و خداوند رای متین بود، از جانب سلطان سکندرشان سلطان عبدالحمید خان پادشاه والجاه روم به سفارت معین نمودند» (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). موسوی نامی اصفهانی، ورود وهبی افندی را در ادامه وقایع ۱۱۸۹ هجری نوشته است؛ اما به مدت توقف سفیر عثمانی در شیراز اشارتی نرفته است. «[وهبی سفیر اعزامی عثمانی] در ۶ محرم ۱۱۸۹ به مرز ایران و در ۱۱ محرم به کرمانشاه رسید و در همان جا خبر

حمله به بصره را شنید و اعتراض کرد و بالاخره در ۲۱ صفر وارد شیراز شد. وهبی نامه عبدالحمید و ممدعزت پاشا صدراعظم عثمانی را به کریم‌خان تقدیم کرد و ضمن سه ماه توقف در شیراز، مذاکراتی با کریم‌خان و مشاوران او به عمل آورد» (ریاحی، ۱۳۶۸: ۲۴۸)؛ بنابراین موقعیت مذاکره، شیراز است: «مشارالیه روی نیاز به عتبه عرش انباز خدیو عاجزنواز و دارای دوست‌پرور دشمن‌گداز

آوریده، در دارالملک شیراز به عز بساط بوسی محفل ارم طراز خدیو گردن‌فراز رسید» (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). محل گفت‌وگوی کریم‌خان و وهبی افندی یادآور طراحی فرضی تالاری از عصر زندیه و محفوظ در موزه بروکلین است (شکل ۲).



شکل ۲: جانمایی فرضی تابلوهای نقاشی در کاخ زندیه

(URL2)

به نظر می‌رسد در این نگاره بیش از نمایش عناصر تشکیل‌دهنده نگاره، به تصویر کشیدن شخصیت‌ها برای ابوالحسن حائز اهمیت بوده؛ زیرا به احتمال، تنها بخش بسیار اندکی از ترنج قالی مشخص است (شکل ۳).



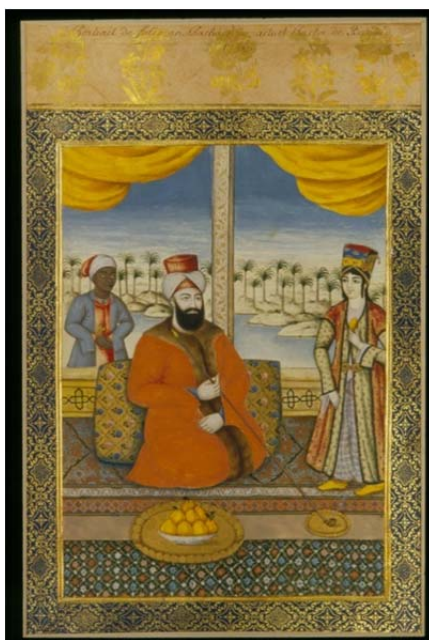
شکل ۳: بخشی از ترنج قالی شکل ۱، URL1



نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشانی اسنادی مصور از وجوه آشکار و پنهان...، سمانه کاکاوند

10.22052/KASHAN.2024.254467.1104

با توجه به تناسب ابعاد طرح کلی تالار، محل نشستن کریم‌خان زند و سفیر عثمانی به نظر می‌رسد میانه قالی تصویر شده است. باینکه طرح غالب قالی‌های نیمه دوم بندی لوزی بوده، قیاس در شکل قاب (واگیره تکرارشونده قالی‌های قاب قابی) در قالی‌های بندی لوزی بازه زمانی مورد مطالعه (شکل ۴) نشان از آن دارد. طرح قالی شکل ۱ ممکن است از نوع لچک و ترنج یا ترنج‌دار باشد. شکل ۴ عامدانه انتخاب شد؛ چون با محوریت موضوع ملاقات سفیر ایران با حاکم بصره نقاشی شده است.



تصویر ۴: سلیمان آقا والی بصره (URL3)

اگر طرح قالی شکل ۱ بندی لوزی بود، می‌بایست مانند طرح قالی شکل ۴ بخش‌هایی از دو بند به نمایش درمی‌آمد؛ اما در قیاس با تناسبات انسانی، به نظر می‌رسد بخشی از ترنج است. در آثار ابوالحسن طرح‌های متعددی از قالی دیده می‌شود؛ اما در یکی از آن‌ها (تصویر ۲) که شاه‌عباس دوم را به تصویر کشیده نیز بیشتر طرح قالی آشکار بوده که از انواع لچک و ترنج است. به‌طورکلی در تصویر ۱ فرش محل توجه نیست و سایر مصادیق هنری اعم از تزیینات معماری، پوشاک و نشان‌های درباری مانند شمشیر مرصع و زیورآلات موردنظر بوده است.

۲-۳. نگاره دوم. دومین اثر نگاره میرزا معزالدین، پدر نقاش، است (شکل ۵). «آثار به‌جامانده وی تصویر میرزا معزالدین محمد است که قلیان به دست گرفته و کلیجه^۲ زری طلایی پوشیده و بر

روی زمین نشسته است. بر حاشیه بالای طاقچه به خط زیبایی ثلث نوشته است» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۴). ابوالحسن غفاری علاوه بر آرایه‌های وابسته به معماری در تصویر، قالی‌های روی زمین را نیز به دقت نقاشی شده است (شکل ۵).



شکل ۵: میرزا معزالدین، اثر ابوالحسن غفاری، محفوظ در موزه ملک (URL4)

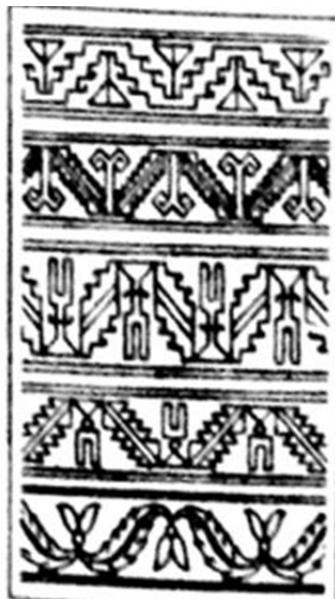
در شکل ۵ تلاش برای پیاده نمودن پرسپکتیو در قسمت بالایی نگاره در شکستگی ضلع سمت راست منسوج به خوبی مشهود است. به نظر می‌رسد نقاش تلاش داشته است که بُعد را القا نماید. نقوش زیرانداز قرمز رنگ با حاشیه طلایی، با تک‌رنگ نقاشی شده و به نظر می‌رسد بیش از آنکه تابع سنت طراحی فرش باشد، مشحون از نقوشی تزیینی است و مشابه نقوش قالی ایرانی نیست. همنشینین دو رنگ قرمز و طلایی نیز منسوجی فاخر را تداعی می‌کند. در بخش جلوی تصویر یعنی محل نشستن میرزا معزالدین، سامان‌بندی حاشیه قالی را به نمایش گذاشته است: «تعداد حاشیه‌ها در ایران، به‌ویژه در روی فرش اساساً هفت است. البته این تعداد را تا مساحت معینی می‌توان حفظ کرد و تقریباً در کمتر از مساحت شش متر مشکل است؛ زیرا از عرض آن‌ها کاسته می‌شود و حاشیه اصلی نمودی پیدا نمی‌کند» (حصوری، ۱۳۸۵: ۹۶).

حاشیه‌های بافته موجود در شکل ۵ این‌گونه است: حاشیه‌ای ساده، بعد حاشیه مداخل، سپس حاشیه ختایی با گل‌های گرد هشت‌پر و گل‌های کوچک‌تر، بعد هم ردیفی که ساختاری شبیه به



نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشانی اسنادی مصور از وجوه آشکار و پنهان...، سمانه کاکاوند

حاشیه‌های دوستکامی^۳ (شکل ۶ الف) دارد (شکل ۶ ب). سپس بازهم حاشیه‌ی مداخل و بعد هم یک ردیف از طرح بندی لوزی که به نظر می‌رسد مربوط به متن قالی است. این نوع ترکیب حاشیه و غلبه بر گل‌های ختایی از نوع گردباخته، شکل ۷ (الف و ب) را شبیه به قالی شکل ۴ (سلیمان آقا والی بغداد) نموده است.



شکل ۶ الف: انواع حاشیه‌های دوستکامی یا دوستکومی (حصوری، ۱۳۸۵: ۴۷)



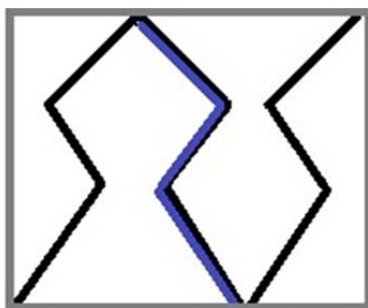
شکل ۶ ب: حاشیه‌ی دوستکامی بافته‌ی موجود در شکل ۵ (URL4)



شکل ۷ الف (سمت چپ): حاشیه‌های موجود در قالی شکل ۵؛ ب (سمت راست): طرح خطی شکل ۷ الف (نگارنده)

حاشیهٔ مداخل

مداخل حاشیه‌ای تکرارشونده در بافته‌های سنتی ایران است. مداخل با ضرباهنگ پیوند خورده و به عبارتی، پدیداری مداخل در گرو تکرار است. از نظرگاه مبانی هنر از میان گونه‌های ریتم، مداخل تابع ضرباهنگ ساده است: «تکرار ساده یک عنصر یا یک مجموعه بدون تغییر اندازه و فاصله، ضرباهنگ ساده است. استفاده از این ریتم یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای وحدت بخشیدن به فضای سطح تصویر است» (تقوی بلسی و روشناس، ۱۳۹۰: ۵۹). عنصر تکرارشونده (شکل ۸) خطی شکسته و زاویه‌دار است که تکرارش، حاشیهٔ مداخل را می‌سازد.



شکل ۸: خط شکستهٔ آبی‌رنگ، عنصر تکرارشونده در نقش مداخل (نگارنده)

نقاش تنها به حاشیهٔ بافته اکتفا کرده و متن فرش مورد نظر قرار نگرفته است؛ اما در یک ردیف چند قاب دیده می‌شود که این احتمال را قوی می‌دارد که شاید متن قالی بندی لوزی بوده است. در وهلهٔ اول این گمان تقویت شد که شاید بافتهٔ نمایان‌شده در تصویر کناره^۴ باشد.

۳-۳. نگارهٔ سوم. دیدار شاه‌عباس دوم با فرستادهٔ گورکانیان هند سومین اثر است (شکل ۹).



شکل ۹: دیدار شاه‌عباس دوم با فرستادهٔ گورکانیان هند (Diba & Ekhtiar, 1999: 149)

انتخاب شاه‌عباس دوم به‌عنوان محور موضوعی نقاشی از سوی نقاش، بر اهمیت پادشاه یادشده نزد وی دلالت دارد. شاه‌عباس در جهت عمران و آبادی کاشان اقدام نموده بود و بسیاری از اتفاقات مهم زندگی پادشاه در کاشان روی داد و شاید دلیلی بر توجه ابوالحسن به وی باشد: «ملا کمال فوت شاه‌صفی را به دوشنبه ۱۲ صفر در کاشان و جلوس شاه‌عباس [دوم] را در همان بلده... در ایوان فوقانی عمارت دولت‌خانه دارالمؤمنین کاشان بر سریر گردون نظیر جلوس نموده» (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۸-۱۹). مضمون نگاره بزمی بوده و نمایانگر پذیرایی پادشاه صفوی از فرستاده دربار گورکانیان است. مهمانی از مضامین تکرارشونده بوده که بارها توجه نقاشان ایرانی را جلب نموده است. ابوالحسن غفاری تلاش داشته فضای تشریفاتی دربار صفویه را به نمایش بگذارد. لباس فاخر اشخاص و زیورآلات گواهی بر ادعای یادشده است. در نگاره شاه‌عباس دوم در دیدار با سفیر گورکانیان هند، بافته‌های داری دیده می‌شود. طرح قالی از انواع لچک و ترنج است. اگرچه جزئیات طرح قالی در نقاشی دیده نمی‌شود، شکل ترنج و مستوره^۵ رنگی قالی، حاشیه و گل‌های زمینه یادآور قالی‌های معروف به لهستانی^۶ عصر صفوی در کاشان (شکل ۱۲) است: «فرش‌های مشهور به پولونز گروهی مستقل از بافته‌های گره‌دار و گلیمی عصر صفوی هستند که شناخت آن‌ها بر چهار ویژگی استوار است: اول، زربفت و سیم‌بفت، یا در اصطلاح رایج، گلابتون بودن آن‌هاست... دوم، ابریشمی بودن قالی‌های این گروه است؛ سوم، رنگ‌بندی خاص این قالی‌هاست که با غلبه رنگ‌هایی روشن و خاص مشتمل بر زرد طلایی‌فام، سبزه‌های سیر و روشن، خاکی قهوه‌ای فام، قهوه‌ای، آبی روشن، فیروزه‌ای و مهم‌تر از همه نارنجی پرتقالی فام شناخته می‌شود؛ چهارم، گلیم‌باف بودن زمینه قالی‌های این گروه است» (ژوله و پرهام، ۱۴۰۰: ۳۴). شناخت ویژگی‌های یادشده در تصویر قالی میسر نیست به‌استثنای شاخصه چهارم که رنگ‌بندی است؛ ابوالحسن در نقاشی قالی نیز از رنگ‌های زرد طلایی فام، آبی روشن، سبز سیر و رنگ‌هایی مشابه مستوره رنگی قالی‌های لهستانی بهره برده است. البته یکی دیگر از نشان‌های قالی لهستانی نوعی از حاشیه است (شکل ۱۰) که در نقاشی قالی شکل ۹ هم دیده می‌شود.



شکل ۱۰: حاشیه یکی از قالی‌های لهستانی، ۱۴۱×۲۰۵، محفوظ در موزه فرش ایران (ژوله و پرهام، ۱۴۰۰: ۱۲۲)

در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نیز حاشیه‌ای از قالی‌های عصر صفوی دیده می‌شود که شباهت به حاشیه قالی موجود در نگاره (شکل ۹) داشته و نشان از رونق این طرح در حواشی قالی‌های عصر صفوی دارد (شکل ۱۱). ترکیب گل‌های شاه‌عباسی و برگ‌های بزرگ از دیگر خصایص قالی‌های لهستانی شمرده می‌شود: «گل‌های بزرگ شاه‌عباسی به همراه برگ‌های بزرگی که یا از آن سر برآورده یا مجاور آن جای گرفته‌اند...» (ژوله و پرهام، ۱۴۰۰: ۱۲۲).



شکل ۱۱: حاشیه قالی، عصر صفوی، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (URL5)

اوصاف یادشده در یکی دیگر از قالی‌های لهستانی موزه متروپولیتن نیز نمودار است (شکل

(۱۲).



شکل ۱۲: نمونه‌ای از قالی لهستانی (پولونزی) محفوظ در موزه متروپولیتن (URL6)

قالی طرح لهستانی در دیگر آثار ابوالحسن به چشم نمی‌خورد؛ اگرچه قالی نگاره دیدار کریم‌خان زند و وهبی افندی (تصویر ۱) نیز ترنج دارد، این اثر به بزم شاه‌عباس دوم پرداخته و به نظر می‌رسد برای تداعی فضای صفوی، نقاش، عامدانه از طرحی رایج در دوره نام‌برده بهره برده

است: «این نوع قالی [قالی‌های ابریشمی موسوم به لهستانی (پلونز)] در زمان شاه‌عباس (۱۵۸۷-۱۶۳۸م/۱۰۳۸-۹۹۶ق) و شاه‌صفی (۱۶۲۸-۱۶۴۲م/۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) و شاه‌عباس ثانی (۱۶۴۲-۱۶۶۶م/۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) بافته می‌شد. تصور می‌رود که اغلب قالی‌های لهستانی در زمان دو پادشاه اخیر بافته شده باشد» (دیماند، ۱۳۶۵: ۲۷۰). البته شاه‌عباس اول زیرساخت‌های رونق قالی‌بافی در کاشان را فراهم نمود تا در عصر شاه‌عباس دوم مرکز بافت قالی‌های صادراتی شد: «نوشته‌های قرن هفدهم و هجدهم میلادی تصریح می‌کنند که کاشان کانون بافت قالی درباری بوده و توسط شاه‌عباس کبیر (۱۶۲۸-۱۵۸۷م) بنیاد گذاشته شده است» (هانگلدین، ۱۳۷۵: ۶۷). بهره‌مندی از طرحی رایج و پرطرفدار در عصر شاه‌عباس دوم (لهستانی) در اثر ابوالحسن، نشان از هوشمندی وی در تلفیق تاریخ و نقاشی دارد. مستوفیگری ابوالحسن موجب دقت در ورود مؤلفه‌های تاریخی در آثار او شده است. ابوالحسن با ترسیم طرح قالی لهستانی در نگاره شاه‌عباس دوم در دیدار با سفیر گورکانیان هند، تلاش داشته در حد امکان فضای عصر شاه‌عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ق) را تداعی نماید (شکل ۱۳).



شکل ۱۳: بالا) نمود بافته در شکل ۹ (Diba & Ekhtiar, 1999: 149); پایین) طرح خطی قالیچه موجود در شکل ۹ (نگارنده)

مسئله هماهنگی بافته و مضمون در آثار ابوالحسن، دلالت دارد بر اینکه قالی نیز همچون سایر آثار هنری از مبانی فکری هر دوره تأثیر می‌گیرد و به‌عنوان عنصری فرهنگی در تداعی فضای تاریخی نقش ایفا نماید؛ خاصه آنکه به نظر می‌رسد این نقاشی برداشتی از ضیافت شاه‌عباس دوم و محمد ندر خان در کاخ چهل‌ستون (شکل ۱۴) باشد؛ اما وجوه نوآورانه اثر ابوالحسن (شکل ۹)

به‌ویژه در انتخاب طرح قالی و قرار دادن یک پشته با طرح لچک و ترنج نمایان است (شکل ۱۵ بالا و پایین).



شکل ۱۴: ضیافت شاه‌عباس دوم و محمد ندر خان در کاخ چهل ستون (URL7)



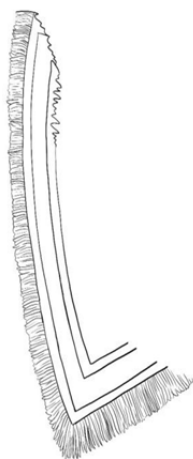
شکل ۱۵. بالا) پشته در نگاره شاه‌عباس دوم در دیدار با سفیر گورکانیان هند (Diba & Ekhtiar, 1999: 149); پایین) طرح خطی پشته موجود در شکل ۹ (نگارنده)

۴-۳. نگاره چهارم. از دیگر آثار ابوالحسن تصویری از نیای وی، قاضی عبدالمطلب است که هم‌اکنون در موزه ملک نگهداری می‌شود (شکل ۱۶).



شکل ۱۶: قاضی عبدالمطلب راهی دشت مغان، ابوالحسن غفاری (URL8)

«تصویر قاضی عبدالمطلب جد پدری میرزا معزالدین محمد سابق‌الذکر که در شورای دشت مغان به‌عنوان نماینده رسمی مردم کاشان و نظنز شرکت داشته است. در این آبرنگ او سوار بر استر شده و منشوری به دست گرفته و عازم مقصد می‌باشد» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۵). در نگاره چهارم از میان بافته‌های داری اثری نیست و بالاپوش قاضی عبدالمطلب و بخش اندکی از پوشش اسب تنها بافته‌های دستگاهی موجود در تصویرند. شایان ذکر است به‌سبب معلوم نبودن پوشش اسب، نمی‌توان بدان پرداخت؛ فقط به نظر می‌رسد زربفت باشد و یا چله‌ها (تارهایی) از زری در آن به کار رفته باشد (شکل ۱۷ الف و ب).



ب



الف

شکل ۱۷: الف) جُل زربفت، بخشی از نگاره قاضی عبدالمطلب، محفوظ در تالار خاندان غفاری موزه ملک (نگارنده)؛ ب) طرح خطی جُل موجود در شکل ۱۶ (نگارنده)

استفاده از پوشش زربفت به مثابه زین‌پوش اسبان در ایران پیشینه دارد: «زری‌دوزی کردن جل‌های اسب در ماد، امری عادی بود و برای اسب‌ها معمولاً جل‌های زربفت یا قالیچه که هر دو غالباً نقش‌دار بودند، به کار می‌بردند» (سمسار، ۱۳۴۳: ۴۱). پارچه‌هایی با نقوش گیاهی در عصر زندیه از فراوانی برخوردار بوده‌اند؛ برای مثال در شکل ۱۸ لباس رستم‌خان زند نیز نقوشی مشابه بالاپوش قاضی عبدالمطلب دارد.



شکل ۱۸: رستم‌خان زند، اثر آقا صادق، ۱۱۹۳ هجری، مجموعه ساتبی (URL9)

نگاره قاضی عبدالمطلب از این منظر که پوشاک مردان عصر زندیه و به‌ویژه قبای گل‌دار آن دوره را به نمایش گذاشته، حائز اهمیت است؛ زیرا بافته داری در تصویر رؤیت نمی‌شود.

۵-۳. نگاره پنجم. از دیگر آثار ابوالحسن می‌توان به اثر کریم‌خان و جلودار در میدان نقش‌جهان اشاره کرد (شکل ۱۹). موضوع نگاره مانند بسیاری از آثار هنرمند، شخصیت تاریخ‌نگار (مستوفی) او در این نقاشی نیز نمودار شده و سطوری همراه رقمش آمده است:

«شبيه اعلى حضرت شاهنشاه گیتی‌ستان و خاقان ظل‌الله علین آشیان ابوالنصر کریم‌خان زند راقم بنده درگاه خلائق امید درگاه ابوالحسن الغفاری المستوفی فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۰۹» نزدیک دم‌اسب نیز نوشته شده است: «عباس جلودار سرکار خاصه شریفه». ابوالحسن غفاری اهتمام داشته در بیشتر آثارش، تصویر، بیانگر رویدادها، شخصیت‌ها، مناصب و عناصر تاریخی باشد.



شکل ۱۹: کریم‌خان زند و جلودار خاصه در میدان نقش جهان، ابوالحسن غفاری (URL10)

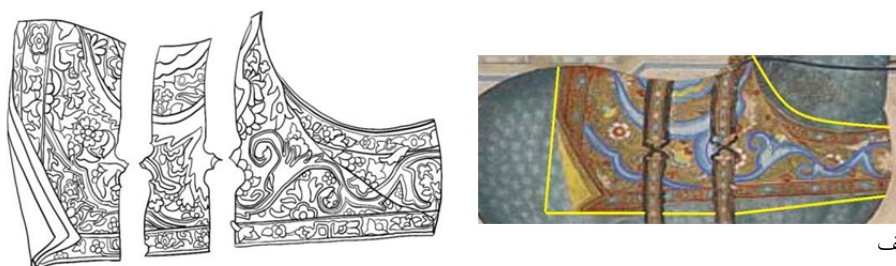
موقعیت نیز در شکل ۱۹، محوطه‌ای تاریخی انتخاب شده است. عناصر بصری گوناگونی مشتمل بر پوشاک، زیورآلات، سلاح و ابنیه عصر صفوی دیده می‌شود: «در این آبرنگ، کریم‌خان در هیئت و آرایش سلطنتی عرضه شده و بازوبندهای پهن جواهرنشان به بازو بسته و کمر بند و خنجر مرصع به کمر آویخته است. مهتر مخصوص مشغول تیمار اسب است و در پشت منظره عالی‌قاپو و میدان نقش جهان جلب نظر می‌کند، به خط نستعلیق رقم دارد» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۵). در شکل ۱۹ مانند نگاره دیدار کریم‌خان و محمد وهبی افندی (شکل ۱) زیورآلات و تاجی شاهانه و به‌طور کلی نمادهایی سلطنتی و شاهانه که بر میزان تفاخر تصویر افزوده است، به چشم می‌خورد. نگاره‌هایی که ابوالحسن غفاری از کریم‌خان تصویر نموده است، شاه را با پوشاک و زیورآلاتی فاخر نمایش داده؛ درحالی‌که در قیاس با سایر نقاشان عصر زندیه که همیشه لباسی ساده بر تن کریم‌خان نقاشی کرده‌اند، متفاوت است. تاریخ نیز در این باره چنین گواهی می‌دهد: «نواب معزی‌الیه، مادام زندگانی، تکلفی در لباس نفرمود و قبای تابستانه‌اش، چیت ناصرخانی که در بروجرد بر روی کرباس به عمل می‌آوردند، بود و لباس زمستانه زردی را عمامه و دیگری را شال کمر می‌نمود و گاهی از درجه کهنگی به اندراس می‌رسید. مادام زندگانی استعمال جیقه و جواهر نمود» (حسینی فسایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۱۵). بنابراین می‌توان به دو فرضیه پرداخت: نخست آنکه زیست ابوالحسن غفاری در یک خاندان درباری او را به این شیوه تفکر سوق داده است که در نقاشی از حاکمان می‌بایست پوشاکی فاخر و زیورآلات و سلاح‌های مرصع در نظر گرفت. فرضیه دوم این خواهد بود که ابوالحسن غفاری، مستوفی دربار زندیه است و در بسیاری از تصاویر بر مستندنگاری تأکید داشته و شاید روایت تصویری او از کریم‌خان موثق باشد تا متون

مکتوبی که از سادگی وی نوشته‌اند. البته اغراق در وجوه تزئینی نگاره کریم‌خان زند و محمد وهبی افندی (تصویر) در ذهن نگارنده، فرضیه نخست را تقویت می‌کند.

از میان بافته‌ها علاوه بر تن‌پوش کریم‌خان و جلودار که آن‌هم بافته‌ای ساده است، نمونه دیگر، می‌توان به پوشش اسب اشاره کرد. اگرچه جنس و نوع بافته مشخص نیست، به سبب نقوش بودن، بافته‌ای حائز اهمیت است. در میان نقاشی‌های عصر زندیه، کمتر نمونه‌ای وجود دارد که مرکب (اسب، شتر و...)، بدون راکب به تصویر کشیده شده باشد تا پژوهشگر فرصت یابد جل، رو کپلی، غاشیه، پوشش ستوران و یا موارد مشابه را به‌طور دقیق بررسی کند؛ بنابراین این اثر (شکل ۱۹) در راستای مطالعات طرح و نقوش پوشش ستوران مهم تلقی می‌شود. «جل اسب یا رواسبی یکی از ممتازترین و رنگارنگ‌ترین دست‌یافته‌های زنان عشایر است. ویژگی‌های جل اسب، چون تنوع رنگ، تزئینات و نقوش آن، نشان از ارزش اسب در نزد کوچ‌نشینان است؛ به همین دلیل، اسب را همچون عروسان آرایش و آذین می‌کنند» (پرهام، ۱۳۷۱، ج ۲: ۹۷). مطالعه جل‌ها به‌عنوان یکی از انواع بافته‌های غیرزیرانداز و با کاربری مشخص در تاریخ‌نگاری فرش ایران مبتنی بر منطقه بافت آن اهمیت دارد: «اغراق نیست اگر گفته شود که پوشش‌های حیوانی بخش مهمی از فرش‌بافی ایران را تشکیل می‌دهد» (تناولی، ۱۳۷۷: ۶). پوشش ستوران در دو نوع کاربردی و آرایشی بوده است: «سر زین یا رواسبی یا روزینی، نمد، گلیم یا قالیچه‌ای است که روی اسب می‌انداختند و دو گونه بود: گونه‌ای آرایشی که روی زین می‌افتاد و دارای شکافی در محل قاچ زین بود؛ گونه‌ای دیگر همچون فرشی بود که اسب را می‌پوشاند و به‌ویژه پس از تاخت اسب در سرما به روی آن می‌انداختند تا آن را عرق‌گیری کند و از سرما خوردن اسب جلوگیری» (حضور، ۱۳۹۶: ۲۰۱). جایگاه ویژه اسب نزد ایرانیان موجب شده تن‌پوش جانور نیز مهم تلقی شود: «آنچه از پوشش اسبان و شتران باقی مانده، نشانگر کیفیت بالای آن‌ها در کار بافندگی است؛ چنان‌که اگر این پوشش‌ها با بهترین زیراندازها و زمین‌پوش‌ها مقایسه شود، چیزی از آن‌ها کم نمی‌آورد؛ چه بسا دقتی که در اجرای آن‌ها و تعداد ساختارهای بافتشان به کار رفته، به مراتب وقت‌گیرتر و پیچیده‌تر از فرش‌های دیگر بوده است» (تناولی، ۱۳۷۷: ۵). در شکل ۱۹، نیمی از پوشش اسب مشخص و گوشه سمت چپ آن تا خورده است. اگر بافته‌ای داری باشد، محکم بوده و پشت بافته یکدست و با رنگی متفاوت نخواهد بود؛ اما در این نگاره، پوشش اسب آستردوزی شده و نقوش ظریف و پرکار دارد و شبیه به رشتی‌دوزی است: «در رشت، گلدوزی روی ماهوت سیاه یا ملون اعم از آنکه گل‌ها رنگارنگ یا یکرنگ و طلائی باشند، و به هر حیث این نوع گلدوزی از حیث نقش و رنگ شایان تمجید است و

این نوع پارچه‌های گلدوزی شده را سوزنی می‌نامند» (جمال‌زاده، ۱۳۹۹: ۷۹). علاوه بر نوع بافته از منظر فنی و شیوه تولید، تشخیص بافته از نظر اجتماعی حائز اهمیت بوده؛ زیرا این پوشش به نظر غاشیه است: «غاشیه صرفاً یک زین پوش تشریفاتی است و زمانی روی زین انداخته می‌شود که سوار از آن پیاده شده باشد. از همین رو ابعاد غاشیه به مراتب بزرگ‌تر از زین پوش است. شغل غاشیه‌داری و غاشیه‌بری یکی از مشاغل درباری و اعیانی بوده است... هرگاه سوار از اسب به زیر می‌آمده، وظیفه او بوده که به سرعت غاشیه را روی زین بیفکند تا هم زین از گزند گردوغبار و باران در امان بماند و هم زین بی‌سوار موجب تداعی‌های ناگوار نگردد» (تناولی، ۱۳۷۷: ۷۵). غاشیه و غاشیه‌داری توجه سفرنامه‌نویسان را نیز جلب نموده است: «غاشیه [غاشیه] همان پارچه قشنگ ماهوت گلدوزی شده است که تنها حکام و اشخاص عالی‌مقام حق استفاده از آن را دارند و به محض اینکه پیاده شدند، باید غاشیه‌دار آن را روی اسب‌سواری آن‌ها بیندازد» (دیولافوا، ۱۳۸۵: ۲۱۳). غاشیه گلدوزی شده نیز در رشت تولید می‌شده است: «غاشیه‌های به‌جامانده اکثراً کار رشت و یا منتسب به رشت هستند. جنس این غاشیه‌ها از ماهوت تکه‌دوزی شده است که روی آن با نخ ابریشم و سوزن نقش‌اندازی شده است» (تناولی، ۱۳۷۷: ۷۵).

در مجموع، نگاره کریم‌خان و جلودار به مثابه عکس بوده و ابوالحسن غفاری واقع‌گرایی را مد نظر داشته؛ یعنی شخصیتی مشهور (کریم‌خان زند) را در میدانی تاریخی (نقش جهان) تصویر نموده است. اهمیت این تصویر از ابعاد گوناگونی قابل شمارش است؛ به‌طور مثال شاید از اولین تصاویر میدان نقش جهان باشد. لحظه‌ای را نقاشی کرده که شخصیت‌ها به‌ویژه جلودار، ایستا نیستند و فعال به نظر می‌رسند. همین نشان از دیدگاه تاریخ‌نگارانه ابوالحسن غفاری دارد. پوشش خاص از اسب مربوط به عصر زندیه، غاشیه، نمایان است که نمونه‌ای از قلاب‌دوزی نیمه دوم سده دوازدهم لحاظ می‌گردد (شکل ۲۰ الف و ب).



الف

ب

شکل ۲۰: الف) غاشیه قلاب‌دوزی شده موجود در شکل ۱۹، ابوالحسن غفاری (URL10)؛ ب) طرح خطی غاشیه قلاب‌دوزی شده موجود در شکل ۱۹ (نگارنده)

به نظر می‌رسد طرح یک‌دوم باشد و تقارنی آینه‌ای دارد. طرح از انواع اسلیمی ساده است. گردش اسلیمی در محور تقارن جُل یک قاب کامل اسلیمی را ساخته و استمرار پیش‌اسلیمی از مرکز به سمت سینه اسب و به‌مرور از بزرگ به کوچک نقاشی شده است. ابوالحسن غفاری با قواعد طراحی سنتی نیز آشنا بوده است. فضای میان اسلیمی‌ها با ختایی‌های کوچک و ظریف پر شده است. بیشتر جُل‌های ایران از تولیدات روستاییان و عشایر بوده و طرح آن نیز تابع سنت طراحی بومی است؛ اما جُل موجود در شکل ۱۹ طرحی گردان و شهری دارد. طرح جُل متناسب با مکان نقاشی و حاکمیت کریم‌خان گردان و شهری انتخاب شده تا بر وجوه درباری و شاهانه فضای تصویر بیفزاید. مبتنی بر مسئله و اهداف تحقیق، اهمیت این نگاره متوجه جُل‌ی منقوش است که بخشی دیگر از تاریخ فرش زندیه را هویدا می‌کند.

۳-۶. نگاره ششم. از دیگر آثار ابوالحسن تصویری از کریم‌خان زند است که برخلاف سایر نگاره‌های هنرمند، پس‌زمینه تخت و عاری از عنصر بصری است و تنها رنگی روشن زمینه را پوشانده است (شکل ۲۱).



شکل ۲۱: کریم‌خان زند سوار بر اسب، ابوالحسن غفاری (URL11)

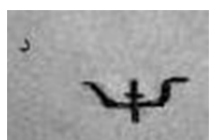
اگرچه انتساب این نگاره در برخی متون نیامده و بیشتر پژوهشگران هفت تصویر را به ابوالحسن غفاری نسبت داده‌اند، شباهت چهره کریم‌خان زند در شکل ۲۱ به شکل‌های ۱ و ۱۹ نشان از استمرار قلم ابوالحسن دارد. مانند سایر آثار ابوالحسن، مضمونی تاریخی دارد و شخصیت وکیل‌الرعا را به تصویر کشیده است. در موزه هنرهای زیبای بوستون اثری از محمدعلی، نوه علیقلی جبه‌دار محفوظ است (شکل ۲۲) که به‌استثنای پس‌زمینه تصویر، بیننده در قیاس بصری

شکل‌های ۲۱ و ۲۲ حدس خواهد زد که شکل ۲۲ پیش‌متنی برای شکل ۲۱ بوده است. گویی ابوالحسن این نقاشی را دیده و از مختصات آن ایده گرفته است. نکته مهم آنکه شاید در هنرهای ایران اشاعه‌گرایی مرسوم بوده و گاهی فرم، برخی ادوار محتوا و موضوع اشاعه یافته؛ اما هر اثری ولو به میزان اندک از نوآوری برخوردار بوده؛ بنابراین ابوالحسن نیز در شکل ۲۱ نوآوری‌هایی متناسب با هویت هنری عصر زندیه داشته است.



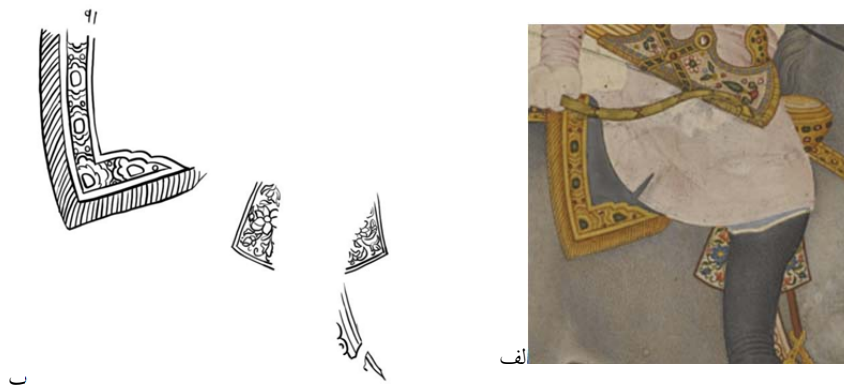
علاوه بر پس‌زمینه شلوغ شکل ۲۲ و زمینه تخت شکل ۲۱ که از وجوه نوآورانه نگاره کریم‌خان زند محسوب می‌شود، شباهت‌های فراوانی در هر دو تصویر قابل درک است: هر دو تصویر موضوعی تاریخی دارند، محمدعلی نقاش و ابوالحسن هرکدام شاه زمان خود را مصور نموده‌اند. ترکیب‌بندی اسب و سوار، زیورآلات فاخر و بازنمایی عناصری دال بر شوکت شاهانه، زین و برگ اسب، نوع تعامل سوژه و مخاطب از موارد مشابهت می‌توان شمرد. حتی نشانی که بر روی اسب نادرشاه دیده می‌شود (شکل ۲۳ الف و ب)، در شکل ۲۱ ابوالحسن نیز برای اسب کریم‌خان نقشی شبیه لنگر طراحی کرده؛ اگرچه با نشان اسب نادرشاه متفاوت است (شکل ۲۳ ج و د).

شکل ۲۲: صحنه‌ای از نبرد نادرشاه افشار، محمدعلی (نوه علیقلی جبه‌دار)، میانه سده دوازدهم هجری، محفوظ در موزه هنرهای زیبای بوستون (URL12)



شکل ۲۳: الف و ب) نشان اسب نادرشاه در شکل ۲۲ (URL12)؛ ج و د) نشان اسب کریم‌خان در شکل ۲۱ (URL11)

در نگاره کریم‌خان زند نیز مانند شکل‌های ۱۶ و ۱۹ پوشش اسب تنها بافته موجود در تصویر است؛ اما نقوش بسیاری در تصویر دیده می‌شود که برای درک نقوش رایج عصر زندیه مؤثر است. مقایسه دو شکل ۲۱ و ۲۲ کمک می‌کند تا الگوهای تصویری عصر زندیه کشف شود. محمدعلی در شکل ۲۲ جل اسب نادرشاه را به شاخصه‌های هنر هندی نزدیک نموده است. گویی نادرشاه بر بافته‌ای مرصع نشسته است؛ اما در نگاره کریم‌خان زند (شکل ۲۱) حاشیه جل اسب متقوش بوده و مزین به قاب‌ها و گل‌های ظریفی در میان آن‌ها (شکل‌های ۲۴ الف و ب) است؛ اما ساختار طرح شبیه به جل اسب نادرشاه است. این نوع حاشیه در دسته‌بندی حواشی، کتیبه‌ای نام دارد.



شکل ۲۴: الف) بخشی از جل، زین و برگ اسب موجود در شکل ۲۱، اثر ابوالحسن غفاری (URL11)؛

ب) طرح خطی جل، زین و برگ اسب موجود در شکل ۲۱ (نگارنده)

۳-۷. نگاره هفتم. تاج‌بخشی نادرشاه افشار به رضا قلی میرزا اثری دیگر است که نقوشی از بافته‌های داری عصر زندیه را نشان می‌دهد (شکل ۲۵). «از غفاری تابلوهای متعدد معروفی به جای مانده است. اثر معروف وی، تصویر رضا قلی میرزا به‌هنگام انتخاب وی به ولایتعهدی است. تصاویر دیگر وی تابلویی از کریم‌خان و جهان‌شاه قراقویونلو است» (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۴). این اثر نیز مانند بسیاری دیگر از آثار ابوالحسن غفاری مضمونی تاریخی دارد. درباره این نگاره ابهامات زیادی وجود دارد: «اثر دیگر هنرمند به گفته مرحوم کمال‌الملک در جلد ۵ یادداشت‌های دکتر غنی صورتی بوده است که نادرشاه و محمدشاه هندی باهم تاج عوض می‌کنند. نگارنده تاکنون اثری از این مراسم ندیده و بعید نیست این اثر همان تاج‌گذاری رضا قلی میرزا به دست نادرشاه باشد که در این اثر پرجلال، نادرشاه روی تختی نشسته، تاج مرصع را بر سر رضا قلی میرزا می‌گذارد. گرز جواهرنشان و ریشه‌های مروارید و متکای زراندود و لباس‌های زربفت و رنگین پدر

و پسر دیدنی است. در سمت چپ اثر، مرد معمومی که ریش سفیدی دارد، دوزانو نشسته و لباس راه‌راه نارنجی به تن پوشیده است. در بیرون قصر دو شاهزاده با کلاه‌های مزین و البسه زیبا دیده می‌شوند. منظره کوه و دشت و دمن استادانه است و در گوشه راست به خط سفید رقم دارد: ابوالحسن ۱۱۸۹» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۷). برخی موضوع نگاره را قرار دادن تاج بر سر محمدشاه گورکانی و بعضی تاج‌بخشی ولیعهد توسط نادرشاه دانسته‌اند که نگارنده مبتنی بر شواهد تصویر مانند پوشاک و ویژگی‌های ظاهری، چهره گزینۀ دوم را به واقعیت نزدیک می‌داند: «به‌موجب فرمان همایون، شاهزاده رضا قلی میرزا نیز از بلخ وارد آن منزل بهجت‌نمون و تَیْمَن بَیْمَن تَقْبیلِ یَمینِ مِیمون و تَشْرُفُ بَشْرَفِ تَلْثِیم^۷ بساط سعادت مقرون جسته در غرۀ شعبان در ساعتی دور از شَنار و وبال و زمانی مَبْرَا از مشائن عَینُ الْکَمال^۸، به نیابت ایران بهره‌مند و با شاهزاده «نصرالله میرزا» به عطای جیقۀ گوهرنگار سرافراز و سربلند گشته خاقان والاگهر آن دو سرور را چنان‌که معهود ولیعهدان است به دست ایمن افسر به‌جانب ایسر زده، رضا قلی میرزا را روانۀ ایران و نصرالله میرزا را ملتزم رکاب ظفر گستر و عزم صوبۀ پرشاور^۹ نمودند» (استرآبادی، ۱۳۸۷: ۴۲۱). نادرشاه افشار با دست راست جیقۀ سمت چپ تاج ولیعهد را گرفته است: «جیقۀ بر جانب راست زدن علامت شاهی و بر جانب چپ زدن علامت شاهزادگی است» (همان). بنابراین موضوع این اثر ولایتعهدی رضا قلی میرزا است.



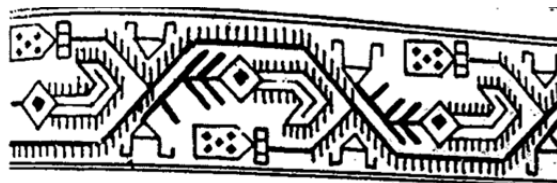
شکل ۲۵: تعیین ولیعهد توسط نادرشاه افشار، ابوالحسن غفاری، رنگ‌روغن روی بوم، موزۀ هنرهای زیبا مجموعه سعدآباد (نگارنده)

ابوالحسن در نگاره «تاج‌بخشی نادرشاه افشار» مانند نگاره «میرزا معزالدین»، فقط بخشی از حاشیه و قسمت اندکی از زمینه بافته را به تصویر کشیده است. به عبارتی دیگر در این نگاره، می‌توان حواشی باریک و پهن قالی و بخش اندکی از متن آن را به‌عنوان بافته شناسایی نمود (شکل ۲۶ بالا و پایین).



شکل ۲۶: بالا) حاشیه‌های موجود در کناره موجود در شکل ۲۵؛ پایین) طرح خطی حاشیه‌های موجود در شکل ۲۵ (نگارنده)

البته در زمینه قالی نقشی وجود ندارد؛ اما قسمتهایی از حاشیه‌ها به‌خوبی معلوم است (شکل ۲۶). حاشیه میانی از انواع حواشی شیر و شکری است (شکل ۲۷).



شکل ۲۷: حاشیه شیر و شکری (حصوری، ۱۳۸۵: ۹۶)

تصاویر برجای‌مانده از قالی‌ها و قالیچه‌های همدان نشان می‌دهد که حاشیه شیر و شکری در میان بافته‌های آن منطقه فراوان است (شکل ۲۸).



شکل ۲۸: حاشیه شیر و شکری، کار در گزین همدان (تناولی، ۱۳۷۷: ۶۱)



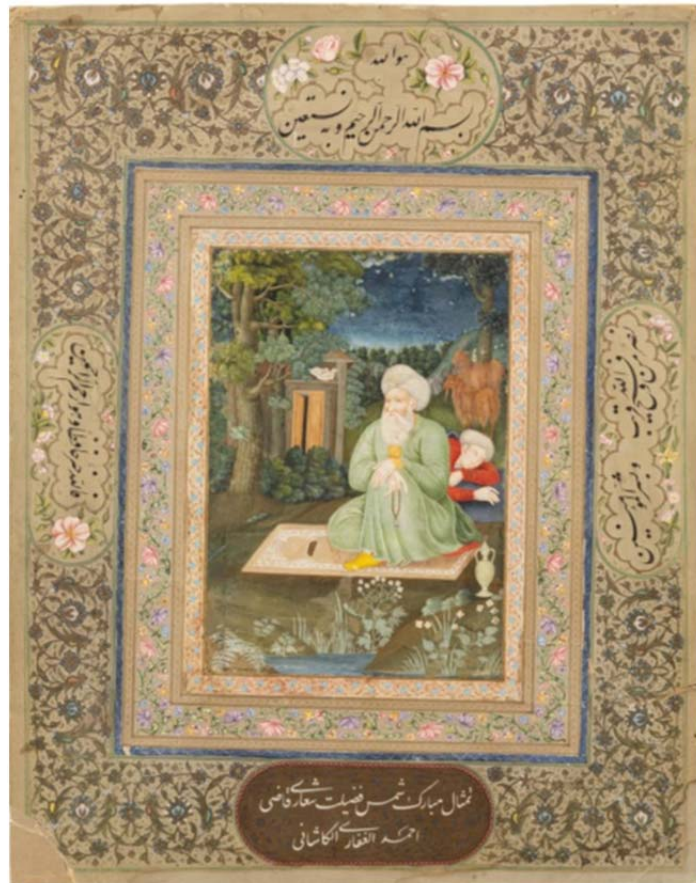
نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشانی اسنادی مصور از وجوه آشکار و پنهان... سمانه کاکاوند

حاشیه شکری در میان حواشی مناطق دیگر بافت هم دیده می‌شود: «حاشیه مهم لری شکری است که بر قالی محال اراک و قالی‌های فراوان دیگر دیده می‌شود. این حاشیه در بافته‌های دوردست‌تری تا زنگان هم دیده می‌شود» (حصوری، ۱۳۹۴: ۲۸۱). البته بخش‌هایی از استان همدان مانند ملایر، تویسرکان و نهاوند نیز لرنشین بوده و بافته‌هایشان ذیل بافته‌های لری قابل طبقه‌بندی است. علاوه بر حاشیه شکری، شاخصه دیگر قطع بافته، کناره است که از گذشته در همدان بسیار تولید می‌شده است: «در همدان و روستاهای نزدیک بدان... بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ قالی و قالیچه است که از آن میان شاید ۱۰۰۰۰ قالی و باقی قالیچه و کناره می‌باشد» (اعتمادزاده (به‌آذین)، ۲۵۳۶: ۸۵).

آیا کیفیت بافته‌های همدان به قدری خوب بوده که در بار استفاده می‌شده است؟ در دوره قاجار با رونق قالیچه‌های تصویری نام همدان در تاریخ فرش ایران بیشتر آمده است: «یکی از روستاها درگزین می‌باشد. علاوه بر اینکه بهترین قالیچه‌های تصویری همدان در این منطقه بافته شده‌اند، نام درگزین معتبرترین نام در قالی‌بافی همدان است» (صوراسرافیل، ۱۳۷۵: ۱۰۴). در تاریخ فرش، اشاره دقیقی به بافته‌های همدان در اعصار افشار و زندیه نشده است؛ از سویی دیگر شکل ۲۵ در عصر زندیه به تصویر کشیده شده است. با توجه به تناسب بافته و مضمون در آثار ابوالحسن غفاری به نظر می‌رسد رابطه معناداری میان قالی و موضوع، در این تصویر نیز وجود داشته باشد: وضعیت درگزین در عصر نادرشاه چنین بوده است که نادر پس از انتظام امور فارس در اواخر ماه شعبان (۱۱۴۲ق) از شیراز متوجه نهاوند و همدان شد و پس از شکست عثمانی‌ها در همدان، درگزینی‌هایی که از افغان‌ها حمایت نموده و در قلعه درگزین جای گرفته بودند، شکست داد و قلعه‌شان را نیز ویران نمود (اذکائی، ۱۳۷۲: ۴۰-۴۱). با توجه به شهرت قالی درگزین شاید تولیدات آن منطقه به شهرهای دیگر ایران سده دوازدهم هجری فرستاده می‌شده است. پشتوانه این ادعا به رونق قالی درگزین در عصر صفوی اشاره دارد: «قالی‌های ابریشمی همدان و درگزین [درگزین]... ۲۰۰۰ قالی بزرگ پارچه ابریشمین و به تعداد زیاد قالیچه که...» (پرها، ۱۳۹۹: ۹۴). علاوه بر قطع کناره و حاشیه شکری، رنگ نیز شاخصه مهمی است: «درگزین مهم‌ترین بخش قالی‌بافی همدان است... قالیچه‌های درگزین از دیگر قالیچه‌های منطقه همدان بهتر و پربه‌تر است... آنان برای مایه‌های مختلف آبی و سبز و سرخ به رنگ‌زان محل که نیل و روناس به کار می‌زنند رجوع می‌کنند» (اعتمادزاده (به‌آذین)، ۲۵۳۶: ۸۶). در تصویر قالی نیز رنگ سرخ و آبی دیده می‌شود.

۸۳ نگاره هشتم. قاضی احمد غفاری هشتمین اثر از میان نقاشی‌های ابوالحسن است (شکل

۲۹).



شکل ۲۹: تمثال قاضی احمد پدربزرگ نقاش، اثر ابوالحسن غفاری (URL13)

«اثر دیگر نقاش، شمایل قاضی احمد جد نقاش است که با قیافه نورانی و ریش سفید، قبای سبز پوشیده و عمامه سفید به سر گذاشته و تسبیح به دست بر روی سجاده‌ای در وسط باغ نشسته است. نوجوانی که او هم عمامه سفید به سر دارد، پشت سر پیرمرد به خواب رفته. رقم دارد (رقم کمترین ابوالحسن الغفاری المستوفی سنه ۱۲۱۲)» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۵). در شکل ۲۹ پدربزرگ نقاش روی یک قالی سجاده‌ای نشسته است. طرح سجاده، از نمونه طرح‌های اصیل محرابی عصر زندیه است. طرح محرابی کنگره‌دار عصر زندیه بر روی قالیچه سجاده‌ای دیده می‌شود (شکل ۳۰).



شکل ۳۰. بالا سمت چپ) تمثال قاضی احمد اثر ابوالحسن غفاری (URL13): بالا سمت راست) سجاده موجود در شکل ۲۹ (نگارنده): پایین) طرح خطی سجاده شکل ۲۹ (نگارنده)

قاب ترکیبی زندیه در قسمت فوقانی از ترکیب دو قوس شکل گرفته است. طرح محرابی در بسیاری از هنرهای عصر زندیه دیده می‌شود و بازتاب آن بر روی قالی، بیانگر اهمیت آن طرح است. نگاره مضمونی معنوی دارد و ابوالحسن این بار نیز طرح قالی را متناسب با موضوع نگاره طراحی کرده است. «از روزگاران دور قالیچه سجاده‌ای راستین، یا کف ساده بوده یا پیرایه‌ای اندک داشته که آن نیز از نمادهای مذهبی زیننده بوده است... در بافتن قالیچه‌های سجاده‌ای "ویژگی‌های ساختاری" کارسازتر و الزامی‌تر از ویژگی‌های نقش‌پردازی است» (پرهام، ۱۳۷۵: ۲۷). بافته موجود در تصویر از جنبه‌های گوناگونی، مهم است؛ از معدود طرح‌های سجاده‌ای و منقوش به طرح محرابی کنگره‌دار عصر زندیه است. بافته‌های سجاده‌ای کوچک و سبک هستند تا قابل حمل باشند؛ بنابراین قطعه‌ای متفاوت از سایر بافته‌های موجود در نگاره‌هاست و در طبقه سجاده‌ها قرار دارد. از سویی دیگر، رنگ‌بندی اندکی داشته و به نظر می‌رسد منحصر به رنگ طبیعی الیاف باشد.

جمع‌بندی

آثار ابوالحسن غفاری در شناخت بافته‌های سنتی عصر زندیه اهمیتی شایان توجه دارد. ویژگی‌ها و مختصات آن چون طرح و نقش، قطع و کاربرد و رنگ قابل مطالعه است. بافته‌ها در آثار ابوالحسن به‌مثابه رسانه‌ای فرهنگی و مانند سایر عناصر بصری در تصویر قلمداد می‌شوند.

- **طرح و نقش.** دو نمونه طرح لچک و ترنج متناسب با مضامین درباری و دو جُل زربفت به اقتضای دو سوار صاحب‌منصب، قاضی عبدالمطلب و کریم‌خان زند، یک غاشیه با طرح اسلیمی و درخور فضای تاریخی نقش جهان و سبک قلاب‌دوزی رشت، طرح و نقش قالی همدان در تصویر تاج‌بخشی نادرشاه و در نهایت طرح محرابی هماهنگ با فضای عارفانه نگاره قاضی احمد ظرفیت‌های قابل خوانش در حوزه طرح و نقش‌بافته‌های سنتی به‌استثنای پوشاک عصر زندیه در آثار ابوالحسن غفاری بود.
- **قطع و کاربرد.** دو نمونه کناره، یک قالیچه، دو جُل، یک غاشیه و یک سجاده در میان آثار، به‌طور تقریبی مشخص بود با این توضیح که بافته‌های دو نگاره میرمعزالدین (شکل ۵) و تاج‌بخشی نادر (شکل ۲۵) ممکن است بخشی از حاشیه قالیچه باشد.
- **رنگ.** قالیچه نگاره ضیافت شاه‌عباس دوم در دیدار با سفیر گورکانیان هند (شکل ۹) یادآور مستوره رنگی قالی‌های لهستانی است. رنگ زرد موجود در جُل‌های نگاره‌های قاضی عبدالمطلب (شکل ۱۶) و کریم‌خان زند (شکل ۲۱) نمایانگر زربفت بودن و غاشیه نگاره کریم‌خان و جلودار (شکل ۱۹) مستوره رنگی متناسب با بافت تاریخی نقش جهان را داراست. حاشیه قالی نگاره تاج‌بخشی نادرشاه نشان از رنگ‌های قالی همدان دارد. سجاده نگاره قاضی احمد غفاری خودرنگ است.
- **ارتباط مضمون و بافته.** مضامین نگاره‌ها مربوط به شخصیت‌ها یا رویدادهای تاریخی است؛ یعنی گویای پیوند دو وجه مستوفیگری و نقاشی ابوالحسن غفاری بوده و نشان از ارتباط معنادار طرح و نقش قالی و موضوع اثر دارد.
- **مناطق بافت.** سبک طراحی کاشان، رشت (قلاب‌دوزی) و همدان به ترتیب در آثار نگاره ضیافت شاه‌عباس دوم در دیدار با سفیر گورکانیان هند (شکل ۹)، کریم‌خان زند و جلودار خاصه (شکل ۱۹) و تاج‌بخشی نادرشاه (شکل ۲۵) مشخص است. به‌طورکلی نیز چهار اثر از کارهای ابوالحسن غفاری نمایانگر طرح و نقش‌بافته‌های داری هستند: نگاره میرزا معزالدین غفاری (شکل ۵)، نگاره قاضی احمد غفاری (شکل ۲۹)، نگاره ضیافت شاه‌عباس دوم در دیدار با سفیر گورکانیان هند (شکل ۹) و نقاشی تاج‌بخشی نادرشاه (شکل ۲۵). از منظر تاریخی موضوع نگاره‌ها از سه دوره صفویه، افشاریه و زندیه انتخاب شده است (جدول ۱).

۴. نتیجه‌گیری

از میان آثار هنرمندان عصر زندیه، نگاره‌های ابوالحسن غفاری به سبب گره‌خوردگی دو پیشه نقاشی و مستوفیگری اهمیت چشمگیری دارد. دقت نظر هنرمند، نشان از حساسیت او به پیرامون بوده و در بخش‌های مختلف نگاره‌ها، باریک‌بینی نقاش درک می‌شود. توجه ابوالحسن به طرح‌ها و نقوش بافته‌های عصر زندیه در نگاره‌ها حائز ارزش است. بافته‌ها در آثار ابوالحسن غفاری مانند سایر عناصر تصویری به مثابه رسانه‌ای در انتقال مفاهیم تاریخی نقش ایفا کرده‌اند؛ برای مثال قالیچه لچک‌ترنج لهستانی در نگاره شاه‌عباس دوم و سجاده در نگاره قاضی احمد. علاوه‌بر درک رابطه معنادار بافته‌ها و مضامین آثار، در اثری چون تاج‌بخشی نادر وجود کناره‌ای از درگزين هم‌مدان موجب رمزگشایی وضعیت درگزين و مردم آن دیار در عصر نادرشاه شد. از میان هشت اثر مطالعه‌شده از مجموع آثار ابوالحسن، مؤلفه مهم دیگر ارتباط بافته‌ها با مشاغل خاص در عصر زندیه است که به‌وضوح در نگاره کریم‌خان زند و جلودار خاصه عیان بود؛ غاشیه متقوش موجود در نگاره به آگاهی از پیشه غاشیه‌بری در دوره کریم‌خان آگاه و رهنمون ساخت. از دیگر وجوه شایان توجه با محوریت بافته‌ها تنوع طرح و نقش، قطع و کاربرد و رنگ منسوجات در آثار ابوالحسن غفاری بود. اگرچه ابوالحسن غفاری به مستوفیگری اشتهار بیشتری دارد؛ اما مطالعه آثار نشان از آن داشت او در نقاشی‌هایش بر تاریخ تکیه زده است. شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی به‌عنوان محور موضوعی آثارش از یک‌سو و درج نوشتار در آثار تصویری از دیگر سو، پیوند دو پیشه رسمی (تاریخ‌نگاری) و غیررسمی (نقاشی) او را عیان می‌نماید. در مجموع، مطالعه آثار ابوالحسن غفاری امکان مطالعه طرح، نقش، کاربرد و قطع و رنگ در برخی بافته‌ها و منسوجات غیرجامگانی عصر زندیه را فراهم آورد. از دیگر ابعاد مطالعه بافته‌ها پی بردن به مناطق بافت در عصر زندیه مانند کاشان و هم‌مدان در خصوص بافته‌های داری و رشت برای قلاب‌دوزی بود. از منظر تاریخی ادوار صفویه، افشاریه و زندیه محور تاریخی و کاشان، اصفهان، شیراز، حوالی کابل، مسیر منتهی به دشت مغان محور جغرافیایی آثار بودند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «نوکری که عنان اسب و غیره را گرفته مقدم آن می‌رود» (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۹۸). «نوکرها و پیاده و پادوها که آنان را اشاطر می‌گفتند» (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۳۳۷).
۲. «[کُجَ / جَ] جامه پنبه‌دار آجیده‌کرده (ناظم‌الاطباء). جامه پنبه‌دار آجیده. نیم‌آستین کوتاه‌تر از قبا که در روی قبا پوشند (ناظم‌الاطباء). (قسمی لباس که بر روی دیگر جامه‌ها پوشند؛ کوتاه‌تر از لباده و



نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشانی اسنادی مصور از وجوه آشکار و پنهان...، سمانه کاکاوند

پالتو؛ سرداری» (URL14).

۳. «اثر آیین مهر را به شکل دیگری هم در فرش ایران می‌توان دید و آن در حاشیه بسیار معروفی است که در هر گوشه ایران نامی دارد؛ اما مناسب‌ترین نام در فارس به کار می‌رود و آن دوسکومی (دوستکامی به معنی جام شراب) است» (حصوری، ۱۳۸۵: ۴۷).

۴. کناره‌های معمولی به عرض ۷۰×۱۱۰ سانتی‌متر و طول ۲۸۰ تا ۱۶۰۰ سانتی‌متر.

۵. مستوره یا جدول رنگی در نقشه قالی.

۶. پولونزی.

۷. بوسه دادن.

۸. چشم‌زخم.

۹. پیشاور.

منابع

آزند، یعقوب. (۱۳۹۸). از عاق پدر تا حاق پسر؛ کارستان هنری ابوالحسن مستوفی غفاری (حدود

۱۱۴۵-۱۲۱۲ هجری). *مطالعات عالی هنر*، (۱)، ۷-۱۷.

اذکائی، پرویز. (۱۳۷۲). *درگزین تا کاشان*. چ ۱. تهران: مؤلف.

استرآبادی، میرزا مهدی‌خان. (۱۳۸۷). *دره نادره (تاریخ عصر نادرشاه)*. به اهتمام سید جعفر شهیدی.

چ ۴. تهران: علمی و فرهنگی.

اعتمادزاده (به‌آذین)، محمود. (۲۵۳۶). *قالی ایران*. چ ۲. تهران: فرانکلین و شرکت سهامی کتاب‌های

جیبی.

پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). *دائرةالمعارف هنر (نقاشی، پیکره‌سازی، گرافیک)*. چ ۴. تهران: فرهنگ

معاصر.

پرهام، سیروس. (۱۳۷۱). *دست‌بافت‌های عشایری و روستایی فارس*. به همکاری سیاوش آزادی.

تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.

پرهام، سیروس. (۱۳۷۵). *شاهکارهای فرش‌بافی فارس*. چ ۱. تهران: سروش.

پرهام، سیروس. ۱۳۹۹. *فرش و فرش‌بافی در ایران*. چ ۱. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

تقوی بلسی، مظفر، و روشناس، محمد امید. (۱۳۹۰). *مبانی کاربردی هنرهای تجسمی*. چ ۱. تهران:

انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

تناولی، پرویز. (۱۳۷۷). *جل‌های عشایری و روستایی ایران*. چ ۱. تهران: یساولی.



- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۹۹). گنج‌شایگان. ج ۱: تهران: علم.
- چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۸). نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان. ج ۱. تهران: سروش.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن. (۱۳۸۸). *فارس‌نامه ناصری*. تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی. ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- حصوری، علی. (۱۳۸۵). *مبانی طراحی سنتی در ایران*. ج ۲. تهران: چشمه.
- داعی‌الاسلام، محمدعلی. ۱۳۶۲. فرهنگ نظام. ج ۲. تهران: دانش.
- دیماند، موریس اسون. (۱۳۶۵). *راهنمای صنایع اسلامی*. ترجمه عبدالله فریار. ج ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیولافوآ، مادام ژان. (۱۳۸۵). *ایران کلد و شوش*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. با تجدیدنظر بهرام فره‌وشی. ج ۷. تهران: دانشگاه تهران.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۶۸). *سفرنامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)*. ج ۱: تهران: توس.
- ژوله، تورج، و پرهام، سیروس. (۱۴۰۰). *گنجینه ملی فرش ایران*. ج ۱: تهران: یساولی.
- سمسار، محمدحسن. (۱۳۴۳). اهمیت اسب و تزیینات آن در ایران باستان. هنر و مردم، شماره ۲۰، ۳۲-۴۲.
- سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۵۵). پنج ابوالحسن نقاش در یک قرن. هنر و مردم، شماره ۱۶۹ و ۱۷۰، ۶۵-۶۱.
- صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۷۵). *فرش همدان*. ج ۱. تهران: مینا.
- عبدی، ناهید. (۱۴۰۱). ابوالحسن مستوفی از ورای متن و تصویر. *رهپویه هنرهای صنعتی*، شماره ۳، ۷۱-۸۳.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن. (۱۳۶۹). *گلشن مراد*. به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۱. تهران: زرین.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۶). *آثار و احوال نقاشان قدیم ایران*. ج ۱. تهران: مستوفی.
- موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمدصادق. (۱۳۹۰). *تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. ج ۵. تهران: اقبال.
- نراقی، حسن. (۱۳۴۳). *قالی کاشان*. هنر و مردم، شماره ۱۹، ۱۹-۲۳.
- نراقی، حسن. (۱۳۴۳). *قالی کاشان در قرن کنونی*. هنر و مردم، شماره ۲۰، ۹-۱۶.



وحید قزوینی، محمدطاهر. (۱۳۲۹). *عباس‌نامه*. تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان. چ ۱. اراک: داوودی (فردوسی سابق).

ورهرام، غلامرضا. ۱۳۸۵. *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند*. چ ۱. تهران: معین.

هانگلدین، آرمن. ۱۳۷۵. *قالی‌های ایرانی*. ترجمه اصغر کریمی. چ ۱. تهران: یساولی.

Diba, I., & Ekhtiar. M. (1999). *Royal Persian Paintings: The Qajar Epoch 1785-1925*, the Brooklyn Museum of Art.

URL1. <https://www.davidmus.dk/islamic-art/miniature-paintings/item/992> (Access date: 2024/01/19)

URL2. <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/archives/image/55267> (Access date: 2024/01/19)

URL3. <https://recherche.smb.museum/detail/187511/miniaturmalerei> (Access date: 2024/01/23)

URL4. <http://malekmuseum.org/artifact/> (Access date: 2024/01/20)

URL5. <https://collections.vam.ac.uk/item/O146834/carpet-border-fragment-unknown/> (Access date: 2024/01/29)

URL6. <https://images.metmuseum.org/CRDImages/is/original/DP-14131-001.jpg> (Access date: 2023/11/22)

URL7. <https://russinfo.in/blog/blog/afanasy-nikitin/> (Access date: 2024/02/10)

URL8. <http://malekmuseum.org/artifact/> (Access date: 2024/01/29)

URL9. https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/3c/Rustam_Khan_Zand.png (Access date: 2024/01/29)

URL10. <https://arrecaballo.es/siglo-xviii/imperio-persa-siglo-xviii/el-ascenso-de-karim-khan-y-los-zands-1-747-63/> (Access date: 2023/12/04)

URL11. <https://www.art.com/products/p56011484521-sa-i11224649/portrait-of-karim-khan-zand-on-horseback.htm> (Access date: 2023/11/06)

URL12. <https://collections.mfa.org/download/13926/> (2024/02/04)

URL13. <https://drouot.com/en/l/20006596-portrait-de-qazi-ahmad-ghaffar> (Access Date: 2023/10/23)

URL14. <https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/> (Access date: 2024/01/25)

References

Abdi, N. (2022). Abul Hasan Mostofi from Beyond Text and Image. *Industrial Arts*, 2(1), 71-83. doi: 10.22034/rac.2022.254559. [In Persian]

Astarābādī, M. (1962). *Dorra-ye nāderi*, ed. S. J. Šahīdī, Tehran: elmifarhangi. [In Persian]

Azhand, Y. (2019). Life and Achievements of Abul -Hasan Ghaffari Mustawfi. *advanced studies of Art*, 1: 7-17. [In Persian].

Azkai, P. 2013. *Dargazin to Kashan*. Kashan: SurehTamasha Pub. [In Persian]

Chitsazian, A.H. (2009). *Kashan Carpet, Its History & Splendor*. Soroush Press: Tehran. [In Persian]

Da'i ul-Islam, M.A. (1983). *Farhang e Nizam*, Tehran: Danesh. [In Persian]

Diba, I., & Ekhtiar, M. (1999). *Royal Persian Paintings: The Qajar Epoch 1785-1925*, the Brooklyn Museum of Art.

- Dieulafoy, J. (2006). Iran, Kaldeh & Susa, Tranlated by Ali Muhammad Farahvashi. Tehran: Tehran university. [In Persian]
- Dimand, M.S. (2004). A Handbook of Muhammadan Art, translated by Abdollah Faryar. Tehran: Elmifarhangi. [In Persian]
- Etemadzadeh (Behazin), M. (1978). *Iranian carpet*. Tehran: Franklin and Pocket Books Joint Stock Company. [In Persian]
- FASĀ'Ī HOSAYNĪ, H. M. H. (2009). *FĀRS-NĀMA-YE NĀŞERĪ, a history and geography of the province of Fārs*. Tehran: Amir kabir. [In Persian]
- Ghaffari Kashani, A. H. (1990). Gulshan Murad, Tehran: Zarin. [In Persian]
- Hangeldin, A. (1996). Persian Rugs and Carpets. Translated by asqar karimi. Tehran: Yassavoli. [In Persian].
- Hasuri, A. (2002). *Foundations of Traditional Design*. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Jamalzadeh, M. A. (2019). *Shaygan's treasure*. Tehran: Elm. [In Persian]
- Jule, T., & Parham, C. (2021). The national treasure of Persian carpets. Tehran: Yassavoli. [In Persian]
- Karimzadeh Tabrizi, M. A. (1997). The lives & art of old painters of Iran. Tehran: Mostowfi. [In Persian]
- Mousavi Nami Esfahani, M. (2011). *Tārikh-e Gitigosha Dar Tārikh-e Zandieh*. Tehran: Eghbal. [In Persian]
- Naraghi, H. (1964). Kashan carpet. *Art and people magazine*, No. 19: 23-19. [In Persian]
- Naraghi, H. (1964). Kashan carpet in the current century. *Art and people magazine*, No. 20: 16-9. [In Persian]
- Pakbaz, R. (2004). *Encyclopedia of the art of painting, sculpture, graphics*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]
- Parham, C. (1996). Masterpieces of Fars Rugs. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Parham, C. (1999). *Nomadic and rural handicrafts of Fars*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
- Perham, C. (2019). Carpet and carpet weaving in Iran. Tehran: The center of the great Islamic encyclopedia. [In Persian]
- Riahi, M. A. (1989). Iranian embassy letters (travel reports and missions of Ottoman ambassadors in Iran). Tehran: Tos. [In Persian]
- Semsar, M. H. (1964). The importance of horse and its decorations and the traditional Iran, *Art and people magazine*, No.20:32-42. [In Persian]
- Soheili Khansari, A. (1976). Five Abolhasan painters in one century. *Art and people magazine*, No. 169 – 170: 61-65. [In Persian]
- Suresrafil, S. (1996). Hamadan carpet. Tehran: Mina. [In Persian]
- Tanavoli, P. (1998). *Horse & Camel Trappings from Tribal Iran*. Tehran: Yesavali. [In Persian]
- Taqavi Belsi, M., & Roshanas, M. O. (2011). The Practical Principles Of visual arts. Tehran: Academic Jahad Publications (Tehran branch). [In Persian]
- Vahid Qazvini, M. T. (1950). Abbas nameh. Arak: Davoudi (former Ferdowsi). [In Persian]
- Warharam, G.R. (2006). The Political and social history of Iran in the Zand Period. Tehran: Moin. [In Persian]
- URL1. <https://www.davidmus.dk/islamic-art/miniature-paintings/item/992> (Access date: 2024/01/19)



نگاره‌های ابوالحسن غفاری کاشانی اسنادی مصور از وجوه آشکار و پنهان...، سمانه کاکاوند

10.22052/KASHAN.2024.254467.1104

- URL2. <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/archives/image/55267> (Access date: 2024/01/19)
- URL3. <https://recherche.smb.museum/detail/187511/miniaturmalerei> (Access date: 2024/01/23)
- URL4. <http://malekmuseum.org/artifact/> (Access date: 2024/01/20)
- URL5. <https://collections.vam.ac.uk/item/O146834/carpet-border-fragment-unknown/> (Access date: 2024/01/29)
- URL6. <https://images.metmuseum.org/CRDImages/is/original/DP-14131-001.jpg> (Access date: 2023/11/22)
- URL7. <https://russinfo.in/blog/blog/afanasy-nikitin/> (Access date: 2024/02/10)
- URL8. <http://malekmuseum.org/artifact/> (Access date: 2024/01/29)
- URL9. https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/3c/Rustam_Khan_Zand.png (Access date: 2024/01/29)
- URL10. <https://arrecaballo.es/siglo-xviii/imperio-persa-siglo-xviii/el-ascenso-de-karim-khan-y-los-zands-1-747-63/> (Access date: 2023/12/04)
- URL11. <https://www.art.com/products/p56011484521-sa-i11224649/portrait-of-karim-khan-zand-on-horseback.htm/> (Access date: 2023/11/06)
- URL12. <https://collections.mfa.org/download/13926/> (2024/02/04)
- URL13. <https://drouot.com/en/l/20006596-portrait-de-qazi-ahmad-ghaffar> (Access Date: 2023/10/23)
- URL14. <https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/> (Access date: 2024/01/25)



Abu al-Hasan Khan Ghaffari Kashani's Miniatures: Visual Documents for the Overt and Covert Aspects of Woven Products in the Zand Period

Samaneh Kakavand

Associate Professor, Department of Carpet, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran; (Corresponding Author) s.kakavand@art.ac.ir

Received: 05/12/2023

Accepted: 02/03/2024

Introduction

Abu al-Hasan Khan Ghaffari Kashani, known as Sani' al-Mulk, was an Iranian painter and historiographer in the Zand court. Ghaffari Kashani's visual works hold significance in multiple spheres. First, they bridge the gap in visual sources on woven products of the Zand period. Second, some of his works link the visual history of the Zand era with the visual arts of Kashan in the second half of the 12th century AH (17th century AD). Third, the combination of the written and the visual, rooted in Ghaffari Kashani's expertise in both historiography and painting and his reason for choosing historical themes, is one of the many characteristics that highlight the significance of studying his paintings. Given that Ghaffari Kashani's paintings are marked with *raqam* (signatures), studying his works can reveal an array of information on the original woven products of the Zand period. As a number of his works showcase the designs of the woven products in the Zand era, this study aims to explore the designs and motifs of woven products in the Zand period in Kashani's artworks. Accordingly, the designs and motifs of non-clothing textiles in Ghaffari Kashani's works were categorized and analyzed. The main research questions are: What are the designs and motifs of woven products in Ghaffari Kashani's miniatures? How can Ghaffari Kashani's works contribute to identifying the designs and motifs of Persian rugs in the Zand period?

Research Method

This theoretical basic research sought to explore the overt and covert layers of non-clothing textiles in Ghaffari Kashani's works in order to determine the characteristics of these woven products. In this descriptive-analytical study that a part of Zand art in its historical context was explored, the written and visual data were collected through library and documentary research. The observational field research was conducted online and at the Malek National Museum and Library in Tehran. A total of eight works by Ghaffari Kashani were selected through



purposeful sampling, based on the criterion of non-clothing textiles. Accordingly, the miniatures selected for analysis were *Karim Khan Zand with the Ottoman Ambassador Vehbi Effendi*, *Mirza Moez ad-Din*, *Abbas II of Persia and the Mughal Ambassador*, *Qazi Abd al-Mutallib*, *Karim Khan Zand with His Horse and Groom*, *Karim Khan Zand on Horseback*, *The Investiture of the Crown Prince Reza Qoli Mirza, by his Father*, *Nader Shah Afshar*, and *Portrait de Qazi Ahmad Ghaffari*.

Research Findings

Ghaffari Kashani's works have a crucial role in identifying the traditional woven products of the Zand period. Designs, motifs, sizes, applications, and colors are among the characteristics that can be studied. Woven products in his works are depicted as cultural media similar to other visual elements in the paintings. The analysis revealed the following designs and motifs on woven products, excluding clothing, in the Zand period in Ghaffari Kashani's works. There are two instances of *lachak and toranj* [medallion and corner] designs, befitting the theme of court. There are two instances of *zarbaft jol* [gold brocade cherry laurel] designs for the two high-level officials, namely Qazi Abd al-Mutallib and Karim Khan Zand. There is one instance of a *ghayeshesh* with arabesque design, appropriate for the historical context of Naqsh-e Jahan Square and Rashti-style crochet, and Hamedan rug design in *The Investiture of the Crown Prince Reza Qoli Mirza, by his Father, Nader Shah Afshar*. Finally, there is a *mehrab* design, fit for the mystical atmosphere, in *Portrait de Qazi Ahmad Ghaffari*.

Two instances of side carpets, a rug, two jols, a ghayeshesh, and a prayer rug were half visible in the selected works. The woven works in miniatures of *Mirza Moez al-Din* and *The Investiture of the Crown Prince Reza Qoli Mirza, by his Father, Nader Shah Afshar* may have been parts of the margins of rugs.

The color of the rug in *Abbas II of Persia and the Mughal Ambassador* is reminiscent of the colorful pattern of Polish rugs. The yellow color on the jols in the miniatures of *Qazi Abd al-Mutallib and Karim Khan Zand* represents gold brocades. Moreover, the color of the ghayeshesh in *Karim Khan Zand and his Groom* typifies the color fit for the historical context of Naqsh-e Jahan. The margins of the rug in *The Investiture of the Crown Prince Reza Qoli Mirza, by his Father, Nader Shah Afshar* indicate the colors of Hamedan's rugs. The prayer rug in *Portrait de Qazi Ahmad Ghaffari* has its natural color--i.e., its fabric is not dyed.

The themes and woven products seem interrelated. The themes were linked with the figures or the historical events illustrated in the miniatures. They demonstrate Ghaffari Kashani's both roles as a court secretary (mustawfi) and a painter. This also indicates a meaningful relationship between the designs of the rugs and the themes of the works.

The design styles of Kashan, Rasht (crochet), and Hamedan were observed in *Abbas II of Persia and the Mughal Ambassador*, *Karim Khan Zand with His Horse and Groom*, and *The Investiture of the Crown Prince Reza Qoli Mirza, by his Father, Nader Shah Afshar*. Overall, four of the selected works depict designs and motifs found on loom-made woven products: *Mirza Moez al-Din*, *Portrait de Qazi Ahmad Ghaffari*, *Abbas II of Persia and the Mughal Ambassador* and *The Investiture of the Crown Prince Reza Qoli Mirza, by his Father, Nader Shah Afshar*. From a historical viewpoint, the subject matter of these miniatures was selected from the Safavid, the Afsharid, and the Zand periods.



Conclusion

Like other visual elements in Ghaffari Kashani's works, woven products function as media conveying historical concepts. In addition to the meaningful relationship of the woven products and the themes of the works, the relationship of the woven products with certain occupations in the Zand period was another finding in this study. This notion was evident in *Karim Khan Zand with His Horse and Groom* as the designed ghayeshe portrays the occupation of *ghayeshchbari* during Karim Khan Zand's rule. The woven products depicted in the works of Ghaffari Kashani varied in designs and motifs, sizes, applications, and colors. The results showed that although Ghaffari Kashani was more reputed as the court secretary (*mustawfi*), he attempted to incorporate history in his paintings. The historical figures and events, as the subject matters of his works, along with addition of written descriptions on his paintings, indicated the link between his official profession (historiography) and his side job (painting). To sum up, the analysis of Ghaffari Kashani's works revealed useful information about the designs, motifs, applications, sizes, and the colors of woven products and non-clothing textiles in the Zand period. Moreover, it shed light on the place of origin of the woven products during the Zand era: Kashan and Hamedan for loom-made products and Rasht for crochet. The Safavid, the Afsharid, and the Zand periods were the historical periods and Kashan, Isfahan, Shiraz, the environs of Kabul, and the route to the Mughan Plain were the geographical centers in the selected paintings.

Keywords: the Zand period, Abu'l Hasan Ghaffari Kashani, Kashan textiles, designs and motifs in non-clothing textiles.

بررسی خاصیت ضدباکتریایی نخ پشمی رنگ‌ریخته شده با پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری کاشان

سعیده رفیعی*

چکیده

در این پژوهش قابلیت رنگ‌دهی و خاصیت ضد باکتریال پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری کاشان بر روی نخ پشمی ارزیابی شد. پسماند گل محمدی ماده‌ای زائد است که در حجم وسیعی در طی عملیات گلاب‌گیری تولید می‌شود و دفع آن هزینه‌های قابل توجهی را به صنعت گلاب‌گیری کاشان وارد می‌نماید. از سوی دیگر، سطح منسوجات با الیاف طبیعی از جمله فرش‌های دستباف در حضور رطوبت و حرارت، در معرض رشد و تکثیر باکتری‌ها قرار گرفته و منجر به ایجاد مشکلاتی در دوام، زیبایی ظاهری و بهداشت کالا می‌شود. در این تحقیق علاوه بر ارزیابی مشخصه‌های رنگی و ثبات نوری پشم رنگ‌ریخته شده با عصاره آبی و الکلی پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری، مقایسه اثر ضدباکتری آن‌ها بر روی دو باکتری گرم مثبت استافیلوکوکوس اورئوس و گرم منفی اشرشیا کلی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که تمام نمونه‌های رنگ‌شده میزان a^* و b^* مثبت داشتند که بیانگر فام قرمز و زرد آن‌هاست. بر طبق یافته‌های این مطالعه، استفاده از عصاره‌های رنگی مستخرج از پسماند گل محمدی، قدرت رنگی و ثبات‌های عمومی مناسبی را بر روی نخ پشمی ایجاد می‌کند. علاوه بر این، نتایج ارزیابی فیتوشیمیایی و ضدباکتری اثبات کرد که این رنگ‌زا به علت دارا بودن ترکیبات فلاونوئیدی از جمله سیانیدین دی‌گلوکزید می‌تواند عاملی امیدبخش در پیشگیری از بیماری‌های عفونی ناشی از باکتری‌های *E.coli* و *S.areuse* باشد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که عصاره اتانولی و متانولی رنگ‌زای مذکور به ترتیب در بخش ثبات نوری، اثر ضد باکتریال و قدرت رنگی قوی‌تر عمل کرده است.

کلیدواژه‌ها: رنگ‌ریزی طبیعی، پشم، پسماند گل محمدی، خاصیت ضد باکتری، سیانیدین دی‌گلوکزید.

* استادیار گروه فرش، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران، s_rafeei@shirazartu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

۱. مقدمه

کاربرد مواد رنگ‌زای طبیعی از دیرباز نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی بشر داشته است. یکی از کاربردهای مهم این مواد، رنگ‌رزی قالی‌های دستباف است که یکی از شاخصه‌های مهم فرش ایرانی به شمار می‌رود. ارزشمندترین دست‌بافته‌ها چنانچه با رنگ مرغوبی رنگ‌رزی نشده باشند، در مدت‌زمان کوتاهی تحت‌تأثیر عوامل محیطی مانند نور و رطوبت و یا بر اثر شست‌وشو و سایش، دچار رنگ‌پریدگی و عدم یکنواختی می‌شوند (شمس ناتری و ویسیان، ۱۴۰۰: ۳۳، صوراسرافیل، ۱۳۷۸). از طرفی دیگر، استفاده بی‌رویه از رنگ‌زاهای شیمیایی در صنایع نساجی آلودگی شدید محیط‌زیست را در پی دارد. استفاده از گیاهان با قابلیت رنگ‌دهی مناسب می‌تواند در کاهش این ضایعات و خطرات مؤثر باشد. از این رو گسترش تولید و استفاده از رنگ‌زاهای طبیعی بومی کشور، از یک سو می‌تواند از خروج ارز برای تهیه رنگ‌زاهای شیمیایی بکاهد و از سوی دیگر با ارتقای کیفیت دست‌بافته‌ها، بازار جهانی فرش ایرانی را دوباره پروتق کند (جهانشاهی افشار، ۱۳۷۵: ۲۵۵).

یکی از مهم‌ترین معضلات در مصرف رنگ‌زاهای طبیعی به‌جای رنگ‌زاهای مضر شیمیایی، محدودیت و کم بودن انواع گیاهان رنگ‌زاست. در سال‌های اخیر رنگ‌زاهای طبیعی جدیدی برای پر کردن این خلأ شناسایی و معرفی شده‌اند؛ اما کاربرد اغلب آن‌ها در حد تحقیقات آزمایشگاهی باقی مانده است؛ زیرا تولید و استخراج این رنگ‌زاهای محدود و گاه هزینه‌بر است.

پسماند گل محمدی ماده‌ای زائد است که هر ساله در پی عملیات گلاب‌گیری در حجم وسیعی تولید و دور ریخته می‌شود؛ بنابراین انتقال و دفع آن با مشکلات و هزینه‌های زیادی توأم است که سبب افزایش هزینه‌های تولید و عرضه گلاب می‌گردد. از سوی دیگر، در حال حاضر عمده‌ترین مصرف پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری، استفاده از آن به‌عنوان قالب‌های خشتی در سوخت اجاق است. استفاده از پسماند گل محمدی به‌عنوان رنگ‌زایی طبیعی برای ایجاد رنگ‌های طیف زرد، طلایی و نارنجی، نه تنها مشکلات و هزینه‌های ناشی از دفع این ضایعات را کاهش می‌دهد، بلکه قادر است منبع درآمد جدیدی برای شاغلان حوزه گلاب‌گیری بوده و به حفظ محیط‌زیست نیز کمک کند (شاهپروری و بصام، ۱۳۹۰).

گل محمدی با نام علمی *Rosa damascena* Mill از خانواده *Rosaceae* و از جنس *Rosa* است که براساس یافته‌های تاریخی، نخستین رویشگاه آن خاورمیانه به‌ویژه ایران است. در آغاز سده هفدهم میلادی، گل سرخ ایران به هندوستان، شمال آفریقا و ترکیه و بعد به بلغارستان برده شد و

کاشت آن گسترش یافت (سفیدکن و همکاران، ۱۳۸۵: ۲). گل محمدی در حجم وسیعی در بسیاری از نقاط ایران اعم از کاشان، کرمان، تبریز و فارس به منظور تهیه گلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو با نام «گل گلاب» نیز شناخته می‌شود (همان‌جا). علاوه بر این، گل محمدی به دلیل عطر و طعم خوشایند خود، در صنایع عطرسازی، اسانس‌گیری و آشپزی مورد استفاده قرار گرفته و از دیدگاه طب سنتی نیز به‌عنوان یک گیاه دارویی دارای خواص ضدالتهاب، ضد عفونی‌کننده، ضد اضطراب و آرام‌بخش، ضد اسپاسم، تقویت سیستم ایمنی، ضد اکسیدان و تسکین درد شناخته می‌شود (غلامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

قابلیت رنگ‌دهی گلبرگ گل محمدی بر روی الیاف طبیعی قبلاً مورد تحقیق قرار گرفته و اثبات شده است (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۸۶؛ برزویی و اکبری، ۱۳۹۴: ۱)؛ اما از آنجاکه گلبرگ گل محمدی در صنایع اسانس و عطر مصرف قابل توجهی دارد، استفاده از آن به‌عنوان رنگ‌زا توجیه اقتصادی ندارد.

مولکول رنگدانه‌های موجود در اغلب میوه‌ها و گل‌ها از جمله گل سرخ، بر پایه سیانیدین^۱ است که در فرم طبیعی خود با اتصال به مولکول‌های قند به صورت آنتوسیانیدین^۲ حضور دارند. رنگینه موجود در گلبرگ‌های گل سرخ سیانیدین دی‌گلوکزید است (شکل ۱) که در گونه‌های مختلف گل، نوع گروه‌های قند متصل و مکان‌های اتصال آن‌ها متفاوت‌اند (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۰). عصاره‌گیری از گیاهان رنگ‌زا، گامی کلیدی در افزایش کیفیت رنگرزی و خواص تکمیلی ترکیبات مؤثر گیاه است؛ بنابراین انتخاب روش مناسب عصاره‌گیری می‌تواند کارایی استخراج مواد مؤثر موجود در گیاه را به‌طور چشمگیری افزایش دهد (Halawani, 2014: 2359; Yassa et al., 2009).

سطح منسوجات در حضور رطوبت و حرارت، سبب رشد و تکثیر باکتری‌ها می‌شود که سبب بوی بد، لکه، رنگ‌پریدگی، کاهش استحکام و افزایش عفونت پوستی مصرف‌کننده می‌شود (Ahmadi & Gholami Houjehgan, 2022). فرش‌های بافته‌شده با الیاف یکی از منسوجات مصرفی و تزئینی پرکاربرد است که همواره در معرض آلودگی‌های گوناگون از قبیل میکروب‌ها، قارچ‌ها، باکتری‌ها و بوی نامطبوع قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، مسئله شست‌وشوی فرش‌ها نیز به‌دفعات، باعث صرف هزینه بالا و کاهش عمر مفید فرش خواهد شد. رشد میکروارگانیسم‌ها بر روی فرش منجر به ایجاد مشکلاتی در زیبایی ظاهری و بهداشت کالا و در مواردی لکه‌گذاری

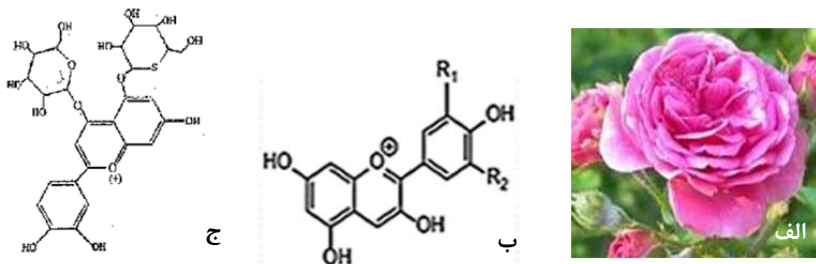
می‌شود. مشکل‌سازترین میکروارگانیزم‌ها قارچ‌ها و باکتری‌ها هستند. تحت شرایط بسیار مرطوب، کپک‌ها نیز می‌توانند روی منسوجات رشد کنند که به‌عنوان منابع تغذیه برای قارچ‌ها و باکتری‌ها عمل می‌کنند (Shindler, 2010). از این رو مسئله ضد میکروب کردن منسوجات از جمله فرش در دهه اخیر مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است.

به‌طور کلی ترکیبات ضد میکروبی مورد استفاده در صنایع مختلف، ریشه شیمیایی دارند و می‌توانند به منسوج، مصرف‌کننده و محیط‌زیست آسیب وارد کنند؛ درحالی‌که رنگ‌رزی طبیعی با برخی ترکیبات گیاهی می‌تواند خواص ضدباکتری، ضد میکروبی و ضدقارچ را بدون آسیب به محیط‌زیست حاصل نماید (منتظر و همکاران، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های محدودی در زمینه رنگ‌رزی الیاف طبیعی با رنگ‌زای گیاهی برگ گل محمدی موجود است (شاهپروری و بصام، ۱۳۹۰؛ شمس ناتری و همکاران، ۱۳۸۶ الف). از سوی دیگر، پژوهش‌های متعددی در زمینه خواص ضدباکتریال و آنتی‌اکسیدانی این گیاه در پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها انجام شده (صادقیان و همکاران، ۱۳۸۶؛ Salman et al., 2023)، درحالی‌که ارزیابی خواص ضدباکتری و ضدقارچ این گیاه بر روی منسوجات رنگ‌شده مطالعه‌ای صورت نگرفته است.

در صورت اثبات امکان استخراج رنگ‌زایی با قدرت رنگی بالا و تنوع طیف رنگی قابل قبول از پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری و همچنین اثبات خواص ثانویه آن از جمله خاصیت ضدباکتریایی، رنگ‌زایی نوین و کاربردی با حداقل هزینه تولید به صنعت قالی‌بافی معرفی می‌شود که استفاده از آن به‌عنوان رنگ‌زا بسیار مقرون‌به‌صرفه‌تر از گلبرگ گل محمدی است.

در پژوهش حاضر، با محوریت قرار دادن پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری به‌عنوان رنگ‌زا، مشخصه‌های رنگی و اثر ضدباکتریایی منسوج رنگ‌رزی شده با این رنگ‌زا بر روی دو باکتری گرم مثبت استافیلوکوکوس اورئوس و گرم منفی اشرشیا کلی به نمایندگی از باکتری‌های بیماری‌زای انسانی مورد بررسی قرار گرفت.



شکل ۱: نمایش ساختاری: الف. گل محمدی (رز)؛ ب. آنتوسیانین؛ ج. سیانیدین دی گلوکزید (ماده مؤثر گلبرگ گل محمدی)

۲. روش تحقیق

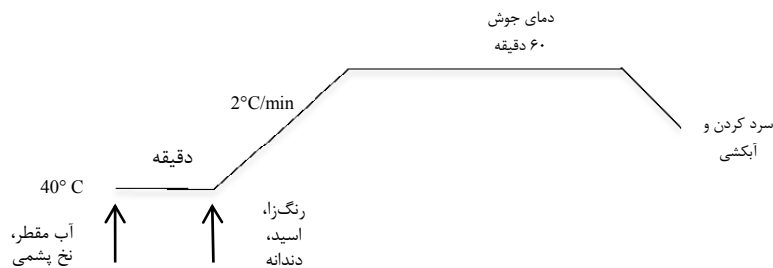
رنگزای مورد استفاده در این پژوهش عبارت است از پسماند گل محمدی مورد استفاده در گلاب گیری که در زمان گلاب گیری از کاشان تهیه می شود و به صورت پودر درمی آید (شکل ۱). علاوه بر این، الیاف پشمی ایرانی با نمرة ۴/۵ متریک و ۶۵ تاب در متر مورد استفاده قرار گرفت. شوینده غیر یونی 100-X Triton با خلوص ۱۰۰٪، دندانه آلومینیوم یا زاج سفید، اگزالیک اسید با خلوص ۱۰۰٪ و حلال های قلیایی اتانول و متانول با خلوص ۱۰۰٪ از شرکت مرک آلمان تهیه شدند. از کاغذ صافی ورقه ای با تخلخل ۱۱ میکرون استفاده شد و تست ضدباکتری با استفاده از دو باکتری اشرشیا کلی و استافیلو کوکوس اورئوس طبق استاندارد ۱۰۰ AA T CC انجام شد. تمام مواد شیمیایی و معرف های مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل ماده مؤثر سیانیدین دی گلوکزید و استاندارد آن از سیگما آلدریچ (دیزنهوفن، آلمان) خریداری شد. استونیتریل درجه HPLC، آب و اسید تری فلورواستیک از Merck (دارمشتات، آلمان) تهیه شد.

بن ماری ساخت فن آزماگستر ایران برای تأمین حرارت حمام رنگرزی مورد استفاده قرار گرفت. از ترازوی AND مدل DJ-V300A برای اندازه گیری نمونه ها و رنگ زها استفاده شد. در بخش ارزیابی ثبات الیاف رنگ شده، دستگاه ثبات سنج نوری ریس سنج مدل RSX92 برای سنجش ثبات نوری نمونه های رنگ شده و کابینت نوری مدل ICS-TEXICON با ۴ منبع نوری متفاوت به منظور ارزیابی بصری نمونه های رنگی استفاده شد. دستگاه اسپکتروفوتومتر انعکاسی ساخت شرکت GretagMacbeth مدل Color-Eye AV۰۰۰ برای اندازه گیری مشخصه های رنگی و روشنایی الیاف رنگ شده تحت منبع نوری D65 و زاویه مشاهده کننده ۱۰ درجه و در فضای رنگی $L^* a^* b^*$ مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از دستگاه های کروماتوگرافی گازی-

طیف‌سنجی جرمی (GC-MS) مدل GC-MSD ساخت شرکت Agilent Technologies و کروماتوگرافی مایع با کارایی بالا (HPLC) High Performance Liquid Chromatography مدل AZURA ساخت شرکت KNAUER آلمان برای اندازه‌گیری مواد مؤثر موجود در پسماند گلبرگ گل محمدی استفاده شده در گلاب‌گیری مورد استفاده قرار گرفت.

۳. مراحل آزمایش

در طراحی این آزمایش با توجه به محاسبات انجام شده $L:R=1:40$ در نظر گرفته شد که نسبت حجم مایع رنگرزی به وزن کالا^۳ نام دارد. در هر حمام رنگرزی با دندان‌های فلزی مختلف، حجم کالا (الیاف مذکور) ۲ گرم در نظر گرفته و با توجه به آن مقدار اسید، دندان‌ها و آب محاسبه شد. مابقی حجم حمام را ۳ درصد اسید اگزالیک، ۵ درصد دندان سولفات آلومینیوم، ۳۰ درصد رنگزای مورد نظر و آب تشکیل داد. نخ پشمی مورد نظر برای سهولت در رنگرزی و از بین بردن آلودگی‌های آن، پیش از رنگرزی با شوینده شست‌وشو داده و آبگیری شد؛ سپس حمام‌های مورد نظر را آماده کرده، به مدت ۹۰ دقیقه در بن‌ماری با دمای جوش (مطابق شکل ۲) قرار گرفت و به‌منظور یکنواختی در رنگرزی نیز هر ۱۵ دقیقه یک بار حمام به هم زده شد (رفیعی، ۱۴۰۱: ۱).



شکل ۲: منحنی رنگرزی نخ پشمی با رنگزای حاصل از پسماند گل محمدی

در مرحلهٔ عصاره‌گیری رنگرزی، برای کاهش میزان خطای ناشی از میزان رنگزای موجود در پسماند گلبرگ گل محمدی و افزایش بازده رنگی آن، عملیات استخراج مادهٔ رنگزا با سه حلال آب، اتانول و متانول به‌منظور ارزیابی و انتخاب بهترین حلال (هم از جهت قدرت و ثبات رنگی و هم خاصیت ضدباکتری) انجام شد؛ به این صورت که پسماند خشک و پودر شده از الک با مش ۴ عبور داده شد و سپس به‌منظور استخراج عصاره، از روش پرکولاسیون (خیساندن) استفاده شد. برای تهیهٔ عصارهٔ آبی گل محمدی برای رنگرزی ۳۰ میلی‌لیتر آب مقطر به ۳ گرم پودر رنگزا اضافه

گردید و به مدت ۲۴ ساعت بر روی همزن مغناطیسی قرار گرفت. محلول مورد نظر برای حذف ذرات بزرگتر دکانته و ذرات کوچکتر با عبور از صافی غشائی $0.45 \mu\text{m}$ حذف شدند. عصاره حاصل تغلیظ گردید. عصاره‌های الکلی (اتانولی و متانولی) به روش برگشتی در دستگاه سوکسله تهیه شد. در این روش، اتانول و متانول به شیوه برگشتی و به عنوان حلال تحت فشار کم در یک دستگاه چرخشی تبخیر گردید تا عصاره حاصل گردد. بخش اعظم حلال‌ها با استفاده از دستگاه تبخیرگردان چرخنده (روتاری) حذف شد. عصاره تغلیظ شده در سطح پلیت‌های شیشه‌ای به صورت ورقه نازک پخش و آن‌گاه به آن تحت خلأ با دمای 25°C منتقل شدند تا باقی مانده حلال هم حذف گردد. به این ترتیب اثر کشندگی و ضدباکتریایی ذاتی حلال‌های اتانول و متانول در نتیجه نهایی بی تأثیر می‌شود. پس از خشک شدن، عصاره‌ها به وسیله تیغه فلزی از روی سطح پلیت‌های شیشه‌ای خراش داده و تا رسیدن به وزن ثابت خشک، در دسیکاتور قرار گرفتند. برای اندازه‌گیری میزان ماده استخراجی بازده استخراج، ابتدا وزن پلیت خالی محاسبه و سپس ۱ میلی‌لیتر از عصاره آبی یا الکلی به پلیت اضافه گردید و در دمای اتاق خشک شد. بعد از خشک شدن، وزن پلیت حاوی عصاره اندازه‌گیری و اختلاف وزن آن‌ها محاسبه شد. میانگین حاصل از ۳ تکرار به عنوان وزن خشک عصاره گزارش گردید (جدول ۱).

جدول ۱: تأثیر حلال‌های مختلف بر بازده استخراج رنگزای گلبرگ گل محمدی

نوع حلال	درصد استخراج
آب	۴۸
اتانول	۶۴
متانول	۵۹

رنگرزی در L:R ذکر شده در حمام رنگرزی حاوی اگزالیک اسید، دندانه آلومینیوم، عصاره‌های پسماند گل محمدی و در دمای 100°C در بن ماری به مدت ۹۰ دقیقه صورت گرفت (شکل ۲). در مرحله آزمایش خاصیت ضدباکتریال رنگزای مذکور، ابتدا دو نوع میکروب اشرشیا کلی^۴ و استافیلوکوکوس اورئوس^۵ که منشأ عفونت بوده، انتخاب و سپس کشت میکروب انجام شد. برای این منظور ابتدا ظروف آزمایش در دمای 121°C اتوکلاو سترون شد؛ سپس حجم‌های یکسان از هر سوسپانسیون باکتریایی شامل 10^5CFU/ml در لوله آزمایش روی نمونه‌ها ریخته و در شرایط انکوباتور و در دمای 37°C و به مدت ۲۴ ساعت قرار گرفت. پس از آن، با استفاده از پیت پاستور، میزان یکسانی از هر باکتری و محیط کشت نوترینت آگار در داخل پلیت‌ها ریخته و با حرکت

دورانی کاملاً مخلوط شد. مقدار ۰/۰۳ گرم از نخ پشمی رنگ‌رزی شده با رنگ‌زای مورد بحث در ۱۵۰۰ میکرولیتر سرم حاوی باکتری استافیلو کوکوس اورئوس و اشرشیا کلی به مدت ۲۴ ساعت شیک گردید و سپس با روش رقت‌سازی در پلیت‌های حاوی نوترینت آگار کشت داده شدند و سپس با دستگاه کلنی کانتر کلونی‌های شمارش گردید.

به منظور بررسی اثرات ضدباکتریایی عصاره‌های آبی و الکلی تهیه شده از گل محمدی از روش انتشار در آگار استفاده شد. در این روش مقدار ۲۰ μ l از عصاره‌ها به دیسک‌های بلانک اضافه گردید. بعد از فروردن سواب استریل در محلول باکتری مد نظر، باکتری در تمام سطح پلیت حاوی محیط مولر هیتون آگار کشت داده شد. سپس با استفاده از پنس استریل دیسک‌های آغشته به عصاره‌های گل محمدی در سطح محیط کشت قرار گرفته و پلیت‌ها در دمای 37°C به مدت ۲۴ ساعت گرمخانه‌گذاری شد؛ پس از آن با استفاده از خط‌کش دقیق قطر هاله‌های عدم رشد برحسب میلی‌متر اندازه‌گیری شد. این روش آنالیز آنتی‌باکتریال تعیین قطر هاله عدم رشد یا دیسک دیفیوژن نام دارد. به منظور سنجش مواد سازنده عصاره‌های رنگ‌زا فرایند استخراج و جداسازی برای استفاده در کروماتوگرافی به شرح زیر انجام شد: ۰/۵ گرم از رنگ‌زای خشک و پودر شده به مدت یک شب در ۲۵ میلی‌لیتر اتانول، متانول و آب (1:50, w/v) خیسانده و سپس عصاره‌ها فیلتر شدند. این روش دو بار دیگر با حلال تازه تا به دست آوردن فیلتر کافی تکرار شد؛ سپس عصاره‌ها با استفاده از اوپراتور چرخشی در دمای 40°C تغلیظ شدند تا بقایای جامد به دست آید. در نهایت عصاره‌های خام به دست آمده با روش‌های HPLC و GC-Mass آنالیز شدند.

کمی‌سازی ماده مؤثر گلبرگ محمدی (سیانیدین دی‌گلوکزید) در عصاره‌ها با استفاده از سیستم HPLC Infinity Agilent 1260 (ایالات متحده آمریکا) مجهز به پمپ انتقال حلال، گاززدا، نمونه‌گیری خودکار و Photo Diode Array detector انجام شد. برای ثبت کروماتوگرام از نرم‌افزار Chemstation استفاده شد. ستون zorbax C18 برای تجزیه و تحلیل استفاده شد. فاز متحرک شامل حلال A (آب + ۰/۱٪ تری فلئورواستیک اسید) و حلال B (استونیتریل + ۰/۱٪ TFA) استفاده شد.

۴. نتایج

در ابتدا، نخ پشمی رنگ‌رزی شده با عصاره‌های آبی و الکلی پسماند گل محمدی، برای بررسی مشخصه‌های رنگی ایجاد شده به وسیله دستگاه اسپکتروفوتومتر انعکاسی مورد ارزیابی و

رنگ‌سنجی قرار گرفتند. در این مرحله پارامترهای رنگی a^* و b^* و L^* که به ترتیب عبارت‌اند از میزان سبزی یا قرمزی، میزان زردیت یا آبی و درصد روشنایی الیاف رنگ‌شده، به‌وسیله این دستگاه بررسی شد. نتایج در شکل ۳ قابل مشاهده است.



شکل ۳: تالیته‌های رنگی ایجادشده بر روی پشم با: الف. عصاره آبی، ب. عصاره اتانولی و پ. عصاره متانولی پسماند گل محمدی در حضور دندانه آلومینیوم

مؤلفه‌های رنگی و منحنی انعکاس نمونه‌ها در بازه ۴۰۰ تا ۷۰۰ نانومتر با فواصل ۱۰ نانومتری اندازه‌گیری و قدرت رنگی نمونه‌ها براساس معادله کیولکا مانک^۶ با تکنیک انعکاسی Perkin Elmer در λ_{max} (طول موج بیشینه جذب ۴۰۰ نانومتر) براساس رابطه زیر به دست آمد:

$$K/s = \frac{(1-R)^2}{2R} \quad (1)$$

در این رابطه K ضریب جذب، S ضریب انتشار و R کمترین مقدار انعکاس هر نمونه (بیشترین مقدار جذب) در محدوده طول موج مرئی ۴۰۰ تا ۷۰۰ نانومتر است. همچنین بیانگر بیشترین طول موج مختص به هر فام رنگی است که در محدوده طول موج مرئی ۴۰۰ تا ۷۰۰ نانومتر ظاهر می‌شود. قدرت رنگی پشم رنگرزی شده با عصاره‌های آبی و الکلی رنگ‌زای مورد نظر به هر دو حالت گلبرگ و پسماند گلبرگ گل محمدی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: مقایسه قدرت رنگی عصاره‌های آبی و الکلی گلبرگ و پسماند گل محمدی در طول موج ۴۰۰ نانومتر

نمونه	پسماند گلبرگ محمدی (K/S)	گلبرگ محمدی (K/S)	رنگ
پشم	۴/۳۶	۵/۲۶	عصاره آبی
پشم	۱۱/۶۲	۱۱/۱۳	عصاره اتانولی
پشم	۱۵/۴۶	۱۶/۰۲	عصاره متانولی

میزان مشخصه‌های رنگی نخ پشمی رنگرزی شده با عصاره‌های آبی و الکلی رنگ‌زای مذکور در جدول ۳ گزارش شده است. برای این منظور، ۱۰ نقطه متفاوت از سطح رنگ‌شده هر یک از نمونه‌ها به‌وسیله اسپکتروفوتومتر انعکاسی ارزیابی شدند و میانگین مشخصه‌های رنگی a^* ، b^* و L^* برای نمونه‌های ذکر شده در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳: مقایسه پارامترهای رنگی (a* b* L*) نخ پشمی رنگ‌شده با عصاره‌های پسماند گل محمدی

نمونه	رنگ	a* (میانگین)	b* (میانگین)	L* (میانگین)
پشم	عصاره آبی	۰/۰۹	۵۳/۰۸	۸۱/۲۳
پشم	عصاره اتانولی	۱/۴۰	۶۰/۲۹	۷۸/۵۱
پشم	عصاره متانولی	۲/۶۰	۳۹/۰۲	۷۳/۳۳

برای اندازه‌گیری ثبات نوری، نخ پشمی رنگ‌گزی شده با رنگ‌زای مستخرج از پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری، پس از شست‌وشو به مدت ۷۲ ساعت در دستگاه ثبات نوری قرار گرفته و ثبات نوری آن‌ها اندازه‌گیری شد. سپس اختلاف درصد روشنایی و رنگ نمونه‌های قرارگرفته در معرض نور با قسمت‌های پوشیده‌شده در برابر نور (نمونه شاهد) مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن رنگ نمونه‌ها را مجدد به وسیله دستگاه سنجش رنگ مورد بررسی قرار داده و تغییرات درصد روشنایی آن‌ها بررسی و ثبات نوری به صورت کمی برطبق استاندارد ISO 105-B01: 2010 و به وسیله معیار آبی اندازه‌گیری و در جدول ۳ گزارش شد.

جدول ۳: مقایسه روشنایی (L*) نمونه‌ها قبل و بعد از تابش نور برای تشخیص ثبات نوری

نمونه	رنگ	ثبات نوری	L* قبل از تابش نور	L* بعد از تابش نور
پشم	عصاره آبی	۵-۴	۸۱/۲۳	۶۴/۳۲
پشم	عصاره اتانولی	۵	۷۸/۵۱	۷۰/۱۳
پشم	عصاره متانولی	۵-۴	۷۳/۳۳	۶۷/۷۳

برای تست خاصیت ضدباکتریایی الیاف رنگ‌شده، ابتدا دو نوع باکتری اشرشیا کلی و استافیلو کوکوس اورئوس که منشأ عفونت بوده، انتخاب شدند و مورد کشت قرار گرفتند. نتایج حاصل از کشت انواع میکروب‌ها روی تمام نمونه‌ها به صورت درصد بازداری و با استفاده از فرمول زیر محاسبه شده است:

$$\text{Reduction rate \%} = \frac{(A - B)}{A} \times 100 \quad (2)$$

A = تعداد کلنی باکتری اولیه؛

B = تعداد کلنی باکتری بعد از ۲۴ ساعت.

بررسی تأثیر رنگزای حاصل از پسماند گل محمدی بر روی درصد بازداری رشد باکتری برای دو باکتری مورد آزمایش قرار گرفته است. جدول ۴ خاصیت ضدباکتریایی عصاره‌های آبی، اتانولی و متانولی پسماند گل محمدی را به روش اندازه‌گیری میانگین قطر هاله عدم رشد باکتری برای هر دو باکتری مد نظر نشان می‌دهد.

جدول ۵ درصد بازداری رشد محاسبه شده برای نخ پشمی رنگ شده با عصاره‌های مختلف رنگزا و همچنین نمونه شاهد (پشم بی‌رنگ عمل شده با دندانۀ سولفات مضاعف آلومینیوم) گزارش می‌کند.

جدول ۴: میانگین قطر هاله عدم رشد باکتری عصاره‌های آبی و الکلی گلبرگ گل محمدی

نوع باکتری	میانگین قطر هاله‌های عدم رشد عصاره گلبرگ گل محمدی		
	عصاره آبی	عصاره متانولی	عصاره اتانولی
S. aureuse	۵ ± ۰/۱	۱۹ ± ۰/۱	۲۱ ± ۰/۱
E. coli	۴ ± ۰/۱	۱۷ ± ۰/۱	۲۰ ± ۰/۱

جدول ۵: درصد بازداری رشد میکروب S. aureuse و E. coli برای نخ پشمی رنگ شده با عصاره‌های آبی و الکلی

گلبرگ گل محمدی

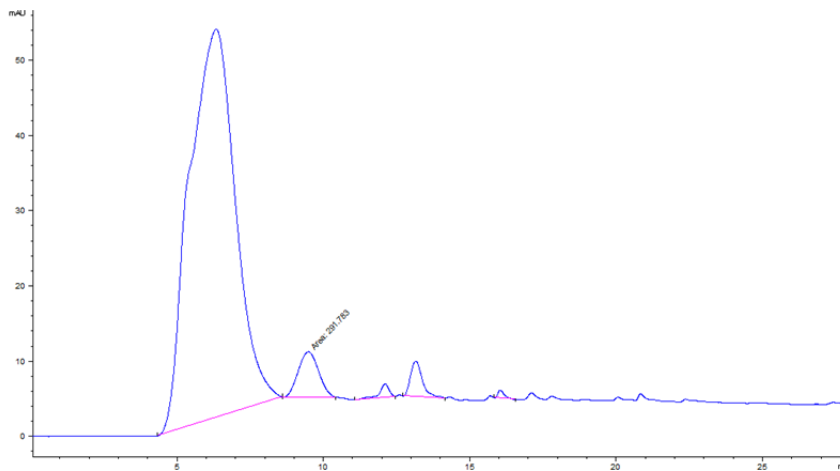
نوع باکتری	درصد بازداری از رشد باکتری در پشم رنگرزی شده با عصاره‌های مختلف گلبرگ گل محمدی			درصد بازداری نمونه شاهد
	عصاره آبی	عصاره متانولی	عصاره اتانولی	(پشم عمل شده با دندانۀ)
S. aureuse	۷۲	۹۰	۸۴	۱۲
E. coli	۷۱	۸۵	۷۸	۱۱

روش آنالیز GC-Mass تنها قادر به آنالیز موادی است که نسبتاً فرار بوده و در محدوده ۳۵۰-۴۰۰°C از فشار بخار قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد؛ و یا اینکه با افزایش سریع دما اجزای نمونه بدون آنکه تخریب و یا تجزیه شوند، تبخیر گردند. بنابراین بخش عمده مواد معدنی و بسیاری از مواد آلی دیرجوش را نمی‌توان توسط کروماتوگرافی گازی آنالیز نمود. برخی از مواد شناسایی شده به روش آنالیز GC-Mass در ساختار عصاره‌های مورد پژوهش در جدول ۵ قابل مشاهده هستند.

جدول ۶: نتایج آنالیز GC عصاره گل محمدی شامل نوع و درصد ترکیبات عمده آن

شماره	RT(min)	ترکیبات	درصد %	
			عصاره اتانولی	عصاره متانولی
۱	3/716	phenylethyl alcohol	0/223	0/170
۲	17/816	Citronellol	13/601	12/879
۳	18/813	geraniol	33/07	30/90
۴	20/509	citronellol/geraniol	0/420	0/543
5	26/028	neral	14/450	15/307
6	26/949	cis rose oxide	0/980	0/976
7	27/059	citronellyl acetate	1/670	2/087
8	28/109	nonadecane	16/029	14/228
9	28/115	n-tricosane	1/133	1/163
10	31/041	n-heneicosane	5/585	5/123
11	34/334	tetradecanol	2/462	2/38
12	34/439	Octadecenoic acid	14/962	15/624

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، ماده مؤثر سیانیدین دی‌گلوکزید (diglucoside cyanidin) به‌علت عدم فراریت (دمای جوش بالای ۵۵/۳۴۹ °C) به‌وسیله آنالیز GC-Mass شناسایی نشده؛ درحالی‌که این ماده و درصد آن در کروماتوگرافی HPLC شناسایی شده است. شکل ۴ کروماتوگرام حاصل از آنالیز HPLC عصاره مستخرج از پسماند گلبرگ گل محمدی مورد استفاده برای رنگرزی الیاف طبیعی را نشان می‌دهد.



شکل ۴: کروماتوگرام HPLC آنتوسیانین‌های استخراج‌شده از عصاره گلبرگ گل محمدی

آنالیز HPLC در مجموع تعداد ۴ آنتوسیانین، سیانیدین ۲- گلوکوزید، آنتوسیانین دلفینیدین ۳- گلوکوزید، پلارگوئیدین و مالوینیدین در گلبرگ گل محمدی را نشان می‌دهد که پدیدآورنده فام قرمز و خاصیت ضدباکتریال گلبرگ گل محمدی است که با گزارش‌های علمی مطابقت مطلوبی نشان می‌دهند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱؛ Awale et al. 2011). جدول ۷ میزان آنتوسیانین‌های موجود در عصاره آبی و الکلی پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۷: محتوای آنتوسیانین‌های شناخته شده در عصاره‌های اتانولی، متانولی و آبی گلبرگ گل محمدی با آنالیز

HPLC

شماره	محتوای آنتوسیانینی عصاره‌های آبی و الکلی پسماند گل محمدی (mg/L)			
	آنتوسیانین	عصاره اتانولی	عصاره متانولی	عصاره آبی
۱	cyanidin 2-glycoside	۲۵/۹۱	۲۲/۴۹	۱۳/۳۵
۲	anthocyanin delphinidin 3-glycoside	۱/۳۱	۱/۴۷	۰/۲۱
۳	pelargoidin	۰/۸۷	۰/۳۳	۰/۱۱
۴	malvinidin	۰/۵۷	۰/۴۲	۰/۱۶

۵. بحث

قدرت رنگی پشم رنگرزی شده با عصاره‌های آبی و الکلی گلبرگ اولیه و پسماند گلبرگ گل محمدی (جدول ۲) نشان می‌دهد که عصاره متانولی رنگزا قادر به ایجاد بیشترین قدرت رنگی بر روی الیاف پشم است که بیان‌کننده درصد بالای ماده رنگزا در این عصاره است که با نتایج سایر پژوهش‌های مشابه همخوانی دارد. علاوه بر این، مقایسه قدرت رنگی گلبرگ اولیه و پسماند گلبرگ گل محمدی نشان می‌دهد که پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری نیز به اندازه گلبرگ اولیه قدرت رنگی دارد؛ لذا استفاده از آن به عنوان رنگزا به صرفه‌تر از گلبرگ اولیه گل است. از سویی دیگر، مقایسه داده‌های جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهد که هرچه درصد روشنایی نمونه رنگ شده بیشتر باشد، جذب رنگ آن کمتر بوده و از قدرت رنگی کمتری برخوردار است. این نتایج با تحقیقات قبلی مطابقت دارد (رفیعی، ۱۴۰۱: ۱).

ارزیابی‌های اسپکتروفوتومتری انعکاسی نمونه‌های رنگ شده در جدول ۴ نشان می‌دهد که نخ پشمی رنگرزی شده با عصاره‌های آبی و الکلی پسماند گلبرگ گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری میزان a^* و b^* مثبت داشتند که بیانگر تهرنگ قرمز و زرد نمونه‌های رنگ شده است که بیشترین تهرنگ قرمز متعلق به نمونه رنگرزی شده با عصاره متانولی رنگزای مذکور است. نتایج عددی با

ارزیابی‌های کیفی بصری در کابینت نوری مطابقت دارد. از سویی دیگر، بر طبق ارزیابی‌های اسپکتروسکوپی انعکاسی، در هر دسته از الیاف رنگ‌رزی شده، نمونه‌های رنگ‌رزی شده با عصاره آبی و متانولی رنگ‌زا به نسبت سایر رنگ‌زاها انعکاس بالاتری نشان می‌دهند که نشان از جذب رنگ کمتر این نمونه‌ها دارد. این نتیجه با یافته‌های سایر محققان همخوانی دارد (رفیعی، ۱۴۰۲؛ شاهپروری و بصام، ۱۳۹۰: ۶۱). مطابق داده‌های جدول ۵ نمونه‌های رنگ‌رزی شده با عصاره اتانولی رنگ‌زای مذکور نسبت به عصاره‌های آبی و متانولی پس از تابش نور رنگ پریدگی کمتر و ثبات نوری بیشتری داشته‌اند؛ ولی به‌طور کلی هر چهار نمونه از ثبات نوری قابل قبولی برخوردار بودند. جدول ۴ مقایسه خاصیت ضدباکتریایی عصاره‌های آبی، اتانولی و متانولی عصاره گلبرگ گل محمدی را به روش اندازه‌گیری قطر هاله عدم رشد باکتری‌های *E.coli* و *S.areuse* نشان می‌دهد که در این روش قطر هاله اندازه‌گیری شده ارتباط مستقیمی با رفتار میکروب‌کشی ماده مذکور دارد. بدین صورت که هرچه این مقدار بیشتر باشد، عصاره در حذف باکتری و ممانعت برای رشد آن موفق‌تر عمل کرده است. براساس داده‌های گزارش شده در جدول ۴، عصاره‌های الکلی گلبرگ گل محمدی، به‌ویژه عصاره اتانولی آن، قدرت ضدباکتریایی بیشتری از خود نشان می‌دهند. این نتیجه با تحقیقات غلامی و همکاران مطابقت دارد و نشان‌دهنده وجود مقادیر بالاتر ترکیبات مؤثر فنولی و فنالوئیدی در این عصاره است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱).

جدول ۵ درصد بازداری رشد باکتری‌های *E.coli* و *S.areuse* در نخ پشمی رنگ‌رزی شده با عصاره‌های مختلف رنگ‌زای مذکور را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه تمام عصاره‌های مورد استفاده خاصیت ضدباکتری مناسبی به نخ پشمی بخشیده‌اند، پشم رنگ‌رزی شده با عصاره اتانولی درصد بازداری قابل توجهی را برای هر دو نوع باکتری نشان می‌دهند که یکی از دلایل این امر محتوای آنتوسیانینی بیشتر این عصاره است (جدول ۷). علاوه بر این، تحقیقات نشان داده است که ترکیبات سیترونال، سیترونلول، جرانیال، جرانپول، نرال و نرول موجود در عصاره این گیاه نیز در ایجاد و ثبات خاصیت ضدباکتری مؤثر هستند (Halawani, 2014: 2359). نتایج حاصل از آنالیز GC-Mass صورت گرفته در این پژوهش (جدول ۵) وجود این ترکیبات را در عصاره‌های رنگی گلبرگ گل محمدی اثبات می‌کند؛ لذا مقادیر بالاتر این ترکیبات در عصاره اتانولی گلبرگ گل محمدی مؤید بالاتر بودن قابلیت حذف باکتری در این عصاره است.

همان گونه که نتایج حاصل از آنالیزهای HPLC و GC-Mass نشان می دهد، تحت شرایط در نظر گرفته شده در این پژوهش، عصاره های رنگی مستخرج از پسماند گل محمدی حاصل از گلاب گیری، علاوه بر دارا بودن ماده مؤثر آنتوسیانینی از جمله سیانیدین دی گلوکزید، دارای متابولیت های ثانویه ای چون ترکیبات فنلی، فلاونوئیدی و تانن هاست. این ترکیبات به دلیل برخورداری از گروه های فنلی در ساختار خود می توانند اثرات ضد میکروبی قابل ملاحظه ای را روی طیف وسیعی از میکروارگانیسم ها به وجود آورند.

اثر ضد میکروبی عصاره های گیاهی را می توان به ترکیبات زیست فعال موجود در آن ها نسبت داد. این ترکیبات قادر به اتصال به سطح سلولی و نفوذ به لایه های فسفولیپیدی غشای سلولی هستند. ازدیاد و انباشته شدن این ترکیبات در سلول منجر به اختلال در یکپارچگی سلول و به دنبال آن تأثیر بر متابولیسم و در نهایت مرگ سلول باکتری می شود. در مطالعات مختلف اثر ضد میکروبی عصاره های مختلف گل محمدی با حلال های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است؛ برای مثال، غلامی و همکاران خاصیت ضد میکروبی عصاره های این گیاه را به روش MIC بر روی باکتری گرم منفی اشرشیا کلی ارزیابی کرده اند که نتایج مناسبی را ارائه دادند. هالوانی نیز در تحقیقات خود در مورد حذف باکتری های اشرشیا کلی و پسودوموناس آئرژینوزا، نتایج مشابهی را با این پژوهش به دست آوردند و نشان دادند که عصاره های اتانولی، آبی و متانولی گل محمدی دارای خاصیت ضد میکروبی علیه باکتری های گرم مثبت و گرم منفی است و بیشترین خاصیت ضد میکروبی متعلق به عصاره اتانولی این گیاه است (Halawani, 2014). شهیب و همکاران در پژوهشی روی اثرات ضد میکروبی و ضد قارچی گیاه گل محمدی کار کردند که نتایج پژوهش، همانند پژوهش جاری، نشان دهنده حساسیت بیشتر باکتری های گرم مثبت در مقایسه با باکتری های گرم منفی نسبت به عصاره گل محمدی بود (شهب و همکاران، ۲۰۱۴). مانکر در تحقیقی دیگر اثرهای ضد میکروبی گونه های مختلف گل رز را بررسی و اثبات کرد (مانکر و همکاران، ۲۰۱۵)؛ اما همان گونه که قبلاً نیز به آن اشاره شد، اغلب این پژوهش ها خواص ضد میکروبی عصاره گلبرگ گل محمدی را ارزیابی کردند و تحقیقات بسیار محدودی به مطالعه خواص ضد باکتریایی پسماند گل محمدی حاصل از گلاب گیری پرداخته است؛ برای مثال، خراسانی و همکاران خاصیت آنتی اکسیدانی، ضد باکتریایی و ضد کپکی اسانس پسماند حاصل از گلاب گیری را با روش رقت سریالی اندازه گیری و درصد رشد بازداری آن را برای دو باکتری استفیلو کوکوس اورئوس و باسیلیوس سوبتیلیس گزارش کرده اند

که نتایج با تحقیقات این پژوهش مطابقت دارد (خراسانی و شهدادی، ۱۴۰۱).

محققان بسیاری وجود ترکیبات زیست‌فعال مختلف از جمله فلاونوئیدها را عامل فعالیت ضد میکروبی این عصاره بیان کرده‌اند. برخی از تحقیقات نیز اثبات کرده‌اند که گل محمدی به دلیل دارا بودن مقادیر بالایی از تیمول و کارواکرول، قدرت زیادی در مهار پاتوژن‌های گیاهی از قارچ‌ها و باکتری‌های مولد بیماری‌ها از خود نشان می‌دهند (Ozkan et al. 2004).

از طرفی تحقیقات نشان داده است که ترکیبات فنلی قادر به کراس‌لینک، انعقاد و تجمع یاخته‌های باکتری هستند. علاوه بر این، آن‌ها می‌توانند با گروه‌های سولفیدریل پروتئین‌ها واکنش داده، با ترشحات پروتئین باکتری تداخل کرده، در نهایت منجر به غیرقابل دسترس شدن بسترها برای میکروارگانیسم‌ها شوند. از طرف دیگر پیوند میان تانن‌ها با پروتئین‌های موجود در باکتری‌ها منجر به تشکیل کمپلکس‌های پایداری می‌گردد که صورت‌بندی ساختار باکتری‌ها را تغییر داده، از تکثیر باکتری‌ها جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، وجود گروه‌های کربوکسیل در اسیدهای آمینه آسپارتیک و گلوتامین موجود در ماکرومولکول‌های پروتئینی سازنده الیاف پشم و ابریشم، امکان اتصال مواد ضد میکروبی، ضد قارچ و ضد بید را در این منسوجات افزایش می‌دهد (Freddi et al., 2001; HeeYeon et al., 2007).

همچنین نتایج نشان می‌دهند که تحت شرایط در نظر گرفته شده در این پژوهش، فعالیت ضد باکتری عصاره‌های گلبرگ گل محمدی در مقابل باکتری گرم مثبت استافیلوکوکوس اورئوس بیشتر از باکتری گرم منفی اشرشیا کلی است. علت این موضوع را می‌توان به تفاوت‌های موجود در ساختار سلول باکتری‌های گرم مثبت و منفی مربوط دانست. دیواره سلولی در باکتری‌های گرم مثبت به‌طور کامل از پلی‌گلایکوزن پپتیدی تشکیل شده است که این لایه به مولکول‌های خارجی اجازه می‌دهد تا به راحتی وارد سلول شوند. این در حالی است که دیواره سلولی باکتری‌های گرم منفی دو لایه بوده و دارای یک غشای بیرونی متشکل از لیپوپلیساکارید، لیپوپروتئین و فسفولیپیدها هستند که به عنوان یک سد در برابر مولکول‌های خارجی عمل می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله به مقایسه مشخصه‌های رنگی و خاصیت ضد باکتریایی نخ پشمی رنگ‌رزی شده با عصاره‌های آبی و پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری پرداخته شد. در این پژوهش، از انحلال این رنگ‌زا در حلال‌های ذکر شده، عصاره‌هایی با قابلیت رنگ‌دهی متفاوتی از این گیاه

ایجاد شد. عصاره متانولی گلبرگ اولیه و پسماند گل محمدی بیشترین قدرت رنگی را ایجاد کرد؛ ازسویی دیگر نتایج نشان داد که قدرت رنگی پسماند گل محمدی تفاوت چندانی با گلبرگ اولیه ندارد و استفاده از آن به عنوان رنگزای طبیعی مقرون به صرفه تر است.

علاوه بر این، بررسی های اسپکتروفوتومتری نمونه های رنگ شده نشان داد که تمام رنگزاهای مورد استفاده مقادیر a^* و b^* را در بازه مثبت نشان می دهد که نشان از وجود ته رنگ قرمز و زرد نمونه های رنگ شده دارد. نتایج حاصل از ارزیابی ثبات نوری نشان داد که با توجه به اینکه رنگزاهای آنتوسیانینی عموماً ثبات های بالایی از خود نشان نمی دهند، الیاف رنگ شده با هر نوع عصاره رنگزا، از ثبات نوری متوسطی برخوردارند. یافته های این مطالعه استفاده از رنگزای مستخرج از پسماند گل محمدی حاصل از گلاب گیری را به عنوان یک ماده رنگزای ضدباکتری مناسب بر روی الیاف طبیعی پیشنهاد می کند و همچنین به نظر می رسد که این رنگزای طبیعی می تواند عامل امیدبخش در پیشگیری و درمان بیماری های عفونی ناشی از باکترهای مورد آزمایش *E.coli* و *S.areuse* باشد. دلیل این امر این است که عصاره گل محمدی علاوه بر دارا بودن ماده مؤثر سیانیدین دی گلوکزید دارای متابولیت های ثانویه ای چون ترکیبات فنلی، فلاونوئیدی و تانن هاست که توسط آنالیزهای فیتوشیمیایی انجام گرفته در این پژوهش، وجود آنها اثبات گردید. نکته دیگر اینکه رنگزای مورد نظر در حذف باکتری گرم مثبت *S.areuse* نسبت به باکتری گرم منفی *E.coli* قوی تر عمل کرده که دلیل آن تفاوت های موجود در ساختار سلول باکتری های گرم مثبت و منفی مربوط و آسان تر بودن نفوذ به غشای سلولی آن است. ازسویی دیگر، به نظر می رسد حلال اتانول در عصاره گیری پسماند گل محمدی در ایجاد درخشندگی، ثبات نوری و اثر ضدباکتری، از بقیه حلال های مورد آزمایش قوی تر عمل کرده است.

با توجه به اینکه آزمایش های انجام شده در حضور یک دندانۀ ثابت (دندانۀ آلومینیوم یا زاج سفید) و با غلظت های مساوی از عصاره های آبی و الکلی رنگزای مذکور انجام شده است، پیشنهاد می شود در مطالعات آینده اثر دندانۀ های مختلف معدنی و گیاهی، تغییرات غلظت رنگزا و اثر حلال های دیگر نیز بر مشخصه های رنگی و خاصیت ضدباکتری الیاف طبیعی بررسی شود. با توجه به خاصیت ضدباکتری قابل توجه ایجاد شده در الیاف طبیعی رنگ شده با پسماند گل محمدی در این پژوهش، پیشنهاد می گردد که اثر مهارکنندگی عصاره های آن روی سایر باکتری های مضر نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

سپاسگزاری

نویسنده از همکاری و حمایت مادی و معنوی دانشگاه هنر شیراز که امکان انجام این پژوهش را فراهم کردند، سپاسگزاری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Cyanidin
2. Anthocyanin
3. Liquor Ratio
4. Escherichia coli
5. Staphylococcus aureus
6. Disk diffusion
7. Kublka-Munk

منابع

- برزویی، ناهید، و اکبری، احمد. (۱۳۹۴). «بهینه‌سازی رنگ زرد حاصل از رنگزای گلبرگ گل محمدی و بررسی ثبات شست‌وشویی کالای پشمی»، دهمین کنفرانس ملی مهندسی نساجی / ایران، اصفهان.
- جهانشاهی افشار، ویکتوریا. (۱۳۷۵). فرایند و روش‌های رنگرزی الیاف با مواد طبیعی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- خراسانی، سپیده، و شهدادی، فاطمه. (۱۴۰۱). «بررسی ترکیبات آنتی‌اکسیدانی، ضدباکتریایی و ضدکپکی اسانس تفاله حاصل از گلاب‌گیری گل محمدی علیه برخی باکتری‌ها و کپک‌ها». *علوم غذایی و تغذیه*، شماره ۱۹، ۳۱-۳۸.
- رفیعی، سعیده. (۱۴۰۱). «رنگرزی الیاف طبیعی ابریشم با رنگ طبیعی استخراج‌شده از بخش‌های مختلف گیاه فیکوس یوهانیس بویس». *علوم و فناوری نساجی و پوشاک*، ۱۱(۲)، ۱-۱۷.
- رفیعی، سعیده. (۱۴۰۲). «ارزیابی مشخصه‌های رنگی و خصوصیات ضدباکتریایی الیاف پشم و ابریشم رنگ‌شده با رنگزای حنا و عصاره‌های آن». *تحقیقات گیاهان دارویی و معطر ایران*، ۳۹(۴)، ۶۷۲-۶۵۵.
- سفیدکن، فاطمه، اکبری، زهرا، عصاره، محمدحسن، و بخشی خانیکی، غلامرضا. (۱۳۸۵). «مقایسه کمی و کیفیت ترکیب‌های معطر *Rosa damascena* Mill. حاصل از روش‌های مختلف استخراج». *تحقیقات گیاهان دارویی و معطر ایران*، ۲۲(۴)، ۳۵۱-۳۶۵.



صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۷۸). رنگ‌های ایرانی. تهران: مؤسسه تحقیقات فرش دست‌باف.

شاهپروری، محمدرضا، و بصام، سید جلال‌الدین. (۱۳۹۰). «رنگرزی نخ پشمی با پسماند گل محمدی حاصل از گلاب‌گیری و مقایسه آن با رنگ‌زای پوست انار». نشریه علمی گلجام، (۱۹)۷، ۶۱-۷۴.

شمس ناتری، علی، صابری مطلق، محمود، و اکرامی، احسان. (۱۳۸۶ الف). «رنگرزی کالای پشمی با رنگ‌زای گل محمدی (گل سرخ)»، دومین سمینار تحقیقات ملی فرش دست‌باف. شمس ناتری، علی، و ویسیان، سید محمد. (۱۴۰۰). «گذشته، حال و آینده کاربرد مواد رنگ‌زای طبیعی در فرش دست‌باف». مطالعات در دنیای رنگ، نشریه ویژه فرش و رنگ، (۲)۱۱، ۳۳-۴۲.

شمس ناتری، علی، اکرامی، احسان، امیرعلیان، نسیم، و رئیس، فاطمه. (۱۳۸۶ ب). «نگاهی به روند تحولات در کاربرد و خواص مواد رنگ‌زای طبیعی»، دومین سمینار ملی تحقیقات فرش دست‌باف.

صادقیان، علی، رخشنده، حسن، و صادقیان، حمید. (۱۳۸۶). «اثرات ضد باکتریایی عصاره گل محمدی». کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران. SID. <https://sid.ir/paper/807535/fa>. غلامی، سپیده، رحیم‌پور جهانی، هدیه، بخش‌آبادی، ندا، و بشارتی، رضا. (۱۳۹۸). «بررسی اثر ضد میکروبی عصاره‌های مختلف گل محمدی (*Rosa damascena*) بر باکتری اشرشیا کلی». مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ۱۱(۳)، ۱-۴.

کافی، محسن، و ریاضی، یحیی. (۱۳۸۰). پرورش گل محمدی و تولید گلاب. تهران: نشر پرچین. محمدی، شادیه، حسینی، پریا، و فیضی، شادی. (۱۳۹۸). «بررسی خواص آنتی‌اکسیدانی و آنتی‌بیوتیکی اسانس گل محمدی». دومین کنگره سالانه کشوری دانشجویی طببری و بیست‌ودومین کنگره سالانه کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری. منتظر، مجید، ویسیان، محمد، و حیدری گلفزانی، محمدابراهیم. (۱۳۸۸). طبیعت‌گرایی در رنگرزی الیاف پروتئینی (پشم و ابریشم)، مرکز ملی فرش ایران.

Ahmadi, Z., & Gholami Houjehgan, F. (2022). Assessment of antibacterial, antimicrobial, and colorimetric properties of cotton and woolen yarns dyed with some plants extracts. *Textile & Leather Review*, 5, 463-483.

Awale S, Tohda C, Tezuka Y, Miyazaki M, Kadota S. (2011), Protective Effects of *Rosa damascena* and Its Active Constituent on Abeta (25-35)-Induced Neuritic Atrophy. *Evid Based Complement Alternat*.

- Halawani, E. M. (2014). Antimicrobial activity of Rosa damascena petals extracts and chemical composition by gas chromatography-mass spectrometry (GC/MS) analysis. *African Journal of Microbiology Research*, 24, 2359–2367.
- Hee Yeon, K., Jong Hoon, K., Soon Chul, K., & Sung Hoon, J., A study on multifunctional wool textiles treated with nano-sized silver. *Journal of Materials Science*, 42, 8020–8024.
- Freddi, G., Arai, T., Colonna, G. M., Boschi, A., & Tsukada, M. (2001). "Binding of Metal Cations to Chemically Modified Wool and Antimicrobial Properties of the Wool-Metal Complexes", *Applied Polymer Science*, 82, 3513-3519.
- Ozkan, G., Sagdiç, O., Baydar, N.G. & Baydar, H. (2004). Antioxidant and Antibacterial Activities of Rosa Damascena Flower Extracts. *Food Science and Technology International*, 10(4), 24-32.
- Salman, M., Fazal-ur-Rehman, Adeel S., Habib, N., Batool, F., Usama, M., Iqbal, F., Fatima, A. (2023). Extraction of Anthocyanin from Rose Petals for Coloration of Biomordanted Wool Fabric. *Coatings*, 13(3), 623.
- Shindler, WD., (2004). *Chemical finishing of textiles*. Kamali Moghadam. S., Arkan Danesh publication, Tehran.
- Shohayeb, M., Abdel-Hameed, E-SS., Bazaid, S.A., Maghrabi, I. (2014). Antibacterial and antifungal activity of Rosa damascena MILL. essential oil, different extracts of rose petals. *Global J Pharmacol.*, 8(1), 1-7.
- Mankar, S. (2015). Screening of Antibacterial Activity of Rose Varieties against Bacterial Pathogens. *Int J Life Sci.*, 3(1), 99-104.
- Yassa, N., Masoomi, F., RohaniRankouhi, S. E. & Hadjiakhoondi, A. (2009). Chemical Composition and Antioxidant Activity of the Extract and Essential oil of Rosa damascena from Iran, *Population of Guilan. DARU*, 17(3), 175-161.

References

- Ahmadi, Z., G. & Houjaghan, F. (2022). Assessment of antibacterial, antimicrobial, and colorimetric properties of cotton and woolen yarns dyed with some plants extracts, *Textile & Leather Review.*, 463-483.
- Awale, S., Tohda, C., Tezuka, Y., Miyazaki, M., & Kadota, S. (2011). Protective Effects of Rosa damascena and Its Active Constituent on Abeta (25-35)-Induced Neuritic Atrophy. *Evid Based Complement Alternat*.
- Barzoui, N., & Akbari, A., (2014). Optimization of yellow color obtained from the dye of rose petals and checking the washing fastness of woolen goods. *10th National Conference of Textile Engineering of Iran*, Isfahan. [In Persian].
- Freddi, G., Arai, T. Colonna, G. M., Boschi, A., & Tsukada, M. (2001). Binding of Metal Cations to Chemically Modified Wool and Antimicrobial Properties of the Wool-Metal Complexes. *Applied Polymer Science*. 82, 3513-3519.
- Gholami, S., Rahimpour Jahani, H., Bakhshabadi, N., & Besharati, R. (2019) Antimicrobial Effect of different Extracts of Rosa damascena on E. coli. *North Khorasan University of Medical Sciences*, 11 (3) :1-4.[In Persian].
- Halawani, E. M. (2014). Antimicrobial activity of Rosa damascene petals extracts and chemical composition by gas chromatography-mass spectrometry

- (GC/MS) analysis. *African Journal of Microbiology Research*, 24: 2359–2367.
- Hee Yeon. K., Jong Hoon. K., Soon Chul. K., & Sung Hoon. J., A study on multifunctional wool textiles treated with nano-sized silver. *Journal of Materials Science*, 42, 8020–8024.
- Jahanshahi Afshar, V., (1996). *The process and methods of dyeing fibers with natural materials*. Tehran: University of Art Publications.
- Kafi, M., & Raami, Y. (2001). *Cultivation of roses and production of roses*. Tehran: Parchin Publishing.
- Khorasani, S., & Shahdadi, F., (1401). Investigation of the antioxidant, antibacterial and antifungal compounds of the essential oil obtained from the extract of rosehip against some bacteria and molds. *Food Sciences and Nutrition*, No. 19: 31-38.
- Montazer, M., Visian, M., & Heydari Golfzani, M., (2009). Naturalism in the dyeing of protein fibers (wool and silk), National Carpet Center of Iran. [In Persian].
- Ozkan, G., Sagdiç, O., Baydar, N.G. & Baydar, H. (2004). Antioxidant and Antibacterial Activities of Rosa Damascena Flower Extracts. *Food Science and Technology International*, 10(4): 24-32.
- Rafiei, S. (2022). Dyeing of silk fibers with natural dye extracted from different parts of Ficus Johannis Boiss plant. *Journal of Textile Science and Technology*, 11(2), 1-17. [In Persian].
- Rafiei, S. (2023). Evaluation of color characteristics and antibacterial properties of wool and silk fibers dyed with henna (*Lawsonia inermis* L.) dye and its extracts. *Iranian Journal of Medicinal and Aromatic Plants Research*, 39(4), 655-672. [In Persian]
- Sadeghian, A., Rakhshhandeh, H., & Sadeghian, H. (2007). Antibacterial effects of rosehip extract. *Congress of Physiology and Pharmacology of Iran*. [In Persian].
- Salman, M., Fazal-ur-Rehman, Adeel S., Habib, N., Batool, F., Usama, M., Iqbal, F., & Fatima, A. (2023). Extraction of Anthocyanin from Rose Petals for Coloration of Biomordanted Wool Fabric. *Coatings*. 13(3): 623.
- Sefidkon, F., Akbari, Z., Assareh, M., & Bakhshi Khaniki, G. (2007). Comparison of Quantity and Quality of Aromatic Compounds from Rosa damascena Mill. by Different Extraction Methods. *Iranian Journal of Medicinal and Aromatic Plants Research*, 22(4), 351-365. [In Persian].
- Shahparvari M. R., & Bassam S. J. (2011). Dying of Wool Fiber Using Damask Rose Residue Obtained from Process of Rose Water Extraction and Comparing It with Pomegranate Colorant. *Goljaam*, 7(19) :61-74. [In Persian].
- Shams Natri, A., & Visian, M., (2021). The past, present and future of the use of natural dyes in handwoven carpets. *Studies in the world of color, Farsh and Rang special publication*, 11 (2): 42-33. [In Persian].
- Shams Natri, A., Akrami, E., Amiralian, N., & Raisi, F.. (2007). Looking at the trend of developments in the use and properties of natural dyes. *the second national seminar on handwoven carpet research*. [In Persian].
- Shams Natri, A., Saberi Mutlaq, M., & Ekrami, E.. (2007). Dyeing of woolen goods with rose flower dye. *the second national handwoven carpet research seminar*. [In Persian].
- Shindler, WD., (2004). *Chemical finishing of textiles*. Kamali Moghadam. S., Arkan Danesh publication, Tehran.



- Shohayeb, M., Abdel-Hameed, E-SS., Bazaid, S.A., & Maghrabi, I. (2014). Antibacterial and antifungal activity of Rosa damascena MILL. essential oil, different extracts of rose petals. *Global J Pharmacol.*, 8(1): 1-7.
- Surasrafil Shirin (1999). *Iranian colors*. Tehran: Handwoven Carpet Research Institute. [In Persian].
- Mankar, S. (2015). Screening of Antibacterial Activity of Rose Varieties against Bacterial Pathogens. *Int J Life Sci.*, 3(1): 99-104.
- Mohammadi, Sh., Hosseini, P., & Faizi, Sh. (2018). Investigation of antioxidant and antibiotic properties of rose essential oil. *The 2nd Annual Tabari National Student Congress and the 22nd Annual Congress of the Student Research Committee of Mazandaran University of Medical Sciences*, Sari. [In Persian].
- Yassa, N., Masoomi, F., RohaniRankouhi, S. E. & Hadjiakhoondi, A. (2009). Chemical Composition and Antioxidant Activity of the Extract and Essential oil of Rosa damascena from Iran. *Population of Guilan. DARU*, 17(3): 175-161.

Investigating the Antibacterial Properties of Woolen Yarn Dyed with Rosa Damascene Mill Residue Obtained from Kashan Rose Extract

Saeedeh Rafiei

Assistant Professor of Carpet Department, Faculty of Applied Arts, Shiraz University of Arts, Shiraz, Iran; s_rafiei@shirazartu.ac.ir

Received: 23/09/2023

Accepted: 08/01/2024

Introduction

Natural dyes are a group of dyes with high fastness with plant and animal sources which play effective roles in traditional dyeing. Eco-friendly nature, beautiful and attractive colors, and economic issues have resulted in the significance of using natural dyes, in spite of the production of various chemical dyes. One of the most important problems in using natural dyes instead of harmful chemical dyes is the hue limitation and sometimes the high cost of dyeing plants. Rosa damascene mill residue is a waste material that is produced and disposed of in a large volume during rose gleaning operations, which costs significantly for the rose gleaning industry of Kashan. Furthermore, the surface of textiles with natural fibers, including handwoven carpets, in the presence of moisture and heat, is exposed to the growth and proliferation of bacteria, and this leads to problems in the durability, appearance and hygiene of the goods. In this research, in addition to evaluating the color characteristics and light fastness of wool dyed with aqueous and alcoholic extract of



the rose water residue, the comparison of their antibacterial effects on two *Gram-positive Staphylococcus aureus* and *Gram-negative Escherichia coli* bacteria has also been investigated.

Materials and Methods

Rosa damascene mill residue, obtained from Kashan damask rose essential water extraction, was used as a dye. In addition, Iranian woolen yarn with a 4.5 metric number and 65 twists per meter were applied. Considering that the extraction of the effective substance in plants depends on the type of solvent used, three different solvents--water, ethanol, and methanol--were used to prepare rose petal extract; the aforementioned fibers were dyed with the extracted dyes using the simultaneous mordant method with the Aluminum and potassium double sulfate. Aqueous and alcoholic extracts were prepared by percolation and return methods in Soxhlet apparatus, respectively. For this purpose, dyeing bath with L: R=1:50 containing natural fibers, 3% oxalic acid, 5% dentate and 30% dye was used. The dyeing processes for both baths continued for 90 minutes in Bain Marie device. Color parameters (a^* , b^* , L^*), color strength (K/S), the reflectance spectrum (R) were performed by spectro-photometric method, and the antibacterial property of each dyed fiber was evaluated with aqueous, ethanolic, and methanolic dye extracts. On the other hand, the lightingfastness of the dyed fibers was measured according to the 2010 ISO 105-B01 standard by the blue standard. To measure the antibacterial property, 0.03 grams of each of fibers dyed with the desired dyes were soaked in 1500 microliters of serum containing *Staphylococcus aureus* and *Escherichia coli* bacteria for 24 hours. Then, by dilution method in plates, Nutrient agar was cultured and colonies were counted. Quantification of the active substance of rosa damascene mill residue (cyaniding diglucoside) in the extracts was done using HPLC analysis.

Results and Findings

The reflective spectro-photometric evaluations of the samples showed that the woolen yarn dyed with the aqueous and alcoholic extracts of the rose petals, obtained from rose extract, had positive a^* and b^* levels, which indicated the red and yellow undertones of the dyed samples. Among these, the reddest tone belonged to the sample dyed with the methanolic extract of the mentioned dye. The numerical results agree with the visual qualitative evaluations in the optical cabinet. The evaluation of the color strength of wool dyed with aqueous and alcoholic extracts of primary petals and the rose petals residue showed that the methanol extract of the dye could create the highest color strength on the wool fibers, which indicated the high percentage of the dye in this extract. In addition, the comparison of the color strength of the primary petal and the residue of the rose flower showed that the rose flower residue obtained from rose essential water extraction had the same color strength as the primary petal. Therefore, using it as a dye was more economical than the first flower petal. The evaluation of lighting fastness showed that the samples dyed with the ethanolic extract of the mentioned dyes had less paleness and more lighting fastness after light irradiation than the aqueous and methanolic extracts. However, in general, all four samples had acceptable lighting fastness. Antibacterial properties of aqueous, ethanolic and methanolic extracts of rose flower residue were measured by



10.22052/KASHAN.2024.253621.1094

measuring the average diameter of the no-growth halo for two types of bacteria, *Escherichia coli* and *Staphylococcus aureus*. The results showed that the alcoholic extracts of rose petals, especially its ethanolic extract, showed more antibacterial power, which indicated the presence of higher amounts of effective phenolic and phenolic compounds in this extract. In addition, the calculation of the inhibition percentage of the growth of bacteria on the dyed fibers showed that although all the extracts used provided good antibacterial properties to the woolen yarn, the wool dyed with the ethanolic extract showed a significant inhibition percentage for both types of bacteria, because of the higher anthocyanin content of this extract. HPLC analysis showed a total number of four different anthocyanins: cyanidin 2-glucoside, anthocyanin delphinidin 3-glucoside, pelargoidin and malvinidin in rose petals, which were responsible for the red color and antibacterial properties of rose petals, which are in good agreement with scientific reports.

Conclusion

In this article, the comparison of the color characteristics and antibacterial properties of woolen yarn dyed with aqueous and alcoholic extracts of rosehip waste, obtained from rose water, was discussed. Spectro-photometric evaluations of the samples dyed with the waste extracts of the rose flower and the primary petal confirmed the red and yellow tones created. Also, the color strength of these two dyes did not show significant difference. Although anthocyanin dyes generally do not show high fastness, the light fastness of dyed samples with dye extracts was acceptable. The findings of this study suggest the use of the dye extracted from the waste of rose water as a suitable antibacterial dye on natural fibers, which can be effective in preventing and treating infectious diseases caused by *Escherichia coli* and *Staphylococcus aureus* bacteria. The reason for this is the presence of significant amounts of cyanidin diglucoside and phenolic compounds, flavonoids and tannins, which were proven by the phytochemical analyses carried out in this research.

Keywords: natural dyeing, wool, rosa damascene residue, antibacterial properties, cyanidin diglucoside.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۱۰۳-۱۲۰
مقاله علمی پژوهشی

تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی

محمود صادقی علوی*

چکیده

قرن ششم هجری یکی از سده‌های مهم در تاریخ شهر کاشان محسوب می‌شود. در این دوره به سبب غلبه سلاجقه حامی مذاهب اهل سنت بر ایران و همچنین سابقه تشیع مردم کاشان، بازتاب اخبار مرتبط به این شهر در متون تاریخی این دوره چندان گسترده نبوده و به عبارت بهتر، بسیار محدود بود. اما در کنار متون تاریخی که توجهی به شهرهای شیعه‌نشین همچون کاشان نداشتند، برخی متون همچون متون ادبی نوشته شده توسط علمای شیعه‌مذهب این شهر به صورت غیرمستقیم، تاریخ این شهر در دوره مذکور را بازتاب داده‌اند. از این رو تاریخ اجتماعی کاشان در این دوره بر اساس دیوان ابوالرضا راوندی به عنوان یک متن ادبی-تاریخی که توسط یک عالم شیعی تألیف شده است، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت.

ابوالرضا راوندی که شاعری مدیحه‌سراست، ضمن مدحیات خود در این دیوان، به رخدادهای فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و تا حدودی سیاسی کاشان نیز در این دوره اشاراتی داشته است. در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، داده‌های تاریخی دیوان ابوالرضا راوندی بررسی و تحلیل شد و گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری که از دید مورخان عمدتاً درباری این دوره مغفول مانده بود، استخراج گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در این دوره بیشتر امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شهر کاشان متأثر از فعالیت‌ها و اقدامات متمولان بزرگ شهر در این دوره بوده است.

کلیدواژه‌ها: کاشان، تاریخ تشیع، ابوالرضا راوندی، دیوان ابوالرضا راوندی.

* استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران / Alavi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱



۱. مقدمه

کاشان یکی از شهرهای باسابقه ایران در تاریخ تشیع است که سابقه حضور شیعیان در این شهر به نخستین قرون هجری می‌رسد (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۲۹۶؛ قمی، ۱۳۸۵: ۲۱۶، ۳۲۱ و ۵۹۶؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶-۸۷؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۱۰). پس از انقراض حکومت آل‌بویه، سلاجقه سنی مذهب به قدرت رسیدند. با به قدرت رسیدن سلاجقه، طبیعی بود که شهرهای شیعی چندان مورد توجه حکام این حکومت نباشد و به دنبال آن حوادث مرتبط با این شهرها در متون تاریخی این دوره که عموماً توسط مورخان نزدیک به دربار تألیف می‌شد، بازتاب نیافته یا بازتاب صحیحی نداشته باشد. کتاب *راحة الصدور و آية السرور* تألیف محمد بن علی بن سلیمان راوندی، از مورخان کاشانی عصر سلاجقه، مؤید این مطلب است. اگرچه مؤلف این کتاب از مردم بومی کاشان بوده و حتی معاصر او علمای شیعه مشهوری از خاندان راوندی در شهر کاشان حضور داشته‌اند، از آنجاکه مورخی سنی مذهب و نزدیک به دربار سلاجقه است، در کتابش *راحة الصدور* گرایش‌های مذهبی نویسنده به شدت نمایان است و در جای‌جای کتابش طعن و مخالفت با شیعه آشکار است. محقق برجسته، محدث ارموی در مقدمه *دیوان* ابوالرضا راوندی به این مسئله اشاره کرده و می‌نویسد کاشان یکی از مراکز مهم شیعی در دوران زندگی ابوالرضا راوندی است و نویسندگانی همچون راوندی صاحب *راحة الصدور*، شیعیان شهر کاشان را طعن و لعن کرده‌اند و اگر شخصیتی مثل ابوالرضا راوندی شرحی از تاریخ تشیع در این دوره ارائه نداده بود، تنها گزارش به‌جامانده از شیعیان در این دوره، گزارش‌های *راحة الصدور* بود (راوندی، ۱۳۳۴، مقدمه: له) که به‌قطع چنین گزارش‌هایی با نگاه‌های متعصبانه مذهبی، تصویری نادرست و ناقص از کاشان عصر سلاجقه ارائه می‌داد.

چنین نمونه‌هایی اهمیت تاریخ‌نگاری شیعی در مورد یک شهر شیعه‌نشین در دوران حکومت سنی مذهب را بیش از پیش نمایان می‌سازد. *دیوان* ابوالرضا راوندی دربردارنده موضوعات مختلفی در رابطه با شهر کاشان است که بدین سبب می‌توان این دیوان را تاریخ محلی کاشان در دوره سلاجقه توسط یک مورخ شیعی به شمار آورد (ر.ک: صادقی علوی، ۱۳۹۹: ۷۱-۹۰).

اگرچه ابوالرضا راوندی را شاعری مدیحه‌سرا خوانده‌اند (قاسم‌پور و سلامی راوندی، ۱۳۹۸، ۱۵۰-۱۵۱)، او از علمای بزرگ قرن ششم هجری است (ر.ک: مرعشی نجفی، بی‌تا: ۲۹-۳۷؛ راوندی، ۱۳۹۷: مقدمه؛ سمعانی، ۱۹۶۲: ۲۹۷-۲۹۸) که در دیوانش در کنار مدح بزرگان مذهب همچون پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و مدح برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی

هم‌عصر خود، شرح فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را نیز تا حد زیادی مورد توجه قرار داده که این مسئله به ارزش تاریخی این دیوان شعر می‌افزاید. اهمیت تاریخی این اثر وقتی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم راوندی در دیوان خود جنبه‌های مختلفی از تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی وضعیت عمرانی شهر کاشان در قرن ششم را مورد توجه قرار داده و در برخی موارد به تفصیل به بیان آن‌ها پرداخته است. بیان نام و شرح فعالیت‌های برخی از رجال و بزرگان سیاسی و مذهبی و بیان اسامی برخی روستاها و محله‌های اطراف کاشان و حوادث مرتبط با آن در قرن ششم هجری، که در هیچ منبع تاریخی دیگری در این دوره یافت نمی‌شود، بر اهمیت تاریخی این اثر به‌ویژه در رابطه با تاریخ شهر کاشان در قرن ششم هجری می‌افزاید (ر.ک: مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۹۴). از این رو و بنا به اهمیت تاریخی دیوان ابوالرضا راوندی در خصوص تاریخ شهر کاشان در این دوره، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت فرهنگی-اجتماعی شهر کاشان در قرن ششم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی می‌پردازد. به جرئت می‌توان گفت اطلاعاتی که درباره موضوع فوق در دیوان ابوالرضا راوندی منعکس شده، در هیچ منبع تاریخی دیگری بازتاب نیافته است.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به مطالبی که در مقدمه این مقاله ذکر شد، شهر کاشان در دوره حکومت سلاجقه سنی مذهب مورد توجه مورخان این دوره نبوده است و نه تنها اثر اختصاصی در رابطه با تاریخ کاشان در این دوره وجود ندارد، بلکه به سبب شیعه بودن عموم مردم کاشان، اخبار مرتبط با این شهر در متون تاریخی این دوره هم بازتاب چندانی نداشته است.

در پژوهش‌های معاصر هم با بررسی که نویسنده انجام شده، تقریباً می‌توان گفت هیچ پژوهشی درباره موضوع فوق انجام نشده است. فقط مقاله «دیوان ابوالرضا راوندی تاریخی محلی کاشان در قرن ششم هجری» از نگارنده حاضر، به بیان اهمیت دیوان ابوالرضا راوندی در مورد تاریخ کاشان در قرن ششم پرداخته است. البته درباره ابوالرضا راوندی و فعالیت‌های علمی و ادبی وی پژوهش‌هایی انجام شده که ارتباطی با موضوع این پژوهش ندارد.

۳. دیوان ابوالرضا راوندی

دیوان این عالم راوندی دارای ۱۹۱۵ بیت شعر به زبان عربی است. ۵۵ بیت از اشعار این دیوان متعلق به دیگران است که از آن‌ها نقل قول شده و بقیه آن، اشعار خود ابوالرضا راوندی است



(راوندی، ۱۳۳۴: ۲۶۸؛ قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۱۵۱). این دیوان با تحقیق و تصحیح ارزشمند جلال‌الدین ارموی در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسیده است. این دیوان موضوعات مختلف را در خود جای داده، اما بخش زیادی از اشعار، مدح افراد مختلف است؛ از این‌روست که او را شاعری مدیحه‌سرا خوانده‌اند (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۱۵۱). ابوالرضا در کنار مدح پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) در دیوان خود، برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برجسته معاصر خود را نیز مدح گفته است که در خلال مدح این افراد، اشاراتی به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نیز دارد که این اشارات بر غنای تاریخی این دیوان شعری می‌افزاید.

۴. اوضاع مذهبی و فرهنگی کاشان

یکی از مهم‌ترین مسائل در بررسی وضعیت فرهنگی یک منطقه، آگاهی بر فعالیت‌های مذهبی مردم آن منطقه است؛ از این‌رو در بیان شرایط فرهنگی شهر کاشان در دوره مد نظر باید در درجه نخست، وضعیت مذهبی این منطقه بررسی شود.

شهر کاشان سابقه‌ای طولانی در تاریخ تشیع دارد. ریشه‌های تشیع در این شهر را می‌توان در قرن نخست یا در نهایت، قرن دوم هجری یافت؛ یعنی زمانی که علی بن باقر(ع) به‌عنوان نماینده امام باقر(ع) به منطقه کاشان هجرت کرد و پس از مدتی در این منطقه به شهادت رسید. ثمره این سابقه وجود علمای بزرگ شیعه در دوره‌های مختلف تاریخی در این شهر است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۸، ۲: ۴۷؛ صادقی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۳۵). وجود این امامزاده در منطقه کاشان را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش فرهنگ شیعی در این منطقه دانست؛ اما به‌رغم اهمیت این موضوع در تاریخ تشیع، احتمالاً به‌دلیل اینکه شیعیان همیشه یک گروه مخالف عقیدتی جدی علیه حکومت‌های سنی‌مذهب در طول تاریخ اسلام بودند، هیچ‌گاه اخبار و اطلاعات مربوط به آن در منابع تاریخی به‌درستی بازتاب نیافته است. اگرچه در افواه عامه مردم داستان هجرت و شهادت این امامزاده به‌تفصیل بیان می‌شود، همه این اطلاعات مربوط به دوره‌های متأخر است (ر.ک: مدنی کاشانی، ۱۳۹۵: ۲۲؛ علوی علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰؛ صادقی، ۱۳۸۶: ۸۲).

یکی از جنبه‌های اهمیت دیوان ابوالرضا راوندی در رابطه با وضعیت مذهبی کاشان، اشاراتی است که او به بقعه این امامزاده دارد. گزارش ابوالرضا در مورد این امامزاده قدیمی‌ترین گزارش مکتوب موجود است. ناآگاهی از داده‌های تاریخی بسیار مفید دیوان ابوالرضا راوندی باعث شده تا برخی پژوهشگران معاصر، قدیمی‌ترین سند تاریخی مرتبط با این امامزاده را تذکره‌ای بدانند که مربوط به قرن دهم هجری است (ر.ک: علوی علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰)؛ درحالی‌که



تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی، محمود صادقی علوی

10.22052/KASHAN.2024.253492.1090

راوندی در قرن ششم، شرح مفصلی از بارگاه این امامزاده و جایگاه آن بین مردم بیان کرده است. ابوالرضا در قصیده نونیه خود در مورد حمله سلاجقه به کاشان سخن می‌گوید که در ادامه حملات سلاجقه وقتی به منطقه اردهال می‌رسند، گزارشی هم درباره این بقعه ارائه می‌کند. براساس گزارش راوندی، سلاجقه پس از دیدن بقعه امامزاده علی بن باقر جرئت تعرض و تخریب آن را نداشته، لذا آسیبی به آن نمی‌رسانند.

استشعروا منه فقوض جمعهم
عن عرصیه هیئة الیدیان
فانفل عزمهم و لم یتجاسروا
ان یقدموا فیہ علی طغیان
(راوندی، ۱۳۳۴: ۸۳)^۱

چنین گزارشی از قرن ششم هجری در رابطه با جایگاه این امامزاده در منطقه و حتی فراتر از آن برای سلاجقه سنی مذهب که به آنجا حمله کرده‌اند، نشان‌دهنده این موضوع است که شهرت این امامزاده مانع از تعرض سلاجقه به بنای بقعه آن شده است. سلاجقه‌ای که در این حملات، چنان‌که اشاره خواهد شد، از تخریب مساجد هم فروگذار نکردند، اما به بقعه این امامزاده تعرضی نداشتند. چنین گزارش‌هایی مؤید این نکته است که اگرچه مستند تاریخی در مورد این امامزاده پیش از این تاریخ موجود نیست (ر.ک: صادقی: ۱۳۸۶، ۸۲-۸۷)، جایگاه آن در قرن ششم هجری در بین مردم محلی و همچنین مهاجمان سنی مذهب و علاوه بر آن، بازسازی عمارت این امامزاده در این دوره، همگی شواهدی است که نشان‌دهنده سابقه و پیشینه و شهرت این امامزاده در قرون نخستین هجری در این منطقه و به تبع آن، سابقه تشیع در منطقه کاشان است. راوندی در قصاید دیگری هم به بازسازی مقبره علی بن باقر و همچنین ساخت امکانات رفاهی در این منطقه برای زائران این مقبره اشاره می‌کند (ر.ک: همان: ۵۰ و ۱۲۵).

راوندی در قصیده دیگری که در مدح اصفهید علی بن قارن (حاکم مازندران) سروده، پیش از مدح او به بیان برخی از خصایص مذهب شیعه پرداخته و نام ائمه را به‌طور کامل ذکر کرده است.

ثم الامامة مهتده مرتبة
من بعده لامیر المؤمنین علی
من بعده ابناه و ابنا بنت سیدنا
محمد ثم زین العابدین یلی
و الباقر العلم عن اسرار حکمته
و الصادق البر لم یکذب و لم یحل
(همان: ۱۵۵)^۲

چنین ابیاتی در دیوان ابوالرضا مؤید سابقه تشیع دوازده‌امامی در شهر کاشان است. راوندی همچنین در قصاید دیگری نیز به برخی مراسم مذهبی شیعیان و تبیین چگونگی آن‌ها پرداخته



است. سنت وقف یکی از سنت‌های دیرینه در تاریخ تشیع است که در این دوره در شهر کاشان مورد توجه بوده و برخی بزرگان کاشان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اوقافی داشته‌اند که راوندی از این مسئله نیز غافل نبوده و در قصاید مختلف این مسئله را مورد توجه قرار داده است.

و اراد الخیر یبقی بعده	جاریا منه علی خیر نظام
ففدا عمدا علی املاکه	نهضة منه الی اعلی مرام
یفق الاعلاق منها رغبة	فی ثواب یبقی مستدام
... فی الیتامی و الایامی و الاولی	اقبل الدهر علیهم بالاعرام

(همان: ۵۳)^۳

در این قصیده و قصاید دیگری، راوندی به موارد مختلف مصارف اوقاف مثل سرپرستی ایتام، زنان بیوه، رد مظالم، ساخت مساجد، مقابر، قنات‌ها، مدارس، حمام، کاروان‌سرا و... (ر.ک: همان: ۵۰-۵۳، ۵۵، ۹۴-۹۹،) اشاره کرده است. چنین اشاراتی نشان‌دهنده توسعه سنت وقف در جامعه شیعی شهر کاشان در این دوره و به تبع آن بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم شهر در این دوره است. طبیعتاً رسیدگی به خانواده‌های ضعیف و همین‌طور توسعه اماکن عام‌المنفعة در بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی و توسعه اماکن فرهنگی و مذهبی مثل مسجد و مدرسه در بهبود شرایط فرهنگی این دوره شهر کاشان، تأثیرگذار بوده است.

اعیاد مذهبی و سنتی نیز از جمله برنامه‌های فرهنگی و مذهبی کاشان در این دوره است که راوندی از اشاره به این موارد نیز غافل نبوده و در مناسبت‌های مختلف، این اعیاد مثل عید فطر و عید قربان و عید نوروز را به ممدوحان خود تبریک گفته و در رابطه با آن قصایدی سروده است (ر.ک: همان: ۲۷-۳۰، ۵۳ و ۱۷۳-۱۸۱). تبریک این اعیاد به افراد مختلف نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت این ایام برای مردم منطقه کاشان در قرن ششم هجری و برپایی مراسم خاص این اعیاد توسط مردم منطقه در این دوره است.

در دوره مورد نظر براساس اشارات و گزارش‌های راوندی مدارسی نیز در کاشان مشغول فعالیت‌های آموزشی هستند. راوندی در چند مورد به مدرسه مجدیه اشاره دارد. همان‌طور که از نام این مدرسه مشخص است، به‌ظاهر توسط مجدالدین که فعالیت‌های خیریه فراوانی داشته، بنا شده است. براساس این گزارش‌ها در طول دوران فعالیت این مدرسه نیز مجدالدین از طلبه‌ها و استادان مدرسه حمایت مالی می‌کرده است و ابوالرضا نیز که از علمای برجسته زمان خود و از مدرسین این

مدرسه بوده، در قصیده‌ای، ضمن مزاح، درخواست مقررری مدرسه مجدییه را از مجدالدین کرده است (ر.ک: همان: ۱۴۲).

۵. وضعیت اجتماعی مردم کاشان

از جمله مسائلی که در بیان تاریخ اجتماعی یک منطقه مورد توجه پژوهشگران تاریخ اجتماعی قرار می‌گیرد و عموماً از دید مورخان مغفول مانده، توجه به وضعیت عامه مردم و نقش آن‌ها در تاریخ است (ر.ک: زینلی، ۱۳۹۸: ۱۸). اگرچه هدف ابوالرضا راوندی از تألیف دیوان شعر خود، بیان تاریخ اجتماعی کاشان نبوده، در خلال اشعار خود به مواردی اشاره کرده که بیان‌کننده وضعیت اجتماعی مردم کاشان در دوره حیات اوست.

چنان‌که پیش‌تر به وضعیت مذهبی اشاره شد، یکی از موضوعاتی که مورد توجه ابوالرضا در دیوان او بوده، فعالیت‌های عام‌المنفعه است که عموماً در جامعه شیعی شهر کاشان در قالب وقف انجام می‌شده است. شهر کاشان که سابقه‌ای طولانی در تاریخ تشیع دارد، طبیعی است که در این دوره مورد بی‌مهری و یا کم‌توجهی حکام سنی مذهب سلاجقه قرار گیرد؛ اما براساس گزارش راوندی در این دوره بزرگان و متمولان شهر کاشان در راستای انجام خدمات اجتماعی و رفاهی، نقش برجسته‌ای داشته و عموماً متأثر از اندیشه‌های دینی و مذهبی در حوزه‌هایی مثل وقف و صدقه به امور اجتماعی به‌ویژه رسیدگی به قشر ضعیف جامعه پرداخته‌اند.

فعالیت‌های اجتماعی و رفاهی مردم کاشان به‌ویژه متمولان این دوره، اغلب در دو حوزه انجام می‌شده و این دو حوزه در دیوان ابوالرضا راوندی مورد توجه وی نیز قرار گرفته است. اشاره ابوالرضا به این موارد در دیوان خود، متأثر از چند مسئله می‌تواند باشد: اولاً توجه و فعالیت در این حوزه‌های اجتماعی در شهر کاشان در دوره مورد نظر و ثانیاً تبلیغ این‌گونه امور و همین‌طور مدح و ستایش افرادی که اقدام به این‌گونه فعالیت‌ها داشته‌اند.

دو حوزه مورد توجه در این قسمت از امور اجتماعی، یکی فعالیت‌های عمرانی در امور عام‌المنفعه است مثل سرمایه‌گذاری برای ساخت و نگهداری و اداره مساجد، مقابر، قنات‌ها، مدارس، حمام‌ها، کاروان‌سراها و اموری از این قبیل که همه مردم امکان استفاده از آن‌ها را داشته‌اند و دیگری رسیدگی به اقشار ضعیف اجتماعی مثل سرپرستی یتام، زنان بیوه، رد مظالم، تهیه جهیزیه برای دختران بی‌بضاعت و نمونه‌های مشابه آن است. درخصوص امر عام‌المنفعه یکی از شخصیت‌هایی که فراوان مورد توجه و مدح راوندی قرار گرفته، مجدالدین کاشانی است که از بزرگان کاشان در این دوره بوده و در همه زمینه‌های امور عام‌المنفعه فعالیت می‌کرده است:



مساجده داراته و قتییه مدارسه خاناته و القناطر
 قناطر لم یعقذن الابهمه اذا اعتزمت لم تاب نثر القناطر
 و مشهد صدق اودع الله بطنه ودیعه سر من الکرام اخیر
 ابا الحسن ابن الباقر السید الذی غدا لعلوم الدین ابقر باقر^۴
 (راوندی، ۱۳۳۴: ۵۲-۵۳)

ابوالرضا راوندی در ابیاتی که ذکر شد، به فعالیت‌های مجدالدین کاشانی در زمینه‌هایی همچون ساختن بناهای خیریه که مورد استفاده همه مردم قرار می‌گیرد مثل مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها، کانال‌های آب و احداث قنات‌ها اشاره کرده است. همچنین در قسمت دیگری از دیوان خود به حوزه دوم از فعالیت‌های اجتماعی انجام‌شده در این دوره در شهر کاشان و بازم توسط مجدالدین اشاره می‌کند و می‌نویسد:

اعان به الارامل و الیتامی علی از مات دهر هم الفروس
 و زوجهن بالاکفاء حتی جلا من ماله الفی عروس^۵
 (همان: ۶۱)

در این اشعار، راوندی به حمایت از اقشار ضعیف جامعه مثل بیوه‌زنان و یتیمان اشاره کرده و این قشر را مورد توجه قرار داده است.

اشاره به قحطی کاشان در این دوره هم از دید وی مغفول نمانده است. آنچه در رابطه با این قحطی در این دوره مورد توجه راوندی بوده، یکی پیامدها و سختی‌های متأثر از آن است که گریبان مردم کاشان را گرفته و دیگری حمایت‌های برخی از ثروتمندان شهر، از عموم مردم به‌ویژه فقراست (ر.ک: همان: ۹۴-۹۹).

طبقات و گروه‌های اجتماعی در هر جامعه و منطقه از موضوعاتی است که مورد توجه پژوهشگران تاریخ اجتماعی است. جنبه‌هایی از این موضوع مورد توجه راوندی ذیل حوادث مختلف بوده است. سادات یا منسوبین به خاندان پیامبر اکرم(ص) از جمله گروه‌ها یا طبقات اجتماعی‌اند که همواره در جهان اسلام و به‌ویژه در جوامع شیعی، جایگاه خاصی داشته‌اند. در شهر کاشان در قرن پنجم هجری نیز به‌دلیل سابقه دیرینه در تشیع، سادات همواره مورد توجه مردم منطقه بوده‌اند. راوندی در دیوان خود اگرچه به‌صورت مستقیم به جایگاه اجتماعی این گروه اشاره نمی‌کند، ضمن بیان اشعار در رابطه با حوادث دیگر به وضعیت این گروه نیز اشاره دارد.

راوندی وقتی ضمن قصیده تاریخی خود در رابطه با خرابی‌های سلاجقه در حمله به منطقه کاشان سخن می‌گوید، سادات منطقه راوند کاشان را نیز مورد توجه خاص قرار می‌دهد. او در ادامه



شرح حمله سلاجقه به این منطقه، چنین بیان می‌کند:

و دیار ساداتها الاجله هدموا فدیارهم و عراضهم سیان
 ماذا تری لهم یقول محمد و وصیه و البنیت و السبطن^۶
 (همان: ۸۴)

او در این اشعار، سادات منطقه راوندی را به صورت جداگانه مورد توجه قرار داده و نه در این قصیده و نه قصاید دیگر خود، از هیچ‌کدام از طبقات اجتماعی مردم کاشان در این دوره به صورت اختصاصی سخن نگفته است. راوندی در این قصیده ضمن اشاره به تخریب منازل سادات منطقه راوندی، سلاجقه را مورد بازخواست قرار داده و وصیت پیامبر(ص) و اهل بیتش در مورد این گروه را یادآور شده است. این اشارات راوندی در رابطه با سادات در منطقه کاشان در دوره سلاجقه چنین می‌نماید که در این دوره به‌رغم غلبه سلاجقه سنی‌مذهب بر ایران، در مناطق شیعه‌نشین همچون کاشان، سادات جایگاه خاصی بین مردم داشته و همواره به‌عنوان یک گروه اجتماعی خاص مورد توجه و عنایت ویژه مردم شیعه‌مذهب کاشان بوده‌اند.

۶. وضعیت سیاسی کاشان

به‌طور مشخص در دیوان ابوالرضا راوندی به تاریخ سیاسی کاشان و سیستم اداری این شهر، همچنین کیفیت اداره سیاسی آن اشاره نشده است. اگرچه تاریخ سیاسی مهم‌ترین نکته مورد توجه عموم مورخان بوده، گمان می‌رود به‌سبب شیعه بودن شهر کاشان، تاریخ سیاسی این شهر نیز در متون تاریخی این دوره بازتاب نیافته است (برای نمونه ر.ک: راوندی، ۱۳۶۴، کل کتاب). چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، راوندی بیشتر شاعری مدیحه‌سراست و شخصیت‌های مختلف را در دیوان خود مدح کرده، اما در این مدحیات هیچ اشاره‌ای به حاکم کاشان و یا شخصیت‌های برجسته سیاسی که در شهر کاشان منصبی داشته باشند، نشده است.

ابوالرضا در دیوان خود، ارادت ویژه‌ای به مجدالدین کاشانی دارد که از شخصیت‌های متمول و درعین‌حال خیر شهر کاشان در این دوره است. در قسمت‌های قبل، به نمونه‌هایی از فعالیت‌های این شخصیت و همچنین مدح ابوالرضا راوندی از او اشاره شد. جایگاهی که ابوالرضا در دیوان خود برای این شخصیت و تأثیرگذاری او در کاشان ترسیم می‌کند، نشان‌دهنده آن است که اگر شهر کاشان در این دوره حتی حاکم سیاسی مستقلی هم داشته است، بازهم این مجدالدین کاشانی است که در بسیاری از امور شهر، چه سیاسی و چه فرهنگی و اجتماعی، تأثیرگذار بوده است. اگرچه مجدالدین کاشانی در سیستم اداری شهر به‌عنوان حاکم یا مسئول دیگری، جایگاهی ندارد، متأثر از

دیوان ابوالرضا می‌توان او را تأثیرگذارترین شخصیت در حوادث سیاسی و اجتماعی شهر کاشان در این دوره دانست؛ اگرچه شاید به سبب ارادت ویژه‌ای که ابوالرضا به این شخصیت دارد، شاید در مورد او اغراق نیز کرده باشد.

به فعالیت‌های اجتماعی و عمرانی مجدالدین کاشانی که مورد توجه ابوالرضا راوندی قرار گرفته است، پیش از این اشاره شد. در رابطه با برخی امور سیاسی و کلان‌شهر کاشان نیز ابوالرضا راوندی، مجدالدین کاشانی را تأثیرگذارترین شخصیت شهر کاشان معرفی می‌کند.

یکی از مهم‌ترین حوادث سیاسی که در شهر کاشان در این دوره اتفاق افتاده، حمله سلاجقه به آنجاست. این حادثه در متون تاریخ این دوره بازتاب چندانی نداشته (ر.ک: صادقی علوی، ۱۳۹۹: ۷۵-۸۰)، اما ابوالرضا راوندی در قصیده مفصلی این موضوع را مورد توجه قرار داده که ارزش تاریخی این دیوان را دوچندان می‌کند. در این قصیده ضمن بیان چگونگی غارت شهرها و روستاهای اطراف کاشان توسط سلاجقه، در ابیات پایانی، محاصره کاشان توسط سلاجقه و تلاش برای نفوذ به داخل شهر و غارت آن ذکر می‌شود که براساس گزارش ابوالرضا دیوارهای مستحکم شهر که پیش از این توسط مجدالدین بنا شده بود، مانع از فتح شهر توسط سلاجقه می‌گردد.

و تأمروا لیلا فشدوا عزمه نفضت ولیتها علی قاسان
طافوا بها یتخافون بسورها مترصدین لفرصة الامکان^۷
(راوندی، ۱۳۳۴: ۸۵)

در ادامه گزارش این واقعه توسط ابوالرضا راوندی و بیان تلاش سلاجقه برای فتح شهر، در نهایت مجدالدین با پرداخت هفت هزار دینار از اموال خود به سپاه سلاجقه، آن‌ها را از تصرف شهر کاشان منصرف می‌کند:

و بسبعة الاف منها فکهم و اعاذهم من ذلة و هوان
حتی ترضاهم بماقترحوا و لم یک فیه بالوانی و لا المتوانی^۸
(همان: ۸۷)

چنین گزارش‌هایی از طرفی نشان‌دهنده جایگاه بالای این شخصیت در نظام سیاسی شهر کاشان در این دوره و از طرفی نشان‌دهنده علاقه و ابراز لطف ابوالرضا راوندی به مجدالدین است.

ابوالرضا راوندی در قصیده دیگری بر نقش و جایگاه مجدالدین در ثبات سیاسی و اجتماعی کاشان تأکید دارد. در این قصیده بیان می‌کند که حضور نداشتن مجدالدین در کاشان باعث فعالیت گسترده ارادل و اوباش در این شهر و غارت و به هم‌ریختگی اوضاع اجتماعی شهر شده است که

این اوضاع با بازگشت مجدالدین به شهر کاشان مرتفع شده و با حضور او، دوباره امنیت و آرامش در شهر برقرار شده است.

تولی الظلم و انجابه الظلام	ولاح الضوء و انفرج القتام
و اشرق فی السماء المجد بدر	تفری عن محاسنه الغمام
و کان الامر معدوقا بیوم	انی و لکل حامله تمام
و حل العدل و ارتحل التعدی	و عاد الخیر و انحجز الطغام
بهاءالمدین من عنت البرایا	له و بفضلہ اعترف الانام ^۹

(همان: ۱۵۱-۱۵۲)

چنین گزارش‌هایی مؤید این نکته است که اگر شهر کاشان در این دوره حاکم سیاسی هم داشته، این مجدالدین راوندی است که در بسیاری از حوادث و رویدادهای روز کاشان تأثیرگذار است.

اگرچه ابوالرضا راوندی به وضعیت سیاسی شهر کاشان به صورت مستقیم اشاره‌ای ندارد، از آنجاکه او شاعری مدیحه‌سراست، از مدح برخی رجال سیاسی این دوره غافل نبوده است. رجال سیاسی که به نحوی با کاشان مرتبط بوده و یا برای دوره‌ای در این شهر حضور داشته‌اند. قوام‌الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی از جمله دیوان‌سالاران دربار حکومت سلاجقه است (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱-۲۷؛ ظهیری نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۵) که مورد توجه راوندی و در چندین قصیده ممدوح او بوده است. اولین قصیده از دیوان ابوالرضا در مدح این شخصیت است. در ابتدای این قصیده، راوندی اشاره کرده است که آن را در سال ۵۲۴ق یعنی وقتی درگزینی در اصفهان بوده، سروده است (راوندی، ۱۳۳۴: ۱-۴). ابوالرضا راوندی در سال ۵۲۷ق که درگزینی به همراه سلطان به کاشان می‌آید، نیز قصیده‌ای برای مدح او می‌سراید (همان: ۴). به درستی مشخص نیست که به چه دلیل راوندی مدح این شخصیت را گفته است. درگیری‌های سیاسی برخی رجال درباری با او (ر.ک: بنداری، ۱۳۵۶: ۱۴۶-۱۴۷ و ۲۰۱؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۶: ۹۷) یا اظهار تشیع درگزینی و قتل بعضی شخصیت‌های سنی مذهب (ر.ک: بنداری، ۱۳۵۶: ۱۷۸)، همچنین گرفتن صله (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۲۴)، می‌تواند از دلایل مدح این وزیر حکومت سلجوقی توسط ابوالرضا راوندی باشد.

شرف‌الدین ابونصر انوشروان بن خالد، از وزرای کاشانی و شیعه‌مذهب سلجوقیان نیز از جمله شخصیت‌های برجسته سیاسی دوران سلاجقه است که راوندی او را مدح کرده است (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳، مقدمه: ۱۳؛ کاتب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۸۲-۲۸۶). او در این قصیده یکی از رجال سیاسی

حکومت سلاجقه را معرفی کرده که از بزرگان کاشان در قرن ششم هجری بوده و در مطلع قصیده از او به‌عنوان دوست خود یاد کرده است.

خلیلی ان لم تسعدا فدعانی فدونکما نادى الهوى فدعانی^{۱۰}
(راوندی، ۱۳۳۴، ۱۸-۱۵)

یکی دیگر از ادیبان و کارگزاران دربار سلاجقه، عزیزالدین ابونصر احمد بن حامد بن محمد مستوفی (ر.ک: ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۸۳؛ حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۲۹۳) است که راوندی در قصیده‌ای او را مدح کرده است. او در مطلع قصیده اشاره می‌کند که پس از عزل مستوفی از مقام خود، این قصیده را در مدح او سروده است (راوندی، ۱۳۳۴: ۱۷-۲۴). ابوالرضا راوندی در دیوان خود در کنار افرادی که ذکر شد، شخصیت‌های سیاسی و علمی دیگری را نیز در آن مدح کرده است (ر.ک: همان: ۲۱-۱۹، ۳۸-۴۰، ۵۹-۵۵ و...). چنین گزارش‌هایی در دیوان ابوالرضا اگرچه مستقیماً وضعیت سیاسی کاشان در این دوره را مورد توجه قرار نمی‌دهد، اشاره به حضور برخی بزرگان دولت سلجوقی از جمله برخی وزرای این حکومت در شهر کاشان در این دوره و مرتبط بودن شخصیتی چون ابوالرضا با آن‌ها نشان‌دهنده جایگاه سیاسی شهر کاشان در این دوره است.

۷. نتیجه‌گیری

ابوالرضا راوندی ضمن مدحیات خود و همچنین سایر اشعار خود، به مناسبت‌های مختلف اشارات فراوانی به موضوعات مختلف تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری دارد؛ موضوعی که مورخان این دوره در متون تاریخی خود به آن توجه چندانی نداشته‌اند.

از آنجاکه دیوان ابوالرضا کتاب تاریخ نیست و با هدف تاریخ‌نگاری نیز نوشته نشده، به‌صورت مستقیم به مسائل تاریخی اشاره نکرده است. اشعار ابوالرضا راوندی در رابطه با تاریخ اجتماعی کاشان را می‌توان در سه حوزه عمده فرهنگی و مذهبی، اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی کرد.

با بررسی توصیفی-تحلیلی گزارش‌های ابوالرضا در رابطه با امامزاده علی بن باقر(ع) و ارادت مردم این منطقه در دوره مورد نظر به این امامزاده و همچنین مدحیات و اشاراتی که به نام و جایگاه ائمه(ع) دارد، به‌علاوه اشاره به اعیاد و سنت‌های مختلف شیعی که در این دوره در شهر کاشان مرسوم و معمول بوده، می‌توان دریافت در این دوره مردم کاشان از نظر مذهبی توجه ویژه‌ای به تشیع و آداب و رسوم مرتبط با آن داشته‌اند و می‌توان نتیجه گرفت با توجه با سابقه تشیع در این شهر و همچنین اشارات ابوالرضا به امامزاده علی بن باقر(ع) و جایگاه او در قرن ششم، در دوره مورد نظر، تشیع در منطقه کاشان تثبیت شده بوده و مردم کاشان عموماً شیعه بوده‌اند. درباره مسائل

فرهنگی نیز از دیوان ابوالرضا راوندی و مدحیات او از شخصیت‌های مختلف علمی و سیاسی و همچنین اشاره به مدرسه مجدیة کاشان در این دوره و تدریس خود او در این مدرسه و اهتمامی که متمولان کاشان به مسئله آموزش داشته‌اند، چنین می‌نماید که در این دوره به‌رغم اینکه مذهب مردم شهر کاشان با مذهب مورد حمایت حکومت وقت همسو نبوده، مسئله آموزش به‌ویژه در حوزه دینی بسیار در کاشان مورد توجه بوده است.

چنان‌که از دیوان ابوالرضا و مدحیات او برمی‌آید، توجه به امور عام‌المنفعه و رسیدگی به افشار ضعیف جامعه در قالب سنت اسلامی وقف در این دوره در شهر کاشان بسیار گسترده و مورد توجه است. اگرچه ابوالرضا در دیوان خود به طبقات مختلف اجتماعی شهر کاشان به‌صورت مستقیم اشاره نکرده، از محتوای اشعار او چنین برمی‌آید که در دوره مورد نظر علما و همچنین سادات جایگاه خاصی در جامعه شیعی شهر داشته‌اند.

تاریخ سیاسی به‌صورت مشخص مورد توجه ابوالرضا نبوده، اما اشاراتی که به نقش مجدالدین در کاشان در این دوره دارد و تأثیرگذاری این شخصیت در مهم‌ترین حوادث شهر را بیان می‌نماید، به نظر می‌رسد این شخصیت مؤثرترین و یا حداقل یکی از مهم‌ترین رجال شهر کاشان در این دوره است که در اداره سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. آن‌ها این مسئله را فهمیدند و جمعشان تضعیف شد از مشهد او به اعتبار دین عزم آن‌ها شکست و جرئت جسارت نکردند که با استبداد به آن جسارت کنند.
۲. سپس امامت را امیرالمؤمنین علی(ع) در مرتبه بعد از خود به او داد پس از او دو پسرش و پسران دختر مولایمان محمد و سپس زین‌العابدین به دنبالش آمدند. باقر به اسرار حکمت خود علم دارد و صادق نیکوکار و درستکار که دروغ و جایز نگفته است.
۳. و هرکه خواهان نیکی باشد، با بهترین نظم و انضباط از آن پیروی می‌کند. پس به‌عمد اموالش را داد تا او را به بالاترین هدف برساند. این بخشش از تمایل به پاداشی ناشی می‌شود که پایدار بماند... در رابطه با یتیمان، بیوه‌زنان و کسانی که روزگار بر آن‌ها سخت گرفته بود.
۴. مساجد و خانه‌هایش و مدارس و مسافرخانه‌ها و پل‌ها، پل‌هایی که جز با عزم و اراده او ساخته نمی‌شد، و نیز از آثار او مشهد صدقی است که خداوند در آن امانت گذاشته سر خود را که از بزرگان و خوبان است؛ یعنی ابالحسن فرزند امام باقر بزرگوار آنچنان‌که شکافت علوم دین را شکافته‌تر از هر شکافته‌ای.
۵. او در مواقع پریشانی ابدی به زنان بیوه و یتیمان کمک می‌کرد. او آن‌ها را به ازدواج مردان سازگار

- درآورد تا اینکه دو هزار عروس با دارایی خود مزدوج کرد.
۶. و دیار بزرگان سادات را ویران کردند و آن را با خاک یکسان کردند؛ ساداتی که در رابطه با آنها محمد و وصی او و دخترش و نوه‌هایش سفارش کرده بودند.
۷. شبانه توطئه کردند و عزم او را تقویت کردند و او ولایت خود را از کاشان برداشت. آن‌ها از ترس دیوارهایش دور آن حلقه زدند و منتظر فرصتی بودند.
۸. و با هفت هزار دینار شهر را آزاد کرد و از ذلت حفظ کرد تا زمانی که به آنچه ایشان پیشنهاد کرد، راضی شدند.
۹. ظلم و ستم را فراگرفت، تاریکی پدید آمد، نور پدیدار شد و تاریکی شکست و شکوه یک ماه کامل در آسمان می‌درخشید و فضایل خود را از ابرها پنهان می‌کرد و امر مقررشده در روز «من و هر زن حامله» برآورده خواهد شد. عدالت آمد، ظلم رفت، نیکی بازگشت و ظلم برطرف شد. سوگند به این دین کسی است که پرهیزگاری بر او دشوار است و به فضل او مردم تصدیق می‌کنند.
۱۰. دوست من اگر خوشحال نیستی، پس مرا فراخوان؛ پس بدون تو شور و اشتیاق تو مرا صدا زد.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- بنداری، فتح بن علی. (۱۳۵۶). *تاریخ سلسله سلجوقی*. ترجمه محمدحسین جلیلی کرمانشاهی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: نشر علم.
- حسینی خاتون‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۲). *وقایع السنین و الاعوام*. تصحیح محمدباقر بهبودی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی. (۱۳۳۴). *دیوان*. تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: چاپخانه مجلس.
- راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی. (۱۳۹۷). *ضوء الشهاب*. تحقیق حسن قاسمی. تهران: بی‌نا.
- راوندی، محمد بن علی. (۱۳۶۴). *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*. تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.
- رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۸۶). *جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)*. تصحیح محمد روشن. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- زینلی، بهمن. (۱۳۹۸). *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی، محمود صادقی علوی

10.22052/KASHAN.2024.253492.1090

سمعانی، عبدالکریم بن محمد. (۱۹۶۲). *الانساب*. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی. حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانية.

شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین. (۱۳۷۷). *مجالس المؤمنین*. تصحیح احمد عبد منافی. تهران: اسلامیه.

صادقی، مصطفی. (۱۳۸۶). *کاشان در مسیر تشیع*. قم: شیعه‌شناسی.

صادقی علوی، محمود. (۱۳۹۹). *دیوان ابوالرضا راوندی تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری*. فصلنامه علمی پژوهشی *تاریخ اسلام*، ۱۰(۳۸)، ۷۱-۹۰.

ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین. (۱۳۳۲). *سلاجوق‌نامه*. تهران: کلاله خاور.

قاسم‌پور راوندی، محسن، و سلامی راوندی، محمد. (۱۳۹۸). نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه. *دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی*، شماره ۲۲، ۵۵-۸۰.

علوی علی‌آبادی، فاطمه‌سادات، سپهری، محمد، و واسعی، سید علیرضا. (۱۳۹۶). رازکاوی مهاجرت علی بن باقر(ع) به کاشان و پیامدهای آن. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۷(۲۵)، ۷۷-۹۶.

قمی، حسن بن محمد. (۱۳۸۵). *تاریخ قم*. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

قمی، نجم‌الدین ابوالرجا. (۱۳۶۳). *تاریخ الوزراء*. تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

کاتب اصفهانی، عمادالدین. (۱۳۷۵ق). *خریده القصر و جریده العصر*. بغداد: مجمع علمی العراقي. مدنی کاشانی، عبدالرسول. (۱۳۹۵). *شرح زندگانی و شهادت حضرت سلطانعلی ابن امام محمد باقر(ع)*. کاشان: مرسل.

مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. (بی‌تا). *لمعة النور و الضیاء فی ترجمة السيد ابی الرضا*. به اهتمام فخرالدین نصیری امینی. چاپخانه حیدری.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد. (۱۳۸۵). معمای قریه هراسکان و ملاحظاتی درباره چند نام جغرافیایی در قصیده نونیه راوندی. *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۴۴ و ۴۵، ۱۸۳-۱۹۴.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۴۰۸ق). *رجال نجاشی*. تحقیق محمدجواد نائینی. بیروت: دارالاضواء.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.



References

- Alavi Aliabadi, F. Sepehari, M., Wasehi, A. (2016). The investigation of the migration of Ali Bin Baqir to Kashan and its consequences. *Research Journal of Islamic History*, 7(25), 77-96. [In Persian]
- Bandari, F. (1977). *History of the Seljuq Dynasty*. translated by Mohammad Hossein Jalili Kermanshahi. Tehran: Farhang Iran Foundation. [In Persian]
- Hosseini Khatunabadi, A. (1973). *Vaqai al-Sunnin and Al-Awam*. edited by Mohammad Baqer Behboodi. Tehran: Islamic Bookstore. [In Persian]
- Ibn Athir, A. (1965). *Al-Kamal fi al-Tarikh*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Jafarian, R. (2008). *History of Shiism in Iran*. Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
- Katib Esfahani, E. (1955). *Khirida al-Qasr and Jarida al-Asr*. Baghdad: Majmall Al-Iraqi . [In Arabic]
- Madani Kashani, A. (2015). *Description of the life and martyrdom of Hazrat Sultan Ali Ibn Imam Muhammad Baqir*. Kashan: Mursal. [In Persian]
- Marashi Najafi, Sh. (Bita). *Lomea al-Nur and al-Diyaa in the translation of Al-Sayyid Abi al-Reza*. by Fakhruddin Nasiri Amini. Heydari Printing House. [In Arabic]
- Mashhadi Noushabadi, M. (2006). The Mystery of Haraskan Village and Some Considerations About Some Geographical Names in Nunyeh Rawandi's Poem. *Isfahan University Faculty of Literature and Humanities Quarterly*, No. 44 and 45, 183-194. [In Persian].
- Najashi, A. (1987). *Rijal*. research of Mohammad Javad Naini. Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
- Qasimpour Rawandi, M., & Salami Rawandi, M. (2018). The role of Seyyed Abulreza Rawandi in the expansion of the Shia hadith heritage. *two scientific quarterly journals of Kashanology*, no. 22: 55-80. [In Persian]
- Qomi, H. (2006). *History of Qom*. researcher: Ansari Qomi, Mohammad Reza, Qom, Grand Library of Hazrat Ayatollah Al-Azami Murashi Najafi. [In Persian]
- Qomi, N. (1984). *Tarikh al-vozara corrected by Mohammad Taqi Daneshpajoh*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
- Rashid al-Din Fazalullah (2007). *Jame al-Tawarikh (History of the Seljuqs)*. revised by Mohammad Roshan. Tehran: Written Heritage Research Center. [In Persian]
- Ravandi, A. (1955). *Divan*. edited by Jalaluddin Mohhaddeth Ermoi. Tehran: Majlis Printing House. [In Arabic]
- Ravandi, A. (2017). *Lighth al-Shahab*. research by Hassan Ghasemi. Tehran. [In Arabic]
- Rawandi, M. (1985). *Raha al-Sudor and Ayah al-Suror in Tarikh al-Saljuq*. revised by Muhammad Iqbal, Mojtaba Minavi. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Sadeghi Alavi, M. (2019). *Abulreza Rawandi's Divan*. the local history of Kashan in the sixth century of Hijri, scientific research quarterly of Islamic history, 10(38), 71-90. [In Persian]
- Sadeghi, M. (2007). *Kashan on the path of Shiism*. Qom: Shiismology. [In Persian]
- Samaani, A. (1962). *Al-Ansab*, research by Abdul Raman bin Yahya Maalami. Hyderabad: Al-Othmaniyah Encyclopaedia Majlis. [In Arabic]
- Shushtri, N. (1998). *Majlis al-Mu'minin*. revised by Ahmad Abd Manafi. Tehran: Islamia. [In Persian]
- Yaqut Hamwi, Y. (1995). *Ma'jam al-Baldan*. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]



Zahiri Neishabouri, Z. (1953). *Seljuqnameh*. Tehran: Kalala Khavar. [In Persian]

Zainli, B. (2019). *Local Historiography of Iran in the Islamic Period*. Qom: Hozha Research Institute and University. [In Persian]

Social History of Kashan in the 6th A.H. Based on Abu al-Reza Ravandi's Divan

Mahmood Sadeghi Alavi

Assistant Professor of History and Civilization of Islamic Nations, Payame Noor University, Tehran, Iran; Alavi@pnu.ac.ir

Received: 28/10/2023

Accepted: 01/03/2024

Introduction

Kashan is one of the oldest cities in Iran in the history of Shiism, and the history of the presence of Shiites in this city dates back to the first centuries A.H. After the overthrow of the Al-Buyeh dynasty, the Sunni Seljuqs came to power. With Seljuqs's coming to power, it was natural that the Shiite cities were not given much attention by the rulers of this dynasty, and, thus, the events related to these cities, which were generally written by historians close to the court, were not to be reflected in the historical texts of this era. Although Abu al-Reza Rawandi was considered a praise poet, he was one of the great scholars of the 6th H.A. The historical importance of this work became more evident when it was understood that in his work, Ravandi paid much attention to various aspects of the political, social, cultural history, and even the civil status of the city of Kashan in the 6th H.A. In some cases he expressed these events in detail. These descriptions of the political, cultural, and social activities of Kashan added up to the historical value of this Divan of poetry.

Materials and Methods

The historical data of Abu al-Reza Ravandi's poetry are the most important materials used in this research. Ravandi expressed historical reports in many of his verses. In this research, the historical data of Abu al-Reza's work regarding Kashan in the 6th H.A. has been extracted and analyzed in a descriptive- analytic way using a library study.



10.22052/KASHAN.2024.253492.1090

Results

Abu al-Reza Ravandi's poetry in relation to the social history of Kashan was classified into three main cultural and religious, social, and political categories. According to the history of Shiism in Kashan as well as Abu al-Reza's references to Imamzadeh Ali Ibin al-Baqir and his position in the sixth A.H., Shiism was established in the Kashan region during that period, and the people of Kashan were generally Shiites. In relation to cultural issues, it was also concluded from Abu al-Reza Ravandi's verse, his odes about various scientific and political figures of , as well as his referring to the Magdiya School of Kashan, and his own teaching there that Kashani people paid much attention to the issue of education. In this period, despite the fact that the practicing religion of Kashani people was not aligned with the religion endorsed by the government, the issue of education, especially in the religious field, was of great interest in Kashan. Reading his Divan, on can observe that the attention that paid to public affairs and to the support of the weak sections of the society, in the form of the Islamic tradition of endowment, was very widespread and important in this period in Kashan. Political history was not of Abu al-Reza's real concern, but his references to the role of Majd al-Din in Kashan in this period and the impact of this character on the most important events of the city, showed that this character is the most effective or at least one of the most important men of the city. It was during this era that he played a very significant role in the political, cultural, and social administration of the city.

Keyword: Kashan, history of Shiism, Abolreza Rawandi, Abolreza Rawandi's Divan.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۱۲۱-۱۵۴
مقاله علمی پژوهشی

برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل‌دهنده آن در شهر کاشان

صدیقه کیانی سلمی*

مریم محمودی برام**

چکیده

برندسازی گردشگری، ابزاری بسیار ارزشمند در مقاصد گردشگری است که به نوعی اثربخش، فرصت‌های خارجی و داخلی را مدیریت نموده و از آن‌ها مزیتی برای رقابت خلق می‌کند. این مزیت رقابتی می‌تواند از طریق ویژگی‌های منحصر به فرد آن مقصد در مقایسه با سایر مقاصد رقیب، گزینه‌ای برای ایجاد تعامل با هویت بی‌نظیر مقصد گردشگری باشد. از سوی دیگر، توجه و اعتلای برند گردشگری موجب ایجاد هویت فرهنگی مختص به فضا و مکان خواهد شد. بر این اساس، شناخت نقاط ضعف و قوت، همچنین شناسایی عوامل اثرگذار بر برند مقصد گردشگری، لازم و ضروری است. به همین منظور در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش‌های کمی در نرم‌افزار SPSS و مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار AMOS به تبیین عوامل شکل‌دهنده ارتقای برند گردشگری در شهر کاشان پرداخته شده است. بدین منظور، ۱۷۳ پرسش‌نامه به صورت تصادفی در اختیار گردشگران در دسترس در مکان‌های گردشگری کاشان قرار گرفت که پایایی آن به میزان ۰/۸۳۳ به وسیله آزمون آلفای کرونباخ تأیید گردید. روایی ابزار تحقیق نیز با بهره‌گیری از روایی صوری مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های پژوهش در تحلیل‌های آزمون T با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و فاداری گردشگران را پایین‌تر از حد میانگین برآورد کرده است. نتایج حاصل از کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در تشخیص مهم‌ترین متغیرهای شناسایی برند گردشگری کاشان نشان می‌دهد شاخص تصویر برند مقصد گردشگری متوسط ارزیابی شده است. مهم‌ترین شاخص تبیین‌کننده برند گردشگری کاشان با بار عاملی ۰/۹۹ و ۰/۹۶، به شاخص‌های تصویر اقلیمی برند و تصویر محیطی از برند تعلق گرفته است.

کلیدواژه‌ها: برند گردشگری، هویت برند، تصویر برند، کیفیت ادراک‌شده، کاشان.

* دانشیار، گروه جغرافیا و گردشگری، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول/
s.kiani@kashanu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا و گردشگری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران/
mahmoudi_beram@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

۱. مقدمه

در تعاریف موجود در ادبیات بازاریابی، برند به معنای تصویر ذهنی و ادراک گردشگر از مقصد گردشگری است که به نوعی، شناسنامه آن مقصد لحاظ می‌شود و با خدمات‌دهی مناسب، هویت و کارکرد مقصد گردشگری را تعریف می‌کند. اهمیت‌یابی این موضوع بدین دلیل است که باعث اعتلای سطوح اعتماد و وفاداری گردشگر به مقصد گردشگری می‌گردد (نظری و قدسی، ۱۳۹۴). برندینگ شهری در حوزه‌های شهری، ابزاری ارزشمند محسوب می‌شود که به وسیله آن از فرصت‌های داخلی و خارجی استفاده شده و از طریق آن مزیت‌های رقابتی خلق می‌گردد (ثربایی و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع می‌توان گفت از دل تفاوت‌های مقاصد با سایر رقبای خویش از طریق ویژگی‌های منحصر به فرد فرصتی بدیع برای گردشگری پدید می‌آید (Qu et al., 2012). یک مقصد گردشگری می‌تواند به عنوان یک محصول خاص یا برندی که دربرگیرنده ابعاد محسوس و نامحسوس است، تعریف شود. هرچند مفهوم برند مقصد، مفهومی نوین است، بسیاری از مقاصد گردشگری در اقصانقاط دنیا در تلاش برای پیگیری سیاست‌های نام ویژه تجاری برای مقاصد تحت سیطره خود هستند تا از این طریق، هویت ویژه‌ای در مقایسه با سایر رقبا برای خود بسازند و بر ویژه و منحصر به فرد بودن محصولات خود تأکید نمایند. از دیگر سو، امروزه با در نظر داشتن شرایط رقابت جهانی، سازمان‌دهی بازاریابی مقاصد گردشگری (DOMS)^۱ درگیر نبردی مداوم برای جذب گردشگران و اطمینان از وفاداری گردشگران هستند. در این راستا برند مطلوب و پر قدرت به ابزاری قوی برای بازاریابی تبدیل شده، زیرا ممکن است از این رهگذر، گردشگران به آسانی، مقاصدی را که توانسته‌اند تصویر و شخصیت مطلوب‌تری در اذهان ایجاد نمایند، به مقاصدی که از مناظر و چشم‌اندازهای زیبایی برخوردارند، ترجیح دهند (Usakli & Baloglu, 2011). علاوه بر آن، برندسازی برای یک مقصد گردشگری موجب تقلیل مشکلات ناشی از نامحسوس بودن محصولات موجود در بازار گردشگری، تسهیل بخش‌بندی بازار، انسجام بهتر تلاش‌های عرضه‌کنندگان خدمات گردشگری و بهبود زمانی و مکانی موقعیت مقصد در بازار می‌گردد (Baker & Cameron, 2008). در خلال سال‌های اخیر، افزایش روزافزون صنعت گردشگری و به کارگیری آن به عنوان یک فعالیت عمده اقتصادی از سوی کشورهای توسعه‌یافته و نیز در حال توسعه، منجر به پیدایش رقابت در بین مقاصد عمده گردشگری شده است؛ با این رویکرد که جذب گردشگری داشته باشند. همین امر برنامه‌ریزان را ملزم می‌نماید تا برای افزایش درآمدهای مکتسب از فعالیت‌های گردشگری، توجه خویش را به دو عنصر اساسی معطوف نمایند:



برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل‌دهنده آن...، صدیقه کیانی سلمی و مریم محمودی برام

10.22052/KASHAN.2024.252991.1082

۱. اعتلای رضایت گردشگر و بهبود لذت و کیفیت تجربه؛ ۲. تلاش در راستای حفظ منافع جامعه میزبان. از همین منظر است که غالب کشورها به مقوله گردشگری به‌عنوان یک ضرورت پرداخته‌اند تا از این طریق، نائل به منافع و مزایای مورد انتظار خویش گردند (قالیباف و شعبانی فرد، ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت برندسازی مقصد، بسط چارچوبی قابل قبول و منسجم برای بهره‌گیری از نظریه برندسازی مقصد گردشگری ضرورت می‌یابد. واضح است با توجه به تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و خصوصیات ویژه مقاصد گردشگری، هر مقصد، چارچوبی خاص برای برندگذاری خود خواهد داشت (طباطبایی نسب و همکاران، ۱۳۹۴). در این حوزه، شناسایی شرایط و عوامل مؤثر در اعتلای ارزش ویژه برند مقصد گردشگری از معبر ادراکات گردشگران، می‌تواند نقشی مفید در فرایند برندسازی و بازاریابی بلندمدت مقصد ایفا نماید (ایمانی خوشخو و ایوبی یزدی، ۱۳۸۹). به‌رغم اهمیت موضوع، توجه نسبتاً کمی در ادبیات دانشگاهی به برندسازی مقصد جلب شده است که می‌توان آن را به پیچیدگی ایجاد برند در سطح ملی، استانی و شهری نسبت داد؛ به‌گونه‌ای که هنوز در ادبیات علمی این حوزه وجود چارچوبی مفهومی که پژوهش‌های تجربی را تسهیل کند، کمتر یافت می‌شود (حسام و کریمی، ۱۳۹۵).

کاشان یکی از قطب‌های گردشگری ایران در مرکزی‌ترین نقطه کشور و در حداثی بین دو مقصد معتبر دیگر یعنی تهران و اصفهان قرار دارد. این شهر دارای هفت تا یازده هزار سال قدمت شهرنشینی است. شهری با اصالت و با مشاهیر علمی و ادبی زیاد که نقش پررنگی در صنعت گردشگری ایران دارد (گیرشمن، ۱۳۷۹، ج ۱). این شهر از جاذبه‌های گردشگری متنوع و متعددی مانند صنعت گلاب‌گیری، جاذبه‌های گردشگری تاریخی‌باستانی مانند خانه‌های تاریخی، حمام فین، بازار قدیمی، تپه‌های سیلک و شهر زیرزمینی نوش‌آباد، جاذبه‌های گردشگری طبیعی مانند آبشار نیاسر و کویر مرنجاب برخوردار است. ازجمله موضوعات مهم و اثرگذار بر توسعه گردشگری در شهر کاشان، ارزیابی و تبیین آن براساس ارزش ویژه برند است. در این مقاله سعی بر این است وضعیت عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند که از تحقیقات مختلف به دست آمده، در شهر کاشان بررسی شود و پس از آن رتبه‌بندی آن‌ها صورت پذیرد و درنهایت، مدل مورد استفاده برای مقصد گردشگری شهرستان کاشان مورد ارزیابی قرار گیرد. دو سؤال اساسی در این پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که:

- مؤلفه‌های اثرگذار بر ارزش ویژه برند گردشگری در کاشان کدام‌اند و تبیین آن‌ها به چه

صورت است؟

- کدام عوامل از نقش و اثرگذاری بیشتری در تبیین برند گردشگری کاشان برخوردارند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

از مفاهیم بسیار مطرح در حوزه گردشگری، مفهوم برندسازی مقاصد گردشگری است. براساس نظر انجمن بازاریابی آمریکایی، یک برند، دربردارنده نشان، نام، طرح، اصطلاح یا ترکیبی از آنهاست که تلاش آن بر هویت‌بخشی به کالاها و خدمات عرضه‌شده، توسط فروشنده و یا گروهی از فروشندگان به‌منظور تمایز آن‌ها از دیگر رقبای استوار است (Keller, 2013). از منظر دیگر، برند یک مقصد شامل نام، لوگو، سمبل، عبارت یا سایر گونه‌های گرافیکی است که علاوه‌بر تمایز و مشخص ساختن یک مقصد، نوید سفری به‌یادماندنی، خاطره‌انگیز و تجربه‌ای منحصر‌به‌فرد را در یک مقصد به ارمغان می‌آورد. همچنین به‌عنوان عنصری در راستای تحکیم و تقویت خاطرات فرح‌بخش از مقصد عمل می‌کند (بهاری و همکاران، ۱۳۹۴). برای تبیین برند شاخص‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که از نمونه‌های آن می‌توان به ارزش ویژه برند اشاره کرد. ارزش ویژه برند مبتنی بر مشتری، به منابع خلق ارزش برند از منظر مشتری می‌نگرد و آن را ناشی از تأثیرات گوناگون شناخت برند بر رفتار مشتریان در خصوص تمامی فعالیت‌های برند می‌داند. عموماً ارزش ویژه برند مقصد، مجموعه ادراکات گردشگر در خصوص مزایا و برتری‌های مقصد را در بر گرفته و سبب تمایز آن از برند سایر رقبای می‌شود (کوزه‌گر کالجی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا نمود مفهوم ارزش ویژه، اثرگذارترین عامل ایجاد مزیت رقابتی شناخته شده است (Chang & Liu, 2009).

در ادامه، آگاهی از برند برای برندسازی مد نظر قرار می‌گیرد. آگاهی از برند توانمندی مصرف‌کننده در شناخت یا به یاد آوردن یک برند در گروهی مشخص از محصول بوده و به این معناست که تصویری مثبت از مقصد از مقصد در ذهن گردشگران بالقوه پدید آمده است (Konecnik & Gartner, 2007). مبدأ مطالعات در حوزه آگاهی از برند مقصد مربوط به مطالعات رفتار مصرف‌کننده است که بیشتر، تحت عنوان فرایند و نحوه تصمیم‌گیری گردشگر بررسی شده است. مدل‌های رفتار مصرف‌کننده چنین استدلال می‌کنند که آگاهی شرطی لازم و نه کافی است که تکرار رفتار خرید را به دنبال دارد (طباطبایی‌نسب و ضرابخانه، ۱۳۹۴). تصویر ذهنی برند نیز در تداعی برند یکی از مفاهیم عمده و اثربخش است. بسط ساختار ذهنی مبنی بر احساسات برخاسته از اطلاعات یک مکان، شکل‌گیری تصاویر شهر را به دنبال دارد که می‌تواند براساس منابع مختلفی شکل گیرد. این تصویر در ذهن هر دریافت‌کننده پیام به‌طور مجزا شکل می‌گیرد (Kavaratzis,

2009)، زیرا تصویر یک منطقه برآیند جغرافیا، تاریخ، هنر، شهروندان معروف و سایر ویژگی‌هایی است که سعی در پردازش و برداشت اطلاعات ضروری از میان طیف وسیعی از اطلاعات درباره مکان دارد (Hassan, 2012). دستاورد نهایی برند در وفاداری به برند به صورت یک عملکرد رفتاری نمود می‌یابد. بر این اساس، وفاداری به برند تابعی از رفتارها و گرایش‌ها محسوب می‌شود (بهراری و همکاران، ۱۳۹۴) و تعیین‌کننده انگیزه اصلی برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌ای بخصوص است و افزایش فروش و سودآوری را به همراه می‌آورد. شایان ذکر است تأثیر وفاداری به برند، در هزینه‌های بازاریابی نیز از اهمیت برخوردار است؛ زیرا حفظ مشتریان قدیمی، امکان‌پذیرتر و بسیار کم‌هزینه‌تر از جذب و جایگزینی آن با مشتریان جدید است (Uslu & Durmus, 2013). درکل، می‌توان وفاداری به برند را به‌عنوان تعهد مشتریان برای خرید مجدد محصول تعریف کرد (Gil et al. 2007). در این راستا کیفیت ادراک‌شده به‌عنوان ادراک مصرف‌کننده از کیفیت محصول یا خدمت نسبت به گزینه‌های دیگر تعریف می‌گردد (جهانیان و همکاران، ۱۳۹۲) که البته قضاوت ذهنی مصرف‌کننده در مورد برتری یک برند است و همواره به‌معنای کیفیت واقعی محصول نیست. کیفیت ادراک‌شده برند می‌تواند در افزایش سهم بازار، قیمت و سودآوری، اثری مثبت داشته باشد و آثار منفی آن بر هزینه‌ها و تأمین بازده سرمایه‌گذاری (Uslu & Durmus, 2013) هویدا گردد. از مفاهیم دیگر مرتبط با برند، مفهوم هویت برند است که جنبه‌های منحصربه‌فرد و باارزش برند را تداعی می‌کند. استراتژی برند با این ایده و مفهوم در ذهن مشتریان ایجاد و درک می‌شود و از طریق آن سازمان با سهام‌داران خود ارتباط برقرار می‌کند (Coleman et al., 2011). هویت برند شیوه ماندگاری، رفتار و تفکر برند را تعیین می‌کند (Buil, 2015). گفتنی است شخصیت برند نقشی مهم در سازمان‌دهی برند مقصد و تبیین ادراکات گردشگران در مقاصد مختلف و خلق برندی انحصاری برای مقصد ایفا می‌کند. افزایش رقابت بین بازارهای گردشگری و تلاش مقاصد برای منحصربه‌فرد بودن سبب توجه بیش از پیش به شخصیت مقصد شده است (کیانی فیض‌آبادی، ۱۳۹۵). تحقیقات حاکی از آن است مقاصد گردشگری نیز مثل افراد، فروشگاه‌ها و... ویژگی‌های شخصیتی ویژه دارند و شخصیت مقصد قادر است رفتار خرید گردشگران را پیش‌بینی کند (Usakli & Baloglu, 2011). تبلیغات دهان‌به‌دهان نیز از ارکان اساسی خلق و تقویت برند محسوب می‌شود. در روزگار کنونی تبلیغات شفاهی به‌عنوان منبعی معتبر و قابل اعتماد از اطلاعات توسط مردم در شبکه‌های اجتماعی مورد اقبال قرار گرفته و به آن تمایل بیشتری دارند (Rezvani, 2012). تبلیغات شفاهی گونه‌ای از ارتباط چهره‌به‌چهره میان افراد در خصوص محصولات، شرکت‌ها، خدمات، مکان‌ها و... است که

می‌تواند به‌عنوان ارتباطات میان مصرف‌کنندگان تعریف گردد (Ye, 2011). در این پژوهش شاخص‌های ارزش ویژه برند، آگاهی از برند، تصویر برند، کیفیت ادراک‌شده و وفاداری به برند به‌عنوان عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای برند گردشگری کاشان در نظر گرفته شده است؛ پرسش‌نامه پژوهش طبق شاخص‌های یادشده تدوین می‌گردد و فرضیات نیز براساس این عوامل مورد آزمون قرار می‌گیرند.

فرنس و والز^۳ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به نام «مشارکت پایدار سفر» ارزش ویژه برند مقصد و قصد بازدید گردشگران، بیان کرده‌اند مشارکت پایدار سفر به‌واسطه عوامل شکل‌دهنده ارزش ویژه برند مقصد یا به عبارتی تصویر، آگاهی، کیفیت و وفاداری به برند بر نیت بازدید گردشگران از یک مقصد گردشگری اثر دارد. یانگ^۴ (۲۰۱۲) در نتایج تحقیق خود بیان می‌کند برند شهری نتیجه رقابت دولت‌های محلی در سال‌های اخیر است و معتقد است هر دو شهر سئول و تایپه، شهرهای بزرگ پسا صنعتی هستند که با برگزاری رویدادهای بزرگ جهانی مانند المپیک‌های ورزشی و نمایشگاه‌های بین‌المللی و نیز طراحی عمومی شهر با تکیه بر فرهنگ خود در تلاش‌اند استانداردهایی در سطح جهان طراحی کنند که در نهایت، جذب گردشگر را به همراه داشته باشد. بکمن^۵ (۲۰۱۳) تصریح می‌نماید عوامل انگیزاننده مانند هیجان‌ات، عوامل طبیعی، میزان اجتماعی بودن، طالب موفقیت بودن و ریسک‌پذیری گردشگر به‌واسطه اثرگذاری بر ابعاد سه‌گانه مشارکت پایدار سفر، یعنی لذت و اهمیت سفر، مثبت‌نگری گردشگر بر دل‌بستگی به مقصد مؤثر است و بدین طریق موجب بازدید مجدد و تبلیغ مناسب شفاهی خواهد شد. فرناندز و میتان^۶ (۲۰۱۴) به بررسی هم‌زمان پلیموت انگلستان و مالاگا اسپانیا در یک راستا پرداخته و بیان می‌کنند شهرها در سطح جهانی برای ایجاد تصویر برند برتر، باهم رقابت بسیاری دارند. در پلیموت عواملی مانند منابع تاریخی، شیوه زندگی و ارزش‌های فرهنگی به‌صورت غیرمستقیم در راهبردهای محلی و ارتقای گردشگری مؤثر بوده‌اند؛ درحالی‌که شهر مالاگا با تکیه بر ارتباط خود با نقاش معروف پیکاسو سعی در ایجاد وجهی متفاوت دارد تا برندی جهانی را به تصویر بکشد. بروزه^۷ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر برند برای ایجاد روابط موفق بین گردشگران و مقصدهایی که انتخاب می‌کنند، می‌پردازند. در این پژوهش، آگاهی از برند و تأثیر تبلیغات شفاهی و شبکه‌های مجازی سبب ساخت تصویر ذهنی مثبت و تجربه دوباره گردشگران شده است. جان لو^۸ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رفتار گردشگران می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه ارزش و کیفیت یک مقصد موجب وفاداری به آن برند گردشگری می‌شود. ژانگ^۹ و همکاران (۲۰۲۰) در

نتایج پژوهش خود اعلام کردند که ایجاد دل‌بستگی به مکان و احساسات مثبت به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز و قصد سفر دوباره به‌عنوان یک پاسخ رفتاری است. پژوهشگران دریافتند که تصاویری از سفر تأثیری مثبت و قابل توجه بر حافظه افراد دارد و حافظه نیز با قصد بازدید مجدد از مکان گردشگری در ارتباط است و موجب ایجاد وابستگی به مکان می‌شود. کیونگ لی^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی ده جاذبه برتر گردشگری شهر لندن در شبکه‌های اجتماعی دریافتند که آگاهی و شناخت، انعکاس تصویر مثبت و ماندگار و همچنین ارائه خدمات باکیفیت موجب ایجاد انگیزه برای بازدید دوباره و وفاداری به برند گردشگری خواهد شد. نتایج تحقیق «نام تجاری مقصد گردشگری سلامتی جنگل برای حمایت از کاهش بلایا (مطالعه موردی: ژئوپارک جهانی باتور یونسکو، بالی)» که می‌هاردجا^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۳) انجام داده‌اند، نشان می‌دهد این نام تجاری می‌تواند برای جاذبه‌های جنگلی-تندرستی اعمال شود که می‌تواند مزایای فراوانی برای بازدیدکنندگان، جامعه محلی ایجاد نماید و به‌عنوان بخشی از تلاش‌های کاهش بلایای زمین‌لغزش در منطقه ژئوپارک قلمداد گردد.

در تحقیقات داخلی مسگری (۱۳۹۲)، ابعاد آگاهی، وفاداری، کیفیت ادراک‌شده و تصویر برند از مقصد، قیمت، خانواده، تبلیغات و ترفیعات را به‌عنوان ابعاد اثرگذار بر ارزش ویژه برند تشخیص داده و دریافت تصویر برند مقصد اثرگذارترین عامل شکل‌دهنده ارزش ویژه برند در آذربایجان غربی است. تاج‌زاده نمین و اسمعیل مشرفی (۱۳۹۳) به شناسایی اولویت‌های اثرگذار بر ارزش ویژه برند شهرستان رامسر پرداخته و این عوامل را در شاخص‌های تصویر، وفاداری، کیفیت ادراک‌شده و آگاهی از برند مقصد تشخیص داده است. حیدری چپانه و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه تصویر برند بعد از سفر و توسعه گردشگری پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین تجربه استفاده از برند مقصد گردشگری و توسعه گردشگری رابطه معنادار وجود دارد. طباطبایی نسب و ضرابخانه (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند تجربه و شخصیت برند مقصد از طریق تأثیرگذاری بر هویت، بر مفهوم آن تأثیر گذاشته و از این طریق منجر به افزایش ارزش ویژه برند مقصد می‌گردد. کیانی فیض‌آبادی (۱۳۹۵) با تکیه بر تئوری ارتباط برند به شناسایی عوامل اثرگذار بر رضایت‌مندی گردشگران پرداخته است. نتایج بررسی حاکی از آن است تصویر مقصد، عاملی بسیار مهم در ارتباط گردشگر با مقصد است و بر شخصیت مقصد، دل‌بستگی و رضایت از مقصد اثری بی‌واسطه و معنادار دارد. زحمتکش سردوراهی و همکاران (۱۴۰۰) بیان می‌کند عوامل اعتبار، عملکرد برند و بازاریابی گردشگری سلامت نسبت به سایر عوامل از مرکزیت بیشتری برخوردار است؛ همچنین

تصویر مقصد نقشی قابل توجه بر فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب مقصد گردشگری دارد. وحیدزادگان و زنگی‌آبادی (۱۴۰۰) به دنبال بررسی شناخت تصویری گردشگران از منظر شهری اصفهان با هدف تبیین برند مقصد گردشگری دریافتند مناظر تاریخی و طبیعی، صنایع‌دستی و داستان‌های رمزگونه، اولویت گردشگران را به‌عنوان علل سفر و برتری رقابتی اصفهان تشکیل داده است. شیرمحمدی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی اثر آوازه‌برند جشنواره‌های گردشگری بر تعلق خاطر به برند شهر گردشگری بیان می‌کنند آشنایی با برند جشنواره گلاب‌گیری کاشان، بر آگاهی از برند جشنواره گلاب‌گیری اثری مثبت و معنادار دارد. این امر بیانگر آن است که آشنایی با جشنواره عاملی است که قادر خواهد بود بهبود ارتباط با شرکت‌کنندگان را به دنبال داشته باشد. رضایی حاجی‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱) در تدوین الگوی خلق مشترک ارزش مقصد گردشگری با تمرکز بر نقش تعدیلگر ویژگی‌های شخصیتی گردشگر (مطالعه موردی: مقاصد منتخب گردشگری ایران) بیان می‌کند اثرگذارترین عوامل مؤثر در خلق مشترک ارزش در مقاصد شامل دل‌بستگی به مقصد، تجربه مقصد و تصویر مقصد است. علاوه بر این، ویژگی‌های شخصیتی گردشگر در ارتباط بین خلق مشترک ارزش در مقصد و دل‌بستگی به مقصد و نیز خلق مشترک ارزش در مقصد و تصویر مقصد، نقشی تعدیلگر ایفا می‌کند. منعم لقمجانی و همکاران (۱۴۰۱) جایگاه رقابتی برند گردشگری استان گیلان: محرک‌ها و پیامدهای آن را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. طبق یافته‌ها کلیدی‌ترین عنصر جایگاه‌یابی برند مقصد در ذهن مشتریان، فرایند مرتبط با جایگاه‌یابی، برندسازی و تبلیغات در خصوص آن مقصد بوده است؛ به‌نحوی که سایر عوامل با تحقق صحیح این عامل نمود بارزتری خواهند یافت. منوچهری و همکاران (۱۴۰۲) تحلیلی کیفی بر توسعه گردشگری رویدادمحور مبتنی بر جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی شهر مریوان انجام داده است. براساس یافته‌ها در راستای بهره‌مندی و توسعه منافع گردشگری جشنواره، به مدیریت یکپارچه و سیستمی گردشگری، حرفه‌ای‌سازی فعالان و ذی‌نفعان و نیز آموزش نیاز است. همچنین بازننگری در نحوه جذب و بازاریابی بخش گردشگری در تلفیق با برجسته‌سازی و تقویت بخش هنری، می‌تواند به بهبود کیفی بینجامد. مرور و بررسی پژوهش‌های خارجی و داخلی در حوزه گردشگری و به‌ویژه برند گردشگری، امکان مقایسه در پژوهش‌های متفاوت را فراهم آورد. از آنجاکه شهرهای تاریخی فرصت‌های بالقوه‌ای برای درآمدزایی محسوب می‌شوند، می‌توان با توجهات ویژه و اتخاذ تدابیر اندیشمندانه، این فرصت‌ها را بالفعل نمود. این پژوهش به دنبال تبیین برند گردشگری در شهر کاشان، بررسی وضعیت و شناسایی عوامل اثرگذار بر آن است تا به خلق مزیت رقابتی برای این

مقصد گردشگری پردازد که در نهایت منجر به بهبود قصد بازدید مجدد از کاشان و ایجاد وابستگی به آن در بین گردشگران می‌شود.

۲-۱. روش

پژوهش حاضر، پژوهشی کاربردی است که از نظر هدف، توصیفی تحلیلی و از نظر رویکرد، کمی است. روش گردآوری اطلاعات ترکیبی از روش‌های پیمایشی و کتابخانه‌ای است. جامعه آماری پژوهش، گردشگران داخلی بازدیدکننده از شهر کاشان هستند که از بین آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار سیمپل پاور و با توان آزمون $0/8$ ، تعداد ۱۷۳ نفر به‌عنوان حجم نمونه برآورد و مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. نحوه توزیع پرسش‌نامه به‌صورت نمونه در دسترس بوده است؛ به‌این ترتیب که گردشگران حاضر در مکان‌های گردشگری کاشان در فرایند پرسشگری با محققان به‌صورت تصادفی همکاری داشته‌اند. از آنجاکه معمولاً آمار دقیقی از حجم و تعداد گردشگران به‌علت ثابت نبودن آن‌ها موجود نیست، مراجعه به محل جاذبه‌های گردشگری، مرسوم‌ترین روش پرسشگری است؛ به‌نحوی که در آن‌ها گردشگران حاضر از شانس برابر برای انتخاب شدن برخوردارند. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته با ۸ سؤال عمومی و ۳۹ سؤال تخصصی است که با بهره‌گیری از مطالعات مبانی نظری، نظرسنجی از استادان و کارشناسان و مرور پیشینه پژوهش، استخراج شده است. به‌منظور بررسی و سنجش روایی محتوا، از روایی صوری استفاده گردید. در تأیید روایی، نظرات اخذشده از استادان دانشگاه و نیز نتایج نظرسنجی از کارشناسان خبره گردشگری، اعمال و اصلاح شد. همچنین برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد؛ مقدار بیشتر از $0/7$ برای همه شاخص‌ها و کل پرسش‌نامه پژوهش نشان‌دهنده قابل قبول بودن پرسش‌نامه و پایایی مناسب آن است (جدول ۱). در راستای بررسی اهداف پژوهش و آزمون فرضیات تحقیق، داده‌های حاصل از پرسشگری به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS مورد تحلیل قرار گرفت. مدل‌های معادلات ساختاری عموماً با هدف آزمون یک نظریه در حوزه روابط بین سازه‌های نظری کاربرد دارد. برای این منظور، داده‌های خام قبل از کاربرد به‌عنوان داده ورودی، به ماتریسی کوواریانس از روابط موجود فی‌مابین متغیرهای مشاهده‌شده تبدیل می‌گردد (علوی، ۱۳۹۲: ۵۲۵). برازندگی مدل نیز از طریق مقایسه همبستگی برآوردشده از جامعه با جدول کوواریانس نمونه تحقیق حاصل می‌گردد (Violato, 2007). شناسایی ارزیابی برازندگی مدل از طرق متعددی حاصل می‌گردد (Iacobucci, 2009). یکی از روش‌های مرسوم از طریق مراجعه به شاخص‌های برازندگی است (بسحاق، ۱۳۹۴) که مبنای بررسی برآزش

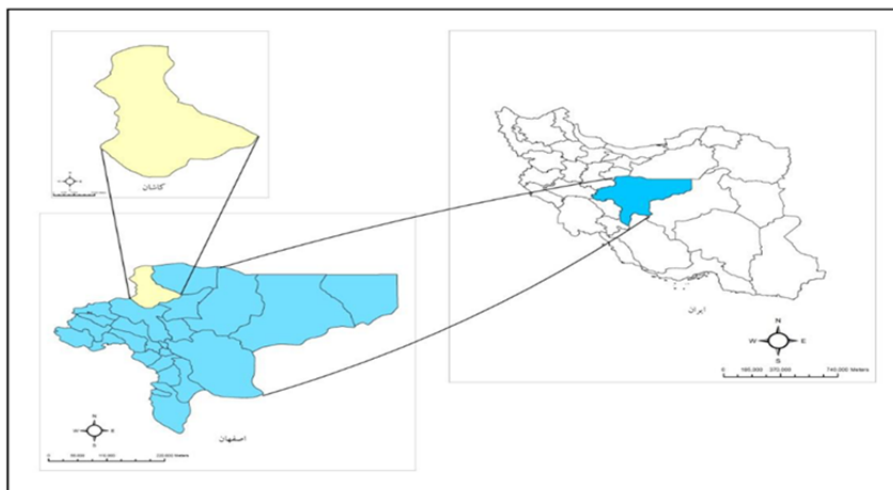
در تحقیق حاضر بوده است. شایان ذکر است علاوه بر تحقیقات کمی مانند تحقیق حاضر، انجام پژوهش‌های کیفی و مرور سیستماتیک می‌تواند در راستای حصول به اهداف تحقیق مفید باشد. به عبارتی، تحقیقات کمی و کیفی در کنار یکدیگر این قابلیت را خواهد داشت که نتایج دقیق‌تر و عمیق‌تری ایجاد نماید. بنابر تخصص، توان و اولویت‌های محقق در این تحقیق استفاده از روش کمی مد نظر بوده است. از آنجاکه انجام تحقیق کیفی درخصوص برندسازی گردشگری کاشان می‌تواند به بهبود دستیابی به اهداف منجر گردد، به‌عنوان یکی از پیشنهادات پژوهشی برای محققان آینده مطرح می‌گردد.

جدول ۱: معرفی متغیرهای تحقیق، تعداد سؤال و پایایی ابزار تحقیق

شاخص	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
ارزش ویژه برند	۴	۰/۷۷۹
تصویر برند	۱۲	۰/۸۸۴
کیفیت ادراک‌شده	۱۰	۰/۸۴۴
وفاداری به برند	۶	۰/۸۹۷
آگاهی از برند	۶	۰/۷۶۴
کل	۳۸	۰/۸۳۳

(طباطبایی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۴؛ مسگری، ۱۳۹۲؛ تاج‌زاده نمین و اسمعیل‌اشرفی، ۱۳۹۳؛ شیرمحمدی و همکاران، ۱۴۰۱؛ Luo et al. 2018؛ Ferns & Walls, 2012؛ Fernandez & Meethan, 2014؛ Berrozpe, 2018؛ Young, 2012؛ Styvén, 2021؛ Mihardja, 2023؛ Beckman, 2013)

شهر کاشان در شرق کویر مرکزی ایران و شمال استان اصفهان در مدار ۳۳/۹۸ درجه شمالی و ۵۱/۵۸ درجه شرقی قرار دارد که دومین شهر پرجمعیت این استان است. این شهر تاریخی را دارالمؤمنین می‌نامند و به نام‌های شهر گل و گلاب، شهر خانه‌های تاریخی و پایتخت فرش و قالی جهان معروف است. یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان به نام سیلک با قدمتی بیش از هفت هزار سال در این شهر قرار دارد. کاشان آثار تاریخی بسیاری دارد که تعداد ۳۳۳ عدد از آن‌ها ثبت ملی و باغ فین کاشان نیز ثبت یونسکو شده است. در شکل (۱) موقعیت منطقه مورد مطالعه نمایش داده شده است.



شکل ۱: محدوده جغرافیایی شهر کاشان (منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۸، ترسیم: نگارندگان)

۳-۱. یافته‌ها

برای ایجاد شناخت کلی از نمونه تحقیق، آماره‌های توصیفی براساس سؤالات عمومی پرسش‌نامه و ویژگی‌های جمعیت‌شناسی شامل جنسیت، وضعیت تأهل، سن، تحصیلات، شغل، نحوه سفر، هدف از سفر و نحوه آشنایی با کاشان بررسی شده است (جدول ۲). از ۱۷۳ پاسخ‌گو به پرسش‌نامه، ۹۵ نفر زن و ۷۸ نفر مرد هستند که از بین ایشان، ۱۰۷ نفر مجرد و ۶۶ نفر متأهل بوده‌اند. بیشترین آمار پاسخ‌گویان برحسب سن در سنین بین ۲۵ تا ۳۵ قرار داشتند که نکته‌ای درخور توجه و حائز اهمیت به‌لحاظ جوانی جمعیت گردشگر بازدیدکننده از شهر کاشان و جاذبه‌های گردشگری آن است. در نتایج بررسی هدف از سفر، هدف دوسوم افراد از سفر به کاشان تفریحی و یک‌سوم افراد کاری اعلام شد. ۳۰ درصد از گردشگران به‌صورت انفرادی، ۲۸ درصد خانوادگی، ۲۵ درصد همراه دوستان و ۱۷ درصد از آنان به‌همراه توره‌های گردشگری به کاشان سفر کرده‌اند. درنهایت، فقط ۷ درصد از گردشگران از طریق رسانه‌های عمومی با شهر کاشان و جاذبه‌های گردشگری آن آشنا شده‌اند. بیشترین نقش در این آشنایی، مربوط به شبکه‌های مجازی بوده است. در جدول (۲) نتایج توصیفی سنجه‌های عمومی تحقیق بیان شده است.

جدول ۲: تحلیل متغیرهای جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان در تحقیق (منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

ویژگی	ابعاد	فراوانی	ویژگی	ابعاد	فراوانی
جنسیت	زن	۹۵	تحصیلات	دیپلم	۴۰
	مرد	۷۸		کارشناسی	۷۹
تأهل	متاهل	۶۶		ارشد و بالاتر	۵۴
	زیر ۲۵	۴۷	هدف از سفر	تفریحی	۱۰۶
سن	۲۵ تا ۳۵	۸۵		کاری	۶۷
	۳۵ تا ۴۵	۳۱	نحوه سفر	انفرادی	۵۳
	۴۵ و بالاتر	۱۰		با خانواده	۴۸
شغل	کارمند	۲۵		همراه دوستان	۴۴
	آزاد	۳۶		تور	۲۸
	بیکار	۱۶	نحوه آشنایی	شبکه مجازی	۳۸
	دانشجو	۷۲		آژانس گردشگری	۱۴
	سایر	۲۴		رسانه عمومی	۱۲
			سایر	۱۰۹	

۲. بررسی وضعیت متغیرهای تبیین‌کننده برند گردشگری در شهر کاشان

تبیین برند گردشگری شهر کاشان با استفاده از ۳۹ متغیر تخصصی صورت می‌پذیرد که برای دستیابی به فضاوتی کلی از آن، اقدام به ساخت متغیر ترکیبی از مجموع متغیرهای مورد بررسی در قالب شش شاخص ارزش ویژه برند، تصویر برند، کیفیت ادراک‌شده برند، وفاداری به برند و آگاهی از برند گردید. در نهایت با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت (جدول ۳). مقادیر سطح معناداری و کرانه‌های اطمینان در بازه ۹۵ درصد بیانگر آن است متغیرها در سه گروه تأیید (مطلوب)، نیمه‌مطلوب (متوسط) و نامطلوب (رد) قرار دارند.

جدول ۳: بررسی وضعیت متغیرهای تبیین‌کننده برند گردشگری در شهر کاشان (منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

شاخص	متغیر	میانگین	درجه آزادی	آماره T	فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵		ارزیابی وضعیت
					کرانه بالا	کرانه پایین	
آزاد و ویژه	اگرچه شهر دیگری به خوبی کاشان وجود دارد، من کاشان را برای سفر ترجیح می‌دهم.	۲/۶۶	۱۷۲	-۴/۱۰	۰/۰۰۰	-۰/۱۷	رد
	من از سفر به کاشان احساس مثبتی دارم.	۳/۲۷	۱۷۲	۳/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۴۳	تأیید
	کاشان به‌عنوان یک شهر گردشگری خوب مورد توجه دوستان و اطرافیانم می‌باشد.	۳/۴۰	۱۷۲	۴/۹۶	۰/۰۰۰	۰/۵۶	تأیید



برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل دهنده آن...، صدیقه کیانی سلمی و مریم محمودی برام

10.22052/KASHAN.2024.252991.1.1082

شاخص	متغیر	میانگین	درجه آزادی	آماره T	سطح معناداری	فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵		ارزیابی وضعیت	
						کرانه بالا	کرانه پایین		
	اماکن تاریخی و تفریحی کاشان را سریعاً به خاطر می آورم.	۳/۶۷	۱۷۲	۷/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۸۴	۰/۵۰	تأیید	
	ارزش ویژه برند	۳/۲۵	۱۷۲	۳/۹۲	۰/۰۰	۰/۳۸	۰/۱۲	مطلوب	
تصور برند	من احساس می کنم کاشان بهترین مکان برای مسافرت است.	۲/۴۵	۱۷۲	-۶/۸۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۹	-۰/۷۰	متوسط	
	کاشان از اقلیم آب و هوایی مطلوبی برخوردار است.	۲/۰۹	۱۷۲	-۹/۹۷	۰/۰۰۰	-۰/۷۲	-۱/۰۸	متوسط	
	کاشان از جاذبه های فرهنگی جذابی برخوردار است.	۳/۳۹	۱۷۲	۴/۸۰	۰/۰۰۰	۰/۵۵	۰/۱۳	تأیید	
	کاشان از جاذبه های تاریخی زیبایی برخوردار است.	۴/۰۹	۱۷۲	۱۵/۸۹	۰/۰۰۰	۱/۲۲	۰/۹۵	تأیید	
	کاشان صنایع دستی منحصربه فردی دارد.	۳/۲۵	۱۷۲	۳/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۱۲	تأیید	
	کاشان غذاهای محلی جالبی دارد.	۲/۸۴	۱۷۲	-۱/۸۷	۰/۰۶۳	۰/۰۰۸	-۰/۳۳	متوسط	
	کاشان مردم مهمان نوازی دارد.	۳/۱۰	۱۷۲	۱/۱۳	۰/۲۶۰	۰/۲۸	-۰/۰۷	متوسط	
	کاشان طبیعت و چشم انداز بسیار زیبایی دارد.	۳/۲۰	۱۷۲	۲/۵۲	۰/۰۱۳	۰/۳۷	۰/۰۴	تأیید	
	کاشان مراکز خرید دیدنی با قابلیت دسترسی آسان دارد.	۲/۵۵	۱۷۲	-۵/۴۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۸	-۰/۶۰	رد	
	کاشان از موقعیت تجاری مناسبی برخوردار است.	۲/۹۵	۱۷۲	-۰/۵۲	۰/۶۰۲	۰/۱۲	-۰/۲۲	متوسط	
	کاشان محیط مناسبی برای استراحت گردشگران دارد.	۳/۱۸	۱۷۲	۲/۴۴	۰/۰۱	۰/۳۳	۰/۰۳	تأیید	
	کاشان دارای محیطی آرام و ساکت است.	۳/۵۱	۱۷۲	۶/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۶۶	۰/۳۶	تأیید	
	تصور برند	۲/۹۹	۱۷۲	-۰/۰۹۳	۰/۹۲۶	۰/۱۰	-۰/۱۱	متوسط	
	کاشان هوای پاک و تمیزی دارد.	۳/۳۹	۱۷۲	۴/۶۸	۰/۰۰۰	۰/۵۶	۰/۲۳	تأیید	
	کیفیت در گذشته	کاشان دارای مراکز اقامتی با کیفیتی است.	۳/۲۹	۱۷۲	۳/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۴۵	۰/۱۳	تأیید
		در کاشان از امنیت جانی برخوردار هستیم.	۳/۵۸	۱۷۲	۷/۵۴	۰/۰۰۰	۰/۷۴	۰/۴۳	تأیید
کاشان زیرساخت های جاده های با کیفیت دارد.		۲/۹۳	۱۷۲	-۰/۷۶	۰/۴۴	۰/۱۰	-۰/۲۲	متوسط	
در کاشان محصولات با قیمت های مناسب عرضه می شود.		۲/۴۸	۱۷۲	-۵/۶۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۳	-۰/۶۹	رد	
کاشان از محیط فیزیکی تمیز و مطلوبی برخوردار است.		۳/۱۳	۱۷۲	۱/۸۶	۰/۰۶۵	۰/۲۷	-۰/۰۰۸	متوسط	
در کاشان اطلاع رسانی مناسب در زمینه مکان های تفریحی و گردشگری و شرایط آب و هوایی و جاده ها صورت می گیرد.		۳/۰۱	۱۷۲	۰/۲۳	۰/۸۱	۰/۱۶	-۰/۱۳	متوسط	
در کاشان به گردشگران توجه لازم می شود.		۳/۴۲	۱۷۲	۵/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶	۰/۲۷	تأیید	
خدمت رسانی در کاشان با کیفیت مناسبی صورت می گیرد.		۲/۹۳	۱۷۲	-۰/۸۶	۰/۳۹	۰/۰۸	-۰/۲۰	متوسط	
در کاشان می توانم به راحتی به منابع و امکانات لازم دسترسی پیدا کنم.		۲/۹۵	۱۷۲	-۰/۶۱	۰/۵۳	۰/۱۰	-۰/۱۹۰	متوسط	
کیفیت ادراک شده برند		۳/۱۱	۱۷۲	۲/۳	۰/۰۲۳	۰/۲۱	۰/۰۱	مطلوب	

شاخص	متغیر	میانگین	درجه آزادی	آماره T	سطح معناداری		فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵	ارزیابی وضعیت
					کرانه بالا	کرانه پایین		
وفاداری به برند	مزایایی که کاشان دارد، از سایر شهرهای مشابه بیشتر است.	۲/۶۹	۱۷۲	-۳/۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۱۵	-۰/۴۵	رد
	من به دیگران پیشنهاد می‌کنم که به کاشان مسافرت کنند.	۳/۱۹	۱۷۲	۲/۱۳	۰/۰۰۳	۰/۳۷	۰/۰۱	تأیید
	قصد دارم در آینده بازم به کاشان مسافرت کنم.	۳/۰۲	۱۷۲	۰/۳۰	۰/۷۶	۰/۲۱	-۰/۱۶	متوسط
	حتی با تعیر شرایط مثل گران شدن محصولات و مناسب بودن سایر مکان‌های گردشگری من به کاشان مسافرت می‌کنم.	۲/۵۲	۱۷۲	-۵/۳۳	۰/۰۰۰	-۰/۲۹	-۰/۶۴	رد
	خود را نسبت به شهر کاشان وفادار می‌دانم.	۲/۶۹	۱۷۲	-۳/۲۱	۰/۰۰۲	-۰/۱۱	-۰/۴۹	رد
	این شهر همواره اولین انتخاب من است.	۲/۲۲	۱۷۲	-۸/۵۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۹	-۰/۹۵	رد
	وفاداری به برند	۲/۷۲	۱۷۲	-۳/۷۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۲	-۰/۴۱	نامطلوب
آگاهی برند	شهرت کاشان از سایر استان‌ها بالاتر است.	۲/۶۶	۱۷۲	-۳/۹۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۶	-۰/۵۰	رد
	من از کاشان اطلاعات کافی دارم.	۳/۰۸	۱۷۲	۰/۹۵	۰/۳۴	۰/۲۴	-۰/۰۸	متوسط
	من به‌طور مستمر به کاشان مسافرت می‌کنم.	۳/۱۸	۱۷۲	۱/۹۶	۰/۰۵۱	۰/۳۷	-۰/۰۰۱	متوسط
	ویژگی‌های متمایز کاشان به‌سرعت به ذهن من می‌آید.	۳/۲۰	۱۷۲	۲/۴۳	۰/۰۱۶	۰/۳۶	۰/۰۳	تأیید
	از جاذبه‌های تاریخی شهر کاشان اطلاع دارم.	۳/۷۷	۱۷۲	۹/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۹۲	۰/۶۲	تأیید
	از پتانسیل‌های گلاب‌گیری و عرقیجات گیاهی کاشان اطلاع دارم.	۳/۸۹	۱۷۲	۱۰/۳۷	۰/۰۰۰	۱/۰۵	۰/۷۲	تأیید
	آگاهی از برند	۳/۲۹	۱۷۲	۵/۱۹	۰/۰۰۰	۰/۴۱	۰/۱۸	مطلوب
برند گردشگری کاشان		۳/۰۷	۱۷۲	۱/۶۰	۰/۱۱۰	۰/۱۷	-۰/۰۱	متوسط

نتایج تحلیل آزمون T با در نظر گرفتن احتمال خطای ۵ درصد حاکی از آن است شاخص‌های ارزش ویژه برند، کیفیت ادراک شده برند و آگاهی از برند در وضعیت مطلوبی قرار دارند. وفاداری گردشگران به برند علیرغم سطح معناداری ۰/۰۰۰ با وجود سطوح منفی کرانه‌های اطمینان نشانگر از وضعیت نامطلوبی برخوردار است. شاخص تصویر برند نیز در سطح متوسط ارزیابی شده است. مجموع شاخص‌های به کارگرفته شده تبیین‌کننده جایگاه برند گردشگری کاشان بوده است که با توجه به سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ متوسط ارزیابی می‌گردد.

۴. رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقای برند گردشگری کاشان

شناسایی میزان اثرگذاری و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقای برند گردشگری کاشان با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شده است. با توجه به مبانی تئوریک پژوهش مدل عاملی

مرتبه دوم با بهره‌گیری از شاخص‌های پنج‌گانه تنظیم شد. شکل (۲) مدل نهایی عوامل مؤثر بر ارتقای برند گردشگری کاشان را نشان می‌دهد.

شکل ۲: مدل‌سازی عوامل مؤثر بر ارتقای برند گردشگری کاشان



در جدول (۴) متغیرهای به‌کاررفته در مدل به‌همراه کد، مقدار بار عاملی و سطح معناداری بیان شده است. p در تمام مسیرها کمتر از $0/05$ است که نشان می‌دهد روابط موجود در مدل مورد حمایت داده‌های تجربی قرار گرفته‌اند.

جدول ۴: معرفی متغیرهای به‌کاررفته در مدل

شاخص	کد	متغیر	بار عاملی	سطح معناداری
تصور اقلیمی برند	Q6	اقلیم و آب‌وهوای مطلوب	۰/۶۹	۰/۰۰۰
	Q7	جاذبه‌های فرهنگی	۰/۷۱	۰/۰۰۰
	Q8	جاذبه‌های تاریخی	۰/۴۶	۰/۰۰۰
	Q12	طبیعت و چشم‌انداز	۰/۶۶	۰/۰۰۰
	Q15	محیط مناسب برای استراحت	۰/۶۳	۰/۰۰۰
تصور محیطی برند	Q9	صنایع‌دستی منحصربه‌فرد	۰/۵۹	۰/۰۰۰
	Q10	غذاهای محلی	۰/۶۵	۰/۰۰۰
	Q11	مهمان‌نوازی مردم کاشان	۰/۶۸	۰/۰۰۰
	Q13	دسترسی به مراکز خرید دیدنی	۰/۶۶	۰/۰۰۰
	Q14	موقعیت تجاری مناسب	۰/۶۷	۰/۰۰۰
	Q16	محیط آرام و ساکت شهر	۰/۶۰	۰/۰۰۰

شاخص	کد	متغیر	بار عاملی	سطح معناداری
کیفیت ادراک‌شده برند	Q17	میزان تمیزی هوا	۰/۵۳	۰/۰۰۰
	Q18	مراکز اقامتی باکیفیت	۰/۶۹	۰/۰۰۰
	Q19	میزان امنیت جانی	۰/۵۱	۰/۰۰۰
	Q20	زیرساخت‌های جاده‌ای با کیفیت	۰/۵۵	۰/۰۰۰
	Q21	قیمت مناسب محصولات	۰/۵۹	۰/۰۰۰
	Q22	محیط فیزیکی مطلوب و باکیفیت	۰/۶۹	۰/۰۰۰
	Q23	میزان اطلاع‌رسانی	۰/۵۸	۰/۰۰۰
	Q24	توجه لازم به گردشگران	۰/۵۲	۰/۰۰۰
	Q25	خدمات باکیفیت	۰/۶۵	۰/۰۰۰
	Q26	دسترسی به منابع و امکانات	۰/۶۴	۰/۰۰۰
ارزش ویژه برند	Q1	ترجیح سفر به کاشان	۰/۸۱	۰/۰۰۰
	Q2	احساس مثبت به کاشان	۰/۸۳	۰/۰۰۰
	Q3	شهری مناسب برای گردشگری	۰/۷۱	۰/۰۰۰
	Q4	یادآوری اماکن تاریخی و تفریحی	۰/۴۱	۰/۰۰۰
وفاداری به برند	Q27	مزایای بیشتر نسبت به شهرهای مشابه	۰/۶۷	۰/۰۰۰
	Q28	پیشنهاد سفر به کاشان	۰/۷۳	۰/۰۰۰
	Q29	قصد سفر دوباره در آینده	۰/۷۷	۰/۰۰۰
	Q30	سفر دوباره به کاشان حتی با وجود تغییرات	۰/۸۳	۰/۰۰۰
	Q31	وفاداری به کاشان	۰/۸۲	۰/۰۰۰
	Q32	اولویت شهر کاشان برای سفر	۰/۸۰	۰/۰۰۰
آگاهی از برند	Q33	شهرت شهر کاشان	۰/۳۷	۰/۰۰۰
	Q34	اطلاعات کافی از شهر	۰/۷۲	۰/۰۰۰
	Q35	سفر مستمر به کاشان	۰/۵۰	۰/۰۰۰
	Q36	ویژگی‌های متمایزکننده کاشان	۰/۷۱	۰/۰۰۰
	Q37	اطلاع از جاذبه‌های تاریخی	۰/۷۳	۰/۰۰۰
	Q38	اطلاع از پتانسیل گلاب‌گیری و عرقچجات	۰/۶۲	۰/۰۰۰

شاخص تصویر برند از دو متغیر پنهان تصویر اقلیمی و تصویر محیطی برند تشکیل شده است. عامل تصویر اقلیمی برند با بار عاملی ۰/۹۹ از بیشترین اثرگذاری در تبیین عوامل اثرگذار بر برند گردشگری شهر کاشان برخوردار بوده است. تصویر محیطی برند نیز با بار عاملی ۰/۹۶ در جایگاه دوم شناسایی عوامل اثرگذار بر برند گردشگری کاشان قرار دارد. کیفیت ادراک‌شده با وزن رگرسیونی ۰/۸۶ در جایگاه سوم شناسایی ابعاد برند گردشگری کاشان قرار می‌گیرد. در ادامه، نگاهی به بارهای عاملی کسب‌شده نشان می‌دهد ارزش ویژه برند با وزن رگرسیونی ۰/۸۲ توانایی

برقراری ارتباط با متغیر پنهان سطح بالاتر خود داشته است. وفاداری به برند نیز یکی از ابعاد تأثیرگذار در شناسایی متغیرهای اثربخش بر برند گردشگری کاشان بوده است. کسب بار عاملی ۰/۸۱ تأییدکننده این ادعاست. آگاهی از برند با ۰/۴۹ در جایگاه آخر تبیین و شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده برند گردشگری کاشان بوده‌اند. پس از تحلیل برآوردهای غیراستاندارد و بررسی معناداری تفاوت پارامترها با مقدار صفر، ارزیابی مدل نهایی پژوهش ضرورت می‌یابد. در جدول (۹) نتایج نهایی برازش مدل ساختاری نمایش داده شده است.

جدول ۵: شاخص‌های برازش کلی مدل عاملی مرتبه دوم (منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

نام شاخص	علائم اختصاری	پیش‌فرض	اشباع	مستقل
پارامترهای آزادشده برای تدوین مدل	NPAR	۸۰	۷۰۳	۳۷
خی دو (کای اسکوتر)	CMIN	۱۲۶۴/۰۹۲	۰/۰۰۰	۳۷۵۱/۵۰۷
درجه آزادی	DF	۶۲۳	۰	۶۶۶
سطح معناداری	P	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰
کای اسکوتر نسبی (بهنجارشده)	CMIN/DF	۲/۰۲۹		۵/۶۳۳
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۸۱۴	۱/۰۰۰	۰/۱۹۶
شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	AGFI	۰/۶۷۷		۰/۱۵۲
شاخص نرمال‌شده بتلر بویت	NFI	۰/۶۶۳	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۸۹۲	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
شاخص برازش هنجارشده مقصد	PNFI	۰/۶۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
شاخص برازش تطبیقی مقصد	PCFI	۰/۷۴۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
شاخص برازش مقصد	PRATIO	۰/۹۳۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۷۷		۰/۱۶۴
احتمال نزدیکی برازندگی	PCLOSE	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰

تحلیل و تفسیر شاخص‌های جدول (۵) با توجه به تعداد پارامترهای آزاد برای تدوین مدل NPAR با مقدار ۸۰ برای مدل پیش‌فرض، نشان می‌دهد پژوهشگر در تدوین مدل، به‌راحتی به هزینه کردن درجات آزادی نپرداخته و از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. شاخص کای اسکوتر برابر با ۱۲۶۴/۰۹۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نتیجه‌ای مطلوب را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه درجه آزادی مدل از صفر به دور و به درجه آزادی مستقل نزدیک‌تر است، مدل در وضعیت مطلوب ارزیابی می‌شود. شاخص کای اسکوتر نسبی (بهنجارشده) که مقادیر ۱ تا ۵ برای آن خوب تلقی می‌شود، برابر با ۲/۰۲۹ و حاکی از وضعیتی خوب برای مدل است. مقدار شاخص ریشه

میانگین مربعات خطی یا RMSEA برابر با ۰/۰۷۷ است که برازشی قابل قبول برای مدل را به نمایش می‌گذارد. شاخص برازش تطبیقی با مقدار ۰/۷۹۲ در تطابق با میزان‌های استاندارد و قابل پذیرش برای مدل، از وضعیت مطلوبی برخوردار است. شاخص برازش تطبیقی مقتصد به مقدار ۰/۷۴۱ از برازش خوبی برخوردار است و در پایان، شاخص احتمال نزدیکی برازندگی نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

ارتقای برند گردشگری و به‌طور کلی برندسازی شهرهای جاذب گردشگر با وجود عوامل متعدد اثرگذار بر آن می‌تواند به‌عنوان یک سیاست راهبردی بازاریابی در مدیریت شهری مطرح گردد؛ که توجه به اولویت آن‌ها موجب پایداری برند شهرهای گردشگری در راستای جذب گردشگر خواهد بود. هدف از این مطالعه نیز تبیین عوامل مؤثر بر ارتقای برند گردشگری کاشان است. در راستای هدف پژوهش از معادلات ساختاری و مدل‌سازی بهره گرفته شد. مدل تحقیق نشان داد که متغیرهای تصویر برند، کیفیت ادراک‌شده، ارزش ویژه برند، وفاداری به برند و آگاهی از برند به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در ارتقای برند گردشگری کاشان دارند. شهر کاشان با وجود جاذبه‌های ملی و بین‌المللی گردشگری از قابلیت‌های بالایی در حوزه خلق برند گردشگری مقصد برخوردار است. در همین راستا از یک‌سو با توجه به وجود خانه‌های قدیمی در کاشان تلاش بر آن است تا این شهرستان به‌عنوان شهر خانه‌های تاریخی برند شود. گلاب‌گیری نیز به‌عنوان رویدادی فرهنگی با قدمتی دیرینه می‌تواند در راستای تعمیق و خلق برند گردشگری کاشان در سطح ملی و بین‌المللی، عملکردی موفقیت‌آمیز ایجاد نماید. به‌طبع طراحی نماد برند نیز یکی از الزاماتی است که برای حصول به این هدف غیرقابل چشم‌پوشی است و در آینده باید با دقت مورد توجه قرار گرفته و مجدداً پیگیری شود.

اگرچه مفهوم برندسازی به‌شیوه گسترده‌ای درخصوص محصولات و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد، برندسازی مقاصد گردشگری پدیده‌ای نوین است که به‌تازگی مورد توجه قرار گرفته است (حسنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳) و مجموعه‌ای از ویژگی‌های ملموس و ناملموس را شامل می‌گردد. از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده برند مقصد گردشگری می‌توان به تصویر برند اشاره کرد. این مفهوم در درک رفتار سفر و نیز تدوین راهبردهای اثرگذاری بازاریابی در حوزه گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که نقطه شروع یک بازاریابی گردشگری موفق محسوب می‌شود (جهان‌نیده تپرانقلو، ۱۳۹۹: ۱۲۹). نتایج مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که مقاصد

گردشگری که از تصویری مثبت و قوی برخوردارند، بیشتر مورد توجه بوده و در فرایند تصمیم‌گیری برای سفر، از شانس بیشتری برای انتخاب برخوردار خواهند بود. با توجه به اهمیت موضوع برای بررسی تصویر برند مقصد گردشگری کاشان با بهره‌گیری از مبانی نظری و پیشینه تحقیق، ۱۲ متغیر تدوین گردید. در نهایت، در مدل عاملی مرتبه دوم به کاررفته در تحقیق، این متغیر پنهان با دو عامل پنهان دیگر ارزیابی شده و طبق آن تصویر اقلیمی برند با بار عاملی ۰/۹۹ و تصویر محیطی برند با بار عاملی ۰/۹۶ تبیین‌کننده تصویر ذهنی گردشگران از مقصد گردشگری کاشان بوده است. اما در مجموع تصویر ذهنی گردشگران از این مقصد با آنچه در واقعیت برای آن‌ها اتفاق افتاده، در حد متوسط بوده است. در بین متغیرهای مورد بررسی موقعیت تجاری کاشان، غذاهای محلی، مهمان‌نوازی مردم کاشان و مطلوبیت اقلیم آب‌وهوایی کاشان در مقایسه واقعیت با تصویر ذهنی گردشگران در حد متوسط بوده است. گفتنی است با توجه به گوناگونی و گستره اقلیمی کاشان از کوهستان تا کویر، مجموعه‌ای از جاذبه‌های طبیعی در فاصله‌ای نزدیک به هم فراهم شده است. بنابراین یکی از پتانسیل‌های بالای کاشان در حوزه اقلیم گردشگری تنوع اقلیم در این شهرستان است؛ به‌گونه‌ای که با طی فواصل کم در این شهرستان می‌توان آب‌وهوای خنک و مطلوبی را در نقاط کوهستانی و پایکوهی نظیر نیاسر، قمصر و روستاهای منحصربه‌فرد آن نظیر قرآن، نسلج، برزک و... طی فصول گرم سال تجربه نمود. شایان ذکر است آگاهی‌رسانی و برنامه‌ریزی برای استفاده از قابلیت‌های اقلیم گردشگری کاشان از ضروریات است.

در این میان، جذابیت جاذبه‌های فرهنگی، زیبایی طبیعت و چشم‌انداز، منحصربه‌فردی صنایع دستی و زیبایی جاذبه‌های تاریخی، بالاتر از میانگین و مناسب بوده است. در متغیرهای تبیین‌کننده برند گردشگری کاشان، متغیر وجود مراکز خرید دیدنی با قابلیت دسترسی آسان با ضعف روبه‌رو بوده است و گردشگران از بابت این شاخص، رضایت کمتر از متوسط را ابراز نموده‌اند. بدین روی می‌توان بیان کرد دست‌اندرکاران گردشگری در محدوده مورد مطالعه باید برای بهبود تصویر ذهنی گردشگران تلاش و برنامه‌ریزی لازم را لحاظ دارند؛ زیرا رضایت از مقصد گردشگری به مقدار زیادی به مقایسه‌ای وابسته است که بین واقعیت‌های موجود در مقصد و انتظارات گردشگران براساس تصاویر ذهنی نقش بسته است. همان‌طور که حیدرزاده و همکاران (۱۳۹۶) بیان کرده‌اند تصویر مقصد نقش تعیین‌کننده‌ای در درک فرایند انتخاب مقصد به‌وسیله گردشگران، راهبردهای تثبیت مقصد، رفتار خرید گردشگران و تمایلات رفتاری آینده ایشان دارد (حیدرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

کیفیت ادراک‌شده برند مقصد گردشگری از عناصر اساسی ارزش ویژه برند محسوب می‌گردد و به معنای قضاوت ذهنی گردشگران بازدیدکننده از کیفیت محصول و خدمات ارائه‌شده یک مقصد گردشگری در مقام مقایسه با سایر رقبا یا به عبارت دیگر سایر مقاصد گردشگری است (بهاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۱). در تحقیق حاضر، این عامل با وزن رگرسیون $0/86$ با متغیر سطح بالاتر خود (عوامل اثرگذار بر ارتقای برند) همبستگی معناداری داشته است. نتایج تکمیلی تحقیق در خصوص عناصری مانند پاکی و تمیزی هوا، وجود مراکز اقامتی باکیفیت، وجود امنیت جانی و وجود توجه لازم به گردشگران نشان می‌دهد جامعه آماری تحقیق کیفیت ادراک‌شده را در سطح بالاتر از میانگین بیان کرده‌اند؛ اما از نظر ایشان به لحاظ قیمت کالا و خدمات دریافتی، رضایتمندی لازم حاصل نشده و کمتر از میانگین بوده است؛ بدین سبب، این امر نیازمند توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران گردشگری است. متغیرهای بررسی مطلوبیت محیط فیزیکی تمیزی آن و زیرساخت‌های جاده‌ای باکیفیت، متوسط ارزیابی شده است. بدین ترتیب بهبود کیفیت فیزیکی آن می‌تواند در بهبود کیفیت ادراک‌شده از کاشان منجر گردد. همچنین به‌زعم گردشگران در کاشان اطلاع‌رسانی مناسب در زمینه مکان‌های تفریحی و گردشگری به‌خوبی نبوده است. این امر در تحقیق کیانی و همکاران (۱۳۹۵) نیز ذکر شده است؛ چنان‌که یکی از عوامل ناماندگاری در کاشان نبود اطلاع‌رسانی صحیح از جاذبه‌های گردشگری دانسته‌اند. لذا بهبود معرفی جاذبه‌های گردشگری و شکل‌گیری بسته سفر از مجموع آن با تأکید بر موارد کمتر شناخته‌شده مانند خانه سهراب سپهری، خانه سپیده کاشان، بام‌گشت بازار، حمام تاریخی، قلعه‌ها و مقابر، کویر مرنجاب و... می‌تواند کیفیت ادراک‌شده از فضای گردشگری کاشان را بهبود بخشد. بهبود کیفیت خدمت‌رسانی در کاشان و سهولت دسترسی به منابع و امکانات نیز می‌تواند در همین راستا یاریگر باشد و آن را از وضعیت ارزیابی متوسط به بالاتر از میانگین ارتقا دهد.

ارزش ویژه برند با مقدار بار عاملی $0/82$ به ارزش اجتماعی‌ای اشاره دارد که صرفاً بر نام یک برند و تداعی‌های حاصل برای مصرف‌کننده هنگام استفاده از محصولات و خدمات آن برند ایجاد می‌شود. با روند روزافزون رشد و اعتلای صنعت گردشگری و وجود بازار رقابتی آن، چنین به نظر می‌رسد که مقاصد گردشگری مثل سایر محصولات مصرفی، به برند به‌عنوان هویتی یگانه برای ایجاد تفاوت بین خود و رقبا، احساس نیاز می‌نمایند (جلالیان، ۱۳۹۷: ۸۳). بنابراین مقاصد که ارزش ویژه بیشتری دارند، از احترام بیشتری برخوردارند. به این ترتیب گردشگران ترجیح می‌دهند در مقایسه با مقاصد رقیب از این مقاصد بازدید کنند؛ حتی اگر این به معنای پرداخت هزینه بیشتری



برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل‌دهنده آن...، صدیقه کیانی سلمی و مریم محمودی برام

باشد. از نظر گردشگران، برندهایی با ارزش ویژه، خدمات گردشگری با ارزش بیشتری را ارائه می‌دهند. به طور خلاصه، ارزش ویژه برند، یک مقصد را جذاب‌تر می‌کند و به آن موقعیت بهتری در بازار گردشگری می‌دهد. ارزش ویژه برند بدان سبب اهمیت می‌یابد که با استفاده از تجربیات مثبت و ترغیب مصرف‌کنندگان منجر به خرید مجدد و وفاداری گردشگران می‌گردد. در همین مسیر، اگر مقصد گردشگری کاشان از شهرت خوبی برخوردار باشد، گردشگران آن را به عنوان مقصد مورد علاقه جست‌وجو خواهند کرد. به این ترتیب هزینه کمتری از طریق تبلیغات خرج می‌شود و به دلیل اعتماد ایجاد شده، افزایش بازدید گردشگران جدید را سبب می‌شود. طبق یافته‌ها گردشگران از سفر به کاشان احساس مثبتی را دریافت کرده‌اند و همین امر سبب به خاطر سپردن اماکن تاریخی و تفریحی کاشان در ایشان شده است و آن را به عنوان یک شهر گردشگری خوب مورد توجه دوستان و اطرافیان خود تشخیص داده‌اند. از این رو می‌توان با توجه به سطح معناداری کسب‌شده در آزمون T بیان کرد که کاشان توانسته به عنوان یک مقصد گردشگری، حائز جایگاه و ارزش ویژه برند خود باشد. یکپارچگی سیاست‌گذاری مشترک مدیران شهری و مدیران سازمان گردشگری در راستای وحدت اهداف بازاریابی و تبلیغاتی، مناسب توصیه‌هایی است که منجر به بهبود ارزش ویژه برند کاشان می‌گردد.

وفاداری به برند از شاخص‌های پرتوان در تبیین برند گردشگری کاشان است. وزن رگرسیونی ۰/۸۱ گویای این مطلب است که وفاداری به برند گردشگری می‌تواند نقش بالایی در ایجاد آن داشته باشد؛ اما بررسی صورت گرفته و تحلیل نتایج آزمون T نشان می‌دهد وضعیت این شاخص مطلوب نبوده است. ایجاد مزایای بیشتر نسبت به شهرهای مشابه و مجاور، توسعه روزآمد و توصیه به دیگران، وفاداری گردشگران را در پی خواهد داشت. شایان ذکر است قرارگیری کاشان بین شهرهای تهران و اصفهان و نیز در مجاورت شهر قم به عنوان قطب‌های گردشگری، صنعتی و مذهبی کشور و نیز قرارگیری آن در مسیر راه‌های ارتباطی عمده به عنوان عاملی برای جذب گردشگر عمل نموده است. به این ترتیب می‌توان چنین انتظار داشت فعالیت شبکه‌ای و خوشه‌ای در مسیر توسعه گردشگری شکل گیرد که یکی از اصول گردشگری است. در واقع کاشان می‌تواند بخشی از شبکه و خوشه‌ساز اشتراک مساعی و تعاون مقاصد گردشگری اصفهان، کاشان، قم و تهران در راستای توسعه گردشگری منطقه‌ای باشد. همچنین بهبود فضای ملموس و ناملموس در خلق فرصت تجربه و یادآوری آن، افزایش قدرت در به تصویر درآوردن ویژگی‌های منحصر به فرد شهر و متمایزسازی شهر کاشان نسبت به سایر شهرهای گردشگری نیز فضای بهتری از آگاهی



برند گردشگری کاشان ایجاد می‌کند که در نهایت برند گردشگری کاشان را به ارمغان خواهد آورد. در انتها باید بیان نمود به منظور برندسازی، طراحی و مدیریت آن نمی‌توان تنها به نتایج نظرات گردشگران داخلی اکتفا نمود. به این منظور لازم است تحقیقاتی مبتنی بر نظر کارشناسان و خبرگان، جامعه میزبان و گردشگران خارجی صوت پذیرد که یافته‌های آن در کنار نتایج تحقیق حاضر، حائز اهمیت و اثربخشی است که می‌تواند توسط محققان دیگر پیگیری گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. Delayed Onset Muscle Soreness
2. Ghirshman
3. Ferns & Walls
4. Young
5. Beckman
6. Fernandez & Meethan
7. Berrozpe
8. Jun Luo
9. Zhang
10. Qionglei
11. Mihardja

منابع

- ایمانی خوشخو، محمدحسین، و ایوبی یزدی، حمید. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند در مقصد گردشگری شهر یزد. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، ۵(۱۳)، ۱۱۳-۱۳۸.
- بهاری، جعفر، فراهانی، بنفشه، بهاری، شهلا، بذله، مرجان، و بهاری، حامد. (۱۳۹۴). ارزیابی ارزش ویژه برند در مقصد گردشگری از دیدگاه گردشگران داخلی، مطالعه موردی: شهر تبریز. فصلنامه علمی پژوهشی فضای گردشگری، ۶(۲۴)، ۷۳-۱۰۰.
- بهاری، جعفر، کروی، مهدی، و جهانیان، منوچهر. (۱۳۹۹). بررسی نقش میانجی رضایت گردشگر در تأثیر کیفیت ادراک‌شده برند مقصد بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری ورزشی (مورد مطالعه: منطقه شمالی استان البرز). نشریه گردشگری و توسعه، ۹(۲)، ۷۹-۹۵.
- بسحاق، محمدرضا. (۱۳۹۴). مدل‌سازی معادلات ساختاری در علوم انسانی با *Amos 22*. جامعه‌شناسان.
- تاج‌زاده نمین، ابوالفضل، و اسمعیل مشرفی، فاطمه. (۱۳۹۲). اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارزش ویژه



برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل‌دهنده آن...، صدیقه کیانی سلمی و مریم محمودی برام

10.22052/KASHAN.2024.252991.1082

برند در مقصد گردشگری از دیدگاه گردشگران داخلی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، ۸(۲۴)، ۳۸-۳۵.

ثریایی، علی، رادمرد، مهدیه، رادمرد، مونا، و یونسی، علی. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تصویر برندینگ شهری بر رفتار توریسم در شهرستان رامسر. اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت گردی ایران زمین، همدان، ایران، ۱-۱۲.

حیدرزاده، کامبیز، نجفی، کبری، و حسینی، سید علی. (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت خدمات گردشگری بر وفاداری به مقصد گردشگری با توجه به نقش میانجی تصویر ذهنی از مقصد گردشگری و رضایت گردشگران. فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۲(۴۰)، ۱۱۵-۱۵۳.

جهانیان، منوچهر، حیدری، زهرا، و خلیلی، سعید. (۱۳۹۲). بررسی ارزش ویژه برند در گردشگری، مطالعه موردی: شهر رامسر. فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۵(۲)، ۳۵-۲۱.

جلالیان، سید اسحاق. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند در مقصد گردشگری (مطالعه موردی: شهر مریوان). فصلنامه گردشگری شهری، ۵(۴)، ۷۳-۷۶.

جهاننیده تیرانقلو، مینا، زارعی، قاسم، و عسگرنژاد نوری، قاسم. (۱۳۹۹). تأثیر تصویر برند مقصد بر قصد بازدید مجدد: نقش واسطه‌ای تجربه به‌یادماندنی گردشگری، شخصیت و رضایت از مقصد گردشگری. فصلنامه گردشگری شهری، ۷(۱)، ۱۲۹-۱۴۲.

حسام، مهدی، و کریمی، سید هادی. (۱۳۹۵). ارزیابی و اولویت‌بندی مقصدهای گردشگری براساس ارزش ویژه برند از دیدگاه گردشگران، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان گیلان. فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، ۱۴(۴۹)، ۹۵۳-۹۶۱.

حسینی، علی، نیرومند، احسان، و موسوی بازرگان، سید جلال. (۱۳۹۳). مروری بر تصویر برند در مقصدهای گردشگری و بررسی روش‌های اندازه‌گیری آن. فصلنامه علمی تخصصی دانشکده علوم گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ، ۳(۳)، ۳۱-۴۱.

حیدری چیا، رحیم، صنوبر، ناصر، و سعدلونیا، حسین. (۱۳۹۴). تحلیلی بر نقش تصویر برند بر توسعه گردشگری شهری، مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۲)، ۷۹-۹۴.

رضایی حاجی‌آبادی، جواد، محمدشفیعی، مجید، و کاظمی، علی. (۱۴۰۱). «تدوین الگوی خلق مشترک ارزش مقصد گردشگری با تمرکز بر نقش تعدیلگر ویژگی‌های شخصیتی گردشگر



- (مطالعه موردی: مقاصد منتخب گردشگری ایران). نشریه گردشگری و توسعه، ۱۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۷.
- زحمتکش سردوراهی، مهدیه، محمدپور شیرازی، فاطمه، آردیان، آرام، سیادتان، محمد، و هاشمی، سیده نوشین. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر ارتقای برند یزد به‌عنوان مقصد گردشگری سلامت با رویکرد نگاهت‌شناختی فازی. *مجله تصویر سلامت*، ۱۲(۱)، ۲۴-۳۳.
- شیرمحمدی، یزدان، حکمت‌نیا، حسن، نصیری هندخاله، اسماعیل، و کاشانی، افسانه. (۱۴۰۱). اثر آوازه برند جشنواره‌های گردشگری بر تعلق خاطر به برند شهر گردشگری. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۲۰(۱)، ۲۴۹-۲۸۰.
- طباطبایی‌نسب، سید محمد، و ضرابخانه، فرزانه. (۱۳۹۴). تبیین مدل ارزش ویژه برند مقصد در صنعت گردشگری، مطالعه موردی: شهر اصفهان. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۷(۲۴)، ۱۹۲-۲۱۶.
- طباطبایی‌نسب، سید محمد، ضرابخانه، فرزانه، و اسدیان اردکانی، فائزه. (۱۳۹۴). تحلیل ارتباط مشارکت پایدار گردشگران و ارزش ویژه برند مقصد گردشگری، مطالعه موردی: شهر اصفهان. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۷(۲۶)، ۱۶۷-۱۸۸.
- علوی، موسی (۱۳۹۲). مدل‌یابی معادلات ساختاری در پژوهش‌های مرتبط با آموزش علوم سلامت: معرفی روش و کاربرد آن. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۶(۱۶)، ۵۱۹-۵۳۰.
- قالیباف، محمد، و شعبانی‌فرد، محمد. (۱۳۹۰). ارزیابی و اولویت‌بندی جاذبه‌های گردشگری برای توسعه گردشگری شهری براساس مدل‌های تصمیم‌گیری چندمتغیره، مطالعه موردی: شهر سنج. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۲(۲)، ۱۴۷-۱۷۲.
- کوزه‌گر کالجی، غضنفر، آقایی، پرویز، دلالت، مراد، و محمدی، حیدر. (۱۳۹۹). ارزش ویژه برند مقاصد گردشگری در شهرهای مرزی، رهیافتی برای وفاداری گردشگران؛ مطالعه موردی: بانه. *فصلنامه علمی پژوهشی گردشگری و توسعه*، ۹(۴)، ۱۲۵-۱۳۸.
- کیانی فیض‌آبادی، زهره. (۱۳۹۵). تأثیر تصویر و شخصیت مقصد بر دل‌بستگی و رضایت گردشگران، مطالعه موردی: گردشگران داخلی شهر اصفهان. *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۶(۱۶)، ۱۶۸-۱۸۷.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۹). *سیلک کاشان*. ترجمه اصغر کریمی. سازمان میراث‌فرهنگی.



برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل‌دهنده آن...، صدیقه کیانی سلمی و مریم محمودی برام

محمدپور زرنندی، حسین، حسنی، علی، و امینیان، ناصر. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر برند شهری و اولویت‌بندی آن‌ها از دیدگاه گردشگران بین‌المللی، مطالعه موردی: برج میلاد تهران. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۴(۱۴)، ۱۱۶-۱۳۸.

مسگری، محمدامین. (۱۳۹۲). بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند گردشگری استان آذربایجان غربی با استفاده از تکنیک MADM پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز کرج، رشته مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی.

منعم لقمجانی، صادق، شبگو منصف، سید محمود، و قلی‌پور سلیمانی، علی. (۱۴۰۱). جایگاه رقابتی برند گردشگری استان گیلان: محرک‌ها و پیامدها. نشریه مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، ۳(۱)، پی‌اچ ۸، ۲۶-۵.

منوچهری، سوران، محمدی، سعدی، و اسکندری، حمید. (۱۴۰۲). تحلیلی کیفی بر توسعه گردشگری رویدادمحور مبتنی بر جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی شهر مریوان. جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۱۳(۴۶)، ۱-۳۲.

نظری، علی‌اکبر، و قدسی، جواد. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر روند برندینگ در مقصد گردشگری، مطالعه موردی: شهر رامسر. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۰(۳۹)، ۲۱-۱.

وحیدزادگان، فریبا، و زنگی‌آبادی، علی. (۱۴۰۰). سنجش میزان شناخت تصویری گردشگران از منظر شهری به‌منظور تبیین برند مقصد گردشگری، مورد پژوهشی: کلان‌شهر اصفهان. مجله محیط‌شناسی، ۴۶(۳)، ۵۸۲-۵۵۹.

Baker, M.J., & Cameron, E. (2008). Critical success factors in destination marketing. *Tourism & Hospitality Research*, 8(2), 79-97.

Beckman, E. (2013). *The Impact of Mitivation and Enduring Involment in an Adventure Tourism Setting*. A Dissertation presented for Doctor of Philosophy Degree.

Berrozpe, A., Campo, S. & Yague, M.J. (2018). Am I Ibiza? Measuring brand identification in the tourism context. *Journal of Destination Marketing & Management*, No. 6, 240-250.

Buil, I., Catalan, S., & Martinez, E. (2015). The importance of corporate brand identity in business management: An application to the UK banking sector. *BRQ Business Research Quarterly*, 19(1), 3-12.

Chang, H.H. & Liu, Y.M. (2009). The Impact of Brand Equity on Brand Preference and Purchase Intentions in the Service Industries. *The Service Industries Journal*, 29(12), 539-554.

Coleman, D., Dechernatony, L., & Christodoulides, G. (2011). B2B service brand identity: scale development and validation. *Industrial Marketing Management*, 40(7), 1063-1071.

- Fernandez, D.B. & Meethan, K. (2014). The Relationship of City Branding and Tourist Promotion: The Case of Plymouth (UK) and Malaga (Spain). *Athens Journal of Tourism*, 1(3), 217-226
- Ferns, B.H. & Walls, A. (2012). Enduring travel involvement, Destination brand equity and Traveler's visit intentions: A structural model analysis. *Journal of Destination Marketing and Management*, No. 1, 27-35.
- Gil, R., Bravo, E., Andres, F., & Salinas, M.E. (2007). Family as a source of consumer based brand equity. *Journal of Product & Brand Management*, 16(3), 188-199
- Jun, L., Bidit, D., & Cagri, Y. (2018). Millennial Chinese consumers' perceived destination brand value. *Journal of Business Research*, 116(1), DOI:10.1016/j.jbusres.2018.06.015.
- Kavaratzis, M. (2009). From city marketing to city branding. Towards a theoretical framework for developing city brand. *Place Branding*, 1(1), 58-73
- Keller, K.L. (2013). Strategic brand management, Building, Measuring and Manageine Brand Equity. *Person Education Limited*, 4(9), 117-127.
- Konecnik, M. & Gartner, C.W. (2007). Customer-based Brand Equity for a Destination. *Annals of Tourism Research*, 34(2), 400-421.
- Luo, J., Bidit, L.D., Yalkin, C., Sivarajah, U., Punjaisri, K., Huang, Y., & Yen, D.A. (2018). Millennial Chinese consumers perceived destination brand value. *Journal of Business Research*, 15(6), 655-665.
- Iacobucci, D., (2009). Structural equations modeling: Fit Indices, sample size, and advanced topics. *Journal of Consumer Psychology*, 20(1), 90-98.
- Mihardja, E. J., Alisjahbana, S., & Pardede, T.S. (2023). Forest wellness tourism destination branding for supporting disaster mitigation: A case of Batur UNESCO Global Geopark, Bali. *International Journal of Geoheritage and Parks*, 11 (2023) 169-181.
- Qionglei, Y., Pickering, S., Geng, R., & Dorothy, A.Y. (2021). Thanks for the memories: Exploring city tourism experiences via social media reviews. *Tourism Management*, Volume 40, Article 100851.
- Qu, H., Kim, L.H., & Im, H.H. (2012). A model of destination branding: integrating the concepts of the branding and destination image. *Tourism Management*, 32(3), 465-476.
- Rezvani, M., Khodadad' Hoseini, H., & Samadzadeh, M. (2012). Investigating the role of word of mouth on consumer based brand equity creation in Iran's cell-phone market. *Journal of Knowledge Management, Economics and Information Technology*, No. 8, 1-15.
- Styvén, M. Ek., Näppä, A. & Natarajan, R. (2021). Employee perceptions of employers' creativity and innovation: Implications for employer attractiveness and branding in tourism and hospitality. *Journal of Business Research, Journal of Business Research*, (141): 290-298
- Usakli, A. & Baloglu, S. (2011). Tourism Management. Brand personality of tourist destinations. An application of self-congruity theory. *Tourism Management*, 32(11), 114-127.
- Uslu, A. & Durmus, B. (2013). Analyzing the brand equity of airlines service: Comparing the Japanese and Turkish perspectives. *Procedia-social and Behavioral Sciences*, No. 99, 446-454.



- Violato C, G. H. K. (2007). How to Use Structural Equation Modeling in Medical Education Research: A Brief Guide. *Teaching and Learning in Medicine: An International Journal*, 19(4), pp. 362–371.
- Ye.Q , Law.R , Gu.B & Chen.W (2011). The influence of user-generated content on traveler behavior: An empirical investigation on the effects of e-word-of-mouth to hotel online bookings. *Computers in Human Behavior*, 27(2).
- Young.Y.E. (2012). City branding and urban tourism: a case study of Seoul and Taipei. *In 6th Conference of the International Forum on Urbanism (IFOU), TOURBANISM, Barcelona.*
- Zhang, X. Chen, Zh. Jin, H. (2020). The effect of tourists' autobiographical memory on revisit intention: does nostalgia promote revisiting?. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 26(9). 1-29

References

- Alavi, M., (2012). Structural equation modeling in research related to health science education: introducing the method and its application. *Iranian Journal of Education in Medical Sciences*, 6(16), 519-530. [In Persian]
- Bahari, J., Farahani, B., Bahari, Sh., Bazleh, M., & Bahari, H. (2014). Evaluation of the special value of the brand in the tourist destination from the point of view of domestic tourists, case study: Tabriz city. *Scientific Research Quarterly of Tourism Space*, (6) 24, 73-100. [In Persian]
- Bahari, J., Karoubi, M., & Jahanian, M. (2020). Examining the Mediating Role of Tourist Satisfaction in the Impact of Perceived Quality of the Destination Brand on Sports Tourism Destination Brand Equity (Case Study: North Area of Alborz Province). *Journal of Tourism and Development*, 2(12), 79-96. [In Persian]
- Baker. M.J., & Cameron, E. (2008). Critical success factors in destination marketing. *Tourism & Hospitality Research*, 8(2), 79-97.
- Boshagh, M. R. (2014). Structural Equation Modeling in Human Sciences with Amos 22, *Sociologists Publications*, first edition. [In Persian]
- Beckman, E. (2013). *The Impact of Motivation and Enduring Involvement in an Adventure Tourism Setting*. A Dissertation presented for Doctor of Philosophy Degree.
- Berrozpe, A., Campo, S. & Yague, M.J. (2018). Am I Ibiza? Measuring brand identification in the tourism context. *Journal of Destination Marketing & Management*, No. 6, 240-250.
- Buil, I., Catalan, S., & Martinez, E. (2015). The importance of corporate brand identity in business management: An application to the UK banking sector. *BRQ Business Research Quarterly*, 19(1), 3-12.
- Chang, H.H. & Liu, Y.M. (2009). The Impact of Brand Equity on Brand Preference and Purchase Intentions in the Service Industries. *The Service Industries Journal*, 29(12), 539-554.
- Coleman, D., Dechernatony, L., & Christodoulides, G. (2011). B2B service brand identity: scale development and validation. *Industrial Marketing Management*, 40(7), 1063-1071.
- Fernandez, D.B. & Meethan, K. (2014). The Relationship of City Branding and Tourist Promotion: The Case of Plymouth (UK) and Malaga (Spain). *Athens Journal of Tourism*, 1(3), 217-226

- 10.22052/KASHAN.2024.252991.1082
- Ferns, B.H. & Walls, A. (2012). Enduring travel involvement, Destination brand equity and Traveler's visit intentions: A structural model analysis. *Journal of Destination Marketing and Management*, No. 1, 27-35.
- Gil, R., Bravo, E., Andres, F., & Salinas, M.E. (2007). Family as a source of consumer based brand equity. *Journal of Product & Brand Management*, 16(3), 188-199.
- Girshman, R. (2000). Sialk Kashan Translated by Asghar Karimi. Cultural Heritage Organization. [In Persian]
- Ghalibaf, M., & Shabanifard, M. (2011). Assessment and Prioritization of Urban Tourist Attractions for Developing Urban Tourism Based on Multivariate Decision Criteria (A Case Study of Sanandaj). *Geographical Research Quarterly*, 26(2), 147-172. [In Persian]
- Heydari Chianeh, R., Senobar, N., & Saadlu niya, H. (2014). An analysis of the role of brand image on the development of urban tourism, case study: Tabriz metropolis. *Journal of Urban Planning and Research*, 6(22), 79-94. [In Persian]
- Heydarzadeh, K., Najafi, K., Hosseini, A. (2016) The Impact of Tourism Services Quality on Tourism Destination Loyalty, Considering the Mediating Role of the Tourism Destination Image and the Tourists Satisfaction, *Journal of Tourism Management Studies*, 12 (40), 115-153. [In Persian]
- Hasani, A., Niromand, E., & Mousavi Bazargan, J. (2013). An overview of the brand image in tourism destinations and its measurement methods. *Scientific Quarterly of Faculty of Tourism Sciences*, University of Science and Culture, 3(3), 41-31. [In Persian]
- Hesam, M., & Karimi, H. (2015). Evaluation and prioritization of tourist destinations based on the specific value of the brand from the point of view of tourists, case study: the cities of Gilan province. *Scientific and International Quarterly of the Iranian Geographical Society*, New Period, 14(49), 953-961. [In Persian]
- Imani Khoshkho, M. H., & Ayubi Yazdi, H. (2010). The Critical Success Factors of Consumer-Based Brand Equity in Yazd Tourism Destination. *Scientific Research Quarterly of Tourism Management Studies*, 5(13), 113-138. [In Persian]
- Jahandideh Teperanghlou, M., Zarei, Gh., & Asgarenjhad Nouri, Gh. (2019). The effect of destination brand image on revisit intention: the mediator role of destination personality, memorable tourism experiences and destination satisfaction. *Urban Tourism Quarterly*, 7(1), 142-129. [In Persian]
- Jalalian, E. (2017). Survey Effective factors On the value special Brand at Tourism destination Case Study: Marivan City. *Urban Tourism Quarterly*, 5(4), 73-76. [In Persian]
- Jahanian, M., Heydari, Z., & Khalili, S. (2012). Investigating the special value of the brand in tourism, case study: Ramsar city. *Scientific Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 5(2). [In Persian]
- Jun, L., Bidit, D., Cagri, Y. (2018). Millennial Chinese consumers' perceived destination brand value, *Journal of Business Research*. 116(1), DOI:10.1016/ j.jbusres. 2018.06.015.
- Kavaratzis, M. (2009). From city marketing to city branding. Towards a theoretical framework for developing city brand. *Place Branding*, 1(1), 58-73
- Keller, K.L. (2013). Strategic brand management, Building, Measuring and Manageine Brand Equity. *Person Education Limited*, 4(9), 117-127.



- Konecnik, M. & Gartner, C.W. (2007). Customer-based Brand Equity for a Destination. *Annals of Tourism Research*, 34(2), 400-421.
- Kiani Feizabadi, Z. (2015). The Influence of Destination Image and Destination Personality on Tourists' Attachment and Satisfaction (Case Study: Domestic Tourists Visiting Isfahan). *Journal of Tourism Planning and Development*, 5(16), 168-187. [In Persian]
- Kozegar Kaleji, Gh., Aghaei, P., Delalat, M., & Mohammadi, H. (2019). Brand Equity of Tourism Destinations in Border towns: An Approach towards Tourists' Loyalty (Case Study: Baneh City), *Scientific Journal of Tourism and Development*, 9 (4), 125-138. [In Persian]
- Luo, J., Bidit, L.D., Yalkin, C., Sivrajah, U., Punjaisri, K., Huang, Y., & Yen, D.A. (2018). Millennial Chinese consumers perceived destination brand value. *Journal of Business Research*, 15(6), 655-665.
- Iacobucci, D., (2009). Structural equations modeling: Fit Indices, sample size, and advanced topics. *Journal of Consumer Psychology*, 20(1), 90-98.
- Mihardja, E. J., Alisjahbana, S., Pardede, T.S. (2023). Forest wellness tourism destination branding for supporting disaster mitigation: A case of Batur UNESCO Global Geopark, Bali. *International Journal of Geoheritage and Parks*, 11 (2023) 169-181.
- Manouchehri, S., Mohammadi, S., & Eskandari, H. (2023). A qualitative Analysis of the Development of Event-Oriented Tourism Based on the International Street Theater Festival of Marivan City. *Geography and Regional Urban Studies*, 13(46), 1-32. [In Persian]
- Manem Lafmajani, S., Shabgo monsef, M., & Gholipour Soleimani, A. (2022). The Competitive Position of Gilān Province Tourism Brand: Stimulants and Consequences. *Journal of Geographical Studies of Coastal Regions*, 3(1), serial 8, 5-26. [In Persian]
- Mesgari, M. A. (2012). Investigating and prioritizing the factors affecting the special value of tourism brand of West Azarbaijan province using MADM technique. Master's thesis. Payam Noor University, Karaj Center, Department of Business Administration, Marketing major. [In Persian]
- Mohammadpour Zarandi, H., Hasani, A., & Ami Nian, N. (2015). Effective factors on urban brand and their prioritization from the point of view of international tourists, case study: Milad Tower, Tehran. *Quarterly Journal of Urban Economics and Management*, 4(14), 116-138. [In Persian]
- Nazari, A. A., & Ghodsi, J. (2014). Factors affecting branding process in tourism destination, case study: Ramsar city. *Scientific Research Quarterly of Tourism Management Studies*, 10(39), 1-21. [In Persian]
- Qionglei, Y., Pickering, S., Geng, R., & Dorothy, A.Y. (2021). Thanks for the memories: Exploring city tourism experiences via social media reviews. *Tourism Management*, Volume 40, Article 100851.
- Qu, H., Kim, L.H., & Im, H.H. (2012). A model of destination branding: integrating the concepts of the branding and destination image. *Tourism Management*, 32(3), 465-476.
- Rezvani, M., Khodadad'Hoseini, H., & Samadzadeh, M. (2012). Investigating the role of word of mouth on consumer based brand equity creation in Iran's cell-phone market. *Journal of Knowledge Management, Economics and Information Technology*, No. 8, 1-15.

- Rezaei Hajiabadi, J., Mohammad Shafiei, M., & Kazemi, A. (1401). Developing a Model of Destination Value Co-creation by Focusing on the Role of the Tourist Personality Traits as a Moderator: Case Study of Selected Destinations in Iran. *Journal of Tourism and Development*, Volume: 11, Number: 1, pp: 105-127. [In Persian]
- Styvén, M. Ek., Näppä, A., & Natarajan, R. (2021). Employee perceptions of employers' creativity and innovation: Implications for employer attractiveness and branding in tourism and hospitality. *Journal of Business Research*, *Journal of Business Research*, (141): 290-298.
- Sorayai, A., Radmard, M., Radmard, M., & Younesi, A. (2011). Investigating the effect of urban branding image on tourism behavior in Ramsar city. The first national conference on tourism and nature tourism of Iran Zamin, Hamadan, Iran, 12-12. [In Persian]
- Shirmohammadi, Y., Hekmatnia, H, Nasiri Hendkhaleh, E, & Kashani, A. (2022). The Impact of Brand of Tourism Festivals on the Sense of Tourism Destination Place. *Geography and Regional Development*, 20 (1), 280-249. [In Persian]
- Tajzadeh Namin, A., & Esmail-Mosharraf, F. (2012). Prioritization of the Components of Brand Equity from the View Point of Domestic Tourists. *Scientific Research Quarterly of Tourism Management Studies*, 8(24), 35-38. [In Persian]
- Tabatabaenasan, M., Zarabkhaneh, F., & Asadian, F. (2015). "Exploring the relationship between enduring travel involvement and destination brand equity (case study: Isfahan)". *Urban Regional studies and Research*, 7(26), 167-188. [In Persian]
- Tabatabaeinasab, M., & Zarabkhaneh, F. (2014). Explanation of the special value model of the destination brand in the tourism industry, case study: Isfahan city. *Urban and regional studies and researches*, 7(24), 192-216. [In Persian]
- Usakli, A. & Baloglu, S. (2011). Tourism Management. Brand personality of tourist destinations. An application of self-congruity theory. *Tourism Management*, 32(11), 114-127.
- Uslu, A. & Durmus, B. (2013). Analyzing the brand equity of airlines service: Comparing the Japanese and Turkish perspectives. *Procedia-social and Behavioral Sciences*, No. 99, 446-454.
- Violato C, G. H. K. (2007). How to Use Structural Equation Modeling in Medical Education Research: A Brief Guide. *Teaching and Learning in Medicine: An International Journal*, 19 (4), pp. 362-371.
- Vahidzadegan, F, & Zangiabadi, A. (1400). Measuring the Levels of Tourists' Visual Recognition of Urban Landscape in Order to Explain the Brand of Tourist Destination. *Environmental Journal*, 46(3), 559-582. [In Persian]
- Ye.Q , Law.R , Gu.B & Chen.W (2011). "The influence of user-generated content on traveler behavior: An empirical investigation on the effects of e-word-of-mouth to hotel online bookings". *Computers in Human Behavior*, 27(2).
- Young.Y.E (2012). "City branding and urban tourism: a case study of Seoul and Taipei". In 6th Conference of the International Forum on Urbanism (IFOU), TOURBANISM, Barcelona.
- Zhang, X. Chen, Zh. Jin, H. (2020). The effect of tourists' autobiographical memory on revisit intention: does nostalgia promote revisiting?. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 26 (9). 1-29.



برند مقاصد گردشگری و تبیین عوامل شکل‌دهنده آن...، صدیقه کیانی سلمی و مریم محمودی برام

Zahmatkesh Sardorahi, M., Mohammadpour Shirazi, F., Ardian, A., Siadatan, M., & Hashemi, N. (2021). Factors affecting the promotion of the Yazd brand as a health tourism destination with a fuzzy mapping approach. *Health Image Magazine*, 12(1), 24-33. [In Persian]



Tourism Destination Brand and an Explanation of its Shaping Factors in The city of Kashan

Sedigheh kiani salmi

Associate Professor, Department of Geography and Tourism, Faculty of Natural Resource and Earth Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran; (Corresponding Author), s.kiani@kashanu.ac.ir

Maryam Mahmoodi Beram

MA Graduate of Geography and Urban Planning, Department of Geography and Tourism, Faculty of Natural Resource and Earth Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran; mahmoudi_beram@yahoo.com

Received: 24/10/2023

Accepted: 29/02/2024

Introduction

In recent years, an increase in the growth of tourism and its performance as a major economic activity in the world has led to the emergence of competition among major tourism destinations. In the same way, it is necessary to develop a coherent framework for using the theory of tourism destination branding. Kashan, one of Iran's tourism hubs, is located between two other prestigious destinations, Tehran and Isfahan. This city has many tourist attractions such as the Damask rose essential oil extraction industry, historical tourist attractions such as historical houses, Fin Garden, the old market, natural tourist attractions such as Niasar Waterfall and Maranjab. Among the important and influential issues on the development of tourism in Kashan is its evaluation and explanation based on the special value of the brand. In this article, an attempt was made to examine the status of the factors affecting the special value of the brand in Kashan and, then, to rank it. Finally, the model used for the tourism destination of Kashan was evaluated.

Materials and Methods

The current research is an applied research which is descriptive and analytical in terms of its purpose and quantitative in terms of its approach. The method of collecting information is a combination of survey and library methods. The statistical population of the research is the domestic tourists visiting Kashan, of which 173 people have been



estimated and questioned as a sample size using the Sample Power software and with the test power of 0.8. The research tool is a researcher-made questionnaire with 8 general questions and 39 specialized questions, which was extracted through using theoretical studies, surveys of professors and experts, and a review of the research background. In order to measure content validity, face validity was used. Cronbach's alpha coefficient was used to check the reliability of the questionnaire; a value greater than 0.7 for all indicators and the entire research questionnaire indicates the acceptability of the questionnaire and its appropriate reliability. In line with research objectives and testing research hypotheses, the data obtained from questioning were analyzed by structural equation modeling (SEM) and using SPSS and AMOS Softwares. The basis for examining the fit in the research was referring to the fit indices. It is worth mentioning that in addition to quantitative research such as the present research, conducting qualitative research and systematic review can be useful in achieving the research objectives.

Results

The brand image of Kashan tourist destination in the second-order factor model used in the research was evaluated with two other hidden factors. According to it, the brand climate image with a factor load of 0.99 and the brand environmental image with a factor load of 0.96 explained the tourists' mental image of the tourist destination in Kashan. Among the investigated variables, the commercial position of Kashan, local foods, the hospitality of Kashan's people, and the desirability of Kashan's climate were average compared to the reality and the mental image of tourists. Of course, the attractiveness of cultural attractions, the beauty of nature and the landscape, the uniqueness of handicrafts and the beauty of historical attractions were above average. The perceived quality of the destination brand with a regression weight of 0.86 had a significant correlation with its higher level variable. According to the tourists in Kashan, there was no proper information about the entertainment and tourism places. Therefore, improving the introduction of tourist attractions and the formation of travel packages with emphasis on lesser-known cases can improve the perceived quality of Kashan's tourism space. Improving the quality of service in Kashan and the ease of access to resources and facilities can also help in this direction and raise it from an average evaluation status to above average. According to the findings, tourists received a positive feeling from their trip to Kashan. Therefore, according to the significance level obtained in the T-test and the factor loading of the brand's special value with a factor load of 0.82, it can be said that Kashan has been able to have its own position and brand value as a tourist destination. Brand loyalty is one of the powerful indicators in explaining Kashan's tourism brand. The regression weight of 0.81 indicated that loyalty to the tourism brand could play a high role in its creation; however, the status of this index was not favorable. It is worth mentioning that the location of Kashan between the cities of Tehran and Isfahan and also in the vicinity of the city of Qom, as the tourist, industrial and religious poles of the country has been a factor to attract tourists. In this way, it can be expected that a cluster activity will be formed in the path of tourism development. In fact, Kashan can be a part of the network and cluster of shared efforts and cooperation of tourism destinations of Isfahan, Kashan, Qom, and Tehran in line with the development of regional tourism.



10.22052/KASHAN.2024.252991.1082

Conclusion

Branding of tourist destinations is a new phenomenon that has recently received attention in marketing literature. This concept is of particular importance in understanding travel behavior and developing effective marketing strategies in the field of tourism. The current research model showed that the variables of brand image, perceived quality, special brand value, brand loyalty and brand awareness have the greatest effect in promoting Kashan tourism brand. In this regard, due to the existence of old houses in Kashan, efforts have been made to brand this destination as a city of historical houses. Gulabgiri, as a cultural event of a long history, can create a successful performance in the direction of deepening and creating the Kashan tourism brand at the national and international level. Of course, the design of the brand symbol is also one of the requirements that cannot be overlooked to achieve this goal, and it must be carefully considered and diligently pursued in the future.

Keywords: tourism brand, brand identity, brand image, perceived quality, Kashan.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۱۵۵-۱۸۰
مقاله علمی پژوهشی

آداب ازدواج در تاریخ اجتماعی شهر قمصر

مرضیه آبیاری قمصری*

رضا شجری**

چکیده

بدون شک آداب و رسوم هر منطقه میراث ارزشمند گذشتگان آن است و کهنسالان هر جامعه به منزله گنجینه‌های بسیار باارزشی هستند که می‌توان با ثبت اطلاعاتی که از آنان به ما رسیده است، نام و یادشان را گرامی داشته و ضمن جلوگیری از نابودی و فراموش شدن فرهنگ بومی منطقه، به حفظ و نگهداری این مطالب برای آیندگان کمک شایانی نمود. ازدواج یکی از مهم‌ترین تجربه‌های هر فرد در زندگی و زیربنای تشکیل خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است. بنابراین بر آن شدیم تا در این پژوهش که در آن داده‌ها به روش میدانی جمع‌آوری گردیده و پس از آن به روش توصیفی و تحلیلی با یافته‌های علمی موجود تطبیق داده شده است، به بررسی و تحلیل آداب و رسوم ازدواج در تاریخ اجتماعی شهر قمصر بپردازیم تا علاوه بر ثبت این دسته از اطلاعات ارزشمند پیشینیان، با رسوم کهن مربوط به ازدواج آشنا شویم و دریابیم که نسل معاصر تا چه اندازه به آداب و رسوم سنتی نیاکان خود پایبندند و این رسوم در گذر زمان دچار چه تغییراتی شده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که با گذر زمان و صنعتی شدن جوامع، بسیاری از آداب و رسوم کهن در شهرهای مختلف خواه‌ناخواه دستخوش تغییراتی شده است که قمصر نیز از این قاعده مستثنا نیست و مردم این شهر به‌ویژه کهنسالان نسل‌های قبل‌تر شاهد تغییراتی از جمله رنگ باختن بسیاری از رسوم مربوط به ازدواج و حرکت تدریجی این مراسم سنتی به سمت وسوی تشریفاتی هرچه تمام‌تر هستند.

کلیدواژه‌ها: آداب و رسوم، ازدواج، اجتماع، شهر قمصر.

* مدرس مدعو، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول/

marziehabayar@yahoo.com

** دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / rshajari@yahoo.co.uk

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱

۱. مقدمه

نهاد خانواده که معطوف به ازدواج زن و مرد است، یکی از نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود که سابقه‌ای دیرینه دارد و از همان ابتدای زندگی اجتماعی، نیاز به جنس مخالف و امنیت مبنای تکوین آن است؛ به طوری که پیدا شدن انسان بر روی زمین با تشکیل خانواده هم‌زمان بوده و بی‌تردید دفاع از حریم انسان در برابر حوادث بوده که زندگی جمعی را برای انسان ایجاد کرده است (ناک، ۱۳۶۹: ۲۱).

بنابراین علاوه بر نیاز جنسی، نیاز به داشتن نظم و امنیت، در واقع از عوامل مؤثر بر تکوین و استمرار اجتماع محسوب می‌گردد که خانواده به عنوان هسته بنیادین اجتماع، از همان آغاز نقش اساسی در ایجاد و تقویت احساس نظم و امنیت در زندگی اجتماعی افراد داشته است. با ظهور دین اسلام که دربردارنده کامل‌ترین مبانی و اصول در همه امور زندگی بشر است، در خصوص خانواده و ازدواج نیز قوانینی وضع گردید. از جمله این قوانین، لزوم مسلمان بودن زوجین، پذیرفتن چندهمسری برای زن، وجوب نفقه زن بر شوهر، لزوم تمکین و اطاعت زن از شوهر، به رسمیت شناختن استقلال اقتصادی زن از راه به رسمیت شناختن ارث و مالکیت او و... است که موجب نگرش جدیدی به ازدواج و خانواده گردیده است (آصفی، ۱۳۵۶: ۱۲۱-۱۲۳). بدون تردید این قوانین به استحکام بنیان خانواده کمک نموده و اهمیت مسئله ازدواج و تشکیل خانواده در دین اسلام را به خوبی خاطر نشان می‌نماید.

تعاریف فراوانی از ازدواج در دست است که به ذکر جامع‌ترین آن‌ها بسنده می‌شود. کتانچی معتقد است: «پایه‌گذار خانواده زناشویی، ازدواج است و آن به رابطه قانونی، عرفی و یا مذهبی گفته می‌شود که مرد و زن را برای شرکت دائم یا موقت در زندگی به هم می‌پیوندد» (کتانچی، ۱۳۴۵: ۴۲۹).

اما ریویر در تعریفی دیگر از نگاه علوم اجتماعی، بر تفاوت حقوق و تکالیف ناشی از ازدواج در خرده‌فرهنگ‌ها اشاره می‌کند و چنین اذعان می‌دارد که ازدواج را می‌توان «پیوندی میان اعضای دو گروه برون‌همسر تعریف کرد که از طریق آن، دو نفر از دو جنس مخالف در شبکه‌ای از حقوق و الزامات مشترک، که در هر فرهنگی نسبت به فرهنگ‌های دیگر متفاوت است، به یکدیگر وابسته می‌شوند» (ریویر، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

این پیوند که در بسیاری از متون دینی امری مقدس خوانده شده است، علاوه بر رفع احتیاجات جسمی و روحی، بستر مناسبی برای توجه به دیگری فراهم می‌آورد و در صورت

انتخاب صحیح طرفین، مجالی برای رشد عشق و تکامل آن در تعاملی دوسویه است. نگرش و دیدگاه درباره «ازدواج» به عنوان یک «واقعیت اجتماعی»، تحت تأثیر فرهنگ و موقعیتی است که در آن به سر می‌بریم. طبق بینش جامعه‌شناختی «واقعیت هرگز به ما نمی‌گوید که چیست، بلکه انسان‌ها باید واقعیت را آن‌گونه که هست، تفسیر کنند و آن تفسیر با فرهنگی که ما برای راهنمایی خود به کار می‌بریم آغاز می‌گردد؛ هرچند فرهنگ نیز به‌نوبه خود از گروه‌های ما و از جامعه ما ناشی می‌شود» (شارون، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

بنابراین دیدگاه فرد درباره ازدواج تابع فرهنگی است که به آن تعلق دارد؛ همچنین ملهم از موضع و جایگاه فرد در جامعه است. به عبارت دیگر برخی باورهای فرد، ناشی از تأثیر فرهنگ و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. از همین روی پژوهش در خرده‌فرهنگ‌های بومی برای شناخت جزئیات فرهنگی ایران اهمیت می‌یابد؛ زیرا شناخت این فرهنگ‌های بومی در نهایت به شناخت ساختار ارزشی کل جامعه ختم می‌شود.

تحقیق درباره فرهنگ عامه که در ادبیات با عنوان فولکلور از آن یاد می‌شود، به دلیل نوظهور بودن چارچوب‌های تئوری آن، در قیاس با سایر زیرشاخه‌های ادبیات نظیر ادبیات عرفانی و غنایی و... کمتر مورد توجه قرار گرفته و طبعاً منابع مطالعاتی پژوهش‌محور اندکی در این حوزه برای مطالعه علاقه‌مندان نگاشته شده است. از دیدگاه صاحب‌نظران عرصه ادب، شناخت و بازنمایی آداب و رسوم درون خرده‌فرهنگ‌ها، زیرمجموعه تحقیقات فولکلور یا ادبیات عامه به شمار می‌رود و بر همین اساس هدف اصلی و محوری این پژوهش در درجه اول غنا بخشیدن به منابع مطالعاتی و پژوهشی شاخه فولکلور در ادبیات ایران است. از سوی دیگر با نگاه جامعه‌شناختی به سرعت پیشرفت مدرنیته در ایران، بدون تردید فرهنگ کلان ایرانی-اسلامی و تمامی خرده‌فرهنگ‌های منشعب‌شده از این فرهنگ ملی، دستخوش تغییراتی بنیادین هستند و در روندی ناخجسته بسیاری از گزاره‌های سنتی نهادینه‌شده در ساختار فرهنگی ایران در فرهنگ مدرن مستحیل خواهند شد. بنابراین یکی دیگر از اهداف پژوهشگران این تحقیق، ثبت و ضبط گزاره‌های فرهنگی و آداب و رسوم ناظر بر ازدواج در شهر قمصر است که در گذر زمان به دست فراموشی سپرده خواهند شد.

اهمیت این دسته از تحقیقات پیش و بیش از هرچیز پیشگیری از فراموشی و نابودی آداب و رسوم سنتی یک منطقه است و دیگر کارکردی که پژوهش‌های این حوزه می‌توانند داشته باشند، آن است که در بررسی‌های گوناگون جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی اطلاعات لازم را در

اختیار علاقه‌مندان این مباحث قرار می‌دهند. همچنین ارزش دیگری که این دسته از تحقیقات دارند، ثبت و حفظ میراث قدماست که گنجینه‌هایی غنی از اطلاعات هستند. از نظر ادبیات موضوع و پیشینه پژوهشی ازدواج در شهر قمصر، پژوهشی کامل و دقیق در دسترس نیست و مقالاتی علمی و نیز تحقیقاتی دقیق و روشمند در مورد این بحث صورت نگرفته است.

در خصوص آیین‌های ازدواج در سایر شهرها و روستاهای ایران و اقوام مختلف ایرانی کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده و به چاپ رسیده است که هریک از آن‌ها به نوبه خود نقشی مهم در زمینه مردم‌شناسی و آداب و رسوم مختلف مردم این نقاط ایفا می‌کنند؛ برای نمونه، می‌توانیم از کتاب‌های *درآمدی بر مردم‌شناسی ازدواج با بررسی آداب و رسوم ازدواج در ایران* اثر حسین ابراهیم‌زاده آسمین (۱۳۹۳)، *آداب و رسوم ازدواج در ایران و ملل جهان* اثر محمدرضا قربانزاده (۱۳۹۰) و *مجموعه شش جلدی جشن ازدواج اثر ریحانه فرهنگی* (۱۳۸۴) که در هر مجلد به یکی از مراسم مربوط به ازدواج پرداخته است، نام ببریم. همچنین می‌توان از مقاله «آداب و رسوم ازدواج در اقوام ترکمن و عرب خوزستان» نوشته زهره انواری (۱۳۸۸) در این زمینه نام برد. اما در میان هیچ‌یک از آثار مذکور و سایر آثار یافت شده در این زمینه و حتی آثار محدود پژوهشی مرتبط با شهر قمصر، به پژوهشی در زمینه آداب و رسوم و ساخت اجتماعی ازدواج به عنوان یک نهاد و الگوها و انگاره‌های مختص به آن در سطح این خرده‌فرهنگ پرداخته نشده است. بنابراین در این جستار با نظر به همین ضرورت، آیین‌ها و آداب و رسوم و نیز ساخت اجتماعی ازدواج در شهر قمصر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و ابعاد مختلف آن مورد تحلیل واقع شده است.

مخلص کلام آنکه در پژوهش پیش رو پژوهشگران نهایت اهتمام خود را در بررسی و پاسخ به پرسش‌های ذیل مصروف داشته‌اند: ۱. مراسم ازدواج در گذشته شهر قمصر طی چه مراسم و آدابی برگزار می‌شده است؟ ۲. با صنعتی شدن جوامع چه تغییراتی در روند برگزاری مراسم ازدواج در این شهر رخ داده است؟

پژوهشگران در انجام این پژوهش از روش مردم‌نگاری بهره جسته‌اند. «مردم‌نگاری» از نظر لغوی به معنای معرفی یک قبیله یا قوم و گردآوری اطلاعات به منظور توصیف یک فعالیت خاص فرهنگی - اجتماعی و یا نوع زندگی دسته‌ای از افراد یک جامعه است (منادی، ۱۳۸۶: ۷۸). بنابراین یک محقق مردم‌نگار با مطالعه فرهنگ مردم، عقاید، باورها و آداب و رسوم، آن‌ها را تبیین

و معرفی می‌کند. شایان ذکر است که «پژوهش‌های مردم‌شناسانه به سبب ماهیت خاص این علم که در بطن زندگی مردم در گذر است، پژوهشی ژرف‌نگرانه بوده و به دلیل این ویژگی خاص خود از دیگر دانش‌های انسانی متمایز می‌باشد» (واعظی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۷۰).

در پژوهش پیش رو ابتدا داده‌های مربوط به ازدواج در قمصر به صورت میدانی و با تکنیک مصاحبه مستقیم از بزرگان این شهر جمع‌آوری شده است؛ پس از آن صحت و سقم این داده‌ها با مراجعه مجدد به ۱۰ نفر از کهنسالان باتجربه و بومیان منطقه که از ابتدا ساکن این شهر بوده و درک بهتری از تاریخچه موضوع مورد نظر داشته‌اند و با تکیه بر سؤالاتی شفاهی درباره نحوه آشنایی، چگونگی انجام مراسم خواستگاری (شیرینی خوران) و تمامی آیین‌های مربوط به جشن عروسی و پس از آن (متناسب با دانش و تجربه مصاحبه‌شوندگان)، برای محققان به اثبات رسیده است. سپس داده‌های شفاهی ضبط‌شده براساس سرفصل‌های پیش‌بینی شده به صورت مکتوب درآمده و طبقه‌بندی و تحلیل گردیده است.

هم‌زمان با مرحله جمع‌آوری داده‌های مربوط به آداب و رسوم ازدواج در شهر قمصر، تعدادی از مقالات و کتاب‌هایی که در حوزه ازدواج تألیف شده بود نیز بررسی و اسنادی که بر صحت اطلاعات به دست آمده تأکید داشت، استخراج گردید تا در پژوهش پیش رو برای تأیید یافته‌ها مورد استناد قرار گیرد. بنابراین مقاله حاضر از منظر جمع‌آوری داده‌ها بر دو روش میدانی و کتابخانه‌ای تکیه داشته و در بُعد مطالعه و بررسی داده‌ها و تطبیق این داده‌ها با یافته‌های علمی، به روش تلفیقی توصیفی و تحلیلی اتکا دارد.

۲. بحث اصلی

این جستار در سه ساحت به تجزیه و تحلیل نهاد ازدواج در شهر قمصر پرداخته و تصویری کلی از آداب رایج درباره ازدواج در این شهر ارائه می‌دهد؛ این سه ساحت مرسوم عبارت‌اند از: ۱. ماهیت و انواع ازدواج در شهر قمصر؛ ۲. الگوی همسرگزینی در شهر قمصر؛ ۳. آیین‌ها و آداب ازدواج در شهر قمصر.

۱-۲. ماهیت و انواع ازدواج در شهر قمصر

با توجه به اینکه ازدواج در ایران از دوران باستان تا عصر حاضر در بستر دین و فرهنگ سنتی و مذهب صورت گرفته است، آیین همسرگزینی در شهر قمصر نیز در چارچوب دین و در بستر مذهب تشیع جاری می‌گردد.

براساس نظام فقهی آیین تشیع، تک‌همسری و چندهمسری می‌تواند صورت حقوقی و شرعی دائم یا موقت داشته باشد؛ که در شهر قمصر ازدواج به صورت عقد دائم گونه رایج ازدواج به شمار می‌رود. اما میزان گسترش و شیوع تک‌همسری یا حتی چندهمسری با وجود پشتوانه شرعی و قانونی و نیز پذیرش عرفی، به عوامل مختلفی از جمله طبقه اجتماعی و وضعیت اقتصادی طرفین بستگی دارد.

از آنجاکه اکثریت آحاد ساکن در شهر قمصر متدین به دین اسلام و شیعه اثناعشری هستند، هنگام ازدواج به احکام نکاح و زوجیت در آیین تشیع رجوع نموده و براساس آن عمل می‌کنند. هریک از دو حالت یادشده در ازدواج پشتوانه فقهی و عقلی مربوط به خود را دارد و بسته به زمان و مکان و شرایط توجیه می‌گردد. بدون تردید ازدواج دائم فواید بی‌شماری دارد؛ از جمله اینکه باعث ازدیاد نسل گردیده و مسائل مالی و اقتصادی خانواده نیز در پرتو آن رونق گرفته و تثبیت می‌شود؛ از سوی دیگر با نظر به قوانین و احکام فقهی ناظر بر وراثت، باعث تملیک و تصرف اموال توسط نسل آینده می‌گردد. اما باید بگوییم که عقد موقت نیز دارای ابعاد توجیه‌پذیر بوده و در شرایط خاص به عنوان راه‌حلی جایگزین، از گسترش فساد و فحشا جلوگیری می‌کند. شایان ذکر است با توجه به اینکه نگهداری زنان عقد دائمی متعدد به لحاظ مالی و معیشتی ارزان نبوده، همچنین از نظر عرفی به‌ویژه در شهرهای کوچک و روستاها از وجاهت عام برخوردار نیست، امکان چندهمسری در اغلب شهرهای ایران محدود است و در شهر قمصر نیز با وجود اینکه شرع مقدس این نوع از ازدواج را جایز دانسته، به دلایل غالباً فرهنگی و عرفی به‌ندرت صورت پذیرفته و تک‌همسری شایع‌تر است.

۲-۲. الگوی همسرگزینی در شهر قمصر

ازدواج در شهر قمصر تا حدود نیم قرن گذشته با صلاحدید و نظر پدران و مادران و بزرگ‌ترهای خانواده صورت می‌پذیرفته است. به عبارت دیگر در امر ازدواج بیشتر خانواده محوریت داشته و توجه مطلق به نظر شخصی دختران و پسران دم‌بخت چندان مد نظر نبوده است. بدیهی است که در همین شرایط نیز افرادی بوده‌اند که بدون توجه به نظر خانواده اقدام به همسریابی فردمحور و عاشقانه می‌کرده‌اند؛ اما همین افراد نیز در نهایت برای رسمیت بخشیدن به ازدواج به جلب رضایت خانواده‌های خود تن درمی‌دادند. در گذشته نه‌چندان دور در شهر قمصر، توجه وافر به پیوندهای خونی و خانوادگی می‌شده و این‌گونه از ازدواج و پیوند زناشویی در نظر خانواده‌ها مقبول‌تر و مطمئن‌تر بوده است. بی‌تردید حفظ میراث خانوادگی،



تقویت همبستگی و حفظ نهاد خانواده و طایفه از مهم‌ترین کارکردهای درون‌همسری بوده است. خانواده‌های شهر قمصر در سال‌های نه‌چندان دور به مستوری و حفظ عفت دختران به‌شدت معتقد و پایبند بوده‌اند و از این منظر آشنایی پیش از ازدواج دختران و پسران ممکن و میسر نبوده است؛ به همین دلیل مکان‌هایی مانند گرمابه‌های عمومی و مساجد و تکیه‌های عزاداری در ایام سوگواری و نیز مجالس بزم، بهترین مکان برای انتخاب دختران توسط زنان برای پسران خود به شمار می‌رفته است. این اماکن به خانواده‌ها و نیز دلالت‌های ازدواج که در ادامه به نقش اساسی آنان در فرایند ازدواج اشاره خواهد شد، این اماکن را می‌داد که دختران را به‌طور کامل برانداز کنند و به‌دنبال مواردی بگردند که در انتخاب همسر برایشان مهم است. سن، قد، زیبایی، چاقی و لاغری، داشتن یا نداشتن بیماری یا نقیصه ظاهری و البته نحوه آداب و معاشرت و سخن گفتن از مواردی بود که در این اماکن به‌صورتی غیرمستقیم بر دلالت‌ها یا افراد خانواده پسر آشکار می‌شد. دلالت‌ها عمدتاً افراد مسنی بودند که کارشان یافتن همسر برای مردان جوانی بود که در شرف ازدواج بوده و قصد نکاح داشتند (شهری، ۱۳۶۷: ج ۶: ۱۹۷، به نقل از طلایی، ۱۳۹۳: ۴۱). این افراد واسطه ازدواج بین طرفین بوده و از محاسن، وضع مادی پسر و اخلاق نیکوی او نزد خانواده عروس و از زیبایی دختر، میزان جهاز و متانت وی نزد خانواده پسر تعریف می‌کردند. پس از آن خانواده داماد مطابقت و صحت گفته‌های دلالت را می‌سنجیدند و سپس به خواستگاری اقدام می‌کردند (جیمس ویلس، ۱۳۶۳: ۱۰۵، به نقل از طلایی، ۱۳۹۳: ۴۱). قابل ذکر است که در فرهنگ کهن این شهر، دلالت را که حمامی یک محل بود، «داسی» می‌خواندند. از آنجاکه غالب دختران و پسران دم بخت تا پیش از ازدواج یکدیگر را نمی‌دیدند و در فرایند ازدواج نقش بسیار اندکی داشتند، حضور این واسطه‌ها و دلالت‌ها بسیار چشمگیر بود و تشخیص ملاک‌های زناشویی و زیبایی و نیز تناسب بین دو طرف ازدواج از نظرگاه آن‌ها صورت می‌گرفت (دروویل، ۱۳۸۰: ۱۰۷ و ۱۰۸).

معمولاً خواستگاری‌ها مقارن با ایام مبارک دینی و براساس محاسبات نجومی (ساعات سعد و نحس) انجام می‌شد (شهری، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۵).

درباره سن ازدواج نیز باید این نکته یادآوری شود که معمولاً در اکثر شهرهای ایران رسیدن به سن بلوغ شرط لازم نامزد شدن برای ازدواج و پایان کودکی به شمار می‌رود. بلوغ در این دوران از دو عامل تکامل جنسی و مکلف شدن شرعی تشکیل می‌شود که این دو تا حد زیادی بسته به شرایط زندگی باهم تطابق دارند.

در روزگاران کهن شهر قمصر دختران و پسران با گذشت اندک زمانی از دوران بلوغشان، از سوی خانواده مکلف به ازدواج می‌شدند؛ اما امروزه بنابر مشکلات جامعه‌شناختی و فرهنگی بسیاری که در مسیر ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد، سن ازدواج در هر دو طرف تغییر کرده است. به مرور زمان و بنابر گسترش این مسئله که ابتدا به دلیل مشکلات پیش روی ازدواج شکل گرفته بود، ازدواج در سنین بالا به صورت یک فرهنگ درآمد و خانواده‌های بسیاری به این فرهنگ نادرست باور پیدا کرده و عمل می‌کنند. با تحقیقات میدانی صورت گرفته در قمصر مشخص شد که سن ازدواج در گذشته برای پسران از ۲۰ تا ۲۵ و برای دختران از ۱۵ تا ۲۰ سال بوده است. این در حالی است که امروزه میانگین سن ازدواج در این شهر برای پسران غالباً به بالای ۳۰ سال و برای دختران نیز به بالای ۲۵ رسیده است که خود دلایل مختلفی دارد که توضیح دلایل آن در این مقاله نمی‌گنجد.

۳. آیین‌ها و آداب ازدواج در شهر قمصر

آیین‌های ازدواج را می‌توان به دو بخش آیین‌های مربوط به خواستگاری و عروسی تقسیم کرد. در ادامه براساس همین تقسیم‌بندی به رسوم مربوط به ازدواج در شهر قمصر پرداخته می‌شود.

۳-۱. مراسم خواستگاری (شیرینی‌خوران)

یکی از اصلی‌ترین آیین‌های قبل از عروسی، مراسم خواستگاری است. خواستگاری در لغت به معنای پیشنهاد برای ازدواج است. مراسم خواستگاری یکی از مراسم قبل از عروسی در ایران است. در این مراسم داماد همراه با تنی چند از اعضای خانواده‌اش با گل و شیرینی به منزل عروس می‌روند و در آنجا موضوع خواستگاری را مطرح می‌کنند.

اساساً در جامعه ایرانی خواستگاری با نظر به موازین شرعی و عرفی از دختر دوشیزه و یا زن بیوه‌ای به عمل می‌آید که موانع شرعی موجود در متون فقهی را نداشته باشد (مانند ممنوعیت ازدواج در ایام عده برای زنان بیوه). خواستگاری قبل از مراسم عقد و خواندن صیغه نکاح صورت می‌گیرد. فاصله میان خواستگاری و مراسم عقد شرعی را نامزدی می‌گویند.

خواستگاری از دختر در شهر قمصر تا چند دهه اخیر به این صورت بوده است که پیش از مراجعه رسمی خانواده داماد به منزل پدر عروس، بایستی دختری که برای ازدواج انتخاب می‌شده که معمولاً از سن کمی هم برخوردار بوده، توسط فردی معتمد - که اصولاً حمای زن بوده که «داسی» خوانده می‌شده - رؤیت شده و مورد تأیید قرار می‌گرفته است. بنابراین داسی به

نیابت از خانواده داماد به تنهایی به منزل پدر دختر می‌رفته و دختر را از چندین نظر از جمله زیبایی ظاهری و سلامت جسمانی، همچنین نحوه کار کردن دختر در منزل به دقت بررسی می‌کرده است. از جمله کارهایی که دختران در این مواقع - یعنی هنگام مراجعه داسی - ملزم به انجام آن بوده‌اند، عبارت بوده است از: چاق کردن قلیان، پاک کردن سبزی و... همچنین داسی گاه با زیرکی تمام گوشه‌ای از فرش را بالا زده تا از نحوه نظافت خانه توسط دختر باخبر گردد. پس از انجام این مرحله چنانچه دختر مورد پسند داسی قرار می‌گرفت، چند تن از زنان از خانواده داماد در روزی معین به حمام عمومی مراجعه می‌کردند تا یک بار هم دختر را از نظر ظاهری و بدون پوشش زیر نظر بگیرند تا از سلامت جسمانی وی یقین حاصل کنند. سپس چنانچه بانوان خانواده پسر نیز دختر را می‌پسندیدند، برای انجام مراسم خواستگاری اقدام می‌کردند. در این مواقع پدر دختر از خانواده پسر یک هفته فرصت می‌خواست تا هم مقدمات مراسم خواستگاری را فراهم نماید و هم چنانچه لازم بود، تحقیقاتی در مورد پسر و خانواده او انجام دهد. پس از موافقت پدر، قرار و مدار خواستگاری گذاشته می‌شد. این مراسم صرفاً با حضور مردان صورت می‌گرفت و حضور زنان و دختران در مراسم خواستگاری جایز نبوده است. در این مراسم بزرگان دو خانواده حضور داشتند؛ همچنین حضور معتمدان و به اصطلاح ریش سفیدهای محل نیز الزامی بوده است. پذیرایی شب خواستگاری در نقل و چای خلاصه می‌شد که آن‌هم برخلاف امروز توسط عروس انجام نمی‌شد؛ چراکه پیش از این نیز ذکر گردید که هیچ زنی از جمله عروس در این مراسم حضور نداشت.

تعیین مهریه یا به اصطلاح بریدن مهر که اهالی به آن «سیاه کردن مهر» نیز می‌گفته‌اند، در جلسه خواستگاری صورت می‌گرفت و بزرگان محل و خانواده همگی در این خصوص نظر می‌دادند. مهریه در اکثر خرده فرهنگ‌ها و شهرهای ایران کارکردی حقوقی برای قوام یافتن زناشویی دارد ولی ابعاد اجتماعی مهریه نیز انکارناپذیر است؛ زیرا براساس انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی متداول، عروس باید با لباس سفید وارد خانه داماد می‌شد و با کفن سفید خارج می‌گردید (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۶۸). بنابراین در چنین فرهنگ و جامعه‌ای که متارکه مذموم تصور می‌شود و سنت‌های مرسوم از بنیان‌های سخت خانواده حمایت می‌کند، اگرچه بحث مهریه موضوع مهمی به شمار می‌رود، پافشاری بر دریافت آن موضوعیت ندارد.

در مقابل مسئله مهریه که تعهدی از سوی خانواده داماد است، خانواده عروس نیز متعهد می‌شود لوازم ضروری زندگی زوجین را که جهیزیه نام دارد، تهیه و به عروس و داماد هدیه کند.

غالب اقلامی که در گذشته به عنوان مهریه در نظر گرفته می‌شد، عبارت بود از: آینه‌چراغ، قرآن، طلا، مس ساخته، رختخواب، فرش، وجه نقد و حتی سهم آب قنات و ملک که در محلات مختلف این منطقه و با توجه به وسع خانواده داماد متفاوت بوده است (ر.ک: شکل ۴ و ۵). شایان ذکر است که عموماً بخشی از مهریه را پدر داماد بر عهده می‌گرفته است. پس از تعیین و تأیید مهریه، شخصی که در جمع از سواد کافی برخوردار بوده است، مهریه معین را مکتوب نموده و سایرین برای تأیید انگشت زده و یا امضا می‌کردند. بنابراین از آن شب به بعد می‌گفتند شیرینی دختر فلانی را هم خوردند. تصمیم مهم دیگری که در این شب گرفته می‌شد، تعیین روز عروسی در نزدیک‌ترین تاریخ ممکن بوده است، که تعجیل در این اتفاق نیز خود علل مختلفی داشته است؛ از جمله اینکه خانواده‌ها به علت کوچک بودن محیط، از بدگویی و کارشکنی بدخواهان در این امر بیم داشتند. نکته مهم دیگر آنکه عروس و داماد تا پای سفره عقد - که آن نیز آداب خاص خود را داشت - یکدیگر را به هیچ وجه ملاقات نمی‌کردند.

لازم است ذکر شود که پس از گرفتن بله از عروس و اتمام کار، تا روز جشن عروسی، داماد و خانواده وی به مناسبت‌های مختلف از جمله اولین عید ملی و مذهبی پیش رو همچون عید نوروز و عید غدیر و همچنین شب یلدا هدایایی برای دختر - که حالا دیگر نامزد پسر بوده است - تهیه کرده و به خانه پدر نوعروس می‌بردند. عیدی نوعروس عموماً کفش و پارچه و شیرینی بوده است. برای شب یلدا نیز به اصطلاح شب چله‌ای می‌بردند که به یک هدیه کوچک از جمله روسری یا پارچه ختم می‌شد. هدیه نوعروس به مناسبت نزدیک شدن عید نوروز که آن را به اصطلاح اسفندی می‌نامیدند، مفصل‌تر بود؛ از جمله پارچه و همچنین خوراکی‌هایی که برای شب عید تهیه می‌گردید؛ مثل کیسه‌ای برنج، ماهی دودی، سبزی و... که همه این هدایا را در چند طبق یا به اصطلاح قدما مَجْمَعَه گذاشته، تزیین کرده، به خانه عروس می‌بردند. قابل ذکر است که این رسوم امروزه نیز در دوران عقد به شکل گذشته انجام می‌گردد اما تفاوت آن در برگزاری این مراسم و تهیه این هدایا به صورتی بسیار تشریفاتی و مفصل‌تر است.

۲-۳. آیین‌های مربوط به جشن عروسی و پس از آن

۲-۳-۱. خرید عروسی

در هنگام خرید عروسی رسم بر این بوده است که تنها والدین عروس و داماد حضور داشته باشند و نه خود آن‌ها. اقلامی که معمولاً در خرید عروسی تهیه می‌شده، عبارت بوده است از: لوازم سفره عقد و هدایای عروس شامل آینه و شمعدان، پارچه چادری مشکی، پارچه چادری سفید،



یک دست لباس سفید، کفش، حوله و سایر ملزومات شخصی و خرید طلا که براساس استطاعت پدر عروس و داماد به آن اقدام می نمودند.

۲-۲-۳. جشن طبق بران (خوم بردن)

چند روز مانده به روز جشن عقد، مراسم شاد طبق بران انجام می شده است. مردم این منطقه به اصطلاح «طبقی» را «خوم» که تغییر شکل یافته «خوان» و «خوانچه» است - که امروز «خنچه» خوانده می شود - می نامیده اند. در برگزاری این مراسم نیز همچون سایر مراسم ازدواج، «حمامی» نقش عمده ای بر عهده داشته است. حمامی یا دلاک مرد که در اصطلاح مردم منطقه «اوستا» - که همان «اوستا» باشد - خوانده می شد، آینه عقد را در دست گرفته و پیشاپیش دیگران حرکت می کرد و قوم و خویش خانواده داماد نیز با همراهی اهالی محل، خومها را که حاوی وسایل عقد و هدایای عروس بوده است، بر سر گرفته، با شادی و پایکوبی به طرف منزل پدر عروس می بردند. نکته جالب توجه تعداد خاص طبقها بوده که حتماً باید «فرد» باشد. ذکر شده که چنانچه خانواده داماد جزء طبقه اعیان و اشراف بوده اند، قطعاً تعداد اقلام خریداری شده و در نتیجه تعداد خومها بیشتر می شده است؛ اما به طور کلی تعداد خومها از ۳ تا ۳۱ عدد - بسته به استطاعت مالی خانواده داماد - متغیر بوده است.

محتویات دقیق و اصلی این طبقها عبارت بوده است از: آجیل، کله قند، نقل، حوله، لنگ و قدیفه، پارچه های خریداری شده برای عروس، کفش عروس، لوازم آرایش در گذشته همچون حنا، سرخاب، سفیداب و...؛ در ضمن رسم بوده است که یک جفت کفش هم برای داسی (دلاک زن) که همچون اوستا (دلاک مرد) نقش چشمگیری از ابتدای مراسم تا پایان آن بر عهده داشته است، خریداری و در طبق مخصوص کفش عروس و در کنار آن قرار دهند.

قابل ذکر است از آنجاکه این مراسم با آوازخوانی و شادی و هلله همراه بوده است، همسایه ها یکی پس از دیگری به کوچه آمده و خانواده داماد را که با پای پیاده عازم منزل پدر عروس بوده اند، همراهی می کردند. طبق داران به محض رسیدن به منزل پدر عروس، با طبقهایی که بر سر داشتند، در میان شادی حضار حلقه وار و رقص کنان می چرخیدند و تا پدر عروس هدیه ای که عموماً مبلغی وجه نقد بوده به آنها تقدیم نمی کرده است، طبقها را بر زمین نمی گذاشتند. مراسم بردن «خوم» پس از تحویل طبقها و انجام پذیرایی ساده ای چون چای و شیرینی به اتمام می رسید. بخشی از وسایل داخل «خوم»ها نیز در روز مراسم داخل سفره عقد چیده می شد.

۳-۲-۳. مراسم اصلاح‌کنان عروس

بعد از برگزاری مراسم «طبق‌بران»، یک روز مانده به جشن عروسی، مراسم «اصلاح‌کنان» عروس در منزل پدر دختر برپا می‌شده است. قابل ذکر است که این مراسم حتماً باید بعد از طبق‌بران صورت می‌گرفته، تا عروس هدایا را دریافت کرده و وسایل لازم مراسم عقد تحویل داده شده باشد. در این جشن، مشاطه (آرایشگر) که او را بندانداز نیز می‌خواندند، در میان شادی و هلهله زنان اقوام عروس و داماد، دختر را برای جشن روز بعد می‌آراست. اصلاح چهره عروس حتماً باید پس از اذن مادر و سایر زنان بزرگ خانواده از جمله مادر بزرگ، خاله، عمه و... صورت می‌گرفت.

پس از اتمام کار مشاطه، جماعت حاضر در مراسم، عروس را به حمام عمومی می‌بردند که زنان محل نیز در این هنگام، همگی برای تماشای عروس به حمام عمومی می‌رفتند و داسی در میان ساز و هلهله زنان، عروس را شسته، کف دست و پا و ناخن و موی او را خضاب می‌کرد. ناگفته نماند که حاضران در این مراسم نیز همگی دست و پا و موی سر را به نشانه شادی خضاب می‌کردند. پس از آن پذیرایی از مهمانان به عمل می‌آمد که شامل نان و پنیر و سبزی و میوه و نوشیدنی متناسب با فصل (اگر تابستان بود شربت و اگر زمستان بود، چای) بود. باید ذکر گردد که از آن طرف مردان نیز اقدام به اصلاح و به حمام بردن داماد می‌نمودند که انجام امور مربوط به آن بر عهده اوستا بوده است.

۴-۲-۳. جهیزبران (بردن جازیه)

انتقال وسایل مورد نیاز زندگی به خانه مشترک عروس و داماد، یکی از مراحل مراسم عروسی در شهر قمصر است. جهیزیه عروس اسباب و وسایلی است که توسط خانواده عروس تهیه و به خانه داماد منتقل می‌شود.

خانواده داماد در مراسم جهازبران، جهیزیه دختر را تحویل می‌گرفتند و در میان برخی از خانواده‌های این شهر نیز رسم بر آن بوده است که فهرست کاملی از وسایل تنظیم گردد و رسید دریافت اقلام جهیزیه به نماینده خانواده عروس داده شود.

در فاصله برگزاری مراسم مختلف و پیش از بردن عروس به منزل داماد - که عموماً در همان خانه پدری داماد اتافی به تازه‌عروس و داماد اختصاص داده می‌شد - جهیزیه عروس یا در اصطلاح مردم منطقه «جازیه عروس» به منزل داماد برده می‌شد. جهیزیه که در روزگاران گذشته وسایلی مختصر، دم‌دستی و یا به اصطلاح حاجت دست بیش نبوده است، پس از فراهم شدن



توسط پدر عروس، به منزل داماد منتقل می‌شده است. اصلی‌ترین این وسایل که عمدتاً برای همه دختران کمابیش یکسان بوده، عبارت بوده است از: تعدادی کاسه و بشقاب، سماور، چراغ سه‌فتیله، زیلو، دو دست رختخواب، ظروف مسی و گردسوز؛ همچنین لباس‌ها و وسایل شخصی عروس که تمامی این وسایل را اوستا (حمامی مرد) با همراهی خانواده خود بر روی سر گذاشته و به منزل داماد می‌بردند. شایان ذکر است که گاه پیش می‌آمد که اقلام سنگین از جمله رختخواب و صندوق لباس و... را بار الاغ یا به گفته اهالی «مال» می‌کردند. در این میان از خانواده عروس نیز عده‌ای حضور داشتند که هلهله‌کنان جهیزیه را به مقصد می‌رساندند و پس از آن توسط خانواده داماد پذیرایی مختصری می‌شدند و بازمی‌گشتند.

۳-۵. جشن عروسی

مراسم جشن عروسی مراسمی است که توسط خانواده داماد برای بردن عروس به منزل داماد برگزار می‌شود. مراسم جشن عروسی در نقاط مختلف ایران باهم متفاوت است؛ اما اغلب رسم بر این است که عروس و داماد به آرایشگاه می‌روند و بعد از آماده شدن، باهم به محل برگزاری مراسم عروسی می‌روند و تا پایان شب در حضور مهمانان، به جشن و شادی می‌پردازند.

جشن عقد و عروسی را که عموماً در یک روز برگزار می‌شد، تا جای ممکن در یکی از روزهای پنجشنبه یا جمعه برپا می‌داشتند. روز شنبه و دوشنبه را برای برپایی جشن عروسی خوش‌یمن نمی‌دانستند. مجلس عقد نیز طبق رسوم حتماً باید در منزل پدر عروس برگزار می‌شد، مگر آنکه به هر دلیل از جمله نبود فضای کافی و سایر امکانات، برگزاری مراسم در منزل پدر عروس ممکن نمی‌شد که در این صورت مراسم در مکان دیگری برگزار می‌گردید. صبح روز جشن، مشاطه عروس را بزک می‌کرد و پس از آن پیراهنی ساده و سفید به عروس می‌پوشاندند و عصر هنگام، روحانی‌ای برای خواندن خطبه عقد به منزل می‌آمد تا عروس و داماد را که تا آن روز یکدیگر را یک نظر هم ندیده بودند، به عقد یکدیگر درآورد. بر سر سفره عقد فقط بزرگ‌ترهای دو خانواده حضور داشتند. حضور اطفال و کودکان و سایر مهمانان بر سر سفره عقد جایز نبود. همچنین حضور زنان شوهرمردده یا بیوه و مطلقه را نیز در هنگام عقد به‌هیچ‌روی خوش‌یمن نمی‌دانستند.

در هنگام جاری شدن صیغه عقد، به اصطلاح قدمای این منطقه، عروس و داماد را روبه‌روی هم می‌کردند؛ به این شکل که داسی (حمامی زن)، آینه‌ای روبه‌روی دختر و پسر در دست نگاه می‌داشت تا عروس و داماد یکدیگر را در آن ببینند. قدما بر این باور بودند که در هنگام خواندن

عقد باید دو دست عروس و داماد بر روی پاها قرار داشته و کاملاً باز باشد، به گونه‌ای که بین انگشتان فاصله باشد؛ چراکه معتقد بودند اگر دست‌ها مشت یا در هم قفل می‌شد، گره در کار زوج جوان می‌افتاد. همچنین در هنگام عقد معتقد بودند که مرد باید پای خود را به آرامی بر روی پای عروس بفشارد تا از همان ابتدا به اصطلاح میخ زندگی توسط مرد خانواده محکم کوبیده شود و یا گریه را دم حجله بکشد؛ به این معنا که حرف، حرف مرد باشد.

پیش از این در بحث خرید عروسی توضیح داده شد که چنانچه از نظر مالی برای خانواده‌ها مقدور بود، برای عروس و داماد حلقه طلا نیز خریداری می‌شد. در این صورت پس از جاری شدن خطبه عقد و محرم شدن عروس و داماد به یکدیگر، انگشتر توسط داماد به عروس و برعکس داده می‌شد. همچنین هدایای خانواده‌ها نیز در این زمان به عروس و داماد تقدیم می‌شد. پس از اتمام مراسم عقد، داماد به همراه مردان خانواده به مجلس مردانه می‌رفت و جشن و پایکوبی ادامه می‌یافت.

ناگفته نماند که عموماً شام مراسم عروسی یا پلو به همراه خورشت قیمه بود و یا شویدپلو به همراه آبگوشت. گاه اتفاق می‌افتاد که شام خانواده عروس در منزل پدر عروس و بر عهده او و شام خانواده داماد نیز در منزل پدر داماد و بر عهده پدر بود. این اتفاق زمانی می‌افتاد که پدر داماد در مراسم مهربندان قید می‌کرد که به دلیل عدم توان مالی و یا چنانچه مهریه عروس سنگین بود، شام مهمانان خانواده عروس بر عهده پدر دختر خواهد بود.

۳-۲-۶. مراسم شب زفاف

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در مراسم و تشریفات ازدواج به آن توجه ویژه شده، امر جنسی و زناشویی است. خانواده طرفین در حین فرایند همسریابی از ابتدا در تمام مراحل، مسئله زفاف را تحت نظارت خود می‌گیرد تا بکارت و دوشیزگی دختر به مثابه گران‌قدرترین گوهر، پاک‌دامنی و عفت او را به همسرش اثبات نماید و دیگر اینکه امر جنسی در زوجین به ابتداء کشیده نشود. بر همین اساس در قباله‌های عقد بر دوشیزه بودن دختران تأکید می‌شود.

آیین شب زفاف در مناطق مختلف کشور و به ویژه در مناطق روستایی، رسوم خاص خود را دارد. مردمان گذشته این شهر نیز رسوم خاصی را برای چنین شبی که در ادامه مراسم جشن عروسی صورت می‌گرفته است، دنبال می‌کرده‌اند که به اختصار بدان پرداخته می‌شود.

در چنین شبی نیز همچنان داسی - که از ابتدای کار مسئولیت‌های مختلفی را عهده‌دار بوده است - موظف می‌شد تا در کنار عروس بماند. به این صورت که از طرف خانواده عروس، داسی



به همراه زن دایی یا خاله عروس و از طرف خانواده داماد نیز چند تن از نزدیکان در اتاقی مجاور اتاق عروس و داماد می ماندند و با شادی و هلهله به انتظار اتمام مراسم زفاف زوج جوان می نشستند. نکته مهم اینکه مادر عروس به هیچ وجه در چنین شبی نمی بایست در خانه داماد و در کنار دختر خود می ماند. آنچه نشانه اتمام این مراسم بوده است، دستمال سفیدی بوده که پیش از زفاف به عروس می دادند و پس از انجام مراسم، داماد این دستمال را که مهر تأییدی بر باکری دختر بوده، به داسی تحویل می داده است. پس از آن داسی به دیگر بانوان حاضر اعلام می کرده که مراسم زفاف عروس و داماد به خیر و خوشی به اتمام رسیده است. صبح روز بعد که عموماً با پذیرایی صبحانه مرسوم و مقوی توسط مادر عروس به صرف کاجی آغاز می شده است، داسی دستمال شب عروسی را داخل یک مجمعه (سینی فلزی) گذاشته و به همراه کاسه ای نقل به نشانه فرخندگی این ازدواج، در هنگام به حمام بردن عروس به زنان حاضر در حمام نشان داده و با نقل از همه پذیرایی می کرده است. در حمام نیز رقص و شادی برپا بوده است تا هنگام ظهر که اقوام در منزل پدر داماد به صرف ناهار پذیرایی می شدند.

ناگفته نماند که در گذشته پسر هر خانواده بلافاصله پس از ازدواج در منزل پدری خود ساکن می شده و استقلال از خانواده در ابتدای زندگی به معنای امروزی آن برای نوعروس و دامادها امکان پذیر و مرسوم نبوده است.

۷-۲-۳. مراسم مادرزن سلام

مراسم مادرزن سلام یکی از مراسم های بعد از جشن عروسی است. این مراسم روز بعد از جشن عروسی انجام می شود و داماد با مادر عروس ملاقات می کند و از وی به خاطر عقد دخترش سپاسگزاری می کند و هدیه ای نیز به مادرزن خود تقدیم می کند.

بعد از انجام مراسم عروسی، رسم بر این بوده که عروس تا سه روز حق خروج از منزل را نداشته است؛ زیرا گاه ممکن بود مراسم زفاف به هر دلیل به تأخیر بیفتد؛ بنابراین تا اتمام این سنت عروس از منزل خارج نمی شد. عموماً یک روز پس از جشن عروسی، داماد به همراه برادر، شوهرخواهر و یا یکی از بزرگان به رسم قدردانی از زحمات و دستبوسی مادر عروس به منزل آنها می رفتند. در این هنگام در صورت امکان، داماد هدیه ای به مادر عروس تقدیم می کرد.

۸-۲-۳. مراسم جاخالگی

پیش از جشن پاتختی که معمولاً یک هفته پس از جشن عروسی برگزار می شد، مادر عروس هدایایی تدارک می دید که مردم منطقه این هدایا را «جاخالگی» می خواندند. جاخالگی عموماً به

کسانی داده می‌شد که در هنگام عقد عروس و داماد، هدیه یا به اصطلاح «رونما» داده بودند. البته مردان خانواده داماد (چه آنان که هنگام عقد هدیه داده بودند و چه آنان که هدیه نداده بودند) از این قاعده مستثنا بودند؛ چرا که مادر عروس می‌بایست برای تمام مردان خانواده داماد از جمله پدرشوهر، برادرشوهر و... هدایایی تهیه می‌کرد. مراسم جاخالگی به این شکل برگزار می‌شد که مادر عروس شب قبل از مراسم پاتختی همراه با داسی و چند تن از زنان اقوام این هدایا را که عمدتاً برای مردان لباس دوخته‌شده و برای زنان پارچه بود، به منزل پدر داماد می‌برد.

۹-۲-۳. مراسم پاتختی

یکی از مراحل مراسم عروسی در ایران مراسم پاتختی است؛ پاتختی جشنی است که بعد از مراسم عروسی برگزار می‌شود. در اصل، فلسفه برگزاری این مراسم کمک اقوام و آشنایان به شروع زندگی عروس و داماد و حل شدن مشکلات مالی در شروع زندگی مشترکشان بوده است.

مراسم پاتختی به این صورت بوده است که بعد از گذشت حدود یک هفته از مراسم و جای‌گیر شدن عروس و داماد در منزل خود، مجلس شاد زنانه‌ای در منزل عروس ترتیب داده می‌شد تا مهمانانی که در مراسم عروسی حضور یافته بودند، هدایای خود را به نوع عروس تقدیم کنند. برطبق شنیده‌ها وجه تسمیه جشن پاتختی این است که عروس، دوران باکرگی و شب زفاف را پشت‌سر گذاشته و با سربلندی در میان دختران و اقوام بر تخت می‌نشیند. جشن پاتختی فقط مختص حضور زنان بوده و آقایان امکان حضور در این جشن را نداشته‌اند.

در همین مراسم مادر عروس از خانواده داماد برای مهمانی «پاگشا» دعوت به عمل می‌آورد. در این میان قابل ذکر است که شام مجلس پاگشا عموماً غذاهایی همچون آبگوشت نخود یا لوبیا به همراه پلو بوده است. ناگفته نماند که غذاهایی چون آبگوشت جزء غذاهای اعیانی به حساب می‌آمده است. در مراسم پاگشای داماد، مادر داماد نیز از خانواده عروس برای پاگشا و آغاز آمدورفت‌های خانوادگی دعوت به عمل می‌آورده است.

۴. ازدواج و خانواده در دوران نوین

در دوران نوین، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن در خانواده‌ها (چه در کلان‌شهرها و چه در شهرهای کوچک‌تری همچون قمصر) تحت تأثیر صنعتی شدن جوامع با آهنگی آرام در حال تغییر است؛ از جمله این تغییرات این است که:



- امروزه شبکه خویشاوندی مبتنی بر تبار و طایفه در اکثر جوامع تأثیر خود را از دست داده است؛

- با تغییر الگوی خانواده از گسترده به هسته‌ای، نحوه انتخاب همسر نیز در بسیاری جوامع تغییر یافته است؛ زیرا در خانواده گسترده، ازدواج مبتنی بر تصمیمات افراد و اعضای خانواده بود، ولی با هسته‌ای شدن خانواده‌ها، حق انتخاب آزاد همسر در جامعه تبدیل به هنجار شده است.

- آزادی عمل زنان در ازدواج، عادی شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییرات ازدواج و خانواده محسوب می‌شود.

- به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش‌ها و گسترش شهرنشینی، رفع محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف کاهش یافته که به نوبه خود بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه را تحت تأثیر قرار داده است (شیخی، ۱۳۸۲: ص ۵۳-۵۴).

این دگرگونی‌ها چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، با کمی تغییر در شهرهای کوچک اما در حال رشدی چون قمصر نیز در گذر زمان و با مشاهده و اندکی قیاس به‌خوبی قابل رؤیت است. امروزه همسرگزینی آزاد از ویژگی‌های خانواده در دوران نوین است و عشق و علاقه در تکوین ازدواج، نقشی اساسی دارد. با وجود این، آزادی انتخاب همسر برحسب نوع جامعه و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و زیستی از جمله مذهب، نژاد، قومیت و طبقه، مشروط و مقید می‌گردد؛ به عبارت دیگر ازدواج برحسب تجانس انجام می‌شود و هر فردی به‌طور متعارف با شخصی از طبقه، مذهب، نژاد و قومیت خود ازدواج می‌کند که این نوع ازدواج را ازدواج متجانس می‌گویند. این تشابهات گاه به‌حدی زیاد است که نمی‌توان آن را تصادف دانست، بلکه نشان‌دهنده این نکته است که روندهای اجتماعی با قرار دادن گروه‌های مشابه در کنار یکدیگر، همسرگزینی آن‌ها را نیز تعیین می‌کنند. البته در برخی موارد ازدواج میان دو طبقه اجتماعی کاملاً متفاوت نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال ازدواج افراد با طبقات بالاتر از خود صرفاً براساس یک ویژگی منحصر به فرد رخ می‌دهد. امروزه ازدواج‌ها براساس تجانس سنی نیز بسیار دیده می‌شود و این تفاوت سنی معمولاً حدود ۲ تا ۳ سال است.

به‌طور کلی امروزه هر خانواده‌ای، در جامعه از طریق روابط اجتماعی‌ای که برای فرزندان خود ایجاد می‌کند، امکان ازدواج نامتجانس را کم و امکان ازدواج متجانس را زیاد می‌نماید (اعزاز، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۶).

در ایران هنوز هم خواستگاری از عناصر اصلی منظومه ازدواج و مهم‌ترین مراسم در این خصوص به شمار می‌رود. خواستگاری به شکل مرسوم و رایج آن به خودی خود رابطه عمودی بین نسل‌ها را در خانواده‌ها منعکس می‌کند. خواستگاری «مبادله خانوادگی» را در امر همسرگزینی و همسریابی در اولویت قرار می‌دهد و بدین سبب اولین گام رسمی برای شکل‌گیری یک ازدواج محسوب می‌شود. هرچند خواستگاری هم در فرایند زمان و تحولات اجتماعی در ایران تغییرات چشمگیری یافته (محسنی و پوررضا انور، ۱۳۸۲: ۲۸۲)، هنوز هم گرایش مسلط در ارتباط با خواستگاری گرایش موافق با انجام آن است.

در فرایند طولانی ازدواج، نامزدی گام دوم محسوب می‌شود. نامزدی مرحله‌ای برای رسمی‌تر شدن روابط زوج‌های جوان و علنی‌تر شدن آن است که هویت خانواده جدید را به همگان اعلام می‌نماید (همان: ۲۹۲). امروزه هنوز هم نظر اغلب خانواده‌ها برگزاری مراسم جشن نامزدی است (همان: ۳۰۰)؛ نامزدی‌هایی که گاه مدت‌زمان آن بسیار طولانی می‌شود و متأسفانه در این حین چه بسیار اختلافات و تفاوت‌های سلیقه‌ای به وجود می‌آید که موجب افتراق و جدایی دختر و پسر از یکدیگر می‌گردد.

در مورد مهریه گرایش اغلب خانواده‌ها به تعیین مهریه است؛ اما متأسفانه امروزه اغلب خانواده‌ها مهریه بالا را پیشنهاد می‌کنند که در گذشته این رویه به هیچ عنوان معمول و مرسوم نبوده است. در مورد برگزاری مراسم ازدواج هم، جامعه به دو گروه تقسیم می‌شود: عده‌ای که مراسم ازدواج را باشکوه برگزار می‌کنند و عده‌ای که در ساده‌ترین شکل ممکن ازدواج می‌کنند. اما آنچه به‌طور کلی در مبحث تشکیل زندگی مشترک حائز اهمیت است، رضایت و دوام زندگی زوجین - فارغ از همه تشریفات و آداب - است که متأسفانه امروزه این اصل کمتر به چشم می‌خورد.

۵. نتیجه‌گیری

ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیمات زندگی هر فرد به شمار می‌رود که موفقیت یا ناکامی در آن کیفیت زندگی آینده یک شخص را رقم می‌زند. بدون شک پیوند زناشویی دارای مقدماتی است که این مقدمات همان رسوم پیش از ازدواج است که این رسوم از زمان‌های گذشته تا به امروز به اشکال مختلف و در قالب آیین‌های متنوع در همه شهرها و روستاهای کشور برگزار می‌گردد و گاه شاهد اشتراکاتی در برگزاری این آیین‌ها و رسوم نیز هستیم.

بی‌تردید فرایند ازدواج در تاریخ کهن شهر قمصر نیز دارای آداب و رسوم خاص خود بوده است که در این پژوهش کم و کیف برگزاری این مراسم در تاریخ اجتماعی شهر قمصر بررسی



شد که در پایان نتایج زیر حاصل گردید:

✓ برگزاری مراسم ازدواج در گذشته این شهر، دارای مراسم مختلف و متنوعی بوده است که تمامی مردم به این آیین‌ها و رسوم پایبند بوده‌اند؛ اما با وجود تعدد این مراسم، تمامی این رسوم به ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین صورت ممکن برگزار می‌شده است؛ درحالی‌که امروزه با وجود برگزار نشدن بسیاری از این مراسم سنتی، فرایند ازدواج به سمت وسوی تجملات و صرف هزینه‌های هرچه بیشتر در حرکت است.

✓ همان‌گونه که ذکر شد، عروس و داماد در گذشته زندگی خود را به ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین شکل ممکن و با ضروری‌ترین مایحتاج زندگی آغاز می‌کردند و به‌محض شروع زندگی مشترک، زن پایه‌پای مرد در حفظ و پیشبرد امور زندگی تلاش کرده، چه‌بسا پس از گذشت سال‌ها و تحمل مرارت‌های بسیار، صاحب یک زندگی عادی و رضایت‌بخش می‌شدند؛ درحالی‌که امروزه یکی از شروط اساسی پیش از ازدواج، میزان دارایی‌های مرد است و این خود یکی از دلایل مهمی است که موجب بالا رفتن سن ازدواج شده است.

✓ در برگزاری مراسم ازدواج نیز در قیاس با گذشته تغییراتی رخ داده است و آن اینکه بسیاری از مراسم سنتی ازدواج از جمله طبق‌بران، اصلاح‌کنان، مراسم مربوط به شب زفاف و پاتختی امروزه مهجور گردیده است؛ اما از سوی دیگر مراسمی همچون خواستگاری و شیرینی‌خوران، خرید عروسی و مراسم جشن عروسی از زمان‌های گذشته تا به امروز همچنان به قوت خود باقی است.

✓ چنان‌که در طی پژوهش شاهد بودیم، «داسی» (حمامی زن) و «اوسا» (حمامی مرد) ایفاگر نقش‌هایی اساسی از آغاز تا پایان مراسم ازدواج بودند. یکی از نکات جالبی که پژوهشگران پس از انجام این پژوهش دریافتند، این نکته بود که در این شهر از دیرباز مثل رایجی بر زبان قدما جاری است که هنگامی که می‌خواهند بگویند کار پیش رو بسیار ساده است و احتیاج به تشریفات ندارد، می‌گویند: «فلان کار اوسا و داسی نمی‌خواهد.»؛ که با توجه به نقش اساسی و وظایفی که در طول مراسم ازدواج بر عهده این دو شخص بوده است، دریافتیم که ریشه تاریخی این مثل به چه برمی‌گردد.

در پایان شایان ذکر است که به‌طور کلی درخصوص انواع معیارهای ازدواج در گذر زمان تغییرات بسیاری به وجود آمده است؛ از جمله: سن ازدواج، نحوه آشنایی زوجین، کم و کیف برگزاری مراسم و فردمحور شدن مسئله ازدواج در قیاس با گذشته که صرفاً خانواده‌محور بوده

است؛ اما باعث تأسف، این است که با وجود این تغییرات و صرف تمامی هزینه‌های گزاف مربوط به ازدواج و تشریفات آن، دوام زندگی‌های زناشویی در قیاس با زمان‌های گذشته بسیار کم شده است. پژوهش‌های علمی بسیاری در این زمینه به‌همراه آمارهای دقیق آن صورت گرفته که در دسترس و قابل مطالعه و تأمل است.

سیاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم که از همشهریان مهربان و خون‌گرم شهر قمصر، به‌ویژه کهن‌سالان عزیز این منطقه که داده‌های گردآوری‌شده این پژوهش حاصل اطلاعات مفید این عزیزان بود، بی‌نهایت سپاسگزاری کنیم.

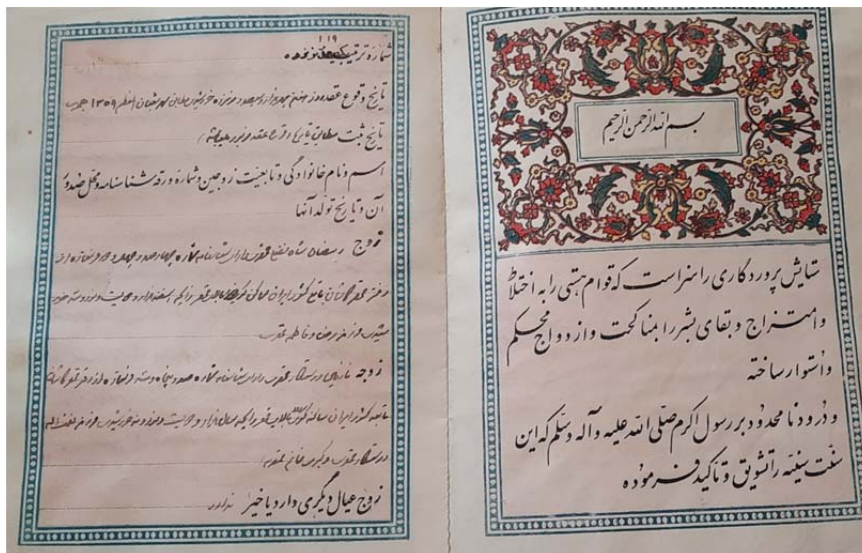
پیوست‌ها



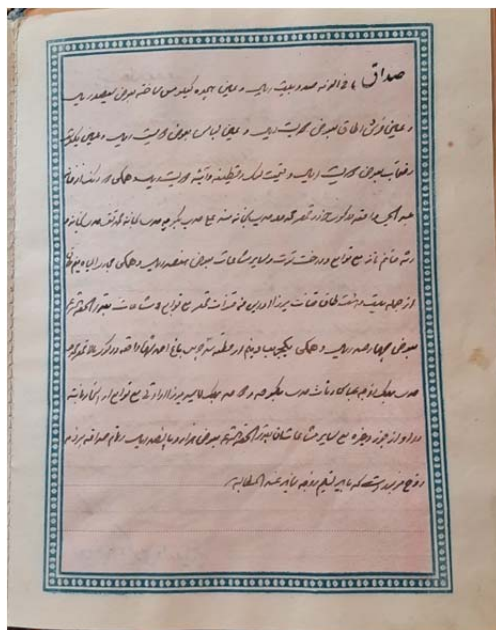
شکل ۱: تصویر جلد عقدنامه



شکل ۲: تصویر صفحه آغازین عقدنامه



شکل ۳: تصویر صفحات متن اصلی عقدنامه

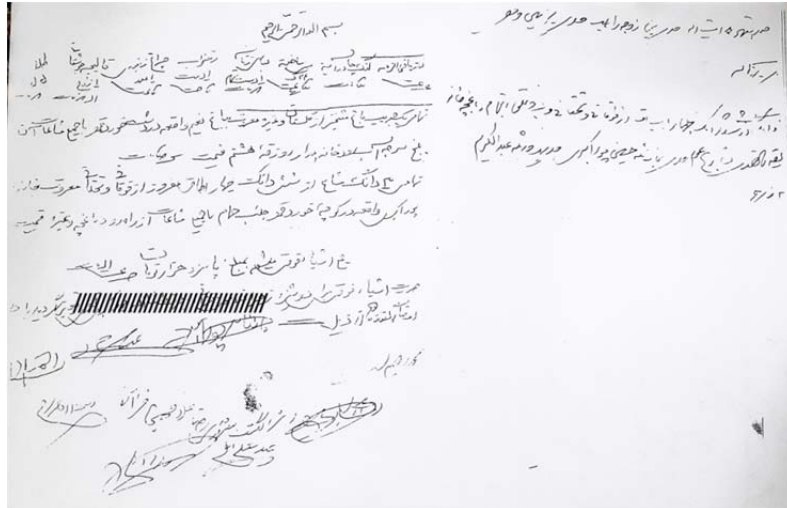


شکل ۴: تصویر برگ ثبت صداق یا مهریه

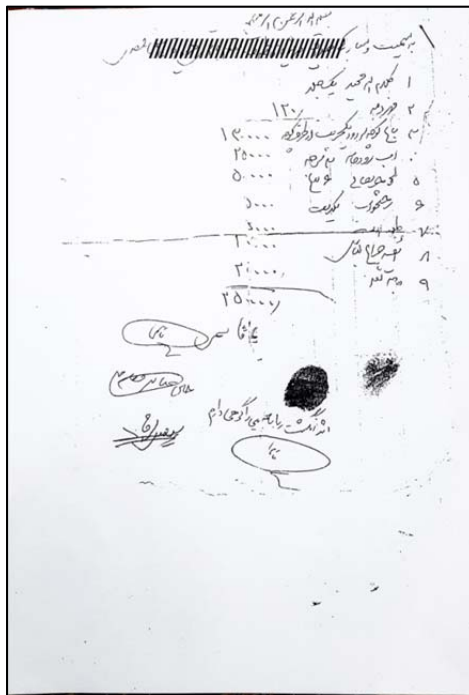
توضیحات شکل ۴: صداق مهرانمۀ فوق که مربوط به سال ۱۳۱۹ شمسی است، دربردارندهٔ این موارد است:

«هجده کیلو مس، فرش، لباس، یک دست رختخواب، لُنگ، آینه، سهم آب قنات»

10.22052/KASHAN.2023.252520.1074



شکل ۵: صدق مهریه فوق که به تأیید معتمدان رسیده عبارت است از: لنگ، چادر، آینه، مس، یک دست لباس زنانه، رختخواب، چراغ زنبوری، فالیجه جوشقان، یک جریب باغ مشجر از گلستان، پنج سرجه آب رودخانه



شکل ۶: تصویر دست‌نوشته‌ای که میزان صدق یا مهریه در آن تعیین شده و به تأیید معتمدان رسیده و عبارت است از: یک جلد کلام‌الله مجید، یک جریب باغ، سه سرجه آب رودخانه، آینه‌چراغ، لباس، رختخواب و وجه نقد



منابع

- آصفی، آصفه. (۱۳۵۶). *خانواده و تربیت در ایران*. تهران: انتشارات انجمن ملی اولیا و مربیان.
- ابراهیم‌زاده آسمین، حسین. (۱۳۹۳). *درآمدی بر مردم‌شناسی ازدواج با بررسی آداب و رسوم ازدواج در ایران*. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- انواری، زهره. (۱۳۸۸). «آداب و رسوم ازدواج در اقوام ترکمن و عرب خوزستان». فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۶، ۳۶-۵۲.
- جیمس ویلس، چارلز. (۱۳۶۳). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. به کوشش حمید دودانگه و مهرداد نیکنام. تهران: زرین.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۸۰). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتمادمقدم. تهران: شبابویز.
- ریویر، کلود. (۱۳۷۹). *درآمدی بر انسان‌شناسی*. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- شارون، جوئل. (۱۳۷۹). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- شهری، جعفر. (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شهری، جعفر. (۱۳۷۶). *طهران قدیم*. تهران: نشر معین.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طلائی حاتم، زهرا. (۱۳۹۳). «مراسم ازدواج در عصر قاجار از نگاه سیاحان اروپایی». فصلنامه تاریخ نو، شماره ۹، ۳۸-۵۲.
- فرهنگی، ریحانه. (۱۳۸۴). *جشن ازدواج (مجموعه شش جلدی)*. تهران: کلک آزادگان.
- قربان‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۰). *آداب و رسوم ازدواج در ایران و ملل جهان*. گیلان: فقیهی.
- کتانچی، عذرا. (۱۳۴۵). «ازدواج (مسئله مهم اجتماعی)». *مسائل ایران*، ۳(۳۶)، ۴۲۶-۴۳۱.
- محسنی، منوچهر، و پوررضا انور، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). «ازدواج و خانواده در ایران». تهران: آرون.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۶). «مردم‌نگاری». *روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)*، شماره ۵۱، ۱۱۱-۱۳۰.
- مونس‌الدوله. (۱۳۸۰). *خاطرات مونس‌الدوله، ندیمه حرم‌سرای ناصرالدین‌شاه*. به کوشش سیروس سعدوندیان. تهران: زرین.

ناک، استیون. (۱۳۶۹). *حیات اجتماعی زن در تاریخ (دفتر اول: قبل از اسلام)*. دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی. تهران: امیرکبیر.

واعظی، سعیده، میراسکندری، فریبا، و وحید رش و ش. (۱۴۰۱). «بررسی مقایسه تطبیقی آیین‌های گذر با تأکید بر بلوغ و ازدواج مردم شهر کرمان و جیرفت». فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، شماره ۴، ۵۴۶-۵۷۱.

References

- Asefi, A. (1977). *Family and education in Iran*. Tehran: Publications of the National Association of Parents and Teachers. [In Persian]
- Anvari, Z. (2009). Marriage customs in Turkmen and Arab tribes of Khuzestan. *Iranian People's Culture Quarterly*. No16: pp: 36-52. [In Persian]
- Drovil, G. (2001). *Travel in Iran*. Translated by: ManucheherEtemadMoghaddam. Tehran: Shabaviz. [In Persian]
- Ebrahimzade Asamin, H. (2014). *An Introduction to Anthropology of Marriage by examining the customs of marriage in Iran*. Tehran: Academic Jihad Publishing. [In Persian]
- Ezazi, Sh. (2003). *Family sociology*. Tehran: Enlightenment Publications and Women's Studies. [In Persian]
- Farhangi, R. (2005). *Marriage celebration (six-volume collection)*. Tehran: Kelke Azadegan. [In Persian]
- James V, Ch. (1984). *Social history of Iran during the Qajar period*. by effort: Hamid Dodangeh and MehrdadNiknam. Tehran: Zarrin. [In Persian]
- Katanchi, A. (1966). Marriage (an important social issue). *Iranian issues* 3(36): pp: 426-431. [In Persian]
- Mohseni, M. & Pour rezaanvar, A. (2003). *Marriage and family in Iran*. Tehran: Aron. [In Persian]
- Monadi, M.(2007). Ethnography. *Methodology of humanities (field and university)*, No: 51. 111-130. [In Persian]
- Mounes al-Doulah. (2001). *Memories of Mons al-Doulah, the maid of Naser al-Din Shah's harem*. By the efforts of Syrus Sadvandian. Tehran: Zarrin. [In Persian]
- Nack, S.(1990). *The social life of women in history (first book: before Islam)*. Cultural research office attached to cultural-cinematic centers. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Qorbazadeh, M. (2011). *Marriage customs in Iran and the nations of the world. Gilan: Faqihi*. [In Persian]
- Rivier, C. (2000). *An introduction to anthropology*. Translated by Nasser Fakuhi. Tehran: Nay publication. [In Persian]
- Shahri, J. (1988). *Social history of Tehran*. Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Shahri, J. (1997). *Old Tehran*. Tehran: Moein. [In Persian]
- Sharon, J. (2000). *Ten questions from the perspective of sociology*. Translated by: Manucheher Saburi. Tehran: Nay. [In Persian]



- Sheikhi, M. (2003). *Sociology of women and family*. Tehran: Publishing company. [In Persian]
- Talaei Hatam, Z. (2014). Marriage ceremonies in the Qajar era from the perspective of European tourists. *The New History Quarterly*, No9: pp: 38-52. [In Persian]
- Vaezi, S., Mireskandari, F. & Rash vash, V. (2021). A comparative study of the rites of passage with an emphasis on puberty and marriage of the people of Kerman and Jiroft. *Islamic lifestyle magazine focusing on health*. No:4: pp: 546-571. URL:<http://islamiclifej.com/article-1-1745-en.html>. [In Persian]

Marriage Customs in the Social History of Qamsar

Marzieh Abyar Qamsari

Guest Lecturer, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran, (Corresponding Author); marziehabyar@yahoo.com

Reza Shajari

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran; rshajari@yahoo.co.uk

Received: 21/07/2023

Accepted: 23/09/2023

Introduction

The idea that the family is the main focus of the society and the main core of the formation of the society, providing a suitable model, makes the recognition of the customs of marriage very important. It should be noted that people's views on marriage depend on the culture they belong to. Therefore, it is necessary to know subcultures, which are the unifying factors of the value system a society. According to the growing trend of modernity in Iran, if Iranian traditions and customs are not preserved and revived in various forms, in a short time a fundamental part of Iranian's cultural identity will be forgotten. Therefore, this research study the stages and components of marriage in the history of the city of Qamsar with regard to the social and cultural situation of this city.



Materials and Methods

This research was conducted using a library method, investigating the notions of marriage, customs, traditions and modernity as well as reviewing and the theoretical background of the research. Besides, with the conventional method of field interview, the questions designed by the selected statistical population of the residents of this city were answered directly; In the stage of converting data into findings, the method of description and content analysis was used, and the information extracted from the questionnaires was presented in an orderly and practical manner by arranging the stages and components of marriage in Qamsar city. In that way, all the required were collected to cover all the components of marriage in Qamsar.

Results and Findings

Since folklore research has grown less than other literary and interdisciplinary research, a step was taken to enrich the resources related to Iranian public culture with a case study on marriage customs in Qamsar. Due to the fact that one of the main goals of this research was to prevent the effacement of marriage traditions in the city of Qamsar, these customs and traditions are no longer forgotten. In fact, by compiling the components of marriage customs in Qamsar's subculture as well as by the description and analysis of its different parts, these traditions can be preserved as part of Iranian subculture. A look at cultures exposed to modernity depicts tremendous changes in the beliefs, opinions, and cultural and social values. Iran is no exception.

These changes have turned the phenomenon of marriage into a critical problem. In this article by presenting a detailed model of the customs experienced in marriage customs tries to take a small step towards changing the inappropriate attitude of young people towards marriage. It is obvious that such change will eventually lead to a change in the normative system of the society and change in the marriage patterns.

Conclusion

The results of this research demonstrate that by recognizing all aspects of marriage customs in the social history of Qamsar and avoiding the structure of modern society's attitude to the phenomenon of marriage and family formation, this research can serve as a basis and a bank of sociological information for researchers, planners, and cultural managers. It may also change the strict and luxurious thinking of many young people and families towards the notion of marriage.

Keywords: customs, marriage, community, Qamsar.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۱۸۱-۲۱۴
مقاله علمی پژوهشی

طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در صنعت آب و فاضلاب (مورد مطالعه: شرکت آب و فاضلاب کاشان)

حمید رحیمی*

زهرا صادقی آرانی**

چکیده

جانشین‌پروری به‌عنوان یک زیرسیستم مدیریت منابع انسانی بر یادگیری سازمانی، افزایش رضایت شغلی کارکنان، نرخ گردش نیرو و عملکرد مالی سازمان تأثیرگذار است. همه شرکت‌ها از هر نوعی، به مقوله جانشین‌پروری می‌پردازند و شرکت آبفای کاشان هم از این قاعده مستثنا نیست. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در صنعت آب و فاضلاب کاشان است. نوع تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، کیفی-کمی است. این تحقیق در چندین مرحله انجام شده که دو مرحله اول کیفی و مرحله‌های بعدی، کمی است. مرحله اول شامل شناسایی شایستگی‌ها از منابع علمی دانشگاهی و منابع شرکت آبفاست که هشتاد شایستگی در این مرحله شناسایی شد. در مرحله دوم، شاخص‌های شناسایی‌شده، مورد ارزیابی مدیران شرکت آبفا قرار گرفت که از طریق روش دلفی، با ۳۳ شاخص شایستگی، مدل شایستگی مدیران شرکت آبفا طراحی شد و شامل شایستگی‌های فردی، مدیریتی و شغلی است. در مرحله سوم، شایستگی‌های شناسایی‌شده برای اولویت‌بندی، مورد نظرخواهی قرار گرفت که از طریق تکنیک چندمعیاره تاپسیس، اولویت‌بندی به تفکیک جایگاه‌های مدیریتی در شرکت انجام شد. همچنین وضعیت کلی شرکت آبفای کاشان براساس شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی نشانگر این است که شرکت آبفای کاشان در شایستگی‌های تعلق و وفاداری سازمانی، هوش اخلاقی و تعهد کاری، بیشترین امتیاز و در شایستگی جانشین‌پروری و مدیریت افراد، مدیریت عملکرد و مدیریت پروژه کمترین امتیاز را داراست.

کلیدواژه‌ها: نظام جانشین‌پروری، مدیریت استعداد، شایستگی مدیریتی، شایستگی شغلی، شایستگی فردی، شرکت آب و فاضلاب.

* دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول

dr.hamid.rahimi@kashanu.ac.ir

** استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم مالی، مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

dr.hamid.rahimi@kashanu.ac.ir

۱. مقدمه

سازمان‌ها برای افزایش کارایی و اثربخشی خود، به افراد مناسب، در مکان و زمان مناسب، برای انجام کار مناسب نیازمندند؛ اما این مهم زمانی محقق خواهد شد که رهبری مناسب در رأس سازمان وجود داشته و با حاکمیت یک تفکر راهبردی تضمین نماید که کارکنان در شغل‌های موجود در سازمان به‌طور مناسب جابه‌جا شوند. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، به‌رغم وجود فشارهای اقتصادی که سازمان‌ها با آن مواجه‌اند، نیاز به جذب و نگهداری بهترین استعدادها، بالاترین اولویت آن‌هاست (ابوالعلائی و غفاری، ۱۳۸۶). پیتر دراگر^۱ نیز خطر عصر حاضر را نابودی سازمان‌های مهم، به‌علت عدم تدارک کافی و مناسب برای جانشینی مدیریت می‌داند، چراکه مدیران رسوب‌شده با وجود نداشتن صلاحیت در سازمان، انتقال و ارتقا یافته‌اند (راسول، ۲۰۱۰^۲).

ترویج رویه‌هایی همچون کوچک‌سازی مستمر سازمان‌ها و همچنین دیگر تلاش‌هایی که برای کاهش هزینه‌ها اعمال می‌شود، تلفات زیادی به رده مدیریت میانی سازمان‌ها وارد می‌کند و درحقیقت، افراد کمی برای پیشروی به رده‌های عالی از درون سازمان‌ها در دسترس قرار می‌گیرند و زمانی که افراد شایسته برای پر کردن پست‌های کلیدی در سازمان وجود نداشته باشند، مدیران به نیرویابی از خارج سازمان متوسل می‌شوند که این امر مستلزم صرف زمان و هزینه هنگفتی خواهد بود. از آنجاکه رویه کوچک‌سازی سازمان‌ها رو به افزایش است، استعدادهای خارجی نیز به‌سہولت در دسترس نیستند و در صورتی هم که بتوان فرد مناسبی از خارج از سازمان یافت، به دلایلی همچون نداشتن تطابق فرهنگی، ناآگاهی از جو سازمانی و نداشتن تجربه کاری کافی در سازمان، عملکرد مطلوب را نداشته و سازمان را با مشکلات زیادی مواجه خواهند کرد. بنابراین با توجه به مشکلات مطرح‌شده، بسیاری از سازمان‌ها گام‌هایی برای پرورش استعدادهای داخل سازمان، به‌ویژه افرادی که برای تصدی پست‌های کلیدی مناسب‌اند، برداشته‌اند، و مدیریت و برنامه‌ریزی جانشین‌پروری^۳، تلاش و فرایندی در همین راستاست. مدیریت و برنامه‌ریزی جانشینی، تلاشی طراحی‌شده برای تضمین استمرار عملکرد مؤثر یک سازمان، بخش، واحد یا کارگروهی به‌وسیله پرورش، جایگزینی و به‌کارگیری راهبردی افراد کلیدی در طول زمان است. درحقیقت، برنامه‌ریزی جانشینی، ابزار شناسایی پست‌های حیاتی مدیریت است. این پست‌های حیاتی از سطوح مدیریت پروژه و سرپرستان آغاز و تا بالاترین پست سازمانی ادامه دارد. برنامه‌ریزی برای جانشینی، حداکثر انعطاف‌پذیری را برای انتقال مدیران در سطوح افقی فراهم می‌آورد و تضمین‌کننده این امر است که افراد به‌شرط داشتن عملکرد مطلوب به سطوح ارشدیت دست پیدا خواهند کرد و رفته‌رفته بر

مهارت‌های مدیریتی آنان افزوده خواهد شد. این امر باعث می‌گردد افراد فقط به اهداف بخش خود توجه نداشته باشند و تلاش‌های خود را در راستای دستیابی به اهداف کلی سازمان جهت‌دهی نمایند (همان، ۲۰۰۲).

راسول (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای روی ۵۰۰ متخصص مدیریت منابع انسانی از سازمان‌های مختلف، دریافت همه شرکت‌کنندگان، موافق این مسئله بودند که جانشین‌پروری برای سازمان‌های آن‌ها مهم بوده است. در مطالعه دیگری مشاهده شد که سازمان‌های دارای جانشین‌پروری رسمی برای پر کردن فوری پست‌های مدیریتی آماده بودند (فگلی، ۲۰۰۶). مطالعات صورت‌گرفته درباره رواج جانشین‌پروری، برآورد می‌کنند که ۴۰ تا ۶۵ درصد شرکت‌ها اقدامات رسمی جانشین‌پروری را اتخاذ کرده‌اند. کارشناسان دیگری برآورد می‌کنند که ۸۵ درصد از سازمان‌های ایالات متحده، برنامه‌ریزی جانشین‌پروری را ناقص اجرا کرده یا اصلاً آن را نداشته‌اند (نینک^۵ و همکاران، ۲۰۰۶). در هر صورت، نکته مشخص این است که امروزه برنامه‌ریزی و مدیریت جانشین‌پروری در برخی سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ و کوچک از هر نوعی (تولیدی، خدماتی، دولتی، خصوصی و...) در سطح جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد (ای ماتسو، ۲۰۱۰). از این رو با توجه به تغییرات فزاینده ملی، منطقه‌ای و جهانی و کاهش وابستگی شغلی، تعهد سازمانی، رضایت شغلی و به وجود آمدن یک محیط پیچیده، ناپایدار و نامطمئن، سازمان‌ها و مدیران ارشد بایستی استعدادها را شناسایی و خزانه استعداد در سازمان به وجود بیاورند، پست‌های کلیدی را شناسایی و برای همه مشاغل کلیدی هم به صورت افقی و هم عمودی برنامه جانشین‌پروری را تدارک ببینند (کیم^۷ و همکاران، ۲۰۱۹).

شرکت آبفای کاشان هم به‌عنوان یک شرکت خدماتی از این قاعده مستثنا نیست و مقوله مدیریت و برنامه‌ریزی جانشین‌پروری برای شرکت آب و فاضلاب کاشان هم حائز اهمیت است؛ زیرا تا پایان سال ۱۴۰۲ حدود ۲۵ درصد مدیران آبفای کاشان در آستانه بازنشستگی هستند و این ضرورت انجام طرح جانشین‌پروری در شرکت آبفای کاشان را مضاعف می‌کند. با وجود اهمیت شایستگی‌ها و مقوله جانشین‌پروری، مطالعه درباره آن در حوزه مدیریت منابع انسانی به‌ویژه در صنعت آب و فاضلاب بسیار محدود است و کمتر پژوهشی به‌طور جامع اقدامات مدیریت منابع انسانی را با تأکید بر جانشین‌پروری بررسی کرده است. طراحی الگوی مدیریت منابع انسانی شایسته‌محور با هدف استقرار مدیریت جانشین‌پروری می‌تواند نقش کلیدی و مهمی برای مدیران صنعت آب و فاضلاب، به‌ویژه شرکت آب و فاضلاب کاشان در جهت برنامه‌ریزی راهبردی حوزه

منابع انسانی ایفا کند. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر، طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در شرکت آب و فاضلاب کاشان است.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. تعریف جانشین‌پروری

جانشین‌پروری، اقدام طراحی شده به منظور تضمین اقدام مداوم مؤثر یک سازمان، بخش، حوزه یا کارگروه از طریق فراهم آوردن شرایط برای رشد، جایگزینی و به‌کارگیری راهبردی افراد کلیدی در طول زمان تعریف می‌شود (راسول، ۲۰۰۵). جانشین‌پروری یک مفهوم جامع است که به نظر می‌رسد ترکیبی از مدیریت جانشین‌پروری و برنامه‌ریزی جانشین‌پروری باشد. بر طبق نظر بارتون^۸ (۲۰۱۹) جانشین‌پروری فرایندی است که طی آن نیروهای مستعد سازمان از طریق برنامه‌ریزی، هم‌راستا با راهبردها و برنامه‌های کلان سازمان برای تصدی مشاغل حساس و مناصب کلیدی آماده می‌شوند. جانشین‌پروری، فرایندی است که سازمان از طریق آن نیروهای توانمند و مستعد را از طریق برنامه‌ریزی مناسب رشد می‌دهد و ارتقا می‌بخشد (رابی و والا،^۹ ۲۰۲۱). جانشین‌پروری با یک رویکرد پیچیده، یکپارچه و نظام‌مند برای شناسایی و رشد پتانسیل‌های بالا یا مجموعه‌ای از استعدادها با هدف توانمندسازی سازمان‌ها در داشتن فهرستی از کاندیداهای آماده برای پر کردن پست‌های کلیدی است و آنان را برای کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم و درنهایت مدیریت سازمان در آینده آماده می‌کند (فیرک^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۹). جانشین‌پروری، فرایندی برای اطمینان از تداوم رهبری در مناصب کلیدی، حفظ و توسعه معنوی و دانشی برای آینده و تشویق افراد به توسعه است که از راهبرد کلان برنامه‌ریزی نیروی انسانی نشئت می‌گیرد (یو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۰). جانشین‌پروری یک استراتژی برای جایگزینی فوری افراد در پست‌های خاص نیست بلکه یک فرایند نظام‌مند است که به واسطه آن، پرورش حرفه‌ای و فردی به‌صورت یک برنامه راهبردی در هم آمیخته می‌شود. این طرح باید تضمین کند که سازمان برای پر کردن هرگونه پست خالی با فرد مناسب دارای مهارت‌ها و شایستگی‌های مناسب در زمان مناسب، آمادگی دارد (چارتراند،^{۱۲} ۲۰۰۵). جانشین‌پروری به‌عنوان یک فرایند مستمر پویا شامل شناسایی، ارزیابی و پرورش نظام‌مند استعدادها و ارزیابی، پرورش و شناسایی افراد کلیدی برای برآوردن نیازهای عملیاتی و راهبردی آینده سازمان است (نینک و دیگران، ۲۰۰۶). از مجموع تعاریف ارائه‌شده در مورد برنامه‌ریزی و مدیریت جانشین‌پروری می‌توان به‌طور خلاصه گفت که برنامه‌ریزی و مدیریت جانشین‌پروری به‌منزله ابزاری برای کمک به مدیریت دانش، رهبری، ساخت نیروی کار هوشمند و مولد و استقرار استعدادها در سازمان است.

برای موفقیت در برنامه جانشین‌پروری، مدیران بایستی الزامات کاری خود را شناخته، بر نقاط قوت و ضعف سازمان خویش وقوف داشته باشند؛ ضمن اینکه یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت، افراد انتخابی برای تصدی مسئولیت‌های آینده است. فرهنگ سازمانی باید توسعه یابد و در آن نوعی نگرش مثبت درخصوص افراد توانمند توسعه یابد و فقط بر ارشدیت و سابقه آن‌ها تمرکز نشود. برای تعیین افراد مناسب در برنامه جانشین‌پروری می‌توان به نظرخواهی از افراد صاحب‌نظر اقدام کرد. این روش موجب مشارکت مدیران در طراحی برنامه جانشین‌پروری می‌شود. واحد منابع انسانی می‌تواند براساس اطلاعات مربوط به سابقه، مدرک تحصیلی، آموزش‌های دریافت‌شده، ارزیابی عملکرد و سایر ویژگی‌های فرد، افراد مناسب را پیشنهاد دهد؛ ضمن اینکه برای افزایش دقت و کاهش اعمال‌نظر شخصی، می‌توان توأمان از چند روش متفاوت برای انتخاب افراد بهره‌گرفت (پاسپیتاساری و ریتانو، ۲۰۲۰).

طرح جانشین‌پروری یک فرایند گام‌به‌گام است که در طی چند مرحله به شرح زیر انجام می‌شود:

گام اول: شناسایی مشاغل کلیدی؛ راه‌های شناسایی مشاغل کلیدی عبارت‌اند از: ۱. بررسی مشاغل کلیدی از طریق نمودار ساختار سازمانی؛ ۲. بررسی ریشه‌ها و عواقب ناشی از نبود شاغل در یک شغل در گذشته یا زمان حال که در آن می‌توان متوجه شد با خالی بودن کدام سمت‌ها در زمان حال یا ترک خدمت در کدام مشاغل در گذشته، بیشترین مشکلات برای فعالیت‌های شرکت به وجود آمده است؛ ۳. شناسایی مشاغل کلیدی از طریق پرسش از مدیران در حوزه مسئولیت خود (راسول، ۲۰۰۵).

گام دوم: تعیین شایستگی‌های محوری مورد نیاز برای هر شغل کلیدی؛ در یک مدل شایستگی، شایستگی‌های شغل عموماً از روش‌های محک‌زنی، تجزیه و تحلیل شغل، تجزیه و تحلیل فرایندهای کلیدی سازمان و جمع‌آوری نظرات متخصصان داخلی و بیرونی درخصوص مشاغل به دست می‌آید.

گام سوم: شناسایی گروه اولیه کاندیداها؛ شناسایی کاندیداها به دو روش می‌تواند انجام شود: اعلان عمومی برنامه و درخواست از داوطلبان برای ثبت‌نام و شناسایی افراد مستعد توسط مدیران که این روش دوم، خود می‌تواند به سه حالت انجام شود: ۱. اعلان عمومی اسامی افراد انتخاب‌شده، ۲. شناسایی افراد مستعد بدون اطلاع خود افراد انتخاب‌شده؛ ۳. مطلع ساختن خود این افراد و برملا ساختن آن در سازمان.

گام چهارم: ارزیابی اولیه کاندیداها؛ شاید بتوان روش‌های ارزیابی کاندیداها را به دو دسته کلی ارزیابی داخلی و ارزیابی بیرونی (مانند استفاده از مراکز ارزیابی بیرونی) تقسیم نمود. ارزیابی داخلی شامل روش‌هایی مانند آزمون علمی از کاندیداها، مصاحبه با کاندیداها به منظور شناخت بهتر شایستگی‌های فعلی آن‌ها، ارزیابی ۳۶۰ درجه و ارزیابی مدیران اجرایی از استعداد افراد است؛ که روش اخیر، خود به دو صورت انجام می‌شود: ۱. ارزیابی رهبر-محور از استعداد فردی (روشی که در آن، رهبران فرم ارزیابی را درخصوص استعدادهای کارمندانشان پر می‌کنند و درواقع، بخشی از اجرای برنامه‌جانشین‌پروری به حالت غیرعلنی است)؛ ۲. ارزیابی مشارکتی استعداد فردی (که در آن، تبادل نظر بین خود افراد و سرپرستان آن‌ها صورت می‌گیرد).

گام پنجم: انتخاب کاندیداهای برتر و تشکیل خزانه استعداد؛ براساس نتایج ارزیابی کاندیداها، خزانه کاندیداهای سازمان شناسایی و تشکیل می‌شود. این خزانه حالتی پویا دارد؛ برخی از افراد داخل آن ممکن است عضو جدید خزانه و درحال شروع کسب آمادگی‌های بیشتر باشند و برخی دیگر در میانه راه باشند؛ عده‌ای نیز آموزش‌های لازم را کسب کرده و آمادگی لازم را برای احراز سمت‌های کلیدی حفظ می‌کنند.

گام ششم: آموزش و توسعه؛ جمع‌بندی روش‌های مختلف آموزش و توسعه افراد درون خزانه کاندیداها به‌طور خلاصه شامل استفاده از آموزش‌های بیرون سازمان و استفاده از آموزش‌ها و توسعه‌های داخلی است که آموزش و توسعه داخلی به روش‌هایی مانند یادگیری عملی در کنار یک مدیر، مربیگری، چرخش شغلی، سپردن نقش‌های چالش‌برانگیز به افراد و سپردن وظایف با محدودیت و فشار زمانی صورت می‌گیرد.

گام هفتم: ارزیابی عملکرد و شایستگی‌ها؛ ارزیابی عملکرد افراد پس از برنامه‌های آموزشی نیز به همان روش‌های ذکرشده در گام چهارم انجام می‌شود، با این تفاوت که در این مرحله یکی از ملاک‌های مهم ارزیابی (برخلاف مرحله چهارم که ملاک ارزیابی عموماً استعداد افراد و شایستگی‌های مورد نیاز مشاغل کلیدی بود)، میزان یادگیری از برنامه‌های آموزشی و توسعه‌ای است. به‌علاوه، ارزیابی عملکردی که افراد در طی دوره آموزش و توسعه داشته‌اند نیز همواره می‌تواند یکی از ملاک‌های انتخاب برای ورود به مرحله بعدی باشد.

گام هشتم: انتخاب جانشین سمت‌های کلیدی؛ در هنگام خالی شدن یک سمت یا باز شدن یک سمت جدید، براساس میزان آمادگی و توسعه افراد در خزانه کاندیداها، جانشین نهایی سمت مورد نظر انتخاب می‌شود (پولیت، ۲۰۰۵).



طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در صنعت آب و فاضلاب... حمید رحیمی و زهرا صادقی

10.22052/KASHAN.2023.252499.1072

همچنین الگوهای مختلفی مانند الگوی ستاره‌ای هفت‌سو یا هفت‌قطه‌ای^{۱۵} مدل خزانه تسریع^{۱۶} الگوی عملکرد مدیریت جانشین‌پروری، مسیر ارتقای رهبری^{۱۷} و... در زمینه جانشین‌پروری وجود دارد که در جدول ۱، مراحل و اجزای پیشنهادی آن آورده شده است.

جدول ۱: مروری بر برخی مدل‌های جانشین‌پروری (هادی‌زاده مقدم و سلطانی، ۱۳۹۰)

نام مدل	نویسنده	مراحل و اجزای پیشنهادی مدل
مراحل جانشین‌پروری	بایهام ^{۱۸} (۱۹۹۹)	شناسایی شایستگی‌های مدیریتی مورد نیاز، شناسایی افراد با پتانسیل بالا و ارزیابی این افراد برای شناسایی نقاط قوت و شکاف‌های مهارتی موجود، ایجاد برنامه‌های توسعه‌ای، نظارت بر سیستم جانشین‌پروری، کسب حمایت مدیریت ارشد
ستاره هفت‌قطه‌ای	راسول (۲۰۱۰)	ایجاد تعهد به مدیریت جانشین‌پروری نظام‌مند و پیاده‌سازی برنامه مدیریت جانشین‌پروری، ارزیابی نیازها و شرایط کار فعلی، ارزیابی عملکرد شغلی فردی، ارزیابی نیازها و شرایط کار در آینده، ارزیابی قابلیت‌های فردی، بستن شکاف توسعه، ارزیابی برنامه مدیریت جانشین‌پروری
خزانه تسریع	بایهام (۲۰۰۲)	ایجاد خزانه تسریع، کاندیدا کردن و شناسایی افراد با قابلیت زیاد، تشخیص فرصت‌های توسعه، تجویز راه‌حلی برای فرصت‌های توسعه، اطمینان از وقوع توسعه، بازنگری پیشرفت کار و تعیین برنامه‌های جدید
مسیر ارتقای رهبری	کاران ^{۱۹} (۲۰۰۰)	سازگار کردن مدل مسیر ارتقای رهبری با نیازهای جانشینی سازمان، ایجاد یک زبان مشترک برای تعیین معیارهایی برای عملکرد و قابلیت در سازمان، مستندسازی و ابلاغ معیارها مبتنی بر گام قبلی، ارزیابی کاندیداهای جانشین‌پروری از طریق ماتریس عملکرد-قابلیت، بررسی جدی برنامه‌ها و پیشرفت کل مسیر ارتقا
عملکرد مدیریت جانشین‌پروری	کیم (۲۰۰۶)	تعیین خط‌مشی، ارزیابی کاندیداها به صورت انفرادی، توسعه کاندیداها، ارزیابی برنامه جانشین‌پروری

قابل توجه است که بیشتر این پژوهش‌ها و مدل‌ها در حوزه جانشین‌پروری، فضای کسب‌وکارها را مشابه در نظر گرفته و این حقایق را نادیده می‌گیرند که آن‌ها با شکل متفاوت اداره می‌شوند و ساختار کارکنان و مدیریت آن‌ها متفاوت است (سابق،^{۲۰} ۲۰۱۵)؛ در حالی که به دلیل وجود تفاوت‌هایی در نوع فعالیت سازمان، اندازه، عمر سازمان، ارزش‌های مدیریتی متفاوت و همچنین میزان زمان، منابع و تخصص در اختیار سازمان، طراحی برنامه‌های جانشین‌پروری به شکل‌های

متنوعی امکان‌پذیر خواهد بود (راسول، ۲۰۱۰). با وجود مدل‌ها و رویکردهای زیاد در حیطه جانشین‌پروری هنوز مدل یا رویکرد واحدی برای همه سازمان‌ها و موقعیت‌ها وجود ندارد و تأکید صاحب‌نظران بر باز طراحی کردن مدل براساس شرایط خاص هر سازمان است (ریچاردسون، ۲۰۱۴).

۳. پیشینه تجربی

امین و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی الگوی جانشین‌پروری شرکت مدیریت منابع آب ایران دریافتند که وضعیت موجود و مطلوب شرکت مدیریت منابع آب ایران در تمامی مؤلفه‌های جانشین‌پروری، متفاوت‌اند. همچنین یافته‌های حاصل از رتبه‌بندی مؤلفه‌ها حاکی از آن است که در وضعیت موجود، «ارزیابی عملکرد فردی»، بالاترین اولویت و «ارزیابی برنامه‌ریزی جانشین‌پروری»، پایین‌ترین اولویت را دارند. در وضعیت مطلوب نیز «پر کردن خلأ پرورشی» بالاترین رتبه و «ارزیابی برنامه‌ریزی جانشین‌پروری»، پایین‌ترین رتبه را دارند. در پژوهشی که ویگل^{۲۲} (۲۰۰۶) با عنوان طراحی سیستم‌های جانشین‌پروری برای دنیای رقابتی جدید انجام داده، این نتایج حاصل شد که برای موفقیت هرچه بیشتر سیستم برنامه‌ریزی جانشین‌پروری، لازم است تا مدیران، مهارت‌های مربیگری مؤثرتری را توسعه داده، شایستگی را در مدل مدیریت عملکرد وارد نموده و سیستم آموزش مهارت‌های رهبری را که به افراد در ارتقای عملکردشان کمک می‌کند، برقرار نمایند. ماندی^{۲۳} (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «تعیین میزان اهمیت برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در سازمان‌های دولتی» بیان می‌کند که شاخص‌های اهمیت برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در سازمان‌ها عبارت‌اند از: توانایی برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در شناسایی و توسعه رهبران جدید؛ توانایی برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در ارائه موفقیت مالی؛ توانایی برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در تقویت فرهنگ مثبت سازمانی؛ توانایی برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در کمک به بقای سازمانی و اهمیت برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در آغاز مدیریت تغییر. پادمتینا^{۲۴} و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود، سیزده شاخص مهارت ارتباطی، مهارت‌های مدیریتی، مذاکره، مهارت‌های اعتماد، رهبری، کار تیمی، مهارت‌های چندوظیفه‌ای، همکاری مجازی، همکاری خارجی، مهارت حل مسئله، همکاری داخلی و مهارت‌های شبکه‌سازی، همچنین توانایی‌ها شامل فناوری تفکر تجاری، سازگاری و انعطاف‌پذیری، مدیریت پروژه، تفکر استراتژیک، توانایی کار با جوامع مختلف حرفه‌ای، مدیریت دانش خارجی، مدیریت دانش داخلی، آگاهی فرهنگی، تحمل شکست، مدیریت ریسک، مدیریت فرایندهای همکاری بین سازمانی، سواد رسانه‌ای، خلاقیت و توانایی کار در یک

محیط بین‌رشته‌ای، ارائه نمودند. چانگ و ژو^{۲۵} (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی و ارتقای کارکنان از منظر شایستگی که با روش تحلیل عاملی انجام شد، چهار عنصر کلیدی در مدل شایستگی شامل انگیزه، صفت‌ها، خودپنداره و نقش اجتماعی را ارائه کردند. اوگانی^{۲۶} (۲۰۲۰) در بررسی برنامه‌ریزی جانشین‌پروری مدیریت و تأثیر آن بر پایداری سازمانی، دریافت رهبری سازمانی مؤثر، چارچوبی را برای برنامه‌ریزی جانشین‌پروری مدیریت فراهم می‌کند که برای پایداری سازمانی مهم است. فعالیت‌های صحیح مدیریت راهبردی منابع انسانی نظیر توسعه مدیریت، توسعه شغلی، توسعه استعدادها و توسعه رهبری، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که برنامه‌ریزی جانشینی مدیریت مؤثر را ارتقا می‌دهند. تجزیه و تحلیل نیروی انسانی یکی از مؤلفه‌های برنامه‌ریزی مؤثر مدیریت جانشینی برای طبقه‌بندی نیروی انسانی در سطوح سازمانی است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد ارتباط مثبتی بین برنامه‌ریزی جانشینی مدیریت و پایداری سازمانی وجود دارد. اوجیمی^{۲۷} (۲۰۲۱) در بررسی نقش برنامه‌ریزی و مدیریت جانشین‌پروری مؤثر برای توسعه سازمانی در نیجریه، نشان داد که بین نقش مدیریت، جانشین‌پروری و توسعه سازمانی ارتباط وجود دارد. اگرچه روش جانشین‌پروری مورد استفاده توسط یک شرکت تأثیر بسزایی بر موفقیت سازمانی دارد، نگرش به این امر تحت تأثیر رویکرد جانشین‌پروری است و هر سازمانی باید یک طرح جانشینی متناسب با نیاز خاص خود را با مدیریت هدایت‌کننده فرایند ایجاد کند؛ زیرا بافت هر سازمانی متفاوت از بافت سازمان دیگر است.

با استناد به برخی از تحقیقات ذکر شده، نوآوری پژوهش حاضر طراحی و تبیین نظام مدیریت جانشین‌پروری از طریق بررسی کیفی و کمی است. نتایج این تحقیق می‌تواند به پیشبرد و ارتقای سطح عملکرد، واکاوی و شناخت چالش‌ها و پیچیدگی‌های ناشی از عوامل زمینه‌ای و بومی مرتبط با شکاف نظری، عملی و دانش‌گرایی مدیریت منابع انسانی کمک نماید. این مطالعه به سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های مشابه با سازمان آبفا کمک می‌کند تا بتوانند مدل مناسبی را طراحی کرده و از مزایای اجرای کارآمد آن بهره ببرند. با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش حاضر، این پژوهش درصدد طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در شرکت آب و فاضلاب کاشان است و به دنبال این است که دریابد شایستگی‌های کلیدی هرکدام از مناصب حساس و کلیدی کدام‌اند؟ وزن شایستگی‌های جایگاه‌های مدیریتی شرکت آبفا کاشان چگونه است؟ و در نهایت، وضعیت کلی شرکت آبفا کاشان براساس شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی چگونه است؟

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف، کاربردی و از لحاظ روش، کیفی-کمی بود که در بخش کیفی، از روش اکتشافی (برای طراحی الگو و شناسایی شایستگی‌ها و مؤلفه‌ها) و در بخش کمی (برای اجرایی کردن الگو و تحلیل داده‌ها) از روش پیمایشی استفاده شد. مرحله اول شامل شناسایی شایستگی‌ها از منابع علمی دانشگاهی و منابع شرکت آبفا بود که حدود ۸۰ شایستگی شناسایی شد. در مرحله دوم، شاخص‌های شناسایی شده، مورد ارزیابی مدیران شرکت آبفا قرار گرفت که از طریق روش دلفی، با ۳۳ شاخص شایستگی، مدل شایستگی مدیران شرکت آبفا طراحی شد که شامل شایستگی‌های فردی، مدیریتی و شغلی بود. در مرحله بعد، پرسش‌نامه برای همه مدیران ارسال شد. در این بخش با توجه به انجام گرفتن مرحله اول، با استفاده از روش دلفی و ابزارهای پرسش‌نامه و مصاحبه، اطلاعاتی به‌منظور تدوین مدل شایستگی مدیران شرکت آبفا کاشان جمع‌آوری شد. در این مرحله، گروه دلفی با توجه به شایستگی‌های استخراج شده، پرسش‌نامه را طراحی کرده که نظر مدیران شرکت‌های آبفا کشور برای هر کدام از شاخص‌های شایستگی گرفته شود. پرسش‌نامه طراحی شده برای ۴۷۸ نفر از مدیران ارسال شد. همچنین در این مرحله، روی ۴۰ نفر از مدیران شرکت آبفا که در جایگاه‌های مدیریتی فعلی این شرکت هستند و توسط گروه دلفی انتخاب شدند، مصاحبه انجام شد. جامعه آماری شامل مدیران عالی تا میانی شرکت آبفا به تعداد ۵۰۰ نفر از مدیران بود. همچنین در استفاده از پرسش‌نامه، هر کدام از مدیران بخش‌های مختلف شرکت آبفا کشور که در دسترس بودند، برایشان پرسش‌نامه ارسال شد. در مجموع ۴۷۸ پرسش‌نامه ارسال و حدود ۳۶۳ پرسش‌نامه (نرخ بازگشت ۷۶ درصد) دریافت شد. در مرحله سوم به تفکیک ۴۰ جایگاه مدیریتی در شرکت، شایستگی‌های شناسایی شده برای اولویت‌بندی، مورد نظرخواهی قرار گرفتند که از طریق تکنیک چندمعیاره تاپسیس، اولویت‌بندی به تفکیک جایگاه‌ها انجام شد. در این روش، از مدیران شرکت با توجه به جایگاه خود، نظرخواهی شد. هدف اصلی این مرحله، وزن‌دهی به هر کدام از شاخص‌ها بود (امتیاز ۱ کمترین اهمیت، امتیاز ۵، متوسط و امتیاز ۹ زیاد). با توجه به دسته‌بندی شاخص‌ها به شایستگی‌های فردی، مدیریتی و شغلی، دو دسته اول به‌صورت جداگانه مورد تحلیل قرار گرفتند. جامعه آماری این مرحله همانند مرحله قبل تمام مدیران آب و فاضلاب کشور به تعداد ۵۰۰ نفر بود که پرسش‌نامه برای آن‌ها ارسال و در مجموع ۲۸۹ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. پرسش‌نامه‌ها از روایی محتوایی برخوردار بودند، زیرا روایی آن توسط گروه دلفی به تأیید رسید و همچنین اسناد مختلف شرکت آبفا هم شایستگی‌ها را تأیید کرد. پایایی

پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد. در نهایت، براساس شایستگی‌های شغلی و جدول شرایط احراز شغل و پیشنهاد مدیر عامل و معاونت منابع انسانی شرکت آبفای کاشان، جامعه آماری ۳۷ نفری از مدیران شرکت آبفای کاشان برای طرح جانشین‌پروری انتخاب شدند.

۵. یافته‌ها

سؤال اول: الگوی شایستگی (شاخص‌های انتصاب و انتخاب) مدیران شرکت آبفای کاشان چگونه است؟

در مرحله اول تحقیق، منابع علمی و مستندات شرکت آب و فاضلاب کاشان مطالعه شده و جدولی با ۸۰ شاخص شایستگی تهیه شد. منابع آبفا شامل سند چشم‌انداز شرکت، سند مأموریت و تحلیل محیطی، دستورالعمل‌های ابلاغی، طبقه‌بندی شغلی موجود، شاخص‌های عملکردی، شرح شغل و وظایف هر جایگاه بود.

جدول ۲: شایستگی‌های شناسایی شده در منابع علمی دانشگاهی و منابع و مستندات آبفای کاشان (واعظی و همکاران، ۱۳۹۹؛ دامغانیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ فتحی و جمشیدی، ۱۳۹۶؛ کرمی، ۱۳۹۵؛ لیاکاما، ۲۰۱۵^{۲۸}؛ امامی میبدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ طلوعیان، ۱۳۹۸؛ ژائو^{۲۹} و همکاران، ۲۰۱۱؛ کرافورد و ناهمیاس، ۲۰۱۰^{۳۰})

مقوله	شاخص‌ها
تفکر	مدیریت زمان، مدیریت استرس، مدیریت تعارض، یادگیری مستمر، انعطاف‌پذیری، اخلاق حرفه‌ای و کمال‌جویی، تفکر خلاق، شم تجاری، انگیزش خود و دیگران، مهارت تصمیم‌گیری، مهارت‌های شنیداری مؤثر، تفکر استراتژیک، مهارت حل مسئله، تفکر تحلیلی، مهارت کامپیوتری، تفکر سیستمی، تفکر انتقادی
تفاهم	مدیریت خویشتن، صداقت و درستی، اعتمادبه‌نفس، مسئولیت‌پذیری، صبور، انتقادپذیری، ظاهر آراسته و مناسب، قاطعیت، ایمان و تقوا، امانت‌داری، اخلاق نیکو، تحمل ریسک و تاب‌آوری، توانایی جلب اعتماد، نتیجه‌گرایی، نگرش، علاقه، خوش‌بینی، مشتری‌مداری، بینش مذهبی و روحیه خدمت
تفکر و تفاهم	تعهد کاری، تخصص کاری، آگاهی سازمانی و شغلی، توانایی علمی و دانشی، تجربه، تحصیلات مرتبط، سابقه توفیق در مشاغل قبلی، حسن سابقه، حسن شهرت، حضور برجسته در محافل، پایبند به ارزش سازمان، تشخیص مشکلات سازمان، دستاوردهای علمی و پژوهشی و شایستگی فرهنگی
تفکر و تفاهم	مهارت ارزیابی عملکرد، مدیریت منابع، مهارت رفع تعارض، نظارت، مدیریت بحران، جانشین‌پروری (پرورش و توسعه)، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، شایستگی مدیریت پروژه، مدیریت تغییر، مدیریت افراد، تحلیلگر محیطی، تحول‌گرایی، قدردانی از عملکرد مثبت، اهتمام به شایسته‌سالاری، مشورت با تیم، همکاری و مشارکت، رهبری فردی و گروهی، تیم‌سازی، توانمندسازی افراد، تأثیرگذاری و متقاعدسازی، کار تیمی، مهارت مذاکره، ارتباط مؤثر، شبکه‌سازی، هوش هیجانی بالا

بعد از جمع‌آوری داده‌ها توسط گروه دلفی که شامل ۲ نفر از خبرگان آبفا (شامل مدیر منابع انسانی و مدیر دفتر توسعه مدیریت و تحقیقات شرکت آبفا کاشان) و ۳ نفر از خبرگان دانشگاهی (شامل اساتید رشته مدیریت) بود، مدل اولیه شایستگی مدیران برای شرکت آب و فاضلاب کاشان تدوین گردید. بعد از تدوین مدل، مصاحبه‌ای با ۴۰ مدیر فعلی آب و فاضلاب کاشان انجام شد و تمامی شاخص‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه مرحله اول پژوهش، نظرخواهی از گروه دلفی (۵۰۰ نفر از مدیران شرکت‌های آب و فاضلاب کشور) انجام شد و گروه دلفی بعد از ۲۰ جلسه تحلیل و بررسی روی داده‌ها، مدل شایستگی مدیران آب و فاضلاب کاشان را طراحی نمود.

جدول ۳: شایستگی‌های شناسایی شده با استفاده از روش دلفی

مقوله	فرعی ۱	فرعی ۲
فردی	ارتباطات	هوش هیجانی
	ارزش‌ها و نگرش‌ها	مهارت‌های ارتباطی
	ویژگی‌های شخصیتی	هوش اخلاقی
		ویژگی‌های کارآفرینی (استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، تحمل ابهام، توفیق‌طلبی)، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری، کمال‌گرایی، نتیجه‌گرایی، انتقادپذیری
مدیریتی	مدیریت فردی	مدیریت تغییر، مدیریت زمان، مدیریت استرس، مدیریت تعارض، مدیریت انگیزش، مهارت تفکر، مشتری‌مداری
	اخلاق حرفه‌ای	تعلق و وفاداری سازمانی - تعهد کاری
	مهارت جانشین‌پروری و مدیریت افراد	مربیگری و تهیه مسیر شغلی
	تفکر استراتژیک (راهبردی)	تفکر آینده‌نگر، تفکر هوشمندانه، تفکر مفهومی، تفکر سیستمی
	مهارت‌های مدیریتی	مدیریت نوآوری، مدیریت پروژه، مدیریت بحران، مدیریت دانش و اطلاعات، مهارت برنامه‌ریزی، مهارت سازمان‌دهی، مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری، مهارت کار تیمی، مهارت شبکه‌سازی، هوش مالی، هوش سیاسی، مهارت مذاکره، مهارت تخصیص منابع، مدیریت عملکرد

مدل شامل سه دسته شایستگی‌های فردی، شایستگی‌های مدیریتی و سازمانی و شایستگی‌های شغلی است. با توجه به شرط لازم بودن شایستگی‌های شغلی برای پذیرش مسئولیت، این دسته از شایستگی‌ها در جدول بالا نیامده است، زیرا نیاز به نظرسنجی مدیران نبوده و شاخص‌ها اجباری بوده است.



شکل ۱: مدل شایستگی مدیران آب و فاضلاب کاشان

سؤال دوم: وزن شایستگی های جایگاه های مدیریتی شرکت آبفای کاشان چگونه است؟ از آنجاکه شایستگی های شغلی و فنی شرط الزام آور برای تصدی یک پست مدیریتی است، در این بخش، فقط شایستگی های فردی و شایستگی های رهبری-مدیریتی وزن دهی شده است.



072

جدول ۴: وزن شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی برای پست‌های مدیریتی در شرکت آبفا

سیستم کنترل آب		سیستم کنترل فاضلاب										معاونت منابع انسانی		معاونت برنامه‌ریزی		مدیر بازرگانی		دف حساب		جایگاه‌های مدیریتی	
ASHAN.2023.252499.1072		ASHAN.2023.252499.1072										ASHAN.2023.252499.1072		ASHAN.2023.252499.1072		ASHAN.2023.252499.1072		ASHAN.2023.252499.1072		ASHAN.2023.252499.1072	
شایستگی‌های فردی																					
۰/۰۶۱	۰/۰۶۲	۰/۰۷۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۲۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۶۸	۰/۰۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۵۸	۰/۰۳۷	۰/۰۷۵	۰/۰۲۲	هوش هیجانی						
۰/۰۷۶	۰/۰۹۷	۰/۰۸۸	۰/۰۰۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۳	۰/۰۶۷	۰/۰۶۹	۰/۰۶۴	۰/۰۶۸	۰/۰۴۳	۰/۰۶۶	۰/۰۶۶	۰/۰۷۶	۰/۰۶۹	مهارت‌های ارتباطی						
۰/۰۷۳	۰/۰۸۷	۰/۰۷۵	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹	۰/۰۷۸	۰/۰۶۳	۰/۰۰۷	۰/۰۷۳	۰/۰۷۸	۰/۰۷۸	۰/۰۷۷	۰/۰۴۹	۰/۰۹۲	۰/۰۶۲	هوش اخلاقی						
۰/۰۶۹	۰/۰۶۷	۰/۰۵۹	۰/۰۶۶	۰/۰۷۱	۰/۰۷۵	۰/۰۶۱	۰/۰۶۳	۰/۰۶۵	۰/۰۷۱	۰/۰۸۴	۰/۰۶۶	۰/۰۸۶	۰/۰۸۳	۰/۰۶۷	مهارت‌های کارآفرینی						
۰/۰۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۸۴	۰/۰۶۵	۰/۰۸۶	۰/۰۸۱	۰/۰۷۲	۰/۰۷۸	۰/۰۸۸	۰/۰۸۱	۰/۰۸۷	۰/۰۷۸	۰/۰۷۸	۰/۰۶۶	۰/۰۰۷	مسئولیت‌پذیری						
۰/۰۷۱	۰/۰۸۲	۰/۰۷۷	۰/۰۰۸	۰/۰۸۳	۰/۰۸۲	۰/۰۷۷	۰/۰۸۷	۰/۰۸۲	۰/۰۷۲	۰/۰۷۴	۰/۰۸۶	۰/۰۷۶	۰/۰۷۱	۰/۰۰۹	تاب‌آوری						
۰/۰۷۷	۰/۰۸۹	۰/۰۷۶	۰/۰۷۹	۰/۰۷۵	۰/۰۸۳	۰/۰۷۷	۰/۰۰۸	۰/۰۸۲	۰/۰۸۴	۰/۰۷۵	۰/۰۰۸	۰/۰۶۸	۰/۰۰۷	۰/۰۹۱	انتقادپذیری						
۰/۰۷۸	۰/۰۶۸	۰/۰۷۱	۰/۰۶۷	۰/۰۸۳	۰/۰۷۸	۰/۰۹۲	۰/۰۷۶	۰/۰۷۷	۰/۰۸۱	۰/۱۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۸۲	۰/۰۸۶	نتیجه‌گرایی						
۰/۰۰۹۶	۰/۰۷۳	۰/۰۷۵	۰/۰۸۷	۰/۰۷۹	۰/۰۸۴	۰/۰۹۵	۰/۰۸۹	۰/۰۸۹	۰/۰۸۸	۰/۱۰۹	۰/۰۸۷	۰/۱۰۲	۰/۰۹۲	۰/۰۹۳	مدیریت زمان						
۰/۰۰۸۵	۰/۰۷۳	۰/۰۷۷	۰/۰۸۳	۰/۰۷۹	۰/۰۹۱	۰/۰۷۹	۰/۰۸۵	۰/۰۸۲	۰/۰۰۸	۰/۰۸۴	۰/۰۷۴	۰/۰۹۲	۰/۰۷۵	۰/۰۷۳	مدیریت تغییر						
۰/۰۷۸	۰/۰۷۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۸۴	۰/۰۹۱	۰/۰۸۳	۰/۰۸۵	۰/۰۸۱	۰/۰۷۸	۰/۰۷۶	۰/۰۸۴	۰/۰۷۷	۰/۰۷۲	۰/۰۹۳	مدیریت استرس						
۰/۰۰۸۲	۰/۰۷۵	۰/۰۸۲	۰/۰۸۸	۰/۰۷۶	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۰/۰۰۸	۰/۰۷۳	۰/۰۸۳	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۰/۰۸۶	۰/۰۶۶	۰/۰۹۴	مدیریت تعارض						
۰/۰۰۸۵	۰/۰۷۵	۰/۰۰۸	۰/۰۸۵	۰/۰۸۶	۰/۰۷۴	۰/۰۸۶	۰/۰۸۲	۰/۰۷۶	۰/۰۰۸	۰/۰۹۶	۰/۰۸۴	۰/۰۹۴	۰/۰۷۹	۰/۰۸۹	مهارت تفکر						
شایستگی‌های مدیریتی سازمانی																					
۰/۰۰۰۰	۰/۰۶۷	۰/۰۲۵	۰/۰۴۳	۰/۰۰۳	۰/۰۶۱	۰/۰۳۳	۰/۰۳۶	۰/۰۳۷	۰/۰۵۸	۰/۰۳۳	۰/۰۶۲	۰/۰۳۶	۰/۰۶۷	۰/۰۴۸	مشتری‌مداری						
۰/۰۰۵۸	۰/۰۷۱	۰/۰۵۹	۰/۰۷۶	۰/۰۰۵	۰/۰۶۵	۰/۰۴۵	۰/۰۵۹	۰/۰۵۵	۰/۰۶۸	۰/۰۵۲	۰/۰۶۷	۰/۰۵۶	۰/۰۰۷	۰/۰۷۱	تعلق و وفاداری سازمانی						
۰/۰۵۶	۰/۰۸۴	۰/۰۷۸	۰/۰۷۱	۰/۰۷۱	۰/۰۰۷	۰/۰۵۸	۰/۰۷۵	۰/۰۸۳	۰/۰۷۶	۰/۰۷۲	۰/۰۷۳	۰/۰۶۴	۰/۰۸۱	۰/۰۷۳	تعهد کاری						
۰/۰۰۷	۰/۰۶۷	۰/۰۸۱	۰/۰۷۴	۰/۰۶۲	۰/۰۷۹	۰/۰۶۶	۰/۰۷۲	۰/۰۶۳	۰/۰۶۶	۰/۰۵۳	۰/۰۶۹	۰/۰۵۹	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	جانشین‌پروری و مدیریت افراد						
۰/۰۷۵	۰/۰۶۸	۰/۰۶۷	۰/۰۶۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۷۲	۰/۰۶۶	۰/۰۶۸	۰/۰۶۶	۰/۰۵۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۳	۰/۰۶۶	۰/۰۶۷	مدیریت نوآوری						
۰/۰۷۵	۰/۰۵۳	۰/۰۶۲	۰/۰۶۹	۰/۰۷۴	۰/۰۰۶	۰/۰۸۹	۰/۰۶۶	۰/۰۷۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۶۴	۰/۰۸۴	۰/۰۵۷	۰/۰۰۷	مدیریت پروژه						
۰/۰۷۷	۰/۰۰۷	۰/۰۸۲	۰/۰۶۷	۰/۰۷۷	۰/۰۶۸	۰/۰۷۹	۰/۰۷۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۹۱	۰/۰۷۴	۰/۰۸۴	۰/۰۰۶	۰/۰۷۷	مهارت برنامه‌ریزی						
۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۸۲	۰/۰۷۷	۰/۰۷۸	۰/۰۷۴	۰/۰۷۲	۰/۰۷۶	۰/۰۷۶	۰/۰۷۳	۰/۰۷۳	۰/۰۷۴	۰/۰۷۳	۰/۰۷۲	۰/۰۶۸	مهارت سازمان‌دهی						
۰/۰۷۹	۰/۰۷۱	۰/۰۸۲	۰/۰۷۴	۰/۰۸۱	۰/۰۷۲	۰/۰۸۲	۰/۰۷۸	۰/۰۷۸	۰/۰۷۱	۰/۰۸۲	۰/۰۷۳	۰/۰۰۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۳	مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری						
۰/۰۸۷	۰/۰۷۷	۰/۰۷۹	۰/۰۷۷	۰/۰۷۸	۰/۰۷۴	۰/۰۸۴	۰/۰۸۲	۰/۰۸۵	۰/۰۷۶	۰/۰۸۲	۰/۰۷۵	۰/۰۷۴	۰/۰۶۹	۰/۰۸۳	مهارت کار تیمی						
۰/۰۰۸۳	۰/۰۷۲	۰/۰۷۹	۰/۰۷۳	۰/۰۰۸	۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	۰/۰۷۸	۰/۰۷۱	۰/۰۷۵	۰/۰۷۳	۰/۰۷۴	۰/۰۷۵	۰/۰۷۹	۰/۰۶۷	مهارت شبکه‌سازی						
۰/۰۰۹۱	۰/۰۷۳	۰/۰۷۸	۰/۰۷۸	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۰/۰۸۱	۰/۰۷۸	۰/۰۰۸	۰/۰۷۸	۰/۰۸۳	۰/۰۷۵	۰/۰۷۶	۰/۰۸۳	۰/۰۷۸	مهارت مذاکره						
۰/۰۰۸۵	۰/۰۷۳	۰/۰۷۸	۰/۰۷۵	۰/۰۸۴	۰/۰۷۹	۰/۰۸۵	۰/۰۷۶	۰/۰۷۳	۰/۰۷۶	۰/۰۹۱	۰/۰۷۳	۰/۰۸۴	۰/۰۷۸	۰/۰۷۸	مهارت تخصیص منابع						
۰/۰۰۸۳	۰/۰۸۴	۰/۰۷۹	۰/۰۷۸	۰/۰۸۲	۰/۰۷۴	۰/۰۸۴	۰/۰۸۱	۰/۰۷۸	۰/۰۷۶	۰/۰۷۷	۰/۰۷۷	۰/۰۸۴	۰/۰۷۶	۰/۰۷۳	مدیریت عملکرد						



طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در صنعت آب و فاضلاب... حمید رحیمی و زهرا صادقی

ادامه جدول ۴: وزن شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی - سازمانی برای پست‌های مدیریتی در شرکت آبفا

شایستگی	حراست	مدیر پشتیبانی	دفتر مطالعات فاضلاب	دفتر مطالعات آب	دفتر تشکیلات	مدیر ابزار	دفتر تحقیقات	دفتر خدمات الکترونیک	دفتر خدمات مشترکین	دفتر پیاده‌سازی و اجرای تعرفه	دفتر نظارت بر درآمد	دفتر برنامه‌ریزی و بودجه
شایستگی‌های فردی												
هوش هیجانی	۰/۰۶۶	۰/۰۵۸	۰/۰۴۹	۰/۰۴۴	۰/۰۶	۰/۰۷۹	۰/۰۵۸	۰/۰۴۲	۰/۰۸۶	۰/۰۳۹	۰/۰۴۹	۰/۰۵۵
مهارت‌های ارتباطی	۰/۰۷۶	۰/۰۸۴	۰/۰۹۴	۰/۰۶۱	۰/۰۷۶	۰/۰۷۹	۰/۰۷۲	۰/۰۷۳	۰/۰۸۶	۰/۰۴۸	۰/۰۸	۰/۰۸۳
هوش اخلاقی	۰/۰۷۵	۰/۰۶۹	۰/۰۶۷	۰/۰۶۴	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۰/۰۷۲	۰/۰۶۵	۰/۰۸۸	۰/۰۱۰۷	۰/۰۷۵	۰/۰۵۸
مهارت‌های کارآفرینی	۰/۰۶۷	۰/۰۵۹	۰/۰۶۵	۰/۰۷۶	۰/۰۶۸	۰/۰۵	۰/۰۶۹	۰/۰۵۸	۰/۰۶۲	۰/۰۶۱	۰/۰۷	۰/۰۶۷
مسئولیت‌پذیری	۰/۰۶۳	۰/۰۸۳	۰/۰۵۸	۰/۰۷۳	۰	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۰/۰۸۶	۰/۰۸۴	۰/۰۹
تاب‌آوری	۰/۰۷۵	۰/۰۶۸	۰/۰۷۵	۰/۰۸	۰/۰۷۸	۰/۰۷۹	۰/۰۷۸	۰/۰۸۲	۰/۰۸۶	۰/۰۷۲	۰/۰۷۲	۰/۰۸۶
انتقادپذیری	۰/۰۷۴	۰/۰۷۵	۰/۰۶۹	۰/۰۷	۰/۰۷۵	۰/۰۷۹	۰/۰۷۸	۰/۰۷۸	۰/۰۶۶	۰/۰۷۳	۰/۰۸۴	۰/۰۷۳
نتیجه‌گرایی	۰/۰۸	۰/۰۸۸	۰/۰۸۸	۰/۰۹۱	۰/۰۷۶	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۰۷۸	۰/۰۷۱	۰/۰۸۷	۰/۰۸۶	۰/۰۷۹
مدیریت زمان	۰/۰۸۴	۰/۰۸۹	۰/۰۸۹	۰/۰۸۷	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۰۸۵	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۰/۰۹	۰/۰۷۸	۰/۰۸۷
مدیریت تغییر	۰/۰۸	۰/۰۸۳	۰/۰۷۲	۰/۰۹۲	۰/۰۸۴	۰/۰۷۹	۰/۰۸۳	۰/۰۸۶	۰/۰۷۹	۰/۰۸۶	۰/۰۸۴	۰/۰۸۳
مدیریت استرس	۰/۰۸۵	۰/۰۹	۰/۰۸۵	۰/۰۸۶	۰/۰۸	۰/۰۷۹	۰/۰۷۷	۰/۰۸۹	۰/۰۶۷	۰/۰۷۸	۰/۰۷۷	۰/۰۸۴
مدیریت تعارض	۰/۰۹۱	۰/۰۸	۰/۰۸۲	۰/۰۸۲	۰/۰۷۸	۰/۰۷۹	۰/۰۸۲	۰/۰۸۲	۰/۰۸۱	۰/۰۷۶	۰/۰۸۷	۰/۰۶۷
مهارت تفکر	۰/۰۸۴	۰/۰۷۹	۰/۰۱۰۷	۰/۰۹۳	۰/۰۸۵	۰/۰۷۹	۰/۰۸۸	۰/۰۹۸	۰/۰۷۹	۰/۰۹۷	۰/۰۷۳	۰/۰۸۴
شایستگی‌های مدیریتی سازمانی												
مشتری‌مداری	۰/۰۵۶	۰/۰۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۰/۰۵۳	۰/۰۷۸	۰/۰۳۴	۰/۰۵۹	۰/۰۸	۰/۰۵۲	۰/۰۶۲	۰/۰۲۸
تعلق و وفاداری سازمانی	۰/۰۸۳	۰/۰۷۲	۰/۰۶	۰/۰۶۲	۰/۰۵۷	۰/۰۴	۰/۰۶۵	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۶۴	۰/۰۶۷	۰/۰۷۴
تعهد کاری	۰/۰۸۴	۰/۰۸۸	۰/۰۶۶	۰/۰۷۴	۰/۰۷۶	۰/۰۷۸	۰/۰۷۳	۰/۰۸	۰/۰۷۴	۰/۰۸۵	۰/۰۷۳	۰/۰۷۹
جانشین‌پروری و مدیریت افراد	۰/۰۶۱	۰/۰۵۷	۰/۰۸۳	۰/۰۶۹	۰/۰۷۶	۰/۰۶۸	۰/۰۷	۰/۰۶۱	۰/۰۷۲	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹
مدیریت نوآوری	۰/۰۷۵	۰/۰۵۹	۰/۰۸۴	۰/۰۸۳	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	۰/۰۶	۰/۰۵۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۴
مدیریت پروژه	۰/۰۶۳	۰/۰۶۱	۰/۰۷۲	۰/۰۷۳	۰/۰۶۳	۰/۰۷۱	۰/۰۶۸	۰/۰۷۷	۰/۰۵۵	۰/۰۷	۰/۰۶۴	۰/۰۶۸
مهارت برنامه‌ریزی	۰/۰۷۵	۰/۰۶۷	۰/۰۷	۰/۰۷۳	۰/۰۷۶	۰/۰۷۲	۰/۰۷۷	۰/۰۷۱	۰/۰۷	۰/۰۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۸۱
مهارت سازمان‌دهی	۰/۰۶۶	۰/۰۷۱	۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	۰/۰۷۸	۰/۰۷۲	۰/۰۷۵	۰/۰۶۹	۰/۰۷۴	۰/۰۷۳	۰/۰۷۴	۰/۰۷۱
مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری	۰/۰۶۸	۰/۰۷۳	۰/۰۸۱	۰/۰۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۷۸	۰/۰۷۷	۰/۰۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۸۵	۰/۰۷۳	۰/۰۷۴
مهارت کار تیمی	۰/۰۷۱	۰/۰۸۳	۰/۰۸۶	۰/۰۷۱	۰/۰۷۵	۰/۰۷۸	۰/۰۸۱	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷۷	۰/۰۷۵	۰/۰۷۹
مهارت شبکه‌سازی	۰/۰۷۴	۰/۰۷	۰/۰۸۱	۰/۰۷۳	۰/۰۶۹	۰/۰۷۳	۰/۰۷۶	۰/۰۷۵	۰/۰۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۷۳
مهارت مذاکره	۰/۰۷۳	۰/۰۷۵	۰/۰۸	۰/۰۸۱	۰/۰۷۷	۰/۰۷۳	۰/۰۷۷	۰/۰۷۲	۰/۰۶۹	۰/۰۷۷	۰/۰۷۵	۰/۰۷۳
مهارت تخصیص منابع	۰/۰۷	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۷۵	۰/۰۷۷	۰/۰۶۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۳	۰/۰۸
مدیریت عملکرد	۰/۰۸۱	۰/۰۷	۰/۰۸۵	۰/۰۷۳	۰/۰۸۱	۰/۰۷۴	۰/۰۷۹	۰/۰۶۷	۰/۰۷۳	۰/۰۷۳	۰/۰۷۷	۰/۰۷۶



ادامه جدول ۴: وزن شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی برای پست‌های مدیریتی در شرکت آبفا

معاونت مشترکین 2052/KASHAN.2023.252499	دفتر آب بدون درآمد	قائم مقام	مرکز پایش	مدیر رفاه	مدیر امور مالی	دفتر هیئت مدیره	دفتر بهره‌برداری و جمع‌آوری فاضلاب	دفتر بهره‌برداری و تصفیه‌خانه فاضلاب	دفتر بهره‌برداری و انتقال آب	مدیر دفتر سر مایه گلکاری	امور حقوقی	شایستگی
شایستگی‌های فردی												
۰/۰۵۱	۰/۰۵۷	۰/۰۷۴	۰/۰۵۳	۰/۰۶	۰/۰۴۳	۰/۰۵۸	۰/۰۴۵	۰/۰۴۶	۰/۰۴۲	۰/۰۴۹	۰/۰۶۲	هوش هیجانی
۰/۰۸۱	۰/۰۷۷	۰/۰۷۹	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۷۸	۰/۰۸۹	۰/۰۵۳	۰/۰۵۶	۰/۰۷۲	۰/۰۹۳	۰/۰۸۴	مهارت‌های ارتباطی
۰/۰۷۵	۰/۰۷۸	۰/۰۸۴	۰/۰۷۷	۰/۰۸۳	۰/۰۸	۰/۰۸۹	۰/۰۶۲	۰/۰۶۷	۰/۰۸۳	۰/۰۷۲	۰/۰۷۵	هوش اخلاقی
۰/۰۷۶	۰/۰۶۹	۰/۰۶۵	۰/۰۷۲	۰/۰۶۳	۰/۰۷۷	۰/۰۶۳	۰/۰۶۶	۰/۰۷۳	۰/۰۶۶	۰/۰۹۳	۰/۰۸۸	مهارت‌های کارآفرینی
۰/۰۷۷	۰/۰۷۷	۰/۰۷۸	۰/۰۸۴	۰/۰۹۴	۰/۰۸۲	۰/۰۸۹	۰/۰۹۱	۰/۰۷۵	۰/۰۷۳	۰/۰۷۹	۰/۰۸۷	مسئولیت‌پذیری
۰/۰۹۷	۰/۰۷۲	۰/۰۷۹	۰/۰۸۱	۰/۰۷۳	۰/۰۸۳	۰/۰۷۹	۰/۰۹۲	۰/۰۷۸	۰/۰۸۵	۰/۰۶۷	۰/۰۸۶	تاب‌آوری
۰/۰۸۱	۰/۰۸۵	۰/۰۷۲	۰/۰۸	۰/۰۸۴	۰/۰۸۳	۰/۰۷۶	۰/۰۸۱	۰/۰۷۸	۰/۰۷۵	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	انتقادپذیری
۰/۰۸	۰/۰۸۱	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷۶	۰/۰۸	۰/۰۶۶	۰/۰۷۴	۰/۰۷	۰/۰۸۷	۰/۰۷۴	۰/۰۷۳	نتیجه‌گرایی
۰/۰۷۴	۰/۰۸۲	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۸۸	۰/۰۷۹	۰/۰۹۸	۰/۱۱	۰/۰۸۸	۰/۰۸۲	۰/۰۷۳	مدیریت زمان
۰/۰۷۹	۰/۰۷۵	۰/۰۷۶	۰/۰۸	۰/۰۶۹	۰/۰۷۸	۰/۰۷۲	۰/۰۸۵	۰/۰۸۴	۰/۰۷	۰/۰۷۹	۰/۰۸۵	مدیریت تغییر
۰/۰۷۴	۰/۰۷۸	۰/۰۸	۰/۰۸۵	۰/۰۸۸	۰/۰۷۹	۰/۰۸	۰/۰۸۲	۰/۰۸۶	۰/۰۷۸	۰/۰۷۳	۰/۰۷۶	مدیریت استرس
۰/۰۷۸	۰/۰۸۲	۰/۰۸۳	۰/۰۸	۰/۰۷۳	۰/۰۷۳	۰/۰۷۸	۰/۰۸۴	۰/۰۹	۰/۰۹۶	۰/۰۸	۰/۰۶۹	مدیریت تعارض
۰/۰۷۷	۰/۰۸۹	۰/۰۸	۰/۰۸۵	۰/۰۸۷	۰/۰۷۹	۰/۰۸۳	۰/۰۸۶	۰/۰۸۷	۰/۰۸۵	۰/۰۸۶	۰/۰۶۹	مهارت تفکر
شایستگی‌های مدیریتی												
۰/۰۸۸	۰/۰۴۸	۰/۰۸۲	۰/۰۵۵	۰/۰۱۷	۰/۰۵۷	۰/۰۶۹	۰/۰۶۲	۰/۰۸۸	۰/۰۲۳	۰/۰۵۶	۰/۰۶۴	مشتری‌مداری
۰/۰۶۱	۰/۰۶۷	۰/۰۷۱	۰/۰۶۹	۰/۰۸۹	۰/۰۶۷	۰/۰۸۲	۰/۰۶۷	۰/۰۹۳	۰/۰۶۳	۰/۰۶۳	۰/۰۷۳	تعلق و وفاداری سازمانی
۰/۰۷	۰/۰۶۶	۰/۰۷۵	۰/۰۷۲	۰/۰۷۶	۰/۰۸۱	۰/۰۷۷	۰/۰۷۸	۰/۰۹۳	۰/۰۶۶	۰/۰۶۸	۰/۰۷۵	تعهد کاری
۰/۰۶۱	۰/۰۷۵	۰/۰۶۹	۰/۰۶۷	۰/۰۷۳	۰/۰۶۵	۰/۰۶۶	۰/۰۶۷	۰/۰۶	۰/۰۶۴	۰/۰۵۳	۰/۰۷۲	جانشین‌پروری و مدیریت افراد
۰/۰۶۸	۰/۰۷۱	۰/۰۶۶	۰/۰۶۶	۰/۰۶۱	۰/۰۶۸	۰/۰۶۵	۰/۰۶۷	۰/۰۶۶	۰/۰۶۳	۰/۰۷۹	۰/۰۶۳	مدیریت نوآوری
۰/۰۵۸	۰/۰۷۴	۰/۰۶۴	۰/۰۷	۰/۰۵۷	۰/۰۶۷	۰/۰۶	۰/۰۶۹	۰/۰۶۸	۰/۰۸۲	۰/۰۷۲	۰/۰۶۵	مدیریت پروژه
۰/۰۷۷	۰/۰۷۶	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۷۷	۰/۰۷۲	۰/۰۸۲	۰/۰۷۳	۰/۰۷۶	۰/۰۸۳	۰/۰۷۹	۰/۰۷۲	مهارت برنامه‌ریزی
۰/۰۶۸	۰/۰۷۳	۰/۰۷۵	۰/۰۷۵	۰/۰۷۸	۰/۰۷۳	۰/۰۷	۰/۰۷۴	۰/۰۷	۰/۰۷۲	۰/۰۶۹	۰/۰۷۴	مهارت سازمان‌دهی
۰/۰۷۱	۰/۰۷۸	۰/۰۷۳	۰/۰۷۳	۰/۰۷۳	۰/۰۸۱	۰/۰۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۷۲	۰/۰۸	۰/۰۷۶	۰/۰۷۵	مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری
۰/۰۸۲	۰/۰۷۷	۰/۰۷۴	۰/۰۷۷	۰/۰۷۹	۰/۰۸۱	۰/۰۷۱	۰/۰۷۲	۰/۰۷۸	۰/۰۸۳	۰/۰۷۶	۰/۰۷۵	مهارت کار تیمی
۰/۰۷۲	۰/۰۷۳	۰/۰۷۴	۰/۰۷۳	۰/۰۷۴	۰/۰۷۳	۰/۰۶۹	۰/۰۷۵	۰/۰۷۹	۰/۰۸	۰/۰۷۱	۰/۰۷	مهارت شبکه‌سازی
۰/۰۷۹	۰/۰۷۲	۰/۰۶۵	۰/۰۷۶	۰/۰۸۹	۰/۰۶۸	۰/۰۷۴	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹	۰/۰۸۸	۰/۰۸۳	۰/۰۷۹	مهارت مذاکره
۰/۰۶۸	۰/۰۷۴	۰/۰۷۲	۰/۰۷۵	۰/۰۸۳	۰/۰۷۲	۰/۰۶۸	۰/۰۷۸	۰/۰۷۴	۰/۰۷۵	۰/۰۷۹	۰/۰۷۱	مهارت تخصیص منابع
۰/۰۷۸	۰/۰۷۵	۰/۰۶۵	۰/۰۷۸	۰/۰۷۶	۰/۰۷۷	۰/۰۷۵	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۷۷	۰/۰۷۷	۰/۰۷۳	مدیریت عملکرد

پس از استخراج مدل شایستگی مدیران شرکت آبفا و تعیین وزن هریک از شایستگی‌ها به تفکیک جایگاه‌های مدیریتی، ابزارهای لازم برای سنجش این شایستگی‌ها توسط تیم پژوهش و کانون ارزیابی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اصفهان تهیه شد. پس از آن، با مشورت مدیرعامل محترم شرکت و معاون محترم منابع انسانی و تحقیقات شرکت، ۳۷ نفر از کارکنان و مدیران شرکت آب و فاضلاب کاشان طی چهار جلسه مجزا، به کانون ارزیابی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اصفهان معرفی شده و مجموع شایستگی‌های آن‌ها سنجش شد. برای سنجش این شایستگی‌ها از ابزارهای شامل ایفای نقش، آزمون موردکاوی، تمرین‌های نوشتاری، ارزیابی ۳۶۰ درجه، ارائه شفاهی، آزمون‌های روان‌شناختی و مصاحبه استفاده شد.

جدول ۵: وزن شایستگی‌های جایگاه‌های مدیریتی شرکت آبفا کاشان

جایگاه	شایستگی	بیشترین وزن	کمترین وزن
مدیر عامل	فردی	تاب‌آوری	مهارت‌های کارآفرینی
	مدیریتی	مهارت مذاکره	مشتری‌مداری
ذی‌حساب	فردی	مدیریت تعارض	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت کار تیمی	مشتری‌مداری
مدیر بازرگانی	فردی	هوش اخلاقی، مدیریت زمان	مسئولیت‌پذیری، مدیریت تعارض
	مدیریتی	مهارت مذاکره	مهارت برنامه‌ریزی
معاونت برنامه‌ریزی	فردی	مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	مدیریت پروژه، مهارت برنامه‌ریزی، مهارت تخصیص منابع، مدیریت عملکرد	مشتری‌مداری
مدیر ارتباط با مشتری	فردی	تاب‌آوری	هوش هیجانی
	مدیریتی	مدیریت عملکرد	مشتری‌مداری
مدیر کنترل طرح	فردی	نتیجه‌گرایی، مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت برنامه‌ریزی	مشتری‌مداری
مدیران تابعه	فردی	مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت مذاکره	مشتری‌مداری
مدیریت بهره‌برداری فاضلاب	فردی	مدیریت زمان	مهارت‌های ارتباطی
	مدیریتی	مهارت کار تیمی	مشتری‌مداری
مدیریت بحران	فردی	مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت کار تیمی	مشتری‌مداری
مدیریت بهره‌برداری آب	فردی	مدیریت زمان	مهارت‌های کارآفرینی
	مدیریتی	مهارت تخصیص منابع	مشتری‌مداری

جایگاه	شایستگی	بیشترین وزن	کمترین وزن
معاونت مالی	فردی	مدیریت تغییر، مدیریت استرس	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت مذاکره، مهارت تخصیص منابع	مدیریت پروژه
دفتر توسعه پایدار	فردی	مسئولیت‌پذیری، مهارت تفکر	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت مذاکره	مشتری‌مداری
سیستم کنترل فاضلاب	فردی	مدیریت تعارض	مسئولیت‌پذیری
	مدیریتی	مهارت مذاکره، مدیریت عملکرد	مشتری‌مداری
مدیریت منابع انسانی	فردی	مهارت‌های ارتباطی	مهارت‌های کارآفرینی
	مدیریتی	مهارت برنامه‌ریزی، مهارت سازمان‌دهی، مهارت حل مسئله	مشتری‌مداری
روابط عمومی	فردی	مهارت‌های ارتباطی	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعهد کاری، مدیریت عملکرد	مدیریت پروژه
سیستم کنترل آب	فردی	مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت مذاکره	مشتری‌مداری
حراست	فردی	مدیریت تعارض	مسئولیت‌پذیری
	مدیریتی	تعهد کاری	مشتری‌مداری
مدیر پشتیبانی	فردی	مدیریت استرس	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعهد کاری	جانشین‌پروری و مدیریت افراد
دفتر مطالعات فاضلاب	فردی	مهارت تفکر	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت کار تیمی	مشتری‌مداری
دفتر مطالعات آب	فردی	مهارت تفکر	هوش هیجانی
	مدیریتی	مدیریت نوآوری	مشتری‌مداری
دفتر تشکیلات	فردی	مهارت تفکر، هوش اخلاقی	هوش هیجانی
	مدیریتی	مدیریت عملکرد	مشتری‌مداری
مدیر انبار	فردی	همه وزن یکسان دارند.	مهارت کارآفرینی
	مدیریتی	مشتری‌مداری، تعهد کاری، حل مسئله، مهارت کار تیمی	تعلق و وفاداری سازمانی
دفتر تحقیقات	فردی	مهارت تفکر	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت کار تیمی	مشتری‌مداری
دفتر خدمات الکترونیک	فردی	مهارت تفکر	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعلق سازمانی، تعهد کاری	مشتری‌مداری
دفتر خدمات مشترکین	فردی	هوش هیجانی، مهارت ارتباطی، تاب‌آوری	مهارت‌های کارآفرینی
	مدیریتی	مشتری‌مداری، تعلق سازمانی، مهارت کار تیمی	مدیریت پروژه

جایگاه	شایستگی	بیشترین وزن	کمترین وزن
دفتر پیاده‌سازی و اجرای تعرفه	فردی	هوش اخلاقی	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعهد کاری، مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری	مشتری‌مداری
دفتر نظارت بر درآمد	فردی	مدیریت تعارض	هوش هیجانی
	مدیریتی	مدیریت عملکرد	مشتری‌مداری
دفتر برنامه‌ریزی و بودجه	فردی	مسئولیت‌پذیری	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت برنامه‌ریزی	مشتری‌مداری
امور حقوقی	فردی	مهارت کارآفرینی	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت مذاکره	مدیریت نوآوری
مدیر دفتر سرمایه‌گذاری	فردی	مهارت کارآفرینی، مهارت ارتباطی	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت مذاکره	جانشین‌پروری و مدیریت افراد
دفتر بهره‌برداری و انتقال آب	فردی	مدیریت تعارض	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت مذاکره	مشتری‌مداری
دفتر بهره‌برداری و تصفیه‌خانه فاضلاب	فردی	مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعلق سازمانی، تعهد کاری	مشتری‌مداری
دفتر بهره‌برداری و جمع‌آوری فاضلاب	فردی	مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعهد کاری، مهارت تخصیص منابع	مشتری‌مداری
دفتر هیئت‌مدیره	فردی	مهارت کارآفرینی، مهارت ارتباطی، مسئولیت‌پذیری	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعلق سازمانی، مهارت برنامه‌ریزی	مدیریت پروژه
مدیر امور مالی	فردی	مدیریت زمان	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعهد کاری، مهارت حل مسئله، مهارت کار تیمی	مشتری‌مداری
مدیر رفاه	فردی	مسئولیت‌پذیری	هوش هیجانی
	مدیریتی	تعلق سازمانی، مهارت مذاکره	مشتری‌مداری
مرکز پایش	فردی	مدیریت استرس، مهارت تفکر	هوش هیجانی
	مدیریتی	مدیریت عملکرد	مشتری‌مداری
قائم‌مقام	فردی	هوش اخلاقی	مهارت کارآفرینی
	مدیریتی	مشتری‌مداری	مدیریت پروژه
دفتر آب بدون درآمد	فردی	مهارت تفکر	هوش هیجانی
	مدیریتی	مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری	مشتری‌مداری
معاونت مشترکین	فردی	تاب‌آوری	هوش هیجانی
	مدیریتی	مشتری‌مداری	مدیریت پروژه



نتایج گویای این است که در زمینه شایستگی فردی، متغیر هوش هیجانی و در زمینه شایستگی‌های مدیریتی، متغیر مشتری‌مداری و مدیریت پروژه، در اکثر جایگاه‌ها دارای کمترین وزن بودند. در زمینه شایستگی فردی، متغیرهای مدیریت زمان، مهارت تفکر، مهارت‌های ارتباطی و مسئولیت‌پذیری و در زمینه شایستگی‌های مدیریتی، متغیر مهارت برنامه‌ریزی، تعلق سازمانی، تعهد کاری، مهارت حل مسئله و مهارت کار تیمی، در اکثر جایگاه‌ها دارای بیشترین وزن بودند.

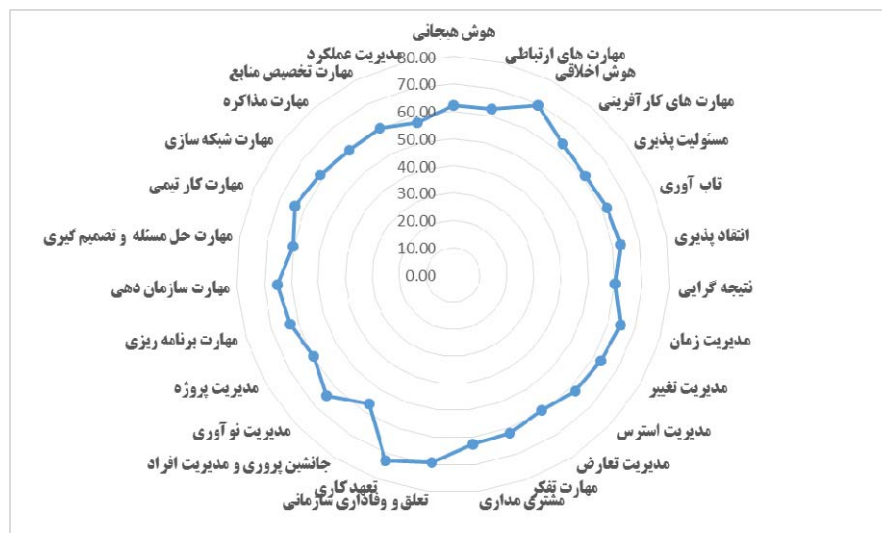
سؤال سوم: وضعیت کلی شرکت آبفای کاشان براساس شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های

مدیریتی-سازمانی چگونه است؟

جدول ۶: وضعیت کلی شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی در شرکت آبفای کاشان

شایستگی فردی	امتیاز شایستگی	شایستگی مدیریتی سازمانی	امتیاز شایستگی
هوش هیجانی	۶۲/۰۷	مشتری‌مداری	۶۲/۴۳
مهارت‌های ارتباطی	۶۲/۳۸	تعلق و وفاداری سازمانی	۶۹/۳۲
هوش اخلاقی	۶۹/۷۳	تعهد کاری	۷۲/۷۰
مهارت‌های کارآفرینی	۶۲/۸۴	جانشین‌پروری و مدیریت افراد	۵۶/۵۵
مسئولیت‌پذیری	۶۰/۷۴	مدیریت نوآوری	۶۴/۴۶
تاب‌آوری	۶۱/۹۴	مدیریت پروژه	۵۹/۶۶
انتقادپذیری	۶۳/۰۶	مهارت برنامه‌ریزی	۶۲/۸۴
نتیجه‌گرایی	۶۰/۰۷	مهارت سازمان‌دهی	۶۵/۰۰
مدیریت زمان	۶۴/۷۳	مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری	۶۰/۲۰
مدیریت تغییر	۶۳/۱۱	مهارت کار تیمی	۶۳/۹۳
مدیریت استرس	۶۱/۹۸	مهارت شبکه‌سازی	۶۱/۴۲
مدیریت تعارض	۵۹/۵۹	مهارت مذاکره	۵۹/۷۳
مهارت تفکر	۶۱/۶۹	مهارت تخصیص منابع	۶۰/۰۹
		مدیریت عملکرد	۵۷/۲۳
میانگین شایستگی‌های فردی	۶۲/۶۱	میانگین شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی	۶۲/۵۴

طبق جدول ۶، شرکت آبفای کاشان در شایستگی‌های تعلق و وفاداری سازمانی، هوش اخلاقی و تعهد کاری بیشترین امتیاز و در شایستگی جانشین‌پروری و مدیریت افراد، مدیریت عملکرد و مدیریت پروژه کمترین امتیاز را دارد. همچنین میانگین شایستگی‌های فردی مدیران منتخب شرکت آبفای کاشان ۶۲/۶۱ و میانگین شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی آن‌ها ۶۲/۵۴ است.



شکل ۲: نمودار رادار وضعیت کلی شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی-سازمانی در شرکت آبفای کاشان

۶. بحث و نتیجه‌گیری

اولین گام برای استقرار نظام جانشین‌پروری در هر سازمان، شناسایی شایستگی‌های ضروری هر جایگاه مدیریتی و وزن هر شایستگی در هر جایگاه است. به این منظور، مدل نهایی شایستگی برای انتخاب و انتصاب مدیران در شرکت آبفای کاشان براساس سند چشم‌انداز و مأموریت شرکت و تحلیل محیطی، دستورالعمل‌های ابلاغی، طبقه‌بندی شغلی موجود، شاخص‌های عملکردی، شرح شغل و وظایف هر جایگاه و مرور ادبیات تحقیق موجود در حوزه شایستگی‌های مدیریتی استخراج شد که در سه دسته شایستگی‌های فردی، شغلی و مدیریتی قرار گرفت. در این تحقیق سعی شد که به تمام شایستگی‌های مدیران پرداخته شود و مناسب‌ترین شایستگی‌ها برای جایگاه مدیریت با توجه به نظر متخصصان استخراج شود. شایستگی‌های شناسایی شده با استفاده از روش دلفی در دو سطح شایستگی کلی فردی و مدیریتی ارائه شد. شایستگی‌های فردی شامل هوش هیجانی، مهارت‌های ارتباطی، هوش اخلاقی، مهارت‌های کارآفرینی، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری، کمال‌گرایی، نتیجه‌گرایی، انتقادپذیری، مدیریت تغییر، مدیریت زمان، مدیریت استرس، مدیریت تعارض، مدیریت انگیزش، مهارت تفکر و مشتری‌مداری بود. شایستگی‌های مدیریتی شامل تعلق و وفاداری سازمانی، تعهد کاری، مربیگری، توانمندسازی افراد، تهیه مسیر شغلی، تفکر راهبردی، مدیریت نوآوری، مدیریت پروژه، مدیریت بحران، مدیریت دانش و اطلاعات، مهارت برنامه ریزی،



مهارت سازمان‌دهی، مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری، مهارت کار تیمی، مهارت شبکه‌سازی، هوش مالی، هوش سیاسی، مهارت مذاکره، مهارت تخصیص منابع و مدیریت عملکرد بود. همچنین همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، پورتر^{۳۱} (۲۰۰۵) به مهارت‌های فنی، اداری، ارتباطی، ادراکی و رهبری، راجا و ایشا^{۳۲} (۲۰۱۲) به شایستگی‌های شغلی، رفتاری و سازمانی، طلوعیان (۱۳۹۸) به مهارت‌های مدیریتی، توانایی‌های شخصی، ویژگی‌های فردی، عوامل سازمانی، فتیحی و جمشیدی (۱۳۹۶) به رهبری، مدیریت پروژه، مدیریت تیم، هوش اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی، شایستگی عمومی، حل مسئله، مهارت فنی، مهارت سازمانی و مدیریت مشتری، افضل‌آبادی و همکاران (۱۳۸۹) به شایستگی‌های محوری، رهبری و شغلی، و نوری و همکاران (۱۳۹۴) به شایستگی‌های انتقادی، تعاملی، اجتماعی، نوآوری و خلاقیت، دانشی و رفتار خطرپذیر و درونی اشاره کرده‌اند.

نتایج گویای آن است که درزمینه شایستگی فردی، متغیر هوش هیجانی و درزمینه شایستگی‌های مدیریتی، متغیر مشتری‌مداری و مدیریت پروژه در اکثر جایگاه‌ها دارای کمترین وزن بودند. درزمینه شایستگی فردی، متغیرهای مدیریت زمان، مهارت تفکر، مهارت‌های ارتباطی و مسئولیت‌پذیری و درزمینه شایستگی‌های مدیریتی، متغیر مهارت برنامه‌ریزی، تعلق سازمانی، تعهد کاری، مهارت حل مسئله و مهارت کار تیمی، در اکثر جایگاه‌ها دارای بیشترین وزن بودند. در همین راستا گیرسون^{۳۳} (۲۰۱۰) در ارزیابی شایستگی‌های مدیریتی در سازمان‌های خدماتی، دهقانی سلطانی و همکاران (۱۳۹۴) در ارزیابی ابعاد شایستگی‌ها در سازمان‌های دولتی، پادمتینا و همکاران (۲۰۱۸) در ارزیابی شایستگی‌های مدیریتی در سازمان‌های خدماتی، و دبراه^{۳۴} (۲۰۲۱) در ارزیابی شایستگی‌های مدیریتی در سازمان‌های بازرگانی به نتایج مشابه با تحقیق حاضر دست یافتند. قابل تبیین است که مهارت‌های ارتباطی از مهم‌ترین مهارت‌های مدیریتی است؛ زیرا نقش مدیریت برنامه‌ریزی و هدایت را به همراه دارد و دنیای امروز، دنیای ارتباطات است و ارتباطات، از عناصر اساسی و مهارت‌های اصلی در اداره یک سازمان به شمار می‌رود. همچنین مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری نیز از جمله مهم‌ترین مهارت‌هایی است که لازم است مدیران از آن بهره‌مند باشند؛ زیرا مدیران معمولاً مسئول حل تعارضات بین کارمندان و آرام کردن مشکلات بین فردی هستند. اغلب لازم است راه‌حلی خلاقانه برای حل مسائل پیچیده بین‌فردی بیابند تا با حفظ محدودیت‌های شرکت در ابعاد مختلف، رضایت کارمندان نیز افزایش یابد. پس مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری برای انتخاب بهترین سیاست‌ها، روش‌ها و افراد ضرورت دارد. به‌علاوه، مهارت سازمان‌دهی برای



طراحی نظام مدیریت جانشین‌پروری در صنعت آب و فاضلاب... حمید رحیمی و زهرا صادقی

10.22052/KASHAN.2023.252499.1072

نظارت بر عملکرد کارشناسان و فرایندهای بخش منابع انسانی و هماهنگی آن‌هاست؛ همچنین شامل فعالیت‌هایی برای طراحی ساختار سازمانی، تعیین مسئولیت افراد و شرح وظایف آن‌ها، طبقه‌بندی مشاغل، واگذاری اختیارات و... است.

افزون بر این طبق نتایج، وضعیت کلی شرکت آبفای کاشان براساس شایستگی‌های فردی و شایستگی‌های مدیریتی نشانگر این است که شرکت آبفای کاشان در شایستگی‌های تعلق و وفاداری سازمانی، هوش اخلاقی و تعهد کاری بیشترین امتیاز و در شایستگی جانشین‌پروری و مدیریت افراد، مدیریت عملکرد و مدیریت پروژه، کمترین امتیاز را دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و اینکه شرکت آبفای کاشان در شایستگی‌هایی مانند شایستگی جانشین‌پروری و مدیریت افراد، مدیریت عملکرد و مدیریت پروژه دارای کمترین امتیاز است، به‌منظور بهبود وضعیت کلی شایستگی‌ها، پیشنهاد می‌شود تقویت این سه شایستگی در اولویت برنامه‌های توسعه مهارت‌های فردی و مدیریتی سازمانی شرکت آبفای کاشان در سال پیش رو قرار گیرد. بنابراین، پیشنهادات کاربری برای پیاده‌سازی در شرکت آبفای کاشان و پیشنهادات پژوهشی برای توسعه و تحلیل عمیق‌تر وضع موجود به مدیران و برنامه‌ریزان این شرکت به شرح زیر توصیه می‌شود:

- پیشنهاد می‌گردد از روش‌های مختلف آموزش و توسعه افراد درون خزانه کاندیداها استفاده شود. این آموزش‌ها شامل استفاده از آموزش‌های بیرون سازمان و استفاده از آموزش‌ها و توسعه داخلی است که آموزش و توسعه داخلی به روش‌هایی مانند یادگیری عملی در کنار یک مدیر، مربیگری، چرخش شغلی، سپردن نقش‌های چالش‌برانگیز به افراد و... است. چرخش شغلی، شکل رایجی از تربیت مدیران اجرایی است که به آماده‌سازی افراد برای پست‌های مدیریتی بالاتر در سازمان کمک می‌کند.

- به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و تحول نظام اداری، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های دولتی مانند شرکت آب و فاضلاب، قابلیت‌ها و شایستگی‌های مدیران و کارکنان خود را از طریق آموزش شایستگی و مهارت افزایش دهند. به‌لحاظ اطلاعاتی، طراحی بانک اطلاعات مدیران شایسته به‌عنوان بخشی از حافظه نظام اداری، می‌تواند خلأ اطلاعاتی سازمان‌ها برای شناسایی و استفاده بهینه از مدیران شایسته را مرتفع نماید. وجود چنین سیستمی سبب می‌گردد افراد توانایی‌ها و مهارت‌های خویش را توسعه و تقویت نمایند؛ از طرفی دیگر سازمان‌ها با مراجعه به چنین سیستمی، افراد واجد شرایط را شناسایی می‌کنند.

- مدیران آب و فاضلاب کاشان باید کارگاه‌های آموزشی، پرورشی و ضمن خدمت را به منظور آگاهی کارکنان از مسیر شغلی، احتمال ارتقا و مسئولیت‌های شغل فعلی و احتمالی آینده برگزار کنند و کارکنان نیز لازم است خود را به شرکت در این کارگاه‌ها ملزم کنند. بدین منظور، ضروری است برنامه‌های جانشین‌پروری به‌عنوان ابزاری برای شناسایی نیازهای قابل توجه آموزشی و پرورشی کارمندان مورد توجه قرار گیرد.

- از آنجاکه یکی از شایستگی‌های قابل بهبود شرکت آبفای کاشان، شایستگی مدیریت عملکرد بوده است، شناسایی شاخص‌های عملکردی و سنجش بهره‌وری منابع انسانی می‌تواند یکی از اقدامات فوری برای توسعه و بهبود منابع انسانی سازمان در راستای برنامه‌های جانشین‌پروری باشد.

- درنهایت، یکی از شایستگی‌های قابل بهبود شرکت آبفا شایستگی مدیریت پروژه است. یک پروژه منحصربه‌فرد، مجموعه‌ای از اقدامات است برای نیل به یک هدف منحصربه‌فرد. بنابراین تیم یک پروژه از افرادی تشکیل می‌شود که ممکن است با یکدیگر کار نکنند، اما تجمیع اقدامات آنها هدف نهایی را برآورده می‌نماید. گاهی اوقات تیم یک پروژه حتی از افراد و گروه‌های خارج از شرکت و سازمان‌های دیگر تشکیل می‌شود. به‌رغم این تعریف از پروژه، یافته‌های میدانی حاکی از آن است که تصور ابتدایی کارکنان در شرکت آبفای کاشان بر آن است که تنها پست‌های سازمانی اندکی در شرکت با مدیریت پروژه سروکار دارند و نیازمند آگاهی از مفاهیم، ابزارها و نرم‌افزارها مدیریت پروژه هستند؛ اما با توجه به تعریف گسترده این موضوع، آگاهی تمامی منابع انسانی سازمان از مفاهیم حوزه مدیریت پروژه می‌تواند در موفقیت و اثربخشی یک پروژه، نقش اساسی ایفا کند. به این منظور دوره‌های آموزشی در این حوزه می‌تواند اثربخش باشد.

- پژوهش حاضر که در شرکت آب و فاضلاب کاشان انجام گرفته است، پیشنهاد می‌شود در تمام سازمان‌های دولتی و خصوصی کشور انجام شده و مدل بومی شایستگی آنها استخراج گردد.

تعارض منافع

مقاله حاضر برای هیچ‌یک از نویسندگان تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی (به درخواست شرکت آب و فاضلاب کاشان به شماره قرارداد ۴۰۰/۱۶۱۳۸) است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همه مدیران و کارکنان شرکت آب و فاضلاب کاشان که در این پژوهش آنها را یاری نمودند، سپاسگزاری کنند.



1. Peter Drucker
2. Rothwell
3. Succession
4. Fegley
5. Nink
6. E. Mateso
7. Kim
8. Barton
9. Raby & Valeau
10. Firk
11. Yu
12. Chartrand
13. Puspitasari & Riyanto
14. Pollitt
15. The Seven-Pointed Star Model
16. Acceleration Pools Model
17. Leadership Pipeline Model
18. Byham
19. Charan
20. Sabon
21. Richardson
22. Weigel
23. Mandi
24. Podmetina
25. Chang & Xue
26. Ugoani
27. Ojeyemi
28. Liikamaa
29. Zhao
30. Crawford & Nahmias
31. Porter
32. Ra ja & Aisha
33. Giberson
34. Debrah

منابع

- ابوالعلائی، بهزاد، و غفاری، عباس. (۱۳۸۶). سرمایه انسانی مزیت رقابتی سازمان‌ها در عرصه جهانی سازی، گزیده مقالات سی و هفتمین کنفرانس جهانی منابع انسانی. تهران: آهار.
- افضل آبادی، محمدحسین، زارع، حبیب، افضل آبادی، محمدرضا، و آقاباقری، فهیمه. (۱۳۸۹). نیازسنجی موفق آموزشی با استفاده از مدل شایستگی های سازمانی (مطالعه موردی: شرکت جهاد نصر یزد). دومین کنفرانس بین‌المللی مدیران آموزش. تهران.
- امامی میبدی، احمدعلی، رحیمیان، حمید، عباسپور، عباس، و غیاثی ندوشن، سعید. (۱۳۹۸). طراحی الگوی شایستگی های رهبری در دانشگاه های دولتی شهر تهران. فصلنامه پژوهش های مدیریت

منابع انسانی، ۱۱(۲)، ۱۳۷-۱۶۶.

امین، فرشته، نادری خورشیدی، علیرضا، و واحد، عزیزالله. (۱۳۹۶). بررسی الگوی جانشین‌پروری

شرکت مدیریت منابع آب ایران. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، شماره ۳ (پیاپی ۲۹)، ۱-۲۲.

دامغانیان، حسین، رستگار، عباسعلی، و یزدانی زیارت، محمد. (۱۳۹۷). طراحی و تبیین مدل

شایستگی در ارتباطات بین‌فردی سازمانی. فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)،

۲۷(۸۸)، ۱۴۳-۱۷۴.

دهقانی سلطانی، مهدی، آل طه، حمیدرضا، قهری شیرین‌آبادی، الهه، و طاهری، هادی. (۱۳۹۴).

شناسایی عوامل مؤثر بر شایستگی‌های مدیران ایرانی اسلامی در سازمان‌های دولتی. بهبود

مدیریت، ۹(۲)، ۹۷-۱۲۰.

طلوعیان، غلامعباس. (۱۳۹۸). تدوین مدل فرایندی شایستگی‌های مدیران منابع انسانی بخش دولتی

با تأکید بر سیاست‌های کلی نظام اداری. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و

حسابداری، ۳(۱۹)، ۴۳-۵۸.

فتحی، شیماء، و جمشیدی، محمدجواد. (۱۳۹۶). بررسی فاکتورهای شایستگی مدیران پروژه برای

افزایش بلوغ سازمانی. سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و کسب‌وکار. تهران.

کرمی، مرتضی. (۱۳۹۵). مدل‌یابی کارآمدی مدیران ارشد آموزشی سپاه مبتنی بر عوامل

روان‌شناختی و بررسی اثربخشی آن بر توانمندسازی آن‌ها. رساله دکتری رشته مشاوره،

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبائی.

نوری، سیامک، بنیادی نائینی، علی، و مؤمنی، رضا. (۱۳۹۴). طراحی و تبیین مدل شایستگی‌های

رفتاری خلاقانه در مدیران اجرایی. فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۶(۲۴)، ۱۰۲-۱۷۷.

واعظی، رضا، سیدنقوی، میرعلی، حسین‌پور، داوود، و تاجی، فاطمه. (۱۳۹۹). الگوی شایستگی

مدیران منابع انسانی سازمان‌های دولتی در شرایط جهانی شدن. فصلنامه علمی مطالعات

مدیریت (بهبود و تحول)، ۲۹(۹۶): ۹-۴۴.

هادی‌زاده مقدم، اکرم، و سلطانی، فرزانه. (۱۳۹۰). تبیین مؤلفه‌های پیاده‌سازی مدیریت

جانشین‌پروری در سازمان (مطالعه موردی: حوزه‌های ستادی شرکت ملی نفت ایران و

شرکت‌های تابعه مستقر در تهران). مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ۳(۱۰): ۳۹-۵۹.

Barton A. (2019). Preparing for leadership turnover in Christian higher education: Best practices in succession planning. *Christian Higher Education*, 18(1-2), 37-53.

Byham, W. (1999). Grooming Next Millennium Leaders, *HR Magazine*, 44(2): 35-51.



- Chang, X., & Xue, J. (2020). Research on the evaluation and promotion of employees from the perspective of competency. *Open Journal of Social Sciences*, 8, 99-108.
- Charan, R. (2000). *The leadership pipeline: how to build the leadership-powered company*, 1st Edition, Jossey-Bass
- Chartrand F. (2005) Workforce in transition succession planning: a tool for integrating emerging leaders in learning organizations, *A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of The Requirements for the Degree of Master of Art in Leadership and Training*, Royal Roads University.
- Crawford, L., & Nahmias, A. H. (2010). Competencies for managing change, *International Journal of Project Management*, 28(4), 405-412.
- Debrah, D. (2021). The development of competency models for sales manager based on the grounded approach in the retail entities in Zimbabwe. *Journal of Human Resource and Sustainability Studies*, 9(2), 291-303. doi: 10.4236/jhrss.2021.92018.
- E Mateso. (2010). Understanding succession planning and management efforts at Midwestern University: *A Dissertation Submitted to the Graduate College of Bowling Green State University in partial fulfillment of the requirements of the degree of Doctor of Education*.
- Fegley, S. (2006). Succession planning survey report. Society for human resource management. Retrieved March 7, 2009, from <http://www.hrm.org/surveys>.
- Firk, S., Schmidt, T. & Wolff, M. (2019). CFO emphasis on value-based management: Performance implications and the challenge of CFO succession. *Management Accounting Research*, 44, 26-43.
- Giberson, T. R. (2010). Performance capabilities and competencies model, undergraduate and graduate levels for performance improvement professionals. *Wiley InterScience*, 22(4), 99-120.
- Kim, Y. J., Kim, W. G., Choi, H. M., & Phetvaroon, K. (2019). The effect of green human resource management on hotel employees' eco-friendly behavior and environmental performance. *International Journal of Hospitality Management*, 76(1), 83-93.
- Liikamaa, K. (2015). Developing a project manager's competencies: A collective view of the most important competencies. *Procardia Manufacturing*, 3, 681-687.
- Mandi, A. R. (2008). *A case study exploring succession planning: supported by a quantitative analysis of governmental organizations in the Kingdom of Bahrain*. The George Washington University.
- Nink, C., Boyer, D., & Fogg, J. (2006). Succession planning: preparing future corrections leaders - now. *Corrections Today*, 68(5), 34-37.
- Ojeyemi, F. O. (2021). Effective succession planning for organizational development in Nigeria, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3951523> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3951523>
- Podmetina, D., Soderquist, K., Petraite, M., & Teplov, R. (2018). Developing a competency model for open innovation: From the individual to the organisational level, *Management Decision*, 56(6), 1306-1335.
- Pollitt, D. (2005). Leadership succession planning "affects commercial success. *Human Resource Management International Digest*, 13(1), 36-38.
- Porter, J. D. (2005). Application of Sandwith's Competency domain model for senior College Housing Officers in the United States. *Doctoral Dissertation*, Gainesville: University of Florida.



- Puspitasari, S. O., & Riyanto, S. (2020). The influences of transformational leadership and training on succession management as mediation variables in effort to increase an organizational capability at PT Gama plantation. *Training, 1*(8), 91.
- Raby, R. L., & Valeau, E. J. (2021). Position training and succession planning for community college international education leaders. *Community College Journal of Research and Practice, 45*(2), 86-102.
- Raja, M. A., & Aisha, A. (2012). Human resource management competency model for Pakistani Banking Companies, *African Journal of Business Management, 6*(38), 10396-10407.
- Richardson, N. (2014). Predictors of nonprofit executive succession planning: A secondary data analysis' (*Unpublished doctoral dissertation*). Capella University, ProQuest Dissertations Publishing.
- Rothwell, W. J. (2002). Higher education may be losing its top officials sooner than expected. *HR on Camus, 5*(8), 1-4.
- Rothwell, W. (2010). *Effective succession planning: ensuring leadership continuity and building talent from within*. 4th ed., AMA com.
- Rothwell, W. J. (2005). *Effective succession planning: ensuring leadership continuity and building talent from within*", 4th edition, New York, American Management Association.
- Sabone, O. A. (2015). A Synthesis of effective practices of managing succession planning in accounting firms in Botswana. *Journal of Research in Business, Economics and Management, 3*(3), 223-30.
- Ugoani, J. (2020). Management succession planning and its effect on organizational sustainability, *International Journal of Economics and Business Administration, 6*(2); 30-41.
- Weigel, N. (2006). Developing leadership capacity by creating succession management system, *Dissertation for MA degree in Leadership and Training*, Royal Roads University.
- Yu, W., Chavez, R., Feng, M., Wong, C. Y., & Fynes, B. (2020). Green human resource management and environmental cooperation: An ability-motivation-opportunity and contingency perspective. *International Journal of Production Economics, 219*, 224-235.
- Zhao, L., Lu, Y., Wang, B., & Huang, W. (2011). What makes them happy and curious online? Anempirical study on high school students' Internet use from a selfdetermination theory perspective. *Computers & Education, 56*, 346-350.

References

- Abolalaei, B. & Ghaffari, A. (2007). Human capital is the competitive advantage of organizations in the field of globalization, *37th World Human Resources Conference*. Tehran: Ahar. [In Persian]
- Afzalabadi, M.H., Zare, H., Afzalabadi, M.R. & Aghabagheri, F. (2010). Successful educational needs assessment using organizational competencies model (case study: Jihad Nasr Company in Yazd). *The Second International Conference of Education Managers*. Tehran. [In Persian]



- Amin, F., Naderi Khorshidi, A., & Vahed, A. (2017). An investigation of the status of successors training in Iranian Water Resources Management Company. *Journal of Research in Human Resources Management*, 9(3), 49-70. [In Persian]
- Barton A. (2019). Preparing for leadership turnover in Christian higher education: Best practices in succession planning. *Christian Higher Education*, 18(1-2), 37-53.
- Byham, W. (1999). Grooming Next Millennium Leaders, *HR Magazine*, 44(2): 35-51.
- Chang, X., & Xue, J. (2020). Research on the evaluation and promotion of employees from the perspective of competency. *Open Journal of Social Sciences*, 8, 99-108.
- Charan, R. (2000). *The leadership pipeline: how to build the leadership-powered company*, 1st Edition, Jossey-Bass
- Chartrand F. (2005) Workforce in transition succession planning: a tool for integrating emerging leaders in learning organizations, *A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of The Requirements for the Degree of Master of Art in Leadership and Training*, Royal Roads University.
- Crawford, L., & Nahmias, A. H. (2010). Competencies for managing change, *International Journal of Project Management*, 28(4), 405-412.
- Damghanian, H., Rastegar, A., & Yazdani Ziarat, M. (2018). Designing and explaining the competency model in organizational interpersonal communication. *Management Studies in Development and Evolution*, 27(88), 143-174. [In Persian] doi: 10.22054/jmsd.2018.8930
- Debrah, D. (2021). The development of competency models for sales manager based on the grounded approach in the retail entities in Zimbabwe. *Journal of Human Resource and Sustainability Studies*, 9(2); 291-303. doi: 10.4236/jhrss.2021.92018.
- Dehghani Soltani, M., Ale Taha, H. R., Ghahri Shirin Abadi, E., & Taheri, H. (2015). Identifying the factors affecting the Iranian-Islamic Manager's Competencies in Public Organizations. *Journal of Improvement Management*, 9(2), 97-120. [In Persian]
- E Mateso. (2010). Understanding succession planning and management efforts at Midwestern University: *A Dissertation Submitted to the Graduate College of Bowling Green State University in partial fulfillment of the requirements of the degree of Doctor of Education*.
- Emamimeybodi, A. A., Rahimian, H., Abbaspour, A., & Ghiasi Nodushan, S. (2019). Designing a leadership competency model for Public Universities in Tehran. *Journal of Research in Human Resources Management*, 11(2), 137-166. [In Persian]
- Fathi, Sh. & Jamshidi, M.J. (2017). Examining the competency factors of project managers to increase organizational maturity. *The 3rd International Conference on Management and Business*. Tehran. [In Persian]
- Fegley, S. (2006). Succession planning survey report. Society for human resource management. Retrieved March 7, 2009, from <http://www.hrm.org/surveys>.

- Firk, S., Schmidt, T. & Wolff, M. (2019). CFO emphasis on value-based management: Performance implications and the challenge of CFO succession. *Management Accounting Research*, 44, 26-43.
- Giberson, T. R. (2010). Performance capabilities and competencies model, undergraduate and graduate levels for performance improvement professionals. *Wiley InterScience*, 22(4), 99-120.
- Hadizadeh Moghaddam, A. & Soltani, F. (2011). Explanation of the components of the implementation of succession management in the organization (case study: the headquarters of the National Iranian Oil Company and its subsidiaries based in Tehran). *Strategic Studies in Petroleum and Energy Industry*, 3 (10); 39-59. [In Persian]
- Karami, M. (2016). Modeling the effectiveness of the Army organizations educational managers based on psychological factors and investigating its effectiveness on their empowerment. *Ph.D Dissertation in the Field of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology*. Allameh Tabatabai University. [In Persian]
- Kim, Y. J., Kim, W. G., Choi, H. M., & Phetvaroon, K. (2019). The effect of green human resource management on hotel employees' eco-friendly behavior and environmental performance. *International Journal of Hospitality Management*, 76(1), 83-93.
- Liikamaa, K. (2015). Developing a project manager's competencies: A collective view of the most important competencies. *Procardia Manufacturing*, 3, 681-687.
- Mandi, A. R. (2008). *A case study exploring succession planning: supported by a quantitative analysis of governmental organizations in the Kingdom of Bahrain*. The George Washington University.
- Nink, C., Boyer, D., & Fogg, J. (2006). Succession planning: preparing future corrections leaders - now. *Corrections Today*, 68(5), 34-37.
- Noori, S., Boniadi Naeni, A. & Momeni, R. (2015). Designing and explaining the model of creative behavioral competencies in executive managers, *Public Administration Perspective*, 6(24), 77-102. [In Persian]
- Ojeyemi, F. O. (2021). Effective succession planning for organizational development in Nigeria, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3951523> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3951523>
- Podmetina, D., Soderquist, K., Petraite, M., & Teplov, R. (2018). Developing a competency model for open innovation: From the individual to the organizational level, *Management Decision*, 56(6), 1306-1335.
- Pollitt, D. (2005). Leadership succession planning "affects commercial success. *Human Resource Management International Digest*, 13(1), 36-38.
- Porter, J. D. (2005). Application of Sandwich's Competency domain model for senior College Housing Officers in the United States. *Doctoral Dissertation, Gainesville: University of Florida*.



- Puspitasari, S. O., & Riyanto, S. (2020). The influences of transformational leadership and training on succession management as mediation variables in effort to increase an organizational capability at PT Gama plantation. *Training, 1*(8), 91.
- Raby, R. L., & Valeau, E. J. (2021). Position training and succession planning for community college international education leaders. *Community College Journal of Research and Practice, 45*(2), 86-102.
- Raja, M. A., & Aisha, A. (2012). Human resource management competency model for Pakistani Banking Companies, *African Journal of Business Management, 6*(38), 10396-10407.
- Richardson, N. (2014). Predictors of nonprofit executive succession planning: A secondary data analysis' (*Unpublished doctoral dissertation*). Capella University, ProQuest Dissertations Publishing.
- Rothwell, W. J. (2002). Higher education may be losing its top officials sooner than expected. *HR on Camus, 5*(8), 1-4.
- Rothwell, W. (2010). *Effective succession planning: ensuring leadership continuity and building talent from within*. 4th ed., AMA com.
- Rothwell, W. J. (2005). *Effective succession planning: ensuring leadership continuity and building talent from within"*, 4th edition, New York, American Management Association.
- Sabone, O. A. (2015). A Synthesis of effective practices of managing succession planning in accounting firms in Botswana. *Journal of Research in Business, Economics and Management, 3*(3), 223-30.
- Tolueian, G. (2019). Developing a process model of competencies of public sector human resources managers with an emphasis on the general policies of the administrative system. *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting, 3*(19); 43-58. [In Persian]
- Ugoani, J. (2020). Management succession planning and its effect on organizational sustainability, *International Journal of Economics and Business Administration, 6*(2); 30-41.
- Vaezi, R., Sayed Naghavi, M. A., Hosseinpour, D., & Taji, F. (2020). Competencies pattern of human resources managers for public organizations in the context of globalization. *Management Studies in Development and Evolution, 29*(96), 9-44. [In Persian] doi: 10.22054/jmsd.2020.39238.3232
- Weigel, N. (2006). Developing leadership capacity by creating succession management system, *Dissertation for MA degree in Leadership and Training*, Royal Roads University.
- Yu, W., Chavez, R., Feng, M., Wong, C. Y., & Fynes, B. (2020). Green human resource management and environmental cooperation: An ability-motivation-opportunity and contingency perspective. *International Journal of Production Economics, 219*, 224-235.



Zhao, L., Lu, Y., Wang, B., & Huang, W. (2011). What makes them happy and curious online? Unempirical study on high school students' Internet use from a self-determination theory perspective. *Computers & Education*, 56, 346–350.



The Development of a Model of Succession Management System in Water and Sewage Industry: A Case Study of Water and Sewage Company in Kashan

Hamid Rahimi

Associate Professor, Department of Educational Management, University of Kashan, Kashan, Iran; (Corresponding Author), dr.hamid.rahimi@kashanu.ac.ir

Zahra Sadeqi-Arani

Assistant Professor, Department of Management and Entrepreneurship, University of Kashan, Kashan, Iran; sadeqiarani@kashanu.ac.ir

Received: 06/02/2023

Accepted: 10/05/2023

Introduction

Recently, due to an increase in national, regional, and global changes as well as a reduction in job dependence, organizational commitment, and job satisfaction, a complex, unstable, and uncertain environment has been created. In such conditions, organizations and senior managers should undertake some actions such as the identification of talents, the creation of a talent repertoire in their organizations to identify key positions and to prepare a succession plan for all key positions both horizontally and vertically (Kim et al, 2019). Succession planning, as a subsystem of human resource management, has an impact on organizational learning, stability, and development while promoting financial performance of the organization, turnover rate, and employees' job satisfaction (Ojeyemi, 2021; Ugoani, 2020). According to Barton (2019), succession is a process during which the talented forces of an organization are prepared in line with the organization's strategies and plans to take on sensitive jobs and key positions. Succession is a process by which organizations develop and promote capable and talented forces through proper planning (Raby & Valeau, 2021). Despite the importance of competencies and succession, few studies in the field of human resource management, especially in the water and sewage industry, have examined human resource management measures comprehensively with an emphasis on succession. All companies deal with the issue of succession. Kashan's Water and Sewerage Company, as a service company, is not an exception. Succession management and planning are highly important for this company since about 25% of its managers will be about to retire by the end of 2023, which justifies the need to carry out a succession plan. The present study aims to develop a model of succession management system for the water and sewage company in Kashan.



Materials & Method

This study was a qualitative-quantitative one in terms of methodology. It was conducted in several phases, the first and two of which were qualitative while others were quantitative. In the first phase, the researchers identified 80 competences based on academic sources as well as the information provided by the Kashan's Water and Sewage Company. In the second phase, the identified indicators were evaluated by the managers and elites of the company; the results of Delphi research method yielded 33 competency indicators grouped in individual, managerial, and job categories. In the third phase, the identified competences were surveyed for prioritization with respect to managerial positions by using the TOPSIS multi-criteria technique.

Results

The results showed that the least weight was on emotional intelligence (as an individual competence), customer orientation, and project management (as managerial competences). The highest weight was on time management, thinking skills, communication skills, and responsibility taking manner (as individual competences) along with planning skill, organizational belonging, work commitment, problem-solving skill, and team work (as managerial competences). Also, the general status of Kashan's Water and Sewerage Company in terms of individual and managerial competencies showed that this company had the highest scores in the competencies of belonging and organizational loyalty, moral intelligence, and work commitment, and it had the lowest scores in the competency of succession and people management, performance management, and project management.

Conclusion

In terms of company's obtain results (such as lowest scores in succession and people management, performance management, and project management), it has suggested the promotion of these competencies as priorities of individual and organizational management skills development programs. Therefore, several practical suggestions have been offered for developing and a providing a deeper analysis of the current status of the company. First, different methods for training and the development of the candidates can be implemented: using training outside the organization as well as internal development programs (i.e., training and internal development in ways such as practical learning with a manager, coaching, job rotation, and assigning challenging roles to people). Additionally, the company managers can hold educational, training, and in-service workshops in order to make employees aware of their career paths, the possibility of promotion, and the job responsibilities of the current and possible future. Therefore, it is necessary to pay attention to the succession program as a tool to identify employees' justifiable educational and training needs. Given that one of the competencies that can be improved is the competency of performance management, it is essential to identify the performance indicators and measure the productivity of human resources for developing and improving the human resources of the organization based on succession plans.

Keywords: succession system, competence, managers, Water and Sewage Company.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۲۱۵-۲۳۶
مقاله علمی ترویجی

نمادشناسی نقوش کاشی کاری حمام خان کاشان

امیر حسین چیت‌سازیان*

زهرا خشای**

چکیده

کاربرد تزیین در هنر ایرانی اسلامی وسیع و قابل توجه است. تزیین علاوه بر زیبایی مفاهیمی نمادین دارد که در قالب نقوش هندسی، ویژگی‌های ظاهری و رنگ‌های مورد استفاده دیده می‌شود. از هنرهایی که در دوران اسلامی محملی برای این امر بود، هنر کاشی کاری در معماری است. از آنجاکه کاشی‌ها همواره بستری برای انتقال یک نقش زیبا و بامعنا بوده‌اند، مطالعه نمادهای نقوش به کاررفته در آن، علاوه بر شناسایی مفاهیم نقوش می‌تواند چرایی استفاده از آن‌ها را نیز پاسخ‌گو باشد. حمام که در عهد اسلام نقش ویژه‌ای دارد، به دلیل ساختار خاصش محل مناسبی برای به کارگیری این هنر در مناطق مختلف است. حمام خان واقع در بازار بزرگ کاشان، از زیباترین حمام‌های تاریخی این شهر محسوب می‌شود که در زمان کریم خان زند به دستور عبدالرزاق خان حاکم کاشان در دوره زندیه ساخته شده است. از تزیینات به کاررفته در آن، کاشی‌های هفت‌رنگ منحصر به فردی است که در قسمت‌های مختلف حمام به چشم می‌خورد که دارای نقوشی همچون گل و مرغ، نقوش هندسی، نقوش ساده تکرارشونده، برخی گره‌ها و نقوشی رمزآلود از انسان است. با توجه به اینکه تاکنون هیچ پژوهشی به نمادشناسی در کاشی‌های این حمام نپرداخته، پژوهش توسعه‌ای حاضر که با روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است، با داده‌اندوزی به دو صورت میدانی و کتابخانه‌ای انجام شد. نتایج پژوهش جایگاه ویژه هریک از عناصر تزیینی در پیدایش نماد و ایجاد معنا در یک بنای عام‌المنفعه را از طریق کاشی کاری نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: هنر کاشی کاری، کاشی هفت‌رنگ، نمادشناسی نقوش، حمام خان، بازار کاشان.

* دانشیار، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول/

chitsazian@kashanu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / zhashay@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۷

۱. مقدمه

انسان برای برقراری ارتباط و بیان اندیشه‌ها، به صورت غیرمستقیم از نماد که به معنای نماینده است، بهره می‌گیرد. او با رمزگذاری یا نشانه‌گذاری اندیشه‌هایش در قالب نمادهای کلامی یا شمایی، راهی برای ثبت، رجوع مجدد به آن‌ها و قابل درک شدن مفاهیم و منظورها برای خود و دیگران یافته است. نمادها در تمام ابعاد زندگی وجود دارند؛ به گونه‌ای که هیچ بخشی از زندگی انسان بدون آن نیست؛ اما به فراخور بستر فرهنگی و قالب زبانی ممکن است تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند. به هر صورت، برای برقراری ارتباط ضروری‌اند. بنابراین شناخت قالب زبانی و بستر فرهنگی هر جامعه به منظور شناخت رمز و نماد مورد استفاده در هر مقوله اهمیت فراوانی دارد. نکته‌ای که باعث تقویت نمادگرایی در دوره اسلامی در ایران شد مذهب بود؛ زیرا تشیع به سبب محدودیت‌هایی که در دوره‌های گذشته در مقابل داشته است، سعیش بر این بوده که اعتقاداتش را به نوعی نمادگرایانه و رمزی بیان کند. این امر را در انواع هنرهایی که در مناطق استفاده می‌کرده‌اند، به خوبی می‌توان مشاهده کرد. گستره نمادگرایی در دوره اسلامی ایران برای شیعیان، بسیار وسیع و پرمعنا و رمزی بوده است. مطالعه نقوش کاشی‌کاری‌های بناهای عام‌المنفعه مانند حمام، علاوه بر شناخت ویژگی‌های هنری آن‌ها می‌تواند بیانگر علایق بانیان و مردم عادی جامعه در بستر فرهنگی مرتبط به آن و استفاده نمادین از آن‌ها در این رابطه باشد. حمام خان کاشان واقع در راسته بازار بزرگ، یکی از بناهای عام‌المنفعه شهر شیعه‌نشین کاشان، باقی‌مانده از دوره زندیه است که مطالعه و بررسی نقوش مورد استفاده در کاشی‌کاری‌های این بنا می‌تواند نمایانگر نکات قابل توجه در شناخت نمادشناسی این دوره باشد. شناخت عناصر و ساخت پیام در زبان اشیا موجب آشنایی با تأثیر آن‌ها در ایجاد ارتباط بین فرم و عملکرد و معنی آن می‌گردد. هدف از این پژوهش، مطالعه و طبقه‌بندی نقوش کاشی‌های عمدتاً هفت‌رنگ حمام خان کاشان براساس مضامین و یافتن نمادهای به‌کاررفته در آن با توجه به نوع نقوش و رنگ‌های مورد استفاده در آن است.

در بررسی‌های اسنادی انجام‌شده مشخص گردید که در مورد نمادها و نقوش کاشی‌های حمام خان به صورت مستقل تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. در کتاب *نقاشی روی کاشی به زبان لاتین* تألیف هادی سیف (Seif, 2014) تصاویری از برخی کاشی‌های حمام خان ارائه شده است که به بیان نام کاشی، محل قرارگیری و تاریخ آن بسنده کرده و اطلاعات بیشتری درباره آن ارائه نکرده است. در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به معماری حمام در ایران و معرفی حمام‌های شهر کاشان» (شیخ شبانی و خطیبی اصفهانی، ۱۳۹۳) به معرفی کوتاهی از حمام‌های شهر کاشان پرداخته شده و این



بناها از لحاظ معماری بررسی شده‌اند. در پژوهشی دیگر با عنوان «سیر تحول نقوش انسانی در کاشی کاری‌های حمام‌های تاریخی شهر اصفهان از دوره صفوی تا پایان عصر قاجار» (منصوری و حسینی، ۱۳۹۵) به بررسی نقوش کاشی کاری حمام‌های اصفهان پرداخته شده است. در مقاله‌ای با عنوان مطالعه نقوش گلدانی در کاشی کاری حمام‌های تاریخی ایران (منصوری، ۱۳۹۶) به بررسی نقوش کاشی کاری حمام‌های ایران پرداخته شده است. بنابراین با توجه به اینکه در هیچ‌یک از پژوهش‌های یافت شده به بررسی نمادشناسی در کاشی‌های حمام خان کاشان پرداخته نشده، در تحقیق توسعه‌ای حاضر که با روش توصیفی تحلیلی و با داده‌اندوزی میدانی (مشاهده و عکس برداری) و کتابخانه‌ای (استفاده از منابع مکتوب) صورت گرفته، موارد زیر مد نظر است:

۱. شناسایی کاشی‌های موجود دارای نماد در نقوش و چرایی استفاده از آن در کاشی‌های هفت‌رنگ حمام؛

۲. بررسی انواع نمادهایی که در نقوش کاشی‌های حمام خان به کار رفته‌اند؛

۳. ویژگی‌های کاشی‌های حمام خان و مضامینی را که در بر دارند.

ابتدا اهمیت و نقش حمام مطرح شده، در پی به معرفی حمام خان و قسمت‌های آن و کاشی‌های نمادین آن، سپس به اهمیت نماد در دوره اسلامی اشاره نموده و آنگاه به بررسی مفاهیم نمادهای کاشی‌های حمام پرداخته و در حین هر مورد، اهداف و سؤال‌های تحقیق بررسی شده و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۲. اهمیت و نقش حمام در دوران اسلامی

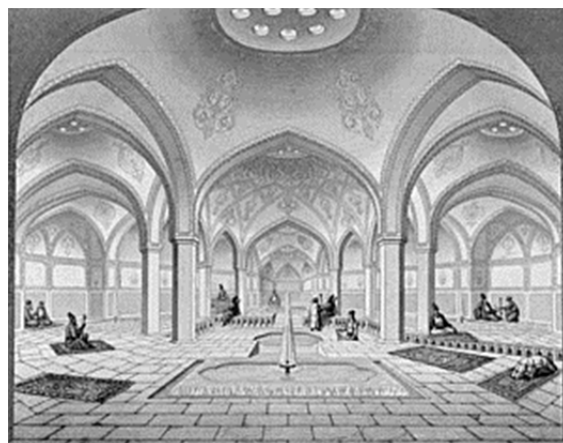
شعار «النجافة من الايمان» که برگرفته از مضامین والای اسلامی است، همواره مسلمانان را به بهره‌گیری از ابزار و مصالح و منابعی برای پاکیزگی فردی و عمومی در جامعه سوق می‌دهد است. رعایت پاکی و پیشگیری از آلودگی و تأکید بر تمیزی و آراستگی در سنت نبوی و اهل بیت پیامبر اکرم علیه السلام مشوق اصلی در این باره بوده است. یکی از این ابزارها عنصر حمام و ساخت آن بوده که در هر منطقه با توجه به اقلیم و شرایط طبیعی آن مورد استفاده قرار می‌گرفته است. «با توجه به تأکید ویژه اسلام بر پاکی تن و انجام دادن غسل‌های واجب و مستحب، مسلمانان به حمام‌سازی تشویق شدند. حمام‌ها ابتدا به‌عنوان محل غسل کردن و وضو گرفتن ضمیمه مسجد گردید و افزون‌بر مسجد و بازار، یکی از شاخصه‌های شهرهای اسلامی شد (شیخ شبانی و خطیبی، ۱۳۹۳). حمام‌ها از دیرباز در فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشتند و می‌توان حمام‌ها را نماد پاکیزگی و نظافت دانست. علاوه بر این، حمام‌ها کارکردهای متعدد دیگری هم داشته‌اند؛ از جمله: انجام برخی امور

بهداشتی و ویژه سلامت همچون فصد و آرایشگری؛ محلی برای دیدار مردم با یکدیگر و جمع شدن آن‌ها به دور هم؛ باخبر شدن از احوال همدیگر؛ محلی برای رفع معضلات همسایگان؛ انجام مراسم خواستگاری در حمام زنانه و... بدین سبب حمام‌ها در بین مردم از لحاظ اجتماعی نیز اهمیت و محبوبیت داشتند و افراد زمان قابل ملاحظه‌ای را در حمام می‌گذراندند. بر این اساس، این مکان توجه معماران و هنرمندان را به بهره‌گیری از ابزار و فضاها همراه با مصالح و آثار هنری خاص که بتواند از یکسو شادابی مراجعان را فراهم نماید و ازسوی دیگر آن‌ها را به مفاهیم و معارف فرهنگی مناسب از طریق آرایه‌های بصری هنری جلب نماید، سوق می‌داد. شهر کاشان نیز از دیرباز به این مطلب حتی از حیث معماری و استحکام آن توجه ویژه داشته است. شاردن سیاح فرانسوی که در دوره صفویان از کاشان دیدار کرده، در سیاحت‌نامه خود می‌نویسد: «گرمابه‌های کاشان فوق‌العاده عالی و خوب و تمیز و خوش ساخت است» (نراقی، ۱۳۸۲).

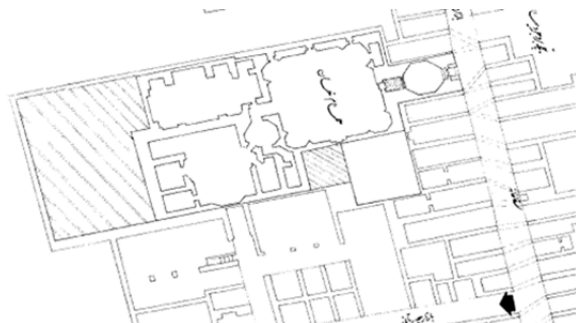
۳. حمام عبدالرزاق خان

حمام تاریخی رزاقی معروف به حمام خان در اواسط راسته اصلی بازار بزرگ کاشان و در محلی که به بالا بازار شهرت دارد قرار گرفته است. گفته شده این حمام در زمان کریم خان زند و به همت و دستور عبدالرزاق خان کاشی در دوره زندیه ساخته شده است. حمام خان در سال ۱۱۸۷ هجری قمری و به کارگذاری یکی از معتمدان کاشان به نام حاج غیاث‌الدین که پسرعموی عبدالرزاق خان هم بوده، احداث شده است. صبحی بیدگلی قطعه مفصلی درباره این حمام سروده که مصرع دوم بیت آخر آن حاکی از تاریخ ۱۱۸۷ است:

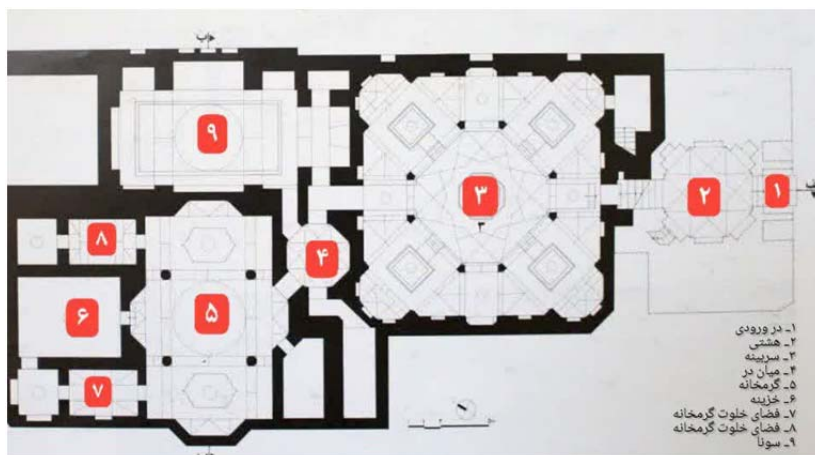
به پایان آمد و گفتا صبحی بهر تاریخش از این حمام عالم شد بری جاوید ز آرایش



شکل ۱: نقاشی پاسکال کوست از سریننه حمام خان، اوایل دوره قاجار^۱ (نراقی، ۱۳۸۲)



شکل ۲: پلان حمام خان در راسته بازار (پرونده ثبتی بازار کاشان، ۱۳۵۵)



شکل ۳: فضاهای حمام (منبع: نگارنده دوم)

حمام خان کاشان دارای قسمت‌های مختلفی از جمله سردر، هشتی، سربینه، فضای میان در، گرمخانه، خزینه، دو فضای خلوت سونا و گرم‌خانه است (شکل ۳). اگر از سمت دروازه دولت وارد بازار کاشان شویم، در قسمت بازارچه قیصریه و در سمت چپ راسته بازار سردر زیبای حمام خان با تزیینات کاشی کاری زیبا مشاهده می‌گردد. در ورودی آن با چند پله، پایین‌تر از سطح بازار قرار دارد. برخلاف دیگر حمام‌ها، در این بنا فضای سردر، هشتی و سربینه در امتداد یکدیگر قرار دارد و در مسیر ورودی تغییر زاویه و شکست وجود ندارد. هشتی، فضایی است که با پلکانی به قسمت سربینه متصل می‌گردد و مسئله اختلاف سطح بازار و حمام را برطرف می‌سازد. سربینه که وسیع‌ترین فضای حمام است، قاعده‌ای هشت و نیم‌هشت دارد. هشت ستون سنگی نیز فضایی در میانه آن پدید آورده که با طاق رسمی‌بندی مرتفعی از دیگر قسمت‌ها متمایز شده است. این طاق آجری است و تزیینات معقلی دارد و خطوط رسمی‌بندی را با قطعات کاشی آبی و سفید

مشخص‌تر ساخته‌اند. نورگیری بزرگ در میانه این طاق، روشنایی سربینه را تأمین (شکل ۴) و حوض هشت‌گوش میان سربینه تالو نور را دوچندان می‌کند. گرداگرد سربینه، سکویی‌هایی برای نشستن وجود دارد و در نتیجه، فضای نشستن و استراحت از فضای تردد متمایز شده است. در چهارگوشه این فضا، چهار غرفه با قاعده نیم‌هشت واقع است که هر یک حوضی در مقابل خود دارد. این حوض‌ها در انتهای پلکان‌های سکوها واقع است و پیش از رسیدن به سکوها، پاها را در آن‌ها می‌شسته‌اند. در ازاره‌های سربینه، هنوز کاشی‌های قدیمی دیده می‌شود؛ ولی سکوه‌های اطراف این فضا را کاشی‌های جدید پوشانده‌اند که کیفیت فضایی آن را خدشه‌دار کرده است. همچنین حوض‌ها همگی از سنگ مرمر و مانند جام‌های بلور بوده‌اند که امروزه جای آن‌ها را حوض‌هایی با کاشی آبی‌رنگ گرفته است (شکل ۵).



شکل ۴: طاق سربینه و نورگیر (منبع: نگارنده دوم)



شکل ۵: محل غرفه‌ها و حوض‌ها (منبع: نگارنده دوم)

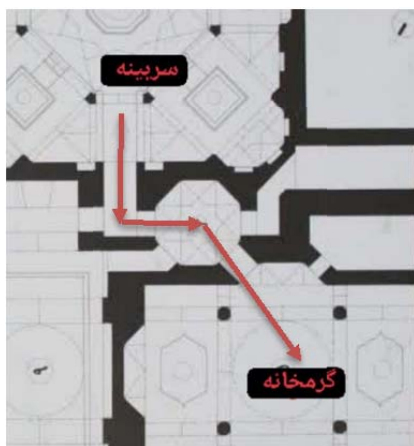
فضای میان در با قاعده هشت‌ضلعی منتظم، با تغییر جهت از سربینه به گرم‌خانه، علاوه‌بر از بین بردن دید مستقیم، از تبادل حرارت بین دو فضا می‌کاهد (شکل ۶). گرم‌خانه فضایی با قاعده مستطیل است که چهار ستون سنگی آن را به سه بخش تقسیم کرده است. خزینه در انتهای بخش میانی گرم‌خانه و روبه‌روی ورودی آن قرار گرفته که امروزه مخروبه است. دو فضای اطراف



نمادشناسی نقوش کاشی کاری حمام خان کاشان، امیرحسین چیت‌سازیان و زهرا خشای

10.22052/KASHAN.2024.253242.1086

خزینه احتمالاً خلوت گرم‌خانه بوده‌اند. یکی از این فضاها را امروزه به گرم‌خانه افزوده و دوش‌هایی در آن نصب کرده‌اند. خزینه فضای سرپوشیده حوض‌مانندی است با آب گرم، که محلی برای تمیز کردن نهایی سر و بدن و غسل کردن بوده است.



شکل ۶: فضای میان در (منبع: نگارنده دوم)

ایرانیان در ساخت حمام ذوق و سلیقه خاصی به خرج می‌داده‌اند که تزیینات، نقاشی‌ها و گچ‌بری‌های به‌جامانده به‌همراه طاق‌نماهای زیبا و کاشی‌کاری‌های متنوع و دلربا، همگی گواه این مدعاست (شیخ شبانی و خطیبی، ۱۳۹۳).

۴. نمادگرایی در دوره اسلامی

نماد چیزی است که به‌طور معنی‌دار چیز دیگری را تعریف می‌کند. «مفاهیمی که به زبان مستقیم قابل بیان نیستند و زبان با همه محدودیت‌هایش قادر به انتقال این مفاهیم نیست، قالبی نمادین به خود می‌گیرند تا بتوانند خود را بیان کنند. استفاده از رمز و نماد جزو ضروریات زندگی بشر محسوب می‌شود، چون همواره معانی و مفاهیمی غیرفیزیکی برای بشر وجود داشته و دارد. رمز یا نماد ابزاری است برای بیان تصور یا مفهومی که برای حواس ما غایب بوده و ناشناخته و غیبی محسوب می‌شود» (تشکری، ۱۳۹۰). بشر برای برقراری ارتباط پیچیده از نماد استفاده می‌کند. در دوره اسلامی، نمادگرایی گسترش پیدا کرد و عنصر عرفان نیز به آن اضافه شد. بنابراین در دوره اسلامی، عرفان با نمادگرایی هم‌نوا می‌شود و نمادگرایی از این جنبه در دوره اسلامی تقویت شده است. عرفان در نمادگرایی هنر اسلامی را می‌توان در اشعار برخی از شعرا، سفالینه‌های زرین‌فام و دیگر لعاب‌های رنگی خاص به‌کاررفته در آثار سفالین و... مشاهده کرد که جنبه خاصی دارد و به

مفاهیم عرفانی بازمی‌گردد. سمبولیسم هنر اسلامی متأثر از قرآن و متون عرفانی اسلام است. به قول بورکهارت، نمادگرایی در آثار اسلامی در فیضان و جوشش است و هنر، بر وفق کلی‌ترین بینش اسلامی از هنر، فقط روشی برای شرافت روحانی دادن به ماده است (چیت‌سازیان، ۱۳۸۵: ۴۱). بشر سفال، خشت، آجر، کاشی و سرامیک را از گِل ابداع کرد. در واقع، هنرمند خالق و مبتکر، گِل بی‌ارزش را با دستاوش جان بخشید و محصولاتی ارزشمند خلق کرد که از روزگار کهن تأثیر و جایگاه خود را در زندگی بشر نشان داده است. هنر کاشی‌سازی و کاشی‌کاری محصول عشق هنرمند به خلق آثار هنری به‌ویژه در بناهای مذهبی است. با توجه به ارادتی که ایرانیان به امامان و اهل‌بیت(ع) داشتند، هنرمند کاشی‌کار، گچ‌کار، حجار، قالی‌باف، نقاش و... هرکدام همواره تلاش می‌کردند با روش هنرمندانه خود، این عشق و ارادت خود را ابراز کنند. برای هنرمند کاشی‌کار نیز استفاده از هنرش بهترین راه ابراز این ارادت و عشق به اهل‌بیت(ع) بود.

۵. نمادهای کاشی‌های حمام خان

ورودی حمام خان در راسته‌بازار قرار دارد. سردر حمام با دو پیچ از کاشی فیروزه‌ای بر گرداگرد قوس آن و سقف مقرنس‌کاری و کاشی‌کاری دیوارها بر حجره‌های بازار تفوق و امتیاز یافته است (شکل ۷).



شکل ۷: ورودی حمام خان (www.pickcad.com)

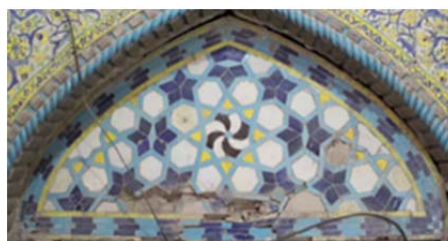
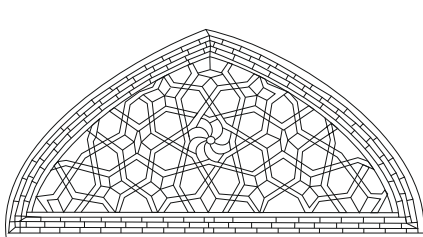
بالای در ورودی و زیر قوس، کاشی معرق‌های هندسی وجود دارند که گره تند ده را در فضای زیر قوس با رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای، زرد و سفید به وجود آورده‌اند. گردونه خورشید در مرکز شکل و گل شش‌پر لابه‌لای اسلیمی‌ها به چشم می‌خورد (شکل ۸ و ۹). براساس آموزه‌های قرآنی، خداوند زیباست و هرآنچه از وجود زیبای مطلق صادر می‌گردد، طبق آیه شریفه «الذی أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده: ۷) زیباست؛ پس تمام آفرینش زیباست. در نتیجه در نگرش اسلامی زیبایی با نظم، و زشتی با بی‌نظمی مترادف است. نظم کیهانی دارای قوانین و قواعد و تقدیرات پیچیده است و



نمادشناسی نقوش کاشی کاری حمام خان کاشان، امیرحسین چیت‌سازیان و زهرا خشای

10.22052/KASHAN.2024.253242.1086

یکی از این قواعد سرمدی، قوانین ریاضی و هندسی است (رئیس‌زاده، ۱۳۹۰: ۵). بنابراین قطعاً خالی از معنا و رمز نیستند. اشکال نیز از خصلت رمزگونه برخوردارند. اشکال اولیه هندسی چون دایره، مربع، مثلث و برخی از چندضلعی‌ها در اغلب تمدن‌های باستانی و نگرش سنتی حائز اهمیت خاص و واجد ویژگی مرموزی بوده‌اند (همان: ۵). در هر گره هندسی، شمسه، دایره مرکزی آن گره محسوب می‌گردد و دایره نشان‌دهنده حرکت و زمان است؛ نشان‌دهنده حرکتی بدون آغاز و پایان. چون دایره دارای هیچ شروع و پایانی نیست و اساساً بدون مبدأ و مقصد است، از آن به زمان تعبیر می‌شود. دایره نشان یکپارچگی و نشان وحدت است؛ از این رو ابدیت را القا می‌کند. از آنجاکه تعریف خداوند به این ترتیب است که خدا همه‌جا هست و در مرکز هر چیزی قرار دارد، از او به دایره نیز تعبیر می‌شود؛ زیرا مرکزش همه‌جا و محیطش هیچ‌کجاست. مفهوم کلیدی جهان‌بینی اسلامی در تبیین هنر «وحدت وجود» و بنابراین وحدت عالم است. برای تجسم رمزینۀ وحدت، در میان همه برگه‌های هندسی، دایره بر اشکال دیگر برتری دارد (همان: ۷).



شکل ۸: کاشی معرق هندسی به همراه طرح خطی (منبع: نگارنده دوم)



گردونه خورشید



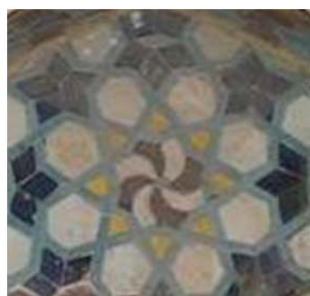
گره تند ده



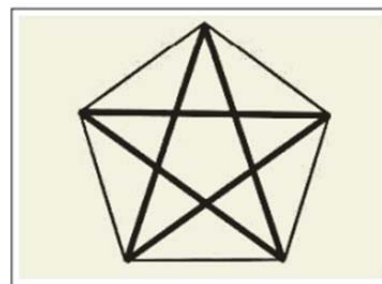
گل شش پر

شکل ۹: نقوش سردر (منبع: نگارنده دوم)

نقش بعدی ستاره پنج‌پر (شکل ۱۰) است که درون نقوش هندسی کاشی معرق سردر ورودی به چشم می‌خورد. این ستاره و همچنین پنج‌ضلعی محاط بر آن یکی از قوی‌ترین و پایدارترین نمادها در تاریخ بشر است. مسیر حرکت آن به ستاره ناهید برمی‌گردد و ستاره ناهید را نماد عشق و کمال زیبایی برشمرده‌اند. پنج، عدد وصلت، وساطت، عدد مرکز و نقطه تلاقی آسمان و زمین است و سمبل عشق و ازدواج نیز می‌باشد؛ اما مهم‌ترین ویژگی ستاره پنج‌پر تناسب جادویی آن است که نسبت طلایی خوانده می‌شود^۲ (رئیس‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰).



شکل ۱۱: شش ضلعی و گردونه خورشید
(منبع: نگارنده دوم)



شکل ۱۰: ستاره پنج‌پر
(منبع: نگارنده دوم)

نقش شش ضلعی، در کنار ستاره پنج‌پر در سردر ورودی به رنگ سفید دیده می‌شود (شکل ۱۱). در تفکر نمادین باستانی، آسمان شش سیاره دارد و خورشید در مرکز آن، شش جهت فضا دارای یک نقطه واسط یا مرکزی است که جهت هفتم آن را می‌سازد و نماد کل مکان و زمان است. عدد شش علامت فاصله میان مبدأ و ظهور آن است. کائنات در شش روز شکل گرفت. بدین ترتیب شش می‌تواند نشانه خلقت باشد (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۵: ۵۱). نماینده ثابت‌ترین جنبه خلقت، یعنی زمین، شش‌وجهی یا مکعب، رمز یا نمادی از واپسین نمود است که در عالم سیاره‌ها، زمین است و در عالم خاکی، انسان است که خود عالی‌ترین نماد این جهانی است (نقره‌کار، ۱۳۸۷). گردونه مهر یا گردونه خورشید که به چلیپای شکسته نیز مشهور است و در مرکز کادر سردر ورودی قرار گرفته است (شکل ۱۱)، نماد و نشانه بسیار کهنسالی است که آن را به قوم آریا و سرزمین ایران نسبت می‌دهند. این نقش دارای مفاهیم نمادین بسیار و برداشت‌های مختلفی از جمله خورشید، چهار عنصر (آب و باد و خاک و آتش)، چهار کیفیت طبیعت (گرمی، رطوبت، سردی و خشکی)، همچنین نماد پیدایش و گردش چهار فصل، حرکت آب، نماد پیروزی و جاودانگی، خوشبختی و نیک‌فرجامی، نماد پیوند نرینگی و مادینگی، نماد الوهیت و آریاهاست (ذاکرین، ۱۳۹۰:

۳ و ۴). این نقش در هنر اسلامی نیز عنصری کلیدی به شمار می‌رود و در اکثر بناهای مذهبی به چشم می‌خورد. از تالار مساجد، بلندی گلدسته‌ها و گنبد‌های فیروزگون و سربرافراشته گرفته تا خانه‌ها و روی ظروف سفالین، همواره در دوره‌های مختلف اسلامی دیده می‌شود که نشان از پیوند ناگسستنی این نقش‌مایه با گذشته است. هنرمند ناخودآگاه به این نقش تجسم می‌بخشد و نشان از اعتقاد نهفته و پنهان وی به نیروهای باروری، زاینده‌گی، پابندگی و داشتن قدرت برای راندن اهریمن است (همان: ۴).

در قسمت بالای قوس سردر، کاشی‌های هفت‌رنگ با نقوش اسلیمی لاجوردی‌رنگ درزمینه سفید و گل‌هایی به رنگ زرد دیده می‌شود که فضای قوس را کامل کرده است (شکل ۱۲). اسلیمی معرب کلمه اسلامی است و در منابع غربی، آن را مترادف با «عربانه» یا «آرابسک» می‌آورند. در توصیف کلی اسلیمی‌ها که زیبایی خاصی به آثار می‌دهند، به‌عنوان جوشش و پویایی و حرکت به کار می‌روند.



شکل ۱۲: کاشی‌های هفت‌رنگ اسلیمی بالای قوس سردر (منبع: نگارنده دوم)

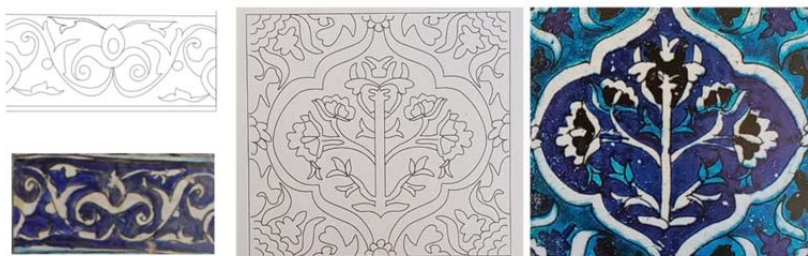
پاکباز نیز نقوش اسلیمی را به‌عنوان یکی از نقش‌مایه‌های شاخص در هنر اسلامی معرفی می‌کند؛ اصطلاحی که به‌طور عام در مورد نقوش گیاهی درهم‌بافته یا طوماری به کار می‌رود و به‌خصوص یکی از نقش‌مایه‌های شاخص در هنر اسلامی است (پاکباز، ۱۳۷۹). از عناصر مهم که

در اسلیمی نقش حیاتی ایفا می‌کند، خط است. کیفیت‌های گوناگون خط، واکنش‌های روانی متفاوتی را در انسان‌ها برمی‌انگیزد. حرکت خط قائم از پایین به بالا، صعود به سوی آسمان و سبک شدن و پرواز است. از دید روحانی و معنوی، خط بالارونده نمایانگر نزدیکی به خداوند و حرکت به سوی اوست (صلاحی، ۱۳۹۴: ۱۱). پیچ‌وتاب نقوش اسلیمی در دو جهت افقی و عمودی، هرکدام دربردارنده مفهومی خاص است. حرکت عمودی «نماد وحدت اصل» و حرکت افقی نشانه «کثرت در تجلی» است. (نصر، ۱۳۸۱: ۱۹).

در دیوارهای جانبی سردر نیز یک نوار اسلیمی با رنگ سفید و زمینه لاجوردی دیده می‌شود؛ همچنین نقوش یک گل تکرارشونده با زمینه آبی فیروزه‌ای و لاجوردی نیز دیوارهای جانبی را پوشانده‌اند (شکل ۱۳ و ۱۴). آبی فیروزه‌ای و لاجوردی پرکاربردترین رنگ‌ها در نمای خارجی مساجد است و رنگ اصلی کاشی‌کاری اسلامی است. این رنگ نماد آسمان، عرش الهی، پاکی و آرامش است. استفاده از نقوش گیاهی از جمله گل و گیاه و درخت در نقش‌مایه‌های مساجد، تمثیلی از درختان و گیاهان بهشتی است؛ همان‌طور که در قرآن از درخت طوبی و مقام سدره‌المتتهی که مسکن و جایگاه متقین است، مثال زده شده است.



شکل ۱۳: کاشی‌های دیوار جانبی سردر (منبع: نگارنده دوم)



شکل ۱۴: کاشی‌های حمام و طرح خطی آن (منبع: نگارنده دوم)

در قسمت داخلی حمام کاشی‌هایی مشابه با کاشی‌های دیوار جانبی اما با رنگ متفاوت دیده می‌شود. طرح کاشی‌ها مشابه، اما رنگ‌های به‌کاررفته در آن آبی لاجوردی، زرد، سفید و سبز است. کاشی‌هایی که زمینه زرد دارند، در قسمت بالا دارای یک نوار اسلیمی به رنگ آبی لاجوردی و زمینه زرد هستند (شکل ۱۵). احتمال نصب کاشی‌ها در تاریخ‌های مختلف براساس شواهد وجود دارد (شکل ۱۵). آن‌طور که در منابع و مآخذ بسیار معروف عصر زندیه نقل شده، در سال ۱۱۹۲ قمری یعنی تقریباً پنج سال بعد از احداث این حمام، زلزله بسیار شدید و سهمگینی در کاشان و اطراف آن اتفاق افتاده که تلفات جانی و مالی بسیار زیادی از خود به جای نهاده است.



شکل ۱۵: کاشی‌های دیواره داخلی حمام (منبع: نگارنده دوم)

بر روی برخی از کاشی‌های داخل حمام که بوته گلی را به تصویر کشیده‌اند، مرغی نشسته بر روی شاخه گل نیز وجود دارد (شکل ۱۶) که اندازه گل‌ها نسبت به مرغ بزرگ‌تر است. گل نماد

معشوق است و مرغ نماد عاشق. در باورهای اسلامی مقام عاشق از معشوق پایین‌تر است؛ به همین دلیل اندازه مرغ کوچک‌تر ترسیم شده است. همچنین بوته گل به تصویر کشیده شده در نقش گل و مرغ، نمادی از همه درختان خوش‌نما و گل‌های خوش‌بو و مسحورکننده بهشتی است که پرندگان به‌عنوان نمادی از مؤمنان در میان شاخه‌های آن به آرامش رسیده و از نغمات بی‌کران الهی برخوردار شده‌اند. بهشت در اندیشه‌های اسلامی ایرانی با روح و جان ایرانیان درآمیخته است و بیشترین تجلی نمادین و سمبولیک مکانی برتر که جایگاه حیات نخستین انسان بوده و در اندیشه‌های ادیان مختلف جایگاه ویژه‌ای دارد محسوب می‌شود که خاستگاه آرمانی تمامی مذاهب و مرکز معنویت اولیه و محل جاودانگی ازلی است.



شکل ۱۶: کاشی‌هایی با نقوش انسانی و گل و مرغ (Seif, 2014)



شکل ۱۷: کاشی نقش برسائوش (منبع: نگارنده دوم)

همچنین در برخی از کاشی‌ها به جای گل، فردی خنجر به دست با یک سر بریده انسانی به تصویر کشیده شده که نمادی از صورت فلکی رأس الغول یا برساوش است (شکل ۱۷). برساوش (نیز برشاوش / حامل رأس الغول: برنده سر دیو)، از صورت‌های فلکی نیمکره شمالی است. این صورت در مجاورت ذات‌الکرسی و در کهکشان راه شیری قرار گرفته و به صورت مردی تصور شده است که «بر پای چپ ایستاده، پای راست برداشته و دست راست بر بالای سر برده و به دست چپ سر غولی» در دست دارد. برساوش (معرب پرسئوس) در اسطوره‌های یونانی، پسر زئوس (خدای خدایان) است که برای نجات آندرومدا (امراة المسلسله: زن به‌زنجیر کشیده) به مدوسا (عفریته‌ای که در مأخذ اسلامی با عنوان الغول از او یاد شده) حمله می‌برد. مدوسا که به جای مو، مار بر سر داشت و نگاه او دشمن را سنگ می‌کرد، آندرومدا را به عنوان قربانی قیطس به بند کشیده بود. برساوش سپری چون آینه در مقابل مدوسا می‌گیرد و سر او را از تن جدا می‌کند و به سوی آندرومدا بازمی‌گردد. اساس این اسطوره، روایت بابلی بل مردوک و ازدهای تیمات است. ابوریحان بیرونی در شرح کوتاه خود در این باره گفته است که «... در بیابان مردمان را گمراه کند»، اما معلوم نیست که این مطلب را از چه مأخذی برگرفته است (حیدرزاده، ۱۳۷۵، ج ۱: ۹۵۷؛ به نقل از صوفی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۷۵).



شکل ۱۸: تصویر ستاره برساوش (www.khabarfoori.com)

بطلمیوس در شرح این صورت، ۲۹ ستاره برشمرده است که سه تای آنها بیرون از صورت قرار دارند. شرح صوفی^۳ نیز کم‌ویش همان است. تنها تفاوت مهم این دو فهرست، آن است که صوفی درخشندگی ستاره پنجم این صورت را که بطلمیوس از قدر چهارم دانسته، از قدر پنجم آورده است. ابوریحان بیرونی در *قانون مسعودی*^۴ مقادیر مذکور در هر دو اثر یادشده را در کنار یکدیگر آورده، اما در *التفهیم*^۵ فقط به ذکر شمار ستارگان از هر قدر براساس روایت بطلمیوس بسنده کرده است (همان، ج ۱: ۹۵۷).



شکل ۱۹: صورت فلکی برساوش، برگی از کتاب ابوالحسن عبدالرحمن صوفی رازی (isaw.nyu.edu)

در نجوم جدید، صورت فلکی برساوش از چند جنبه اهمیت دارد که مهم‌ترین آن‌ها وجود رأس الغول، دوازدهمین ستاره این صورت، در فهرست بطلمیوس و صوفی است. رأس الغول ستاره متغیرِ گرفتی است که درخشندگی آن در هر $68/82$ ساعت در حدود $1/3$ قدر تغییر می‌کند. در متون احکام نجوم دوره اسلامی رأس الغول از طبیعت مریخ و عطارد و گاه مریخ و زحل دانسته شده است که منحوس اند. برساوش نیز به دلیل دارا بودن رأس الغول منحوس شمرده شده است (همان، ج ۱: ۹۵۷).



Fig. 11.
(b)
between pages 85 & 86



Fig. 11.
(a)
between pages 85 & 86

شکل ۲۰: تصویر ستاره برساوش در کتاب دانشنامه جهان اسلام، مقاله صورت فلکی برساوش

۶. نتیجه‌گیری

هنر اسلامی در بطن سنت و حکمت اسلامی آفریده شده و رسالت هنرمند این است که دید پیدا را به دید پنهان پیوند دهد. هنرمندان دوران اسلامی سعی بر این داشتند تا رسالت خویش را در بیان مفهوم و ایجاد خلاقیت و نمادسازی در آثار دوران اسلامی ایفا کنند. هدف از تزیینات در هنر اسلامی علاوه بر زیبایی بصری، بیان مفاهیم عمیقی همچون نظم، وحدت، دقایق نظام آفرینش و تجلی زیبایی الهی است که در قالب نقوش مختلفی همچون نقوش هندسی، اسلیمی و خطایی و نقوش ساده تکرارشونده دیده می‌شود. حمام خان کاشان به‌رغم اینکه دستخوش تغییراتی بوده است، همچنان می‌توان تلاش هنرمندان این بنا را در بیان مفاهیم به‌صورت رمزگونه و نمادین در آن، چه به‌عنوان یک بنای عام‌المنفعه و چه به‌عنوان بستری برای انتقال هویت و فرهنگ یک دوره به ادوار بعد مشاهده کرد و با اندکی تأمل می‌توان دریافت که نقوش کاشی‌های حمام خان کاشان



که عمدتاً کاشی هفت‌رنگ هستند، صرفاً تزئینی نبوده و دارای معنا و مفهوم عمیقی هستند. این نقش‌مایه‌ها هرچند در قالب نقوش گیاهی، گل و مرغ، انسانی، انواع خطوط و نقوش هندسی و گره‌ها هستند، مستعد رمزگشایی و تأویل صورت‌ها و درنهایت شناسایی تجلی زیبایی‌های مثالی و خلقت الهی هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. پاسکال کوست، نقاش و معمار و خاورشناس فرانسوی بود. پاسکال کوست همراه با اوژن فلاندن در زمان محمدشاه قاجار در سال ۱۲۲۰ هجری شمسی به ایران سفر کرد. علاوه بر نقاشی‌های فلاندن، کوست نیز طراحی‌ها و نقشه‌هایی از آثار تاریخی ایران رسم کرد.
۲. یعنی اگر طول هر ضلع یک پنج‌ضلعی منتظم را برابر با یک واحد در نظر بگیریم، طول هر بازوی ستاره پنج‌پر برابر با $1/618$ یا همان قانون تناسب طلایی خواهد بود.

۳. ج ۱: ۸۸۱.

۴. ج ۳: ۱۰۳۶-۱۰۳۸.

۵. ج ۱: ۹۵-۹۶.

منابع

- بیرونی، محمد بن احمد ابوریحان. (۱۳۷۳-۱۳۷۵ / ۱۹۵۴-۱۹۵۶). *قانون المسعودی*. حیدرآباد دکن.
- بیرونی، محمد بن احمد ابوریحان. (۱۳۶۲ش). *التفهیم لائائل صناعة التنجیم*. تهران: چاپ جلال‌الدین همایی.
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۹). *دائرةالمعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- تشکری، فاطمه. (۱۳۹۰). نمادپردازی در هنر اسلام. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ۶(۶)، ۳۹-۳۴.
- چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۵). نمادگرایی و تأثیر آن در فرش ایران. *گلجام*، ش. ۴ و ۵، ۵۶-۳۷.
- حیدرزاده، توفیق. (۱۳۷۵). صورت فلکی برساوش. در *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱: ۹۵۷.
- ذاکرین، میترا. (۱۳۹۰). بررسی نقش خورشید بر سفالینه‌های ایران. *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، شماره ۴۶، ۲۳-۳۳.



نمادشناسی نقوش کاشی کاری حمام خان کاشان، امیرحسین چیت‌سازیان و زهرا خشای

10.22052/KASHAN.2024.253242.1086

رئیس‌زاده، سارا. (۱۳۹۰). ارزش‌های نمادین در نقوش هندسی مجموعه شیخ صفی. نشریه نقوش مایه، ۴(۹)، ۷۳-۸۴.

شیخ شبانی، ساجده، و خطیبی اصفهانی، زهرا. (۱۳۹۳). نگاهی به معماری حمام در ایران و معرفی حمام‌های شهر کاشان. در همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری. تبریز: کانون مهندسان معمار.

صلاحی، مریم. (۱۳۹۴). تحلیل ساختار بصری و زیبایی‌شناسی نقش مایه اسلیمی؛ نماد اصالت هویت در تزئینات و معماری اسلامی. در همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی. صوفی، عبدالرحمن بن عمر رازی. (۱۳۵۱). صور الكواكب الثمانية والاربعین. ترجمه نصیرالدین طوسی. تهران: چاپ معزالدین مهدوی.

عابد دوست، حسین، و کاظم‌پور، زیبا. (۱۳۹۵). تحلیل ریشه‌ها و مفاهیم نقوش هندسی معماری دوره اسلامی در هنر کهن ایرانی. نگارینه هنر اسلامی، شماره ۱۰، ۴۱-۵۸.
منصوری، جمیله. (۱۳۹۶). مطالعه نقوش گلدانی در حمام‌های تاریخی ایران. جلوه هنر، شماره ۲۲، ۸۷-۹۶.

منصوری، جمیله، و حسینی، سید هاشم. (۱۳۹۵). بررسی و مطالعه مضامین نقوش کاشی کاری در حمام‌های تاریخی شهر اصفهان از آغاز دوره صفویه تا اواخر عصر قاجار. دوفصلنامه علمی پژوهش هنر، ۶(۱۲)، ۱۰۳-۱۱۷.

نراقی، حسن. (۱۳۸۲). آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. ج ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۱). پیام روحانی خوشنویسی در اسلام. نشریه فرهنگ و هنر، شماره ۱۹، ۲۶-۳۳.

نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. ج ۱. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

Seif, Hadi. (2014). *Painted tile work from the 18th and 19th centuries*. The Shiraz School Hardcover, March 30, 2014.

References

Abeddoost, H., & Kazempour, Z. (2016). Analysis of the Origins and Concepts of the Geometric Patterns of the Islamic Period in the Persian Art. *Negarineh Islamic Art*, 3(10), 41-58. [In Persian]



10.22052/KASHAN.2024.253242.1086

- al-Biruni, M. (1954-1956). The Canon of Mas'udi. Vol. 3. Hyderabad Deccan. [In Persian]
- al-Biruni, M. (1983). The Understanding of the Foundations of the Art of Astrology. Vol. 1. Printed by Jalal al-Din Homaei, Tehran. [In Persian]
- Cheit-Sazian, A.H. (2006). Symbolism and its Impact on Persian Rugs. *Goljam*, Vol. 4 & 5. [In Persian]
- Heidarzadeh, T. (1996). Barsavash constellation, *Islam Encyclopedia*, Vol. 1, 957. [In Persian]
- Mansouri, J., & Hosseini, H. (2016). Examination and Study of Tilework Motifs in Historical Bathhouses of Isfahan City from the Beginning of the Safavid Period to the Late Qajar Era. *Journal of Art Research*, 6(12): 103-117. [In Persian]
- Mansouri, Jamileh. (2017). Study of Vase Motifs in Historical Bathhouses of Iran. [In Persian]
- Noghrekar, A. (1999). *An Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urban Planning*. First Edition. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development Publications. [In Persian]
- Nasr, H. (2002). The Spiritual Message of Calligraphy in Islam. *Journal of Culture and Art*, 19. [In Persian]
- Pakbaz, R. (2000). *The Encyclopedia of Art*. Tehran: Farhang Moaser. [In Persian]
- Raiszadeh, S. (2011). *Symbolic Values in Geometric Patterns of Sheikh Saifi Complex*. [In Persian]
- Salahi, M. (2017). Analysis of Visual Structure and Aesthetics of Arabesque Motif, a *Symbol of Identity Authenticity in Islamic Decoration and Architecture*. [In Persian]
- Seif, H. (2014). *Painted tile work from the 18th and 19th centuries*, The Shiraz School Hardcover – March 30, 2014
- Sheikh Shabani, S., & Khatibi Isfahani, Z. (2014). *A Look at Bathhouse Architecture in Iran and Introduction of Bathhouses in Kashan*. [In Persian]
- Sufi. A. (1972). *Souar al-Kawākib al-Thamāniyahwa al-Arba'in*. Translated by Nasir al-Din Tusi. Vol. 1. Printed by Moez al-Din Mahdavi, Tehran. [In Persian]
- Zahkerin, M. (2011). Examining the Sun Symbol on Iranian Ceramics. *Journal of Fine Arts-Visual Arts*, No. 46. [In Persian]



The Symbology of Tile Patterns in Khan's Historical Bathhouse

Amirhossein Chitsazian

Associate Professor, Department of Advanced Art Studies, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan, Kashan, Iran. (Corresponding Author)

chitsazian@kashanu.ac.ir

Zahra Khashay

Master student of Islamic art, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan, Kashan, Iran; *zkhashay@gmail.com*

Received: 18/09/2023

Accepted: 28/12/2023

Introduction

Humans employ symbols to communicate and express their thoughts. Symbols permeate every aspect of human existence to the extent that no facet of human life has been devoid of symbolism since symbols play an essential role in communication. To decipher symbols and emblems an understanding of the linguistic framework and cultural context of each society is crucial. Khan's Hammam (bathhouse) in Kashan is a building that is of general benefit to the public. Studying the tilework designs in Khan's Hammam can not only reveal its artistic merits but also shed light on the symbolism employed and on the attention paid to it by both the patrons and the ordinary people along socio-linguistic frames, religion also plays a pivotal role in reinforcing symbolism during the Islamic era in Iran. Due to the constraints it faced, Shi'ism sought to express its beliefs in a symbolic and enigmatic manner. The range of symbolism in Iran's Islamic period held profound and intricate meanings for Shi'ites.

Materials and Methods

Khan's Hammam, located on the way to Kashan's Bazaar, is a building that is of general benefit to the public. An examination of the patterns and symbols employed in the bathhouse can not only reveal the symbols present in the patterns but also shed light on the reasons for their use in the bathhouse's tiles. The research methodology involves both field study and library research. The research approach is descriptive-analytical. The goal of this study is to examine and classify the patterns on Khan's Hammam's tiles based on their themes and to identify the symbols used in them. The research questions are: which symbols have been used in the patterns on the tiles in Khan's Hammam? What are the characteristics of the patterns on the tiles in Khan's Hammam? Which themes do they convey? The findings of this study will highlight the unique position of each decorative element, including colors, patterns, forms in the creation of symbols and the generation of meaning in a building of general benefits to the public.



Findings and Discussion

The findings of this research has shown that in the tiling of the entrance hall and vestibule (originally having eight sides, called Hashti) and the changing room of the bathroom (called Sarbineh), motifs and shapes have been used that are symbolically significant. Reliance of man on symbols caused symbolism to become intertwined with mysticism during the Islamic era and to be widely employed in religious structures, public places with general benefits, as well as other places. Such symbolism reflect the cultural context of the time. This study began by introducing the decorative tile works in Khan's Hammam. Subsequently, it delved into an analysis of the patterns on each tile, elucidating the rationale behind their selection and the symbolism they embodied. According to the findings of this research, the tiling motifs of Khan's Hammam included geometric shapes, plants, animals, and human motifs such as circle, Venus (called "Nahid" in Persian), the sun, hexagons, Arabesque (called slimi) motifs, flowers and bushes (called Gol-O-Boteh), bird-and-flower symbols, and depictions of men and women. In other words, the tile work artists drew upon a diverse array of patterns. The overall symbolism employed reflected the unity of existence, the reverence for the Heaven and the divine throne as well as an interest in stars and astronomy.

Conclusion

The findings of this study demonstrate that Islamic-era artists sought to showcase their artistic prowess while simultaneously fulfilling their mission to convey meaning, foster creativity, and employ symbolism. In other words, the purpose of ornamentation during the Islamic era extended beyond mere visual appeal to encompass the expression of profound concepts such as order, the unity of existence, and divinity, all of which are embodied in the patterns adorning structures of the period. Despite the numerous alterations it has undergone, Khan's Hammam in Kashan continues to exemplify the astute utilization of symbols and emblems, as a cultural medium for transmitting messages across generations. Upon careful reflection, it becomes evident that the tile-work patterns in Khan's Hammam are not merely decorative but possess deep-seated meanings and significance.

Keywords: Kashan Bazaar, Khan's Hammam, symbolism of patterns, seven-color tiles.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۲۳۷-۲۵۸
مقاله علمی ترویجی

بررسی فنون ساخت مسجد تاریخی پرزله در ایبانه

حسین راعی*

سپیده بنایی**

چکیده

روستای ایبانه در شهرستان نطنز قرار دارد و دارای پنج محله تاریخی ارزشمند است. مسجد پرزله در محله پل و در لبه معبر تاریخی راشتا قرار گرفته است. این مسجد را اهالی آنجا ساخته‌اند و یک خانه و چندین زمین کشاورزی برای آن وقف شده است. مسئله تحقیق تکمیل مستندات فنی درباره فنون ساخت مسجد پرزله به‌عنوان یکی از مساجد تاریخی و باارزش ایبانه است. این اثر دارای مدارک و مستندات معماری کاملی نیست و فرایند شکل‌گیری و جزئیات معماری آن مورد بررسی قرار نگرفته است. هدف از این پژوهش معرفی ساختار مسجد پرزله است. برای نیل به هدف یادشده، دو پرسش اصلی درباره اجزای معماری مسجد و شیوه ساخت آن مطرح شده است. در پاسخ به پرسش‌ها و به دلیل ماهیت تاریخی مسجد، از راهبرد تفسیری تاریخی استفاده شده است. در این راهبرد، سه قالب مطالعات میدانی، سندپژوهی و مصاحبه برای گردآوری اطلاعات به کار برده شده است. نتایج پژوهش نشان داده است که مسجد پرزله با سه شبستان و یک ایوان از دوره ایلخانی تا پهلوی شکل گرفته است. آن‌ها این مسجد را با ساختار وزنی شکل داده و به موضوعاتی چون کنترل تنش‌ها، تبادل هوا و آسایش حرارتی از طریق به‌کارگیری جزئیات خلاقانه با ترکیب مصالح بنایی و چوبی پرداخته‌اند. علاوه بر آن، مردم بومی با پایش مداوم بنا در کنار فنون خلاقه ساخت توانسته‌اند به زیست این مسجد در طول شش قرن کمک کنند و این فنون را به نسل‌های بعدی انتقال دهند.

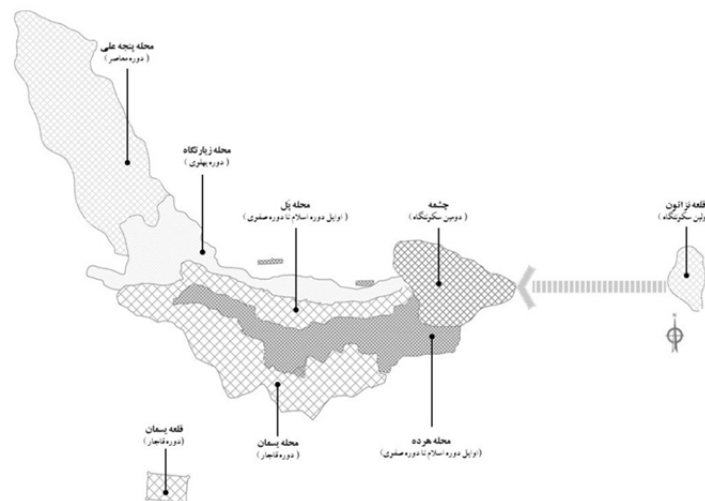
کلیدواژه‌ها: ایبانه، مسجد پرزله، معماری بومی، فنون ساخت.

* استادیار گروه مرمت میراث معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران / hoseinraie@iust.ac.ir
** کارشناسی ارشد حفاظت و مرمت میراث معماری، گروه مرمت میراث معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / Sepideh.banayi1997@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

۱. مقدمه

ایبانه با ارتفاع ۲۱۰۰ متر از سطح دریا دارای آب‌وهوای سرد و نیمه‌خشک است. میانگین بارش سالانه ۱۸۲ میلی‌متر بوده و آب روستا از طریق چشمه دوآبی واقع در غرب ایبانه تأمین می‌شود. مردم روستا اغلب کشاورز، باغدار و دامدار هستند و زمین کشاورزی و باغات آن‌ها در پیرامون بافت کالبدی روستا قرار دارد. علاوه بر آن گردشگران زیادی به روستا سفر می‌کنند و بخشی از جمعیت شناور ایبانه را تشکیل می‌دهند و گاه در ایام پرازدحام گردشگری به محصولات کشاورزی روستائیان نیز آسیب می‌رسانند (Ryan et al., 2022). در کنار این روستا محوطه باستان‌شناختی به نام نراتون (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷) قرار دارد که نشان می‌دهد قدمت روستا مربوط به دوره پیش از اسلام است (سیرو، ۱۳۵۷). روستای ایبانه دارای پنج محله، یک آتشکده به نام هریپاک (اعظم واقفی، ۱۳۷۵: ج ۴) و یک مسجد جامع است (شکل ۱) و در هر یک از محله‌ها عناصر کالبدی از قبیل خانه‌های تاریخی، معابر، آسیاب، آب‌انبار و قلعه دیده می‌شود. ایبانه‌ای‌ها مسلمان هستند و مردم روستا دارای تعلق خاطر نسبت به سنت‌های بومی و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی روستا هستند (Karami and Darvish, 2019). به همین دلیل در هر محله یک مسجد ساخته شده است. مسجد پرزله در محله پل و در میانه روستا قرار دارد و هسته اصلی آن مربوط به دوره ایلخانی است (راعی، ۱۳۹۲: ۵۲). این بنا دوطبقه است و در طول چندین قرن توسط مردم روستا و محله پل مورد استفاده قرار گرفته است. آن‌ها هر سال برای شرکت در مراسم ملی و مذهبی از نقاط دیگر ایران به این مسجد می‌آیند و به‌طور مداوم از آن مراقبت و نگهداری می‌کنند.



شکل ۱: هندسه شکل‌گیری روستای ایبانه و جهت توسعه آن (بازنگری توسط نگارندگان، ۱۴۰۰)



بررسی فنون ساخت مسجد تاریخی پرزله در ایبانه، حسین راعی و سپیده بنایی

10.22052/KASHAN.2024.253406.1088

مسئله تحقیق، تکمیل اطلاعات و مستندات فنی درباره شیوه ساخت مسجد و لزوم واکاوی آن است. بررسی اقدامات و مداخلات کالبدی آن از گذشته تاکنون می‌تواند ما را با نظام ساختاری بناهای مشابه در ایبانه نیز آشنا کند. هدف از این پژوهش، معرفی فنون ساخت مسجد پرزله است و در این مسیر از راهبرد تفسیری تاریخی استفاده می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

ایبانه در حوزه‌های مختلف از قبیل گردشگری، معماری، هنر، ادبیات و جغرافیای تاریخی، یک مورد پژوهشی مورد مطالعه و بررسی در سالیان اخیر بوده است. یکی از قدیمی‌ترین اسناد درباره ایبانه، مربوط به سیرو (۱۳۵۷) است. او ضمن بازدید میدانی و تشریح راه‌های باستانی اصفهان به موقعیت ایبانه در دره برز رود اشاره کرده و آثار تاریخی و طبیعی آن را تشریح می‌کند. اعظم واقفی (۱۳۷۵) نیز در جلد چهارم کتاب میراث فرهنگی نطنز، ویژگی‌های معماری، کشاورزی و آداب و سنن ایبانه را بر پایه اسناد و تصاویر موجود بررسی کرده و در بخشی از کتاب ارائه می‌کند. منبع دیگر مربوط به زین‌العابدین خوانساری (۱۳۷۸) است. او در کتاب ایبانه و فرهنگ مردم آن با نگاه مردم‌شناسانه به ماهیت اجتماعی و فرهنگی ایبانه‌ای‌ها می‌پردازد و تکیه او بر معرفی سنت‌های اجتماعی و آثار معماری است. پس از او، نظری داشلی برون و همکاران (۱۳۸۴) کتاب مردم‌شناسی روستای ایبانه را منتشر می‌کنند و در آن به ایبانه از دیدگاه‌های جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند. باین حال، درباره معماری ایبانه و جزئیات آن پژوهش اندکی منتشر شده است. در این ارتباط و در پایگاه میراث فرهنگی ایبانه، اقتصادی و اریسی (۱۳۸۲) به پژوهش درباره جزئیات معماری روستا پرداخته و شیوه‌های ساخت و نگهداری در ایبانه را تشریح کرده‌اند. در ادامه، راعی (۱۳۹۲) در کتاب یادداشت‌هایی درباره آثار تاریخی ایران، ایبانه را از دیدگاه معماری و حفاظت آثار تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد و نقشه‌هایی را از بناهای عمومی و تاریخی روستا منتشر می‌کند. بلیلان و حسن‌پور لمر (۱۳۹۸) نیز درباره تزئینات موجود در بناهای ایبانه و ارتباط آن با تناسب طلایی، مقاله‌ای را منتشر کرده‌اند. در بین مقالات منتشر شده، بیشترین پژوهش به حوزه گردشگری اختصاص دارد. در مقاله‌ای که توسط رایان و همکاران (۲۰۲۲) منتشر شده است، به تأثیر منفی حضور گردشگران در ایبانه پرداخته شده است. مقالاتی از این دست، با نگاه به معرفی ایبانه نیز منتشر شده است؛ از جمله: رک: شربتیان و خزایی (۲۰۱۲)؛ امینی (۲۰۱۹)؛ رضایی و همکاران (۱۳۹۴)؛



نادری مهدیی و همکاران (۱۳۹۲)؛ موسوی و رجبی (۲۰۱۳) و ارشادی ایبانه (۱۳۹۱). به‌رغم مطالعات یادشده در روستا تاکنون پژوهش مبسوطی دربارهٔ مسجد پرزله دیده نشده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش پیش رو با هدف پاسخ به دو پرسش دربارهٔ دوره‌های تاریخی شکل‌گیری و چگونگی شیوهٔ ساخت مسجد پرزله و فنون ساخت آن انجام شده است. این مطالعات در سال ۱۳۸۵ شمسی، در هنگام مرمت این بنا توسط مردم بومی محله، آغاز شده است. آن‌ها در حین مرمت، سقف‌ها و کف‌های طبقات را برداشتند و فرصت مناسبی برای نقشه‌برداری، عکاسی و مطالعات میدانی فراهم کردند. علاوه بر آن، افراد محلی که در حال مرمت مسجد بودند، اطلاعات مناسبی برای شناخت آن ارائه کردند. مرمت مسجد پرزله توسط بومیان محلهٔ پل و بررسی میدانی آن، سه ماه زمان برد و بخشی از اطلاعات پنهان در مسجد را هویدا کرد. داده‌ها با نمونه‌ها و بناهای مشابه از نظر ساختار، مصالح و اجزا تطبیق داده شدند و با استفاده از ابزارهای یادشده با الگووارهٔ تفسیری و راهبرد تفسیری تاریخی مورد واکاوی قرار گرفتند.

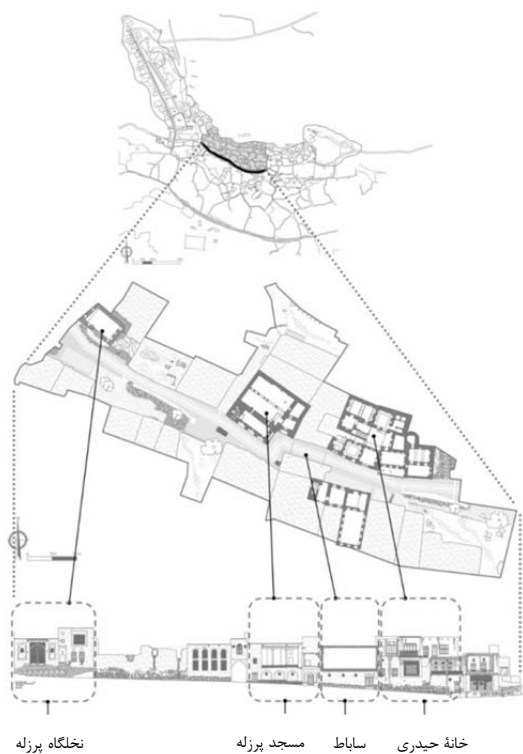
۴. موقعیت مسجد پرزله در روستای ایبانه

ایبانه دارای دو ورودی در جبهه‌های غربی و شرقی است. هر دو ورودی به معبر اصلی روستا به نام راشتا می‌رسد. راشتا قدیمی‌ترین معبر (راعی، ۱۳۹۲) و محور گردشگری روستایی (Sharbatian & Khazae, 2012) در ایبانه است (شکل ۲). اغلب خانه‌های تاریخی مربوط به دوره‌های سلجوقی تا پهلوی، آتشکده، امامزاده، دروازهٔ روستا، آب‌انبارها، نهر آب و مساجد در لبهٔ راشتا قرار گرفته‌اند. محلهٔ پل نیز در جبههٔ غربی ایبانه شکل گرفته و مانند محله‌های دیگر متصل به راشتا است (ارشادی ایبانه، ۱۳۹۱). این محله دارای یک مسجد به نام پُرزله است و بناهای دیگر محله که اغلب مسکونی هستند، در قرن ۱۳ و ۱۴ شمسی ساخته شده‌اند. مسجد پرزله دارای سه ورودی از راشتا و معابر فرعی دیگر است (شکل ۲).

۵. مالکیت و عملکرد مسجد پرزله

مسجد پرزله توسط شخصی به نام ارشد برای انجام امور مذهبی اهالی ساخته شد. او در محلهٔ پل زندگی می‌کرد و خانه‌ای را در بخش شرقی مسجد برای نگهداری و حفاظت از آن وقف کرد. برادر او نیز برای مشارکت در این کار چندین زمین کشاورزی را بر مسجد وقف کرد (خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸: ۴۴) و از این طریق، مسجد پرزله به‌طور مداوم توسط آن‌ها و مردم محله مورد

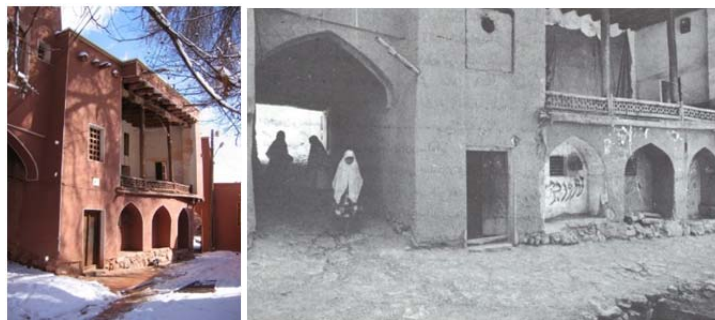
پایش قرار گرفت. مردم محله در گذشته برای برگزاری نماز به‌طور روزانه از آن استفاده می‌کردند. آن‌ها در زمستان‌ها در شبستان طبقه پایین جمع می‌شدند و نماز و دعا می‌خواندند و در تابستان‌ها از اتاق و ایوان طبقه بالا استفاده می‌کردند؛ اما هم‌اکنون به‌دلیل مهاجرت مردم به شهرهای اطراف (نادری مهدیی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸) و کمبود جمعیت ثابت درهای مسجد بسته است و فقط در روزهای خاص ملی و مذهبی مانند محرم باز می‌شود. مردم محله پل در ماه محرم به ایبانه و مسجد پرزله می‌آیند و برای برگزاری مراسم باشکوه عزاداری، از سنتی به نام نخل‌گردانی استفاده می‌کنند (راعی، ۱۳۹۲). نخل یک نماد آیینی و مذهبی مربوط به محرم است که در ابعاد بزرگ با چوب ساخته و تزیین می‌شود (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰). برای نگهداری نخل، اهالی محله اتاقی به نام نخلگاه در همسایگی مسجد پرزله ساخته‌اند (شکل ۲). علاوه‌بر آن، مسجد پرزله به‌مانند دیگر آثار ایبانه توسط گردشگران زیادی مورد بازدید قرار می‌گیرد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰). آن‌ها به‌صورت نمادین پارچه‌هایی را به دریچه مسجد آویزان می‌کنند تا خداوند آن‌ها را به آرزوهایشان برساند.^۱



شکل ۲: موقعیت محله پل و مسجد پرزله در روستای ایبانه (ترسیم و بازنگری توسط نگارندگان، ۱۴۰۰)

۶. دوره‌های تاریخی شکل‌گیری

تعیین تاریخ ساخت و نوع تغییرات و الحاقات در مسجد پرزله به‌طور دقیق امکان‌پذیر نیست؛ زیرا تغییرات کالبدی مسجد در طول زمان مستند نشده و مدارک فنی به‌جز تصویری متعلق به دهه پنجاه شمسی در این زمینه وجود ندارد (شکل ۳). مردم محله در دوره‌های مختلف تاریخی به‌دلیل ازدیاد جمعیت و نبود فضای کافی برای نمازگزاران، چند شبستان و فضای جانبی را به مسجد الحاق کردند و تنها نشانه‌ای که برجای گذاشتند، تاریخی است که بر روی درهای چوبی مسجد نوشته شده است (شکل ۸). هم‌اکنون مسجد پرزله دارای فرم چهارضلعی، سه شبستان و یک ایوان در دو طبقه است. دو شبستان در طبقه همکف و یک شبستان و ستاوند در طبقه اول قرار گرفته‌اند. ورودی اصلی مسجد در جبهه جنوبی است که علاوه بر این، دو ورودی دیگر در جبهه‌های شرقی و غربی نیز وجود دارند. ورودی جبهه غربی با توجه به شیب و بستر طبیعی زمین به‌طور مستقیم به شبستان طبقه اول باز می‌شود و ورودی شرقی به شبستان‌های طبقه همکف مرتبط می‌گردد (شکل ۴ و ۵).



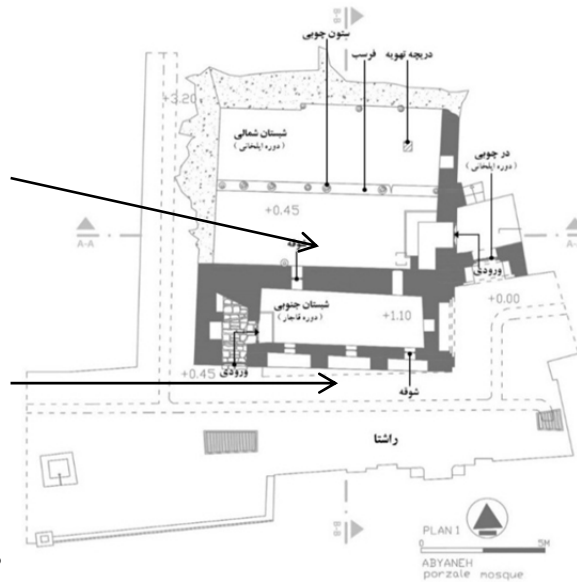
شکل ۳: تصاویری از مسجد پرزله در دهه پنجاه و سال ۱۳۸۵ شمسی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۱-۶. طبقه همکف

طبقه همکف دارای دو شبستان شمالی و جنوبی و دو ورودی است. شبستان شمالی در این طبقه به‌عنوان قدیمی‌ترین بخش مسجد پرزله شناخته می‌شود (Amini, 2019: 66). تاریخ حکا شده بر روی در شبستان مربوط به سال ۷۰۱ هجری قمری است. کف این شبستان از ورودی جنوبی ۴۰ سانتی‌متر بالاتر است و دارای ستون‌های چوبی به قطر ۲۵ تا ۳۵ سانتی‌متر و فرسب‌های دو چوبی به قطر ۱۲-۲۰ سانتی‌متر است. همچنین دو دریچه تهویه در سقف وجود دارد که به کف شبستان بالا مرتبط می‌شود و از طرف دیگر با دو شوقه^۳ به شبستان جنوبی ارتباط پیدا می‌کند که پس از شش قرن در دوره قاجار به شبستان شمالی، پیوست شده است. این فضا به‌وسیله چند پله به ایوان طبقه بالا می‌رسد (شکل ۴).



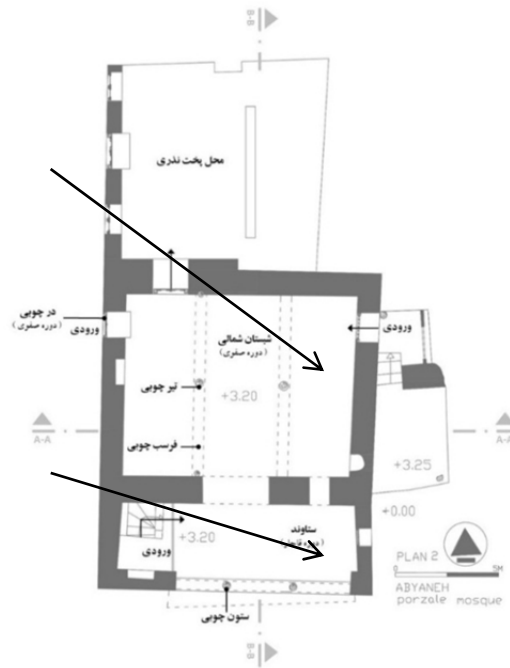
شکل ۴: نقشه و تصاویر طبقه همکف مسجد پرزله (نگارندگان، ۱۴۰۰)



۲-۶. طبقه اول

طبقه اول مسجد پرزله دارای یک شبستان در شمال و یک پیشگاه در جنوب است (شکل ۵). این طبقه دارای ۴ ورودی در ۴ جبهه اصلی است و مهم‌ترین ورودی آن در جبهه غربی قرار دارد. شبستان شمالی دارای دو ستون قطور و فرسب‌هایی به قطر ۴۰-۵۰ سانتی‌متر است و تیرهای فرعی و تخته‌ها بر روی آن قرار می‌گیرند. در کف از تخته‌هایی به قطر ۲ سانتی‌متر استفاده شده است (شکل ۸) و با درگاه بزرگی به ستاوند^۴ جنوبی ارتباط پیدا می‌کند. نمای دیوارها از گچ است و معماران و نجاران در دوره صفوی و هم‌زمان با ساخت این شبستان، تاریخ‌های ۱۰۶۲ و ۱۰۵۱ هجری قمری را بر روی تخته‌های سقف و در غربی نوشته‌اند؛ اما پس از سه قرن معماران دیگری در دوره قاجار در ستاوند جنوبی این طبقه، تاریخ ۱۳۱۱ هجری قمری را نوشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد شبستان شمالی در دوره صفوی و ستاوند نیز در دوره قاجار به مسجد پیوست شده است (شکل ۶). پس از آن نیز تا دوره پهلوی، پیوست‌ها و تعمیرات کوچکی توسط اهالی محله پل انجام شد. پس از مدتی با ایجاد سازمان حفاظت از آثار باستانی ایران در دهه ۴۰ هجری شمسی (مجد، ۱۳۸۸) از طرف نهادهای دولتی تعمیر گردید و در دهه ۸۰ نیز توسط پایگاه میراث فرهنگی ایبانه مورد استحکام‌بخشی قرار گرفت؛ بنابراین با توجه به مستندات اشاره‌شده در طبقات همکف و اول، مسجد پرزله دارای سه دوره ساخت اصلی است:

۱. شبستان شمالی طبقه همکف در قرن ۸ هجری قمری به‌عنوان هسته تاریخی مسجد؛
۲. شبستان شمالی طبقه اول در قرن ۱۱ هجری قمری؛
۳. شبستان جنوبی طبقه همکف و ستاوند طبقه اول در قرن ۱۴ هجری قمری.

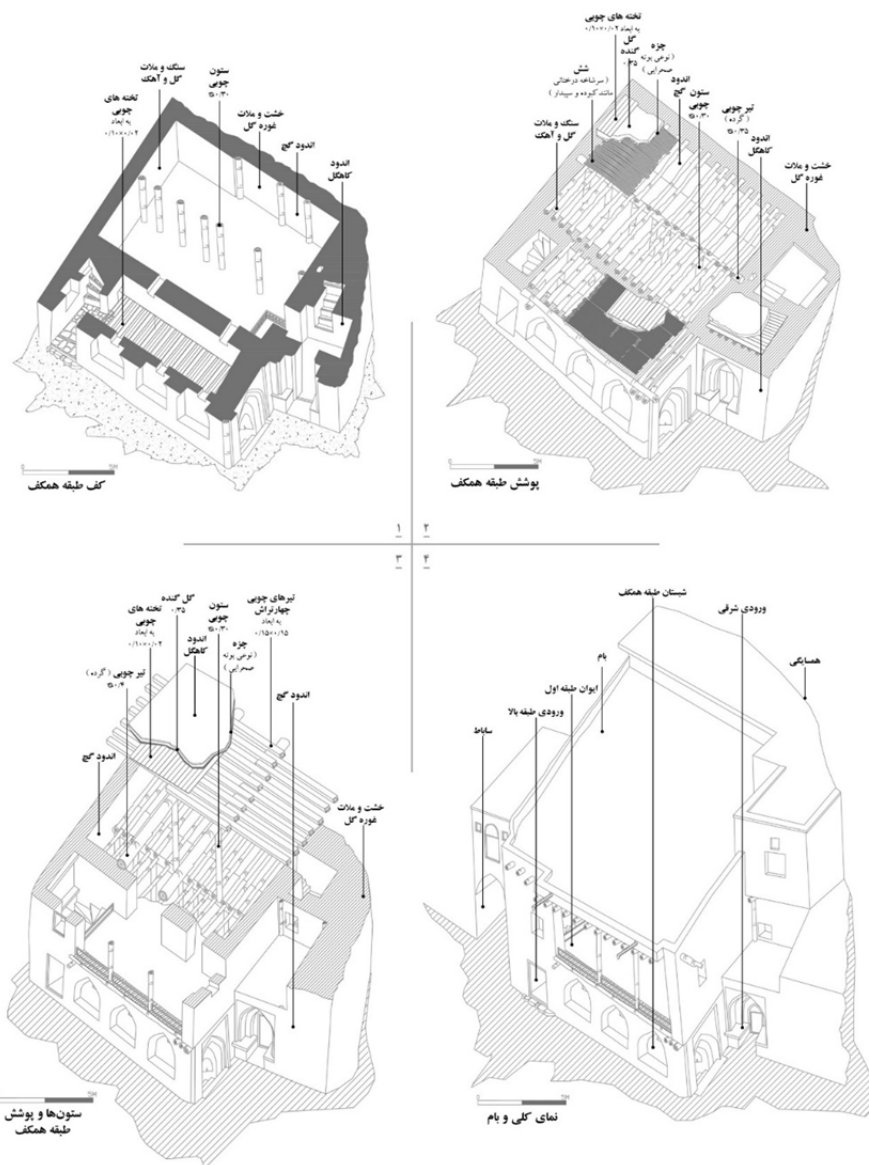


شکل ۵: نقشه و تصاویر طبقه اول مسجد پرزله (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۷. شیوه ساخت مسجد پرزله

مسجد پرزله در رده‌بندی مساجد چوبی قرار می‌گیرد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸). ساختار مسجد پرزله از نوع وزنی است و ترکیب دیوار برابر از جنس سنگ لاشه و خشت به‌عنوان نیروی فشاری با چوب^۵ به‌دلیل مقاومت کششی آن تأمل‌برانگیز است (شکل ۶). مردم ایبانه در طول قرن‌ها دیوار برابر را بر روی بستر صخره‌ای و شیب طبیعی زمین قرار می‌دادند. این بستر زیه^۶ نام دارد و از جنس سنگ‌های رسوبی است (اریسی، ۱۳۸۳). مسجد پرزله نیز بر روی زیه قرار گرفته است. دیوارهای برابر در طبقه همکف به‌دلیل بارش برف تا ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر با سنگ لاشه و گل‌آهک بر روی زیه چیده شده و سپس مصالح تغییر یافته و تا ارتفاع ۲/۳۵ سانتی‌متر از خشت استفاده می‌شود (شکل ۷). استادکاران محلی از ظرفیت حرارتی خشت و سنگ برای محافظت در مقابل سرما بهره برده و شبستان این طبقه را کوتاه و با ۱۱ ستون اصلی و

کمکی به قطر ۳۵-۲۵ سانتی متر شکل داده‌اند. سقف این طبقه، چوبی انتخاب گردید. آن‌ها به سبک بودن چوب، مقاومت کششی، ظرفیت حرارتی و عملکرد مناسب آن در برابر زلزله فکر کردند؛ بنابراین ترکیبی از فرَسب^۷ با تیرهای فرعی، مصالح پُرکننده^۸ و تخته‌کاری را انتخاب نمودند.



شکل ۶: شیوه ساخت و کاربرد مصالح در مسجد پرزله (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۱-۷. کاربرد مصالح

سنگ، چوب و خاک سه مصالح اصلی در مسجد پرزله است و مصالحی مانند خشت، کاهگل، گچ و آجر نیز فرعی محسوب می‌شوند. در ایبانه به خاک، هوک گفته می‌شود و دارای سه نوع است؛ خاک قرمز (هوک سور)^{۱۰}، خاک زرد (هوک زرا) و خاک سفید (هوک اسپه) (اعظم واقفی، ۱۳۷۵). این خاک‌ها از مکانی به نام پُشلیل^{۱۱} واقع در جبهه جنوبی روستا تهیه شده و به درون محله‌ها حمل می‌شوند. خاک قرمز علاوه بر جدایت بصری دارای چسبندگی بهتر و مقاومت بیشتری در مقابل عوامل جوی است و به همین دلیل از آن در سیمای کلی ایبانه و همچنین نمای بیرونی و بام مسجد پرزله استفاده شده است.^{۱۲} استادکاران و نجاران بومی علاوه بر خاک، از سنگی محلی به نام سار برای ساخت پی و کرسی در این بنا استفاده کرده‌اند (شکل ۷). این سنگ در مقابل برف و یخبندان دارای مقاومت نسبی است. آن‌ها برای تهیه چوب نیز برنامه مشخصی دارند. مردم ایبانه چوب‌های کاربردی در ساخت خانه‌ها و بناهای عمومی مانند درختان کبوده، چنار، سپیدار، تبریزی و صنوبر را در باغ‌ها پرورش می‌دهند و در زمان لازم از آن‌ها استفاده می‌کنند یا به فروش می‌رسانند (نظری داشلی برون و همکاران، ۱۳۸۴). استادکاران محلی نیز از ظرفیت تولید و انبار چوب در روستا بهره برده و از درختان کبوده و چنار در ساخت ستون و تیر مسجد پرزله استفاده کرده‌اند (شکل ۶).

۲-۷. دیوارهای باربر و ستون‌های چوبی^{۱۳}

در نظام ساختاری مسجد پرزله، نیروهای فشاری توسط دیوارهای باربر و ستون‌های چوبی به پی منتقل می‌شود. ضخامت دیوارهای باربر در طبقات پایین و بالا با توجه به دوره ساخت متفاوت است. قدیمی‌ترین شبستان در طبقه پایین دارای دیوارهایی به عرض ۱۲۰ سانتی‌متر است. علت آن استفاده از ظرفیت حرارتی مناسب و کنترل نیروها با توجه به ابعاد شبستان بوده است. استادکاران محلی در مرحله دوم شکل‌گیری برای سبک کردن بنا در بالای این شبستان دیوارهایی با عرض ۱۰۰ سانتی‌متر ساختند و با ورود به دوره متأخر، عرض دیوارهای شبستان جنوبی و ایوان طبقه بالا را ۷۰ سانتی‌متر انتخاب کردند (شکل ۷). این موضوع نشان می‌دهد که آن‌ها با توجه به ابعاد فضاها و جهت قرارگیری تیر، عرض دیوارها را تعیین می‌کردند (اقتصادی و اریسی، ۱۳۸۲). نجاران نیز معیارهایی را در انتخاب موقعیت و سطح مقطع ستون‌های چوبی به کار بستند. آن‌ها برای شبستان شمالی طبقه پایین به دلیل ابعاد و مساحت بزرگ‌تر و همچنین احتمال باربری بیشتر، ۱۱ ستون اصلی و کمکی ساختند (شکل ۶) و در زیر فرسب تعبیه کردند؛



بررسی فنون ساخت مسجد تاریخی پرزله در ابیان، حسین راعی و سپیده بنایی

10.22052/KASHAN.2024.253406.1088

اما در شبستان جنوبی در همین طبقه به دلیل مساحت اندک از هیچ ستونی استفاده نکرده‌اند. در طبقه بالا وضعیت متفاوت بوده است؛ زیرا بام این فضا قابل بارگذاری و استفاده نبوده است. بنابراین نجاران ستون‌ها و سرستون‌های چوبی را به‌عنوان عنصری با ویژگی‌های تزئینی، نگهدارنده و نه کاملاً باربر (شکل ۷) در زیر فرسب‌ها قرار داده‌اند.

۳-۷. سقف‌ها و کف‌ها

سقف‌ها و کف‌های مسجد پرزله براساس ساختار چوبی، طراحی شده و در طبقات مختلف دارای جزئیات مشابهی است. معماران بومی از مصالحی استفاده کرده‌اند تا علاوه بر وزن مناسب دارای ظرفیت حرارتی بهتر در مقابل سرما باشد. مصالح چوبی از این نظر انتخاب مناسبی بود و نجاران محلی از آن برای ساخت لایه‌های مختلف سقف طبقات مانند فرسب، چَرزه و تخته (شکل ۷) استفاده کرده‌اند (نظری داشلی برون و همکاران، ۱۳۸۴). گرما در طبقات پایین می‌توانست در این لایه‌ها محفوظ بماند و هرگونه حرکت جانبی توسط این ساختار مهار شود. آن‌ها در سطح بالایی کف طبقات نیز تخته‌ها را به‌صورت تزئینی به کار برده‌اند. در ابتدا نجاران کف مسجد را با هندسه ساده و تخته‌هایی به عرض ۵ سانتی‌متر به بخش‌های مختلف تقسیم کرده و سپس در درون این بخش‌ها، تخته‌هایی را به ابعاد (۱×۱۰×۲۰۰) سانتی‌متر به‌وسیله زبانه‌هایی به ابعاد (۱×۵×۵) سانتی‌متر به یکدیگر متصل نموده‌اند. به این ترتیب، ترکیب یکپارچه‌ای با چوب در کف شبستان‌ها به وجود آمده است (شکل ۸)؛ اما در کف بام برای جلوگیری از ورود سریع و هدایت آب برف و باران از اندود کاهگل استفاده کرده‌اند و هر سال آن را با غلتک‌های کوچک دستی متراکم می‌کنند. تراکم بیشتر کاهگل می‌تواند تأثیر مناسبی در عایق بودن سقف داشته باشد.

۴-۷. درها و پنجره‌ها^{۱۴}

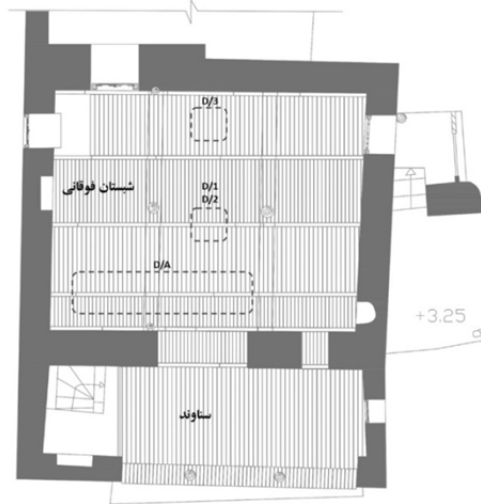
بازشوها رکن اصلی معماری مسجد پرزله‌اند و برای تبادل نور و گرما، تهویه و ارتقای دسترسی، دید و منظر نصب شده‌اند. این مسجد دارای ۷ شوقه و ۷ در ورودی است که توسط نجاران محلی طی شش قرن ساخته شده است. هرچه از گذشته به زمان حال می‌رسد، درها دارای تزئینات مثبت‌کاری، کتیبه‌نگاری و گره‌کاری بیشتری می‌شوند و از نوشته‌ها کاسته می‌شود (شکل ۹). جنس آن‌ها از چوب گردوست و تاریخ ساخت نیز با خط نسخ بر روی درها حک شده است. تعدادی از آن‌ها مربوط به سال‌های ۷۰۱ و ۱۰۵۱ هجری قمری است (شکل ۷) و تزئینات

گل‌وبوته و اشعاری با خط نستعلیق بر روی آن‌ها دیده می‌شود؛ اما درها و شوقه‌های مربوط به دوره قاجار و پهلوی دارای الگوهای هندسی ستاره و چهارسو و گره‌چینی کُند با آلت‌های ترنج و مربع هستند (شکل ۹) و نوشته‌ای بر روی آن‌ها وجود ندارد. گاه تأثیر نمادین تزیینات و اشکال هندسی موجب شده است تا محلی برای ادای نذر و زیارت توسط زنان محله شوند.



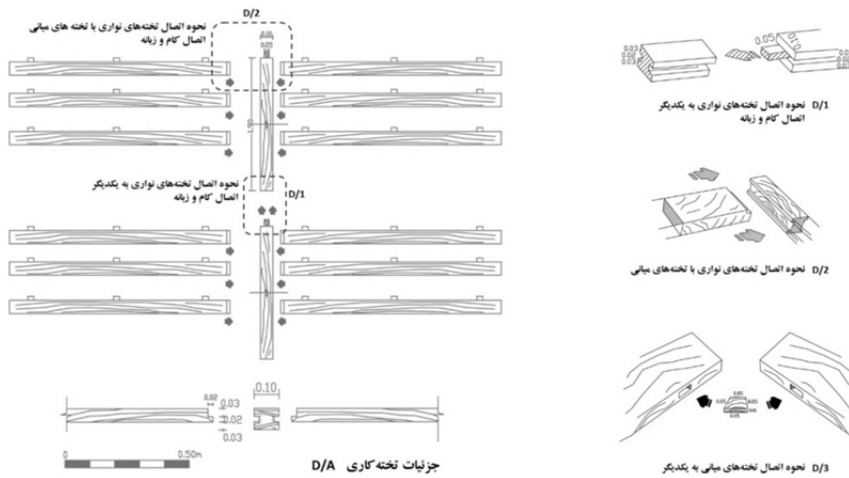
شکل ۷: تاریخ حک‌شده روی در جبهه غربی مسجد پرزله به سال ۱۰۵۱ قمری (ساعی هذا البركة المباركة - حاجی الحرمین - حاجی عبدالباقی بن تقوی شعار مولانا عمادالدین فی تاریخ شهر رجب المرجب سنة ثمان و خمسين و الف (۱۰۵۱) کتبه العبد حسین امین بن ایبانه. حاضر الوقت اسماعیل بن عبدالباقی)

بر اساس مطالعات انجام‌شده تاکنون ۷ الگوی گره‌چینی در روستای ایبانه شناسایی شده است (حسن‌پور لمر و جمالی، ۱۳۹۹: ۳۹-۴۰) که همه آن‌ها به تبع از بناهای مسکونی و مذهبی ایبانه تابع نظم هندسی و تناسب طلایی (Boostani et al., 2018) ۱/۶۱۸ هستند و به این دلیل در آثار معماری، تزیینات وابسته به آن و صنایع دستی مردم روستا نیز به تعداد فراوان استفاده می‌شود و وجه تشابهی را بین آن‌ها ایجاد می‌کند (بلیلان و حسن‌پور لمر، ۱۳۹۸: ۶۱).

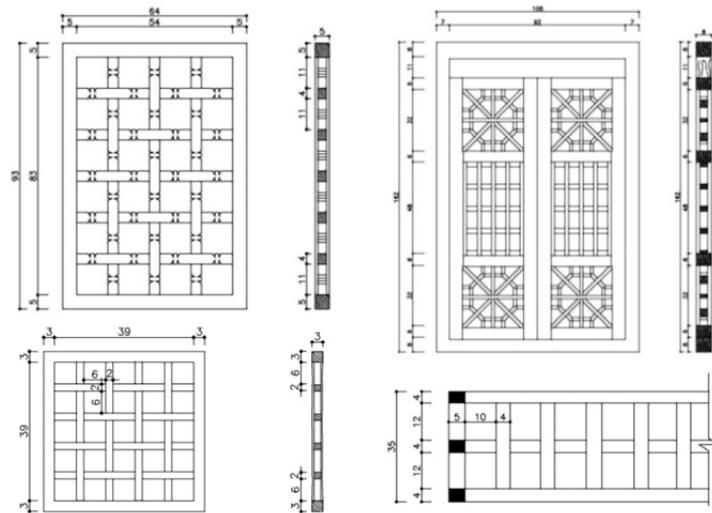


0 4M
ABYANEH
porzale mosque

پلان طبقه اول
مسجد پرزله



شکل ۹: شیوه تخته‌کاری در مسجد پرزله (نگارندگان، ۱۴۰۰)



شکل ۱۰: الگوی گره‌چینی در جبهه شرقی مسجد پرزله (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۸. سنت نگهداری و صیانت از مسجد پرزله

مسجد پرزله یک بنای مذهبی است که با مشارکت دو برادر با اهالی محله پل بنا شد^{۱۵} و برای تأمین هزینه‌های برگزاری مراسم و همچنین نگهداری و پایش مداوم، یک خانه و زمین کشاورزی از طرف آنان وقف مسجد شد (خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸). مردم محله با افزایش جمعیت در طول زمان به توسعه کالبدی مسجد توجه کردند و تعدادی از آنها مدیریت منابع را بر عهده گرفتند. آنها برای ساخت و توسعه مسجد از دانش بومی در زمینه معماری استفاده کردند (شکل ۶) و با مشارکت اهالی علاوه بر ساخت مسجد، به تربیت استادکاران بومی پرداختند. اهالی ایبانه در انتخاب موقعیت مسجد توجه به اقتصاد کشاورزی را یکی از اولویت‌ها در نظر گرفتند. آنها از بستر صخره‌ای به جای زمین‌های حاصلخیز برای ساخت استفاده کردند تا منابع تولید کشاورزی از بین نرود. مصالح و شیوه‌های ساخت نیز برگرفته از ظرفیت‌ها و منابع محلی ایبانه و پیرامون آن بوده و تاکنون نیز ادامه پیدا کرده است. علاوه بر آن، تداوم سنت‌های فرهنگی و مذهبی و مشارکت محلی توانسته است نقش مهمی در پویایی مسجد ایفا کند. مردم محله پل با اشتیاق و گاه در رقابت با محله‌های دیگر (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰) در ماه‌های رمضان، محرم و قربان در مسجد حضور یافته و سعی کرده‌اند به هر بهانه‌ای، درهای مسجد به روی همگان باز باشد. برگزاری نمازهای روزانه در کنار اعتقاد به استجاب دعا، نذر کردن و دخیل بستن بر شوقه‌های مسجد توانسته است جایگاه آن را در نزد ایبانه‌ای‌ها ارتقا ببخشد. آنها از ظرفیت‌های درونی و

بومی ایبانه (Farnian, 2016) در زمینه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فکری به‌عنوان یک سنت ساخت (عباسی هرفته، ۱۳۹۴) در مسجد پرزله و سایر بناهای روستا استفاده کرده‌اند.^{۱۶}

۹. نتیجه‌گیری

روستای ایبانه، واقع در استان اصفهان، دارای پیشینه پیش از اسلام است و مردم آن مسلمان‌اند. این روستا دارای ۵ محله است و مسجد پرزله در محله پل قرار دارد. بنای مسجد در کنار معبر اصلی روستا به نام راشتا و رو به جنوب قرار گرفته است. معماران محلی آن را در دو طبقه با سه شبستان و یک ایوان در طول ۶ قرن شکل داده‌اند. هسته تاریخی آن شبستان شمالی طبقه پایین است که در دوره ایلخانی ساخته شده است. پس‌از آن و در دوره صفوی، شبستان شمالی طبقه بالا ساخته می‌شود و سپس در دوره قاجار شبستان و ایوان جنوبی در طبقات پایین و بالا شکل می‌گیرد. ساختار آن وزنی و سنتی است و معماران بومی در ساخت آن از ترکیب دیوار سنگی و خشتی با چوب استفاده کردند و بر روی بستر صخره‌ای به نام زَیَه بنا نهادند. آن‌ها در ابتدا بستر زَیَه را آماده و برای ساخت پی، مسطح کردند. سپس دورتادور شبستان قدیمی را با دیوار سنگی و خشتی به قطر ۱۲۰ سانتی‌متر شکل داده و شبستان‌ها را محصور کردند. ضخامت زیاد دیوارها علاوه‌بر ایجاد ظرفیت حرارتی در جوانب می‌توانست تنش‌های فشاری را تحمل کند. علاوه‌بر آن، معمار محلی برای شکل‌دهی به مسجد نیازمند کنترل نیروها و تنش‌های کششی و جانبی و همچنین تبادل هوا و تأمین گرما بود؛ بنابراین از مصالحی استفاده کرد تا علاوه‌بر وزن مناسب دارای مقاومت کششی، ظرفیت حرارتی و عملکرد مناسب در برابر زلزله باشد. آن‌ها به دسترسی مناسب و تهیه آسان مصالح نیز فکر کردند و چوب‌هایی را از جنس کبوده و چنار در طول قرن‌ها پرورش داده و به این منظور از آن استفاده کرده‌اند. از چوب‌های محلی، فرسب، تیرهای فرعی، شش، چَرِه و تخته ساختند و با دیوارهایی از جنس سنگ محلی و خشت تهیه‌شده از خاک پُشلیل ترکیب کردند. آن‌ها از مصالحی استفاده کرده‌اند که در پیرامون روستا به دست می‌آمد و توسط بومیان پرورش می‌یافت. علاوه‌بر آن، مردم از گذشته تاکنون به این مسجد اعتقاد قلبی داشته و با برگزاری مراسم معنوی در روزهای خاص ملی و مذهبی موجب حفاظت بیشتر از مسجد پرزله شده‌اند. این سنت ساخت و نگهداری در اغلب بناهای ایبانه استفاده شده است و براساس تجارب زیستی در طول قرن‌ها به دانش بومی تبدیل شده و به نسل‌های بعدی انتقال یافته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. آگاهی در این باره و اطلاع‌رسانی توسط اهالی روستا می‌تواند آن‌ها را از مزیت اقتصادی، گردشگری،



بررسی فنون ساخت مسجد تاریخی پرزله در ایبانه، حسین راعی و سپیده بنایی

10.22052/KASHAN.2024.253406.1088

- مذهبی و فرهنگی بهره‌مند کند (Manafian et al., 2014) و گردشگری روستایی را تقویت کند (حسین‌زاده و مولوی عربشاهی، ۱۳۹۷).
۲. تیر چوبی اصلی.
 ۳. پنجره‌های کوچک با گره‌های چوبی در ایبانه.
 ۴. ایوانی که از دو طرف محدود و از یک طرف رو به بیرون است.
 ۵. در ایبانه از درخت کبوده با خاصیت کششی برای فرسب‌ها و درخت چنار با خاصیت فشاری برای ستون‌ها استفاده می‌شود؛ البته گونه‌های دیگری چون تبریزی و صنوبر نیز استفاده می‌شوند.
 ۶. سنگ سار و زَیَه جزء جدایی‌ناپذیر بناهای ایبانه محسوب می‌شوند. زیه به رنگ خاکستری-سبز در بستر خانه‌های واقع در محلات ایبانه وجود دارد و باید برای قرارگیری پی، کمی آن را تراشید و سنگ سار نیز در پی‌سازی و سنگ‌چینی‌ها استفاده می‌شود.
 ۷. تیر اصلی از جنس چوب که تیرهای فرعی بر روی آن قرار می‌گیرد.
 ۸. منظور شاخه‌های درختان کبوده و سپیدار به دلیل وزن سبک و حجیم بودن است.
 ۹. در مسجد پرزله از شاخه‌های درختان کبوده و سپیدار برای شُش و چَرَه استفاده شده است.
 ۱۰. سرخی این خاک به دلیل وجود اکسید آهن فراوان در آن است.

11. Poshlil.

۱۲. خاک سفید و زرد نیز به ترتیب مقدار مقاومت و استفاده در ایبانه نسبت به خاک قرمز کمتر است و اغلب در اندوذهای تزیینی داخلی و خارجی استفاده می‌شوند.
۱۳. ایبانه‌ای‌ها به ستون‌های چوبی، جناق می‌گویند (نظری داشلی برون و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۹۴).
۱۴. در ایبانه به پنجره، برینجا گفته می‌شود و شوقه یک نوع از برینجاست (اریسی، ۱۳۸۳).
۱۵. نظام مالکیت و مشارکت پیچیده (شاکری‌زاد ایبانه و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶) و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر آن (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰)، مهم‌ترین ظرفیت شناخته‌شده در ایبانه است.
۱۶. می‌توان از آن به‌عنوان نقطه تعاملی بین معماری بومی، بهینگی و خودبسندگی (ایرجی، ۱۳۹۹: ۲) نام برد.

منابع

ارشدی ایبانه، مقداد. (۱۳۹۱). *راهنمای مستند گردشگری ایبانه*. کاشان: نشر محتشم.
اریسی، امین. (۱۳۸۳). *پژوهشی در جزئیات معماری روستای ایبانه*. ایبانه: پایگاه میراث فرهنگی ایبانه.

اعظم واقفی، سید حسین. (۱۳۷۵). *میراث فرهنگی نطنز*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

اقتصادی، کیارش، و اریسی، امین (۱۳۸۲)، *جزئیات معماری ایبانه، فاز مقدماتی*. ایبانه: پایگاه میراث فرهنگی ایبانه.

ایرجی، الهام. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر اصول معماری بومی در شکل‌گیری معماری سبز (نمونه موردی: روستای ایبانه). *معماری‌شناسی*، ۳(۱۵)، ۱-۱۲.

بلوک‌باشی، علی. (۱۳۸۰). *نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بیلان، لیدا، و حسن‌پور لمر، سعید. (۱۳۹۸). «الگوهای هندسی و تناسب‌های طلایی، زبان مشترک معماری و هنر در روستای تاریخی ایبانه. *معماری اقلیم گرم و خشک*، ۷(۹)، ۴۵-۶۸.

حسن‌پور لمر، سعید، و جمالی، سیروس. (۱۳۹۹). «قیاس‌تزیینات گره‌چینی در ساختار بصری پنجره‌های بازشوی دو روستای تاریخی ماسوله و ایبانه. *مطالعات تطبیقی هنر*، ش. ۱۹، ۴۸-۳۱.

حسین‌زاده، مهناز، و مولوی عربشاهی، سیده سوسن (۱۳۹۷)، *توسعه پایدار گردشگری در روستای ایبانه با استفاده از رویکرد پویایی سیستم. گردشگری و توسعه*، ۷(۳)، ۱۷۳-۱۹۴.

خوانساری ایبانه، زین‌العابدین. (۱۳۷۸). *ایبانه و فرهنگ مردم آن*. تهران: انتشارات گنجینه هنر.

راعی، حسین. (۱۳۹۲). ایبانه، یک روستا، یک محله، یک بن. *جلد اول از یادداشت‌هایی درباره آثار تاریخی ایران*. تهران: ایران‌نگار.

رضایی، روح‌اله، حسینی، سید محمود، رنجبران، پریرسا، و صفا، لیلا. (۱۳۹۰). ارزیابی اثرات منفی توسعه گردشگری در روستای ایبانه استان اصفهان با استفاده از مدل تحلیل عاملی. *فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری*، ۱(۱)، ۲۷-۴۰.

رضایی، روح‌اله، صفا، لیلا، و رنجبران، پریرسا. (۱۳۹۴). شناخت و واکاوی مشکلات توسعه گردشگری در مناطق روستایی استان اصفهان (نمونه موردی: روستای ایبانه). *فضای جغرافیایی*، ۱۵(۴۹): ۳۷-۵۶.

سلیمانی، پروین، فرهمند بروجنی، حمید و اکبری‌فرد، مریم. (۱۳۹۰). *ساختار و تزیینات چوبی مسجد جامع ایبانه با مساجد چوبی آذربایجان شرقی*. *مطالعات هنر اسلامی*، ۷(۱۴)، ۲۵-۴۰.

سیرو، ماکسیم. (۱۳۵۰). *راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها*. ترجمه مهدی مشایخی (۱۳۵۷). تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.



بررسی فنون ساخت مسجد تاریخی پرزله در ابیانه، حسین راعی و سپیده بنایی

10.22052/KASHAN.2024.253406.1088

شاکری‌زاد ابیانه، عباس، مسگری هوشیار، سارا، و میری، حسن. (۱۳۸۹). بازشناسی خانه در ابیانه. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۹(۱۳۱)، ۱۳-۲۶.

عباسی هرفته، محسن. (۱۳۹۴). شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران. یزد: دانشگاه یزد.

مجد، محمدقلی. (۱۳۸۸). تاراج بزرگ؛ آمریکا و غارت میراث فرهنگی ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

نادری مهدیی، کریم، اذانی، مه‌ری، یعقوبی فرانی، احمد، و روستایی، مریم. (۱۳۹۲). واکاوی اثرات گردشگری در روستای ابیانه با استفاده از تکنیک SWOT، تحقیقات جغرافیایی، ۲۸(۴)، ۳۱-۴۴.

نظری داشلی برون، زلیخا، حاجی علیمحمدی، هما، رهو، روشنگر، و تراب‌زاده، عباس. (۱۳۸۴). مردم‌شناسی روستای ابیانه. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی با همکاری اداره کل امور فرهنگی.

Amini, E. (2019). *A Comparison Study of Vernacular Settlements in Iran: Case Study of Masouleh and Abyaneh Villages*. Istanbul: Istanbul Technical University.

Manafian, H., Daneshvar Ameri, Zh., & Salehi Esfahani, S. (2014). Investigation of the Factors Hindering and Promoting Tourism Evidences from Villages of Abyaneh Village. *International Journal of Agricultural Management and Development (IJAMAD)*, Vol. 2, 95-103.

Mousavi, N., & Rajabi, M. (2013). Applicating an Ordered Probit Model for Analysis of the influencing Factors on Tourist's Willingness to Pay. *Rural Research*, 3 (4), 25-52 [In Persian].

Ryan, C., Ghaderi, Z., & Michael Hall, M. (2020). Overtourism, Residents and Iranian Rural Villages: Voices from a Developing Country. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, Vol. 37, 1-12.

Sharbatian, Y., & Khazaei, Sh. (2012). The Rural Tourism Anthropology (Case Study: Abyaneh Village). *Journal of Tourism and Hospitality Research*, 1, 143-158.

References

- Abbasi Harofteh, M. (2015). *A description of the Tradition of Conservation in Iranian Architecture*. Yazd: Yazd University. [In Persian]
- Amini, E. (2019). *A Comparison Study of Vernacular Settlements in Iran: Case Study of Masouleh and Abyaneh Villages*. Istanbul: Istanbul Technical University.
- Arshadi Abyaneh, M. (2012). *Abyaneh Tourism Documentary Guide*. Kashan: Mohtasham Publications. [In Persian]
- AzamVaghefi, S.H. (1996). *Natanz Cultural Heritage*. Vol. 4. Tehran: Association of Cultural Heritage and Honors. [In Persian]



- Balilan, L., & Hasanpour Loumer, S. (2019). Geometric patterns and Golden Proportion, Common Language of Architecture and Art in the Abyaneh village. *Architecture in Hot and Dry Climate*, 7(9), 45-68. [In Persian]
- Bulookbashi, A. (2001). *Nakhlgardani, Symbolic Performance of the eternity of the martyr's life*. Tehran: Cultural Research Office. [In Persian]
- Eghtesadi, K., & Oreysi, A. (2003). *Details of Abyaneh architecture, Preliminary phase*. Abyaneh: Abyaneh Cultural Heritage Site. [In Persian]
- Hasanpour Loumer, S., & Jamali, S. (2020). Comparison of Gereh-chini Decorations in Visual Structure of the Opening Windows of the two Historical Villages of Masouleh and Abyaneh. *Motaleate-e Tatbighi-e Honar*, Vol. 19, 31-48 [In Persian].
- Hosseinzadeh, M., & Molavi Arabshahi, S. (2018). Sustainable Tourism Development in Village of Abyaneh Using the System Dynamic Approach. *Tourism and Development*, Vol. 3, 173-194. [In Persian]
- Iraji, E. (2020). Evaluating the Impact of Indigenous Architecture Principles on the Formation of Green Architecture. *MemariShenasi*, 3(5), 1-12. [In Persian]
- Khansari Abyaneh, Z. (1999). *Abyaneh and the Culture of its People*. Tehran: GanjinehHonar Publications. [In Persian]
- Majd, M.Gh. (2009). *The Great American Plunder of Persia Antiquities*. Tehran: Institute of Political Studies and Research. [In Persian]
- Manafian, H., DaneshvarAmeri, Zh., & Salehi Esfahani, S. (2014). Investigation of the Factors Hindering and Promoting Tourism Evidences from Villages of Abyaneh Village. *International Journal of Agricultural Management and Development (IJAMAD)*, Vol. 2, 95-103.
- Mousavi, N., & Rajabi, M. (2013). Applying an Ordered Probit Model for Analysis of the influencing Factors on Tourist's Willingness to Pay. *Rural Research*, 3(4), 25-52. [In Persian]
- Naderi Mahdei, K., Azani, M., Yaghoubi Farani, A., & Roostaei, M. (2014). Analysis of Rural Tourism in Abyaneh by Swot Model. *Geographical Research*, 28(4), 31-44. [In Persian]
- Nazari Dashli Burun, Z., Haji Ali Mohammadi, H., Rahoo, R., & Torabzadeh, A. (2005). *Anthropology of Abyaneh Village*. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Organization, Anthropology Research Institute in collaboration with the General Directorate of Cultural Affairs. [In Persian]
- Oreysi, A. (2009). *Research on the Architectural Details of Abyaneh Village*. Abyaneh: Abyaneh Cultural Heritage Site. [In Persian]
- Raie, H. (2013). *Abyaneh, a Village, a Local, a Building*. Vol 1 of Notes on Historical Monuments of Iran. Tehran: Iran Negar. [In Persian]
- Rezaei, R., Safa, L., & Ranjbaran, P. (2015). Identifying and Analyzing the Barriers to Tourism Development in Rural Areas of Esfahan Province: Case Study; Abyaneh Village. *Geographic Space*, 15(49), 37-56. [In Persian]
- Rezai, R., Hosseini, M., Ranjbaran, P., & Safa, L. (2012). Evaluating The Negative Effects of Tourism Development in Abyaneh Village in Isfahan Province by Using the Factor Analysis Model. *Quarterly Geographical Journal of Tourism Space*, 1(1), 27-40 [In Persian].
- Ryan, C., Ghaderi, Z., & Michael Hall, M. (2020). Overtourism, Residents and Iranian Rural Villages: Voices from a Developing Country. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, Vol. 37, 1-12.



بررسی فنون ساخت مسجد تاریخی پرزله در ابیان، حسین راعی و سپیده بنایی

10.22052/KASHAN.2024.253406.1088

- ShakerizadAbyaneh, A., Mesgari Houshyar, S., & Miri, H. (2010). Recognition Of House in Abyaneh. *Quarterly Housing and Rural Environment*, 29 (131), 13-26. [In Persian]
- Sharbatian, Y., & Khazae, Sh. (2012). The Rural Tourism Anthropology (Case Study: Abyaneh Village). *Journal of Tourism and Hospitality Research*, no. 1, 143-158.
- Siraux, M. (1978). *Anciennes Voies et Monuments Routiers de la Region d Isfahan. Translated by Mahdi Mashayekhi*. Tehran: National Organization for Conservation of Iranian Antiquities.
- Soleimani, P., Farahmand Boroujeni, H., & Akbarifard, M. (2011). Comparing The Structure and the Wooden Ornaments of Abyaneh Jame Mosque, with the Wooden Mosques in the Eastern Azarbaijan. *Islamic Art*, 7(14), 25-40. [In Persian]

Investigating the Tradition of Construction and Maintenance of the Historical Parzaleh Mosque in Abyaneh Village

Hosein Raie

Assistant Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran; hoseinraie@iust.ac.ir

Sepideh Banayee

Master's degree in architectural heritage restoration and conservation, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran, (Corresponding author); Sepideh.banayi1997@gmail.com

Received: 18/09/2023

Accepted: 10/01/2024

Introduction

Abyaneh village is located in Isfahan province, near the city of Kashan. Its background goes back to the pre-Islamic period. The people of Abyaneh are farmers, gardeners, and cattle ranchers. They are Muslims, and as such, they have constructed a mosque in every neighborhood alongside the Herpak Fire Temple. Parzaleh mosque is located in the Pal local and on the edge of the historic passage of Rashta. The central structure originates from the Ilkhanid era, featuring enhancements from the Safavid and Qajar periods. It is a two-story building. A man named Arshad constructed the Parzaleh Mosque with the assistance of locals and donated a house and several farmlands to it. They repaired and developed the mosque during the Safavid and Qajar periods by planting and selling crops such as wheat and barley. This plan has been able to protect this mosque economically for centuries. As the population grew over time, the people of the neighborhood paid attention to the physical development of the mosque. The Parzaleh mosque has been used by the people of the village and the Pal neighborhood for several centuries. However, due to the migration of the local people to the surrounding cities, the mosque is now closed and only is opened on special national and religious days such as Muharram. The locals of Pal visit Abyaneh and its mosque in the month of Muharram to perform the Nakhlgardani ritual.



Materials and Methods

The moot point of the research is the lack of sufficient information about indigenous knowledge related to the construction and conservation of Parzaleh mosque. There is no suitable architectural plan for this mosque, and the process of its construction and architectural details have not been studied. The leading goal of this study is to identify and introduce the construction and maintenance traditions of the Parzaleh Mosque. Two critical inquiries have been raised concerning historical periods, mosque construction, and conservation methods. To this end, the interpretive paradigm and interpretive-historical strategy have been used, along with field surveys, document research, and interviews to gather information. These studies were conducted during the restoration of the Parzaleh mosque by residents. They removed the ceilings and floors, providing an excellent opportunity for mapping, photography, and field surveys. Additionally, the locals renovating the mosque offered valuable information. It took three months to restore the Parzaleh mosque by the natives of the Pal neighborhood, and by this time, field surveys by the author revealed some of the hidden information in the mosque. The data were matched with similar samples and structures in terms of structures, materials, and components and were analyzed using the mentioned tools with an interpretive paradigm and a interpretive-historical strategy.

Conclusion

The research results indicate that local architects built the Parzaleh mosque with three naves and a porch during the 6th century A.H. The mosque's main structure dates back to the Ilkhanid period, with additions from the Safavid, the Qajar, and the Pahlavi periods. The primary materials, used in the mosque construction, are stone, wood, and soil along with secondary materials such as subclans, clay, plaster, and brick. The mosque has a traditional structure with native architects using stone walls and wood. It is built on a rocky bed called Zayeh. In the structural system of Perzleh Mosque, compressive stresses are transmitted by load-bearing walls and wooden columns. The thickness of load-bearing walls in the lower and upper floors varies according to the construction period. The thickness of the walls could withstand compressive stress and provide thermal capacity. In addition, the local architects needed to control the tensile and lateral forces and stresses and air exchange and heat supply. Therefore, they used materials with proper tensile strength and thermal capacity. They also considered adequate access to materials. They have grown aspen and plane tree over the centuries and used them to seek this purpose. They have used local knowledge of architecture to build and develop the mosque. Masters were provided from Kashan, near Abyaneh, to train local masters with active community participation. In selecting the mosque location, the people of Abyaneh made the agricultural economy their top priority. They used a rocky bed instead of fertile land to save agricultural resources. This traditional construction method has been utilized in most Abyaneh buildings, becoming indigenous knowledge over centuries and passed down through generations.

Keywords: Abyaneh, Parzaleh Mosque, vernacular architecture, traditions of construction and maintenance.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۲۵۹-۲۸۲
مقاله علمی ترویجی

بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی

عظیم حمزئیان*

قاسم رؤفی**

چکیده

ملا حبیب‌الله شریف کاشانی از علما و مراجع بزرگ امامیه در نیمه اول قرن چهاردهم هجری است که تألیفات بسیاری در موضوعات فقه، اصول، تفسیر، حدیث، کلام، اخلاق، ادبیات عرب، شعر و... دارد. کتاب رباعیات وی شامل ۷۵۰ رباعی است که آینه‌ای تمام‌نما از شرایط سیاسی، اجتماعی و دینی عصر قاجار، به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و قحطی سال‌های ۱۲۹۶-۱۲۹۸ هجری قمری در کاشان است. قالب رباعی با ویژگی‌های ایجاز، سادگی و آهنگین بودن، به شاعر امکان می‌دهد تا مشاهدات و انتقادات خود را در مورد مسائل مختلف جامعه به‌صورت موجز و تأثیرگذار بیان کند. رباعیات وی، علاوه بر ارزش ادبی، منبعی ارزشمند برای شناخت شرایط زندگی مردم، تفکرات و انتقادات یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی و همچنین درک بهتر اوضاع سیاسی آن دوره محسوب می‌شوند. از مضامین مهم رباعیات، وصف خداوند، مدح پیامبر (ص) و ائمه (ع)، انتقاد از بی‌تفاوتی توانگران و زاهدان در برابر رنج مردم، نکوهش دین‌داری ریاکارانه و صوفیگری مردم‌فریب و مخالفت با استعمار است. این پژوهش به‌شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی، با بررسی رباعیات ملا حبیب‌الله شریف به شناخت بهتر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار کمک می‌کند. همچنین با تحلیل مضامین اعتقادی و اخلاقی این رباعیات، می‌توان به درک عمیق‌تری از تفکرات و دیدگاه‌های یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، قحطی کاشان، رباعیات، شرایط اجتماعی، عصر قاجار.

* دانشیار، گروه ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، نویسنده مسئول / ahamzeian@semnan.ac.ir

** دانشجوی دکتری، گروه تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه سمنان، ایران، ghasem.raufi@semnan.ac.ir



۱. مقدمه

ملا حبیب‌الله شریف عالم و فقیه متشرع امامیه قرن چهاردهم هجری قمری است که به گفته امامت کاشانی، در حوالی سال ۱۲۶۱ق در شهر کاشان از پدری عالم و فقیه که شاگرد آیت‌الله ملا علی مدد ساوجی و مادری نیکوکار و زاهد که فرزند علامه سید جلیل کاشانی بود، متولد شد (امامت کاشانی، بی تا: ۲۸۷).

فرزند ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در انتهای کتاب شرح دعای سحر ایشان، اطلاعات ارزشمندی درباره پدر خود ارائه می‌دهد. به گفته وی، ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در سال ۱۲۶۲ق متولد شده و در روز سه‌شنبه بیست‌وسوم جمادی‌الثانی ۱۳۴۰ق درگذشته است و مدفن او در مزار دشت‌افروز کاشان قرار دارد و تعداد آثار تألیفی‌اش بیش از دویست عنوان است (کاشانی، ۱۴۰۵ق: ۷۸). البته درباره تاریخ دقیق تولد وی، اقوال مختلفی وجود دارد. مادر ملا حبیب‌الله در جایی گفته که او دو سال قبل از مرگ محمدشاه قاجار به دنیا آمده، درحالی‌که سال مرگ محمدشاه ۱۲۶۴ق است. ملا حبیب‌الله در کتاب *لباب‌الانقب* خود بیان می‌کند که هشت یا نه‌ساله بوده که پدرش در ساوه از دنیا رفته و سال وفات پدرش ۱۲۷۰ق است و استادی بر مبنای همین اقوال معتقد است که تاریخ تولد وی باید بین سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۲ق باشد (استادی، ۱۳۷۳: ۲۶). باین حال، به نظر نگارندگان و با استناد به رباعیات خود ملا حبیب‌الله، این تاریخ‌ها چندان قابل اعتماد نیستند؛ زیرا براساس آنچه شریف کاشانی در رباعیات خود سروده، این اشعار در اواخر عمر شاعر و در ۸۰سالگی تا ۸۳سالگی سروده شده‌اند. به‌این ترتیب، تاریخ تولد وی (۱۲۶۲ق) که در منابع تاریخی بیان شده، اشتباه است و به نظر می‌رسد تولد وی باید قبل از سال ۱۲۶۰ق باشد.

ملا حبیب‌الله در محضر بزرگان علم و دین کاشان پرورش و به مراحل عالی علمی و دینی دست یافت تا جایی که در شانزده‌سالگی به درجه اجتهاد رسید. مراحل زندگی علمی و دینی وی از کاشان آغاز و در ادامه برای تکمیل معلومات خود به تهران و کربلا رفته و در انتها به کاشان مدتی به گلپایگان برگشت و تا پایان عمر در کاشان به تدریس، تألیف و هدایت مردم اشتغال یافت (کاشانی، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۲).

ملا حبیب‌الله، عالم برجسته و فقیه نامدار، در مسیر پرفرازونشیب تحصیل علم و رسیدن به جایگاه ممتاز علمی و دینی خود، از محضر استادان بزرگی همچون علامه سید حسین کاشانی، علامه فاضل اردکانی، علامه عبدالهادی تهرانی، علامه حاج میرزا محمد اندرمانی، علامه ملا زین‌العابدین گلپایگانی، علامه شیخ محمد اصفهانی، علامه حکیم سید علی شرف‌الدین حسین



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

معروف به سیدالاطباء مرعشی بهره برده است (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۶۹۰-۶۹۱؛ امامت کاشانی، بی‌تا: ۲۹۰-۲۹۱).

وی همچنین به‌عنوان یک مربی و استاد برجسته، با بهره‌گیری از جایگاه علمی و دینی ممتاز خود، به تربیت شاگردان متعددی در حوزه‌های مختلف علوم دینی پرداخت. این شاگردان تحت تعلیمات عالمانه و اخلاقی ایشان، به مراتب بالای علمی و معنوی دست یافتند و در ترویج معارف اسلامی و خدمت به جامعه اسلامی نقش بسزایی ایفا کردند. اسامی برخی از این بزرگان عبارت‌اند از: علامه حاج سید ابراهیم علوی بروجردی، شیخ ابوالقاسم قمی، علامه سید مصطفی کاشانی، علامه میرزا حسین محلاتی، آیت‌الله ملا عبدالرسول مدنی، آیت‌الله سید محمدحسین رضوی، آیت‌الله شیخ محمد تبریزی معروف به نجفی، آیت‌الله شیخ محمد غروی، آیت‌الله میرزا شهاب‌الدین نراقی و... (همان: ۲۹۱-۲۹۳). عربشاهی و فراهتی در مقاله‌ای، برخی دیگر از شاگردان ایشان از جمله عظام سید ابوالقاسم خویی، سید ابوالقاسم مشکینی، میرزا نصرالله نراقی، حاج سید مصطفی کاشانی، میرزا حسین مملو، آقا میر سید محمدرضا یثربی، حاج میرزا مجدالدین نراقی، میر سید علی یثربی، سید فخرالدین امامت، سید محمدحسین رضوی و... را نام برده‌اند (عربشاهی و فراهتی، ۱۳۹۹: ۷۱).

امامت کاشانی درباره سنجایی اخلاقی ملا حبیب‌الله چنین بیان می‌دارد که او با وجود خانواده پرجمعیت، فقر و تنگدستی زیادی را تحمل کرد که داستان صبرش در برابر بلاها و حوادث بزرگ زبانزد است. کرامات و ریاضت‌های او در میان مردم مشهور بود و تا آن زمان کسی مثل ملا حبیب به دلیل کتاب فراوان، خوش‌اخلاقی و تبحر در دانش علوم غربی و عربی نبود. او از اختلاط با جاهلان گریزان بود و به تاریکی‌ها و مال دنیا متمایل نمی‌شد؛ بلکه انزوا را دوست می‌داشت و از بحث و جدل، غیبت، پاسخ‌گویی و پرسش جز در امور حرام و حلال پرهیز می‌کرد و با استناد به گفته خودش در انتهای کتاب لباب، عمر خود را در تدریس، تألیف و تصنیف گذرانده است (امامت کاشانی، بی‌تا: ۲۸۹). وی علاوه بر جامعیت و نبوغش در علم و عمل، در فتوا و زعامت علمی در شهر کاشان و اطراف آن نیز اشتهار داشت و سؤالات مختلفی در انواع علوم از سراسر کشورهای اسلامی برایش ارسال می‌شد و وی به آن‌ها پاسخ می‌داد (همان: ۲۹۰).

نویسنده کتاب *ریحانه الادب* درباره ملا حبیب‌الله شریف کاشانی چنین می‌نگارد که او عالم عابد زاهد و صاحب تألیفات گران‌قدر، درزمینه فقه و تفسیر و عقاید و اخلاق و علوم ادبی و شعر و علوم غریبه بوده و پس از تحصیل مقامات علمی در حوزه‌های کاشان، تهران و کربلا، نزد استادان



هر رشته، در سن هجده‌سالگی، از استادش حاج سید حسین کاشانی، به اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است (مدرس تبریزی، ۱۳۹۴، ج ۵: ۱۸).

ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، مجتهد، عالم و عارف نامدار، از جمله نویسندگان پرکاری است که آثار متعددی در حوزه‌های مختلف علوم تألیف کرده است. با وجود کثرت تألیفات وی، تاکنون اطلاعات دقیقی از تعداد آثار او در دست نیست. سلمانی آرانی معتقد است که ملا حبیب‌الله آثار بسیاری در مسائل گوناگون علوم دارد و شمار کتاب‌ها و رساله‌های او به ۱۵۰ اثر می‌رسد. از جمله آثار برجسته او می‌توان به کتاب *منتقد المنافع* در شرح *مختصر النافع* در چهارده جلد اشاره کرد (سلمانی آرانی، ۱۳۷۵: ۱۶۸). مدنی نیز از ویژگی‌های بارز مرحوم آیت‌الله شریف، تنوع و فزونی تألیفات وی می‌داند و بیان می‌کند که مشهور است ایشان سیصد کتاب و رساله نوشته، اما فقط حدود دویست جلد آن‌ها شناخته شده است (مدنی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). امامت کاشانی در کتاب *کشکول* معتقد است که ملا حبیب‌الله، بیش از دویست اثر در حوزه‌های مختلف فقه، اصول، معانی، شرح و تفسیر، عرفان، ادبیات، حدیث، ریاضی، معارف و منظومه به زبان‌های فارسی و عربی نگاشته است. وی از نویسندگان پرکار و توانایی بود که برخی از آثار خود را پیش از رسیدن به سن بلوغ تألیف کرده است (امامت کاشانی، بی‌تا: ۲۹۴). استادی نیز در سال ۱۳۷۳ش و در نشریه *نور علم* از ۱۶۲ عنوان کتاب ملا حبیب‌الله نام می‌برد (استادی، ۱۳۷۳: ۶۸). وجه اشتراک همه اقوال در این موضوع است که ملا حبیب‌الله شریف کاشانی از نویسندگان پرکار زمانه خویش بوده است.

از مهم‌ترین آثار ملا حبیب‌الله، می‌توان به *منتقد المنافع* در فقه (۱۳ جلد)، *لباب الالتاب* در تراجم علما، *تسهیل المسالک الی المدارک فی رؤوس القواعد الفقهیه* و *قوامیس الدرر* (۲ جلد)، *اسرار حسینیّه*، *ریاض الحکایات*، *تذکره الشهداء* (۲ جلد) و... اشاره کرد (عاطفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۲۱). خود شاعر در ۲۱ سال قبل از وفاتش و در کتاب *لباب الالتاب فی القاب الاطیاب*، ۱۳۵ عنوان از آثارش را نام می‌برد. ملا حبیب‌الله شریف کاشانی علاوه بر آثار متعدد در حوزه‌های مختلف علوم، کتاب رباعیات فارسی و قصیده عربی در مدح صاحب‌الزمان (عج) را نیز تألیف کرد که نشانگر ارادت و علاقه عمیق وی به امام زمان (عج) است.

ملا حبیب‌الله در عصر خود، جایگاه ممتاز علمی و دینی کسب کرده بود و بزرگان بسیاری درباره وی و جایگاهش صحبت کرده‌اند. برای نمونه، علامه سید محمد علوی بروجردی با عباراتی همچون «اجل المجتهدین، آیت‌الله فی الارضین، العالم العامل الربانی و القدیس الکامل صمدانی، اعظم غطاریف زمانه و اکرم معاریف اوانه، وحید عصره و فرید دهره و...» شخصیت ملا حبیب‌الله



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

شریف کاشانی را می‌ستاید (امامت کاشانی، بی‌تا: ۲۹۶). یا علامه عبدالحسین محلاتی با اوصافی مانند «الفاضل الكامل الخبیر، جامع فنون العلوم و الفضائل حاوی صنوف المکارم و الفواضل بدیع الزمان و نادره الاوان الذي قلّ ما يسمح بمثله الدوران قطب الموحدين منهاج السالکين سراج الملة و الدين المؤيد من عندالله الناصر لدين الله العليم الحليم الاواه شيخنا الاوحد الازهد الاجل جناب المولى حبيب الله الساوجي الاصل الكاشاني المسكن» (همان: ۲۹۷). شایان ذکر است علامه سید محمد علوی بروجردی پس از وفات استادش و به خواهش بعضی از فضلا، زیارت‌نامه‌ای برای ملا حبیب‌الله شریف کاشانی انشا نموده است (همان: ۳۰۱).

بررسی جامع ابعاد شخصیتی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در این مجال نمی‌گنجد و نویسندگان این مقاله فقط به اشاره‌ای گذرا به جایگاه علمی وی بسنده کرده‌اند. با مراجعه به متن وصیت‌نامه ایشان، نکات جالب و آموزنده‌ای در باب شخصیت والا و فضایل و سجایای اخلاقی ایشان به دست می‌آید. می‌توان گفت زهد، تبذل از دنیا و متعلقات آن، رحمت، عطوفت و خدمت به خلق و بندگان خدا از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک رفتاری ملا حبیب‌الله بوده است؛ اگرچه که وصیت‌نامه ایشان سال‌ها قبل از وفات ایشان تنظیم شده و در اواخر عمر و با استناد به رباعیات خود شاعر، در فقر مطلق و درعین حال بی‌نیازی از احدی به سر می‌برد. از دیگر ویژگی‌های برجسته اخلاقی ملا حبیب‌الله کاشانی، حساسیت وی نسبت به گناه و گناهکاری مردم و رنج از آن‌ها بود. او معتقد بود که عالمان دینی موظف به امر به معروف و نهی از منکرند و باید در برابر گناه و گناهکار و ستم و ستمگر واکنش نشان دهند. انتقاد او از روحانیان ظاهری کاشان نیز در همین راستا بود (استادی، ۱۳۷۳: ۶۳).

از جمله آثار ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، کتاب رباعیات فارسی و قصیده عربی در مدح صاحب‌الزمان (عج) است. این اثر که شامل ۷۵۰ رباعی است، به دستور فرزند ملا حبیب، محمد شریف آیت‌الله‌زاده ابن‌الناظم در سال ۱۳۷۳ق به چاپ رسیده است. رباعیات ملا حبیب‌الله متناسب با مقتضیات زمانی، از نوع رباعی اعتراضی و اجتماعی است. این رباعیات اطلاعات ارزنده‌ای از جامعه، شرایط زمانی، مردم و احوالات آنان در اختیار خواننده قرار می‌دهد. اگرچه مضامین دیگری مانند عشق به خدا، مدح پیامبر و اهل‌بیت (ع) و... نیز در رباعی‌های شاعر مشهود است، با توجه به آغاز سرودن رباعیات در زمان جنگ جهانی اول و مصائب مربوط به آن، وجه اجتماعی و اعتراضی آن‌ها برجسته‌تر است. با اندکی تأمل در رباعیات ایشان می‌توان دریافت که هرچند رنگ‌وبوی مسائل اجتماعی و سیاسی در آن‌ها بیشتر است، از حیث ادبی کاملاً ضعیف نیستند و شاید روحیه



تواضع و فروتنی، به دور بودن از تفاخر و فضل‌فروشی در عرصه شاعری، و ناشناخته بودن آثار ایشان در اذهان و افکار عموم مردم و پژوهشگران، سبب کم‌اقبالی به آثار و اشعار این شخصیت بزرگ باشد. وی در منظومه گلزار/سرار خود چنین می‌سراید:

اگرچه شعر من را عار آمد ولی از عشق جان سرشار آمد
مرا فن، شاعری هرگز نبوده ولیکن جذبۀ عشقم ریوده
(کاشانی، بی‌تا: ۱۶۶)

می‌توان گفت که رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، اطلاعات اجتماعی ارزشمندی را در خود جای داده‌اند. این اطلاعات، وقایع تاریخی عصر شاعر را مستندسازی کرده و تصویری واضح از اوضاع اجتماعی و حالات مردم آن دوران ارائه می‌دهند. بنابراین، رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی را می‌توان به‌عنوان آیینۀ تمام‌نمای وقایع اجتماعی و حالات مردم روزگار خویش در نظر گرفت.

این پژوهش با بررسی رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به‌دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های زیر است:

- رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی چه تصویری از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر شاعر ارائه می‌دهد؟
- قحطی سال ۱۲۹۶ق در کاشان چه تأثیری بر زندگی مردم و تفکرات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی داشته است؟
- ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در رباعیات خود از چه طبقات و اصناف انتقاد کرده و چه توصیه‌هایی به آن‌ها داشته است؟
- مضامین اخلاقی و اعتقادی در رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی کدام‌اند؟
- جایگاه رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به‌عنوان یک سند تاریخی در شناخت اوضاع اجتماعی عصر قاجار چیست؟

این پژوهش با بهره‌گیری از رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به‌عنوان یک منبع تاریخی، به بازسازی و تحلیل اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار می‌پردازد. همچنین با کاوش در مضامین اعتقادی و اخلاقی این رباعیات، می‌توان به درک عمیق‌تری از جهان‌بینی و رویکرد یک عالم دینی در مواجهه با چالش‌های اجتماعی دست یافت.



۲. پیشینه پژوهش

برخی از آثار ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به صورت محدود و معدود چاپ و منتشر شده است. از جمله دلایل این امر می‌توان به عربی بودن زبان نوشتاری نویسنده، تخصصی بودن موضوعات فقهی و... اشاره کرد. مقالات و پژوهش‌های محدودی در حوزه فکر و اندیشه این عالم بزرگ نگاشته شده است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پایان‌نامه مقایسه تطبیقی میان شرح دعای سحر امام خمینی (ره) با شرح دعای سحر ملا حبیب‌الله کاشانی و شرح دعای سحر سیدابوالحسن رفیعی قزوینی (نادری، ۱۳۹۰).

- مقاله «پژوهشی در دیدگاه‌های عرفانی حکمی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی با تأکید بر مشابهت اندیشه‌های وی با مولانا» (مدنی، ۱۳۹۲).

- مقاله «ملا حبیب‌الله شریف کاشانی» (مدنی، ۱۳۵۷).

با توجه به این موضوع که کتاب رباعیات وی تاکنون چاپ و منتشر نشده و پژوهش‌های کمی درباره شخصیت، اندیشه و جایگاه والای ملا حبیب‌الله شریف کاشانی صورت پذیرفته است، این پژوهش با بررسی رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به‌عنوان یک سند تاریخی، به شناخت بهتر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار کمک می‌کند. همچنین با تحلیل مضامین اعتقادی و اخلاقی این رباعیات، می‌توان به درک عمیق‌تری از تفکرات و دیدگاه‌های یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی دست یافت.

۳. بحث

رباعی یکی از قالب‌های شعری کهن فارسی است که از چهار مصرع تشکیل شده و قافیه آن به صورت «آآ» شکل می‌گیرد. این قالب شعری به دلیل سادگی و ایجاز، ظرفیت بالایی برای بیان مفاهیم عمیق و تأثیرگذار دارد. رباعی در طول تاریخ ادبیات فارسی، کاربردهای متنوعی داشته است. از جمله موضوعات رایج در رباعیات، می‌توان به عشق، عرفان، حکمت، مدح و هجو اشاره کرد؛ باین حال، رباعی به دلیل ویژگی‌های ساختاری خود، قالبی مناسب برای بیان مضامین اجتماعی و سیاسی نیز محسوب می‌شود. ایجاد تأثیرگذاری با کمترین کلمات، امکان طرح مسائل انتقادی و اعتراضی، و انعطاف‌پذیری در بیان طیف وسیعی از عواطف و احساسات، از جمله دلایل استفاده از رباعی در موضوعات اجتماعی و سیاسی است. از شاعران برجسته‌ای که در سرودن رباعیات اجتماعی و سیاسی شهرت دارند، می‌توان به خیام، مولانا، عطار و... اشاره کرد. رباعی از نظر معنا و محتوا دارای سه نوع عاشقانه، عارفانه و فلسفی است و گاه به اعتبار مضامین فرعی نیز می‌توان انواع

دیگری همچون رباعی مدحی، اجتماعی و سیاسی، مرثیه، مستهجن و هجوآمیز، ساقی‌نامه و رباعی نو برایش در نظر گرفت (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی آینه‌ای تمام‌نما از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و قحطی سال ۱۲۹۶ق در کاشان است. این رباعیات علاوه بر ارزش ادبی، منبعی ارزشمند برای شناخت اوضاع زندگی مردم، تفکرات و انتقادات یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی و همچنین درک بهتر اوضاع سیاسی آن دوره محسوب می‌شود. با توجه به محتوای رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، می‌توان آن را در زمرهٔ رباعیات سیاسی و اجتماعی قلمداد کرد که این نوع اخیر بعد از مشروطه نمونه‌های بسیاری دارد. در ادبیات مبارز فارسی، این معنا به‌صورت حمله به زهاد و متشرعین و گاه صوفیان مردم‌فریب بوده است (همان: ۲۳۴).

محتوای رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی طیف وسیعی از مضامین را در بر می‌گیرد؛ از جمله وصف خداوند، مدح پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، حضرت مهدی (عج)، ترویج فضایل اخلاقی، شیکوه از روزگار، بازتاب فقر شاعر، قحطی زمانه، انتقاد از شهر کاشان و مردمانش، زن، اصناف و طبقات مختلف مردم. وی همچنین در لابه‌لای اشعار خود نقدهایی بر درویشان و صوفیه^۱ و عقیدهٔ ایشان، یعنی وحدت وجود^۲ ابراز داشته است. وی بهترین علوم را فقه، تفسیر و حدیث می‌داند^۳ و می‌توان گفت کاشانی خود اعتقاد به وحدت شهود دارد:

به هر جا رو کنم آینهٔ توست به هر آینه خود را می‌نمایی

(کاشانی، ۱۳۷۳ق: ۳)

نکتهٔ تأمل‌برانگیز در رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، گرایش سیاسی وی است که مخالف دولت‌های روسیه و انگلیس است و نیم‌نگاهی هم به وضعیت مشروطه دارد:

در این زمان که مشروطه شمع فانوس است به‌جای بانگ مؤذن صدای ناقوس است

خدای حفظ نماید شریعت ما را که برخلاف قوانین مذهب روس است

(همان: ۱۶)

یکی از دلایل اصلی مخالفت کاشانی با دولت‌های استعماری روس و انگلیس، نگرانی وی از تضعیف و حذف دین اسلام بوده است:

ما با دهری و با انگلیس و روس چه کار که مذهب همه آن‌ها خبیث و منحوس است

بگیر مذهب اسلام را که آیاتش برای عالمیان همچو نور محسوس است

(همان: ۱۶)



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

و رسالت خود را در این زمانه، ترویج دین می‌داند:

غرض از هستی‌ام ترویج دین است وگرنه دشمنم اندر کمین است
(همان: ۵۲)

۱-۳. وضعیت کاشان و قحطی آن در سال ۱۲۸۸س

شهر کاشان در دوران جوانی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی و به دلایلی چون خشکسالی و جنگ جهانی اول، بارها دچار قحطی شد. در قحطی سال ۱۲۸۸ش، جمعیت فراوانی از اهالی کاشان جان خود را از دست دادند و قیمت یک من جو و گندم به یک تومان رسید (نراقی، ۱۳۴۵: ۲۶۴). در سال‌های جنگ جهانی اول نیز با اقدامات دولت‌های استعمارگر، شهر کاشان درگیر قحطی شدیدی شد. بنا بر مستندات تاریخی، در این زمان کمبود غله در کاشان مشهود بود؛ زیرا حمل غله از قم یا سلطان‌آباد به کاشان ممنوع شده بود (مجد، ۱۳۸۶: ۳۷). ملا حبیب‌الله شریف کاشانی سال وقوع این قحطی و جزئیات آن را چنین می‌سراید:

به سال سیصد و سی و شش الف به هر شهر و دهی قحطی نان شد
در این کاشان ما نثشی ز مردم ز جوع الکل جانشان در زبان شد
(کاشانی، ۱۳۷۳: ق: ۲۴)

یا در ابیاتی دیگر، به قیمت بالای جو اشاره می‌کند که در نتیجه، غذای عموم مردم به‌دلیل نداشتن توانایی مالی، علف یا گوشت گربه و سگ بوده است.

چنان قحطی شد اندر شهر کاشان که کار مرد و زن گشته پریشان
چه خرواری ز جو هفتاد تومان علف یا گربه و سگ قوت ایشان
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۲۴)

این قحطی منحصر به کاشان نبود و سایر شهرها از جمله قم را نیز در بر می‌گرفت. غلاتی چون جو و گندم به‌شدت کمیاب و حتی در برخی موارد به‌طور کامل نایاب شده بودند.

عجب شوری در این مردم فتاده گرانسی در جو و گندم فتاده
گرانی در همه‌جا شد نه‌تنها به کاشان خراب و قم فتاده
(همان: ۲۱)

مردمی بسیاری در این قحطی، جان خود را برای به دست آوردن نان از دست دادند:

مردند بسی خلق در این غرق لو بردند به دل حسرت یک گرده نانی
(همان: ۲۸)

انعکاس ادبی قحطی و خشکسالی در آثار شاعران و نویسندگان فارسی، قدمت تاریخی دارد. فردوسی، ناصر خسرو، انوری، قطران تبریزی، بیهقی، حمدالله مستوفی، عطاملک جوینی و... در آثار خود به این حوادث اشاره کرده‌اند (بلوری و مختاری، ۱۳۹۷: ۱۸). شاعران سستی به رباعی که از قالب‌های شعری پرکاربرد در ادبیات فارسی است، رجوع می‌کردند تا افکار و نگرش‌های خود را در قالبی موزون و موسیقایی به بیان آورند. شاعران اغلب از رباعی برای توصیف زمانه و وضعیت اجتماعی خود استفاده می‌کردند. این قالب کوتاه و فشرده، امکان بیان مفاهیم عمیق و پیچیده را در قالبی ساده و قابل درک فراهم می‌آورد. رباعی همچنین با استفاده از تصاویر شاعرانه و بیان موسیقایی خاص خود، امکان بازنمایی احساسات و نگرش‌های درونی شاعر را فراهم می‌کند. در دوره‌های مختلف تاریخی، شاعران با استفاده از قالب رباعی، نگاه خود به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نشان داده‌اند. بررسی این رباعی‌ها می‌تواند کمک به درک بهتر از زمانه و شرایط اجتماعی آن دوره باشد. رباعی‌های ملا حبیب شریف کاشانی نیز از این امر مستثنا نیست. وی از قالب رباعی برای بیان وضعیت آشفته عصر خود استفاده کرده است. ملا حبیب‌الله از سال‌های قحطی و در قالب شعر تصویرسازی زیبایی ارائه می‌دهد که درک آن اوضاع را ملموس‌تر می‌کند:

چنان قحط و غلا در این جهان شد که گویا فتنه آخر زمان شد

(کاشانی، ۱۳۷۳ق: ۲۵)

در این ایام، طلا و نقره ارزان شده و قیمت لباس تن به اندازه قیمت یک نان تنزل پیدا کرده بود^۴ و حتی شاعر برای حفظ جان و زنده ماندن از قحطی، ناچار شده است که کتاب‌های خود را بفروشد.^۵ شاید ابیات زیر تصویر بهتری را از قحطی آن سال نشان دهد:

از آن روزی که نان ما گران شد عبا و جبه اندر رهن نان شد

کتاب و درس و دانایی همه رفت تو پنداری قیامت ناگهان شد

(همان: ۳۶)

گرانی‌ها محدود به نان نبود و همه خوردنی‌ها گران شده بود.^۶ قحطی‌ای که در زمان سرایش رباعیات ملا حبیب شریف کاشانی رخ داده، از عید نوروز و سال جدید شروع شده است و شاعر در ابیات بسیاری^۷ به تلفیق فقر خود و سال نو با موضوع قحطی اشاره می‌کند:

نه در شب باشدم قوتی نه در روز نه یک جامه نوی در عید نوروز

نه یک خانه برای استراحت عجب دارم من از این بخت فیروز

(همان: ۱۸)



اما توصیه ملا حبیب‌الله در این اوضاع، سفارش به اغنیا برای کمک به فقرا و صبر بر قضای الهی توسط مستمندان^۸ است، زیرا این قحطی را یک آزمایش و امتحان الهی می‌داند^۹ و یقین می‌داند که بعد از هر سختی، موعد آسانی هم خواهد رسید.^{۱۰} نکته قابل توجه در اشعار ملا حبیب‌الله در موضوع قحطی آن است که وی این اوضاع را از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) می‌داند.^{۱۱}

۲-۳. شکایت از مردم زمانه

اما در حوزه اجتماعی نیز وضعیت سخت و دشواری بر جامعه حاکم حکمفرماست. شر و فساد فراگیر، روابط خانوادگی مابین اعضای خانواده بر محور عناد،^{۱۲} وجود اراذل بر مسندهای قدرت،^{۱۳} ظالمان در حال ظلم^{۱۴} و تعطیلی درس‌های علمی و دینی^{۱۵} به دنبال قحطی حاکم شده بود. با توجه به قحطی و اوضاع اجتماعی روزگار شاعر، یکی از رذایل اخلاقی که نمود بیشتری پیدا نمود، بحث نفاق است. در واقع در زمانه ملا حبیب‌الله و به اعتقاد وی، کسی برای خدا دم نمی‌زند^{۱۶} و شاعر در موضوع نفاق و در قالب وصف، انداز، هشدار، نکوهش و... اشاره می‌کند و به دوری از ایشان را تأکید می‌نماید:^{۱۷}

از منافق دور شو صد مرحله او چو دزد است رفیق قافله

(همان: ۱۰)

ایشان در مقام یک عالم دینی که در اواخر عمر در کاشان به سر می‌برد و از تمکن مالی خوبی برخوردار نبود، با توجه به قحطی پیش آمده، انتظار کمک و توجه از طرف مردم شهر کاشان داشت، اما با بی‌مهری از جانب ایشان روبه‌رو شد؛^{۱۸} به همین سبب، زبان به طعن و بدگویی از شهر کاشان گشود. شاعر در ابیاتی به وضعیت نامناسب شهر کاشان در زمان خود اشاره می‌کند. او این شهر را شهری پر از فتنه و آشوب توصیف می‌کند که در آن مؤمنان به دلیل قهر و غضب غمگین‌اند و شاعر برای تأثیرگذاری بیشتر اشعار خود، نام قدیم شهر کاشان را در خدمت مضمون و محتوای مورد نظر خود به کار می‌برد:

شهری است پر ز فتنه یعنی که شهر دانی چه بود نامش در پیش چل حصاران

هر مؤمنی در این شهر با غصه است از قهر بر حال خویش گرید چون ابر در بهاران

(همان: ۲۹)

شاعر، زندانی بودن را بر زندگانی در شهر کاشان ترجیح می‌دهد و به علت ناعهدی مردمانش، آرزوی ویرانی برای این شهر دارد.^{۱۹} همچنین در شعری دیگر به دلیل بخیل بودن مردمانش، آرزوی خراب شدن این شهر را دارد.^{۲۰} ملا حبیب‌الله شریف کاشانی مردم این شهر را فتنه‌جو می‌داند که



قدر و حق عالمی چون او را نمی‌دانند و نمی‌دهند^{۲۱} و عنوان دارالمؤمنین را براننده این شهر نمی‌داند:

در این کاشان مسلمانی نباشد به راحت گر بود آنی نباشد
به دارالمؤمنین مشهور گشته غلط باشد چه ایمانی نباشد
(همان: ۸۳)

وی در چندین موضع دیگر نیز درخصوص کاشان و مردمان آن به دیده طعن و نکوهش می‌نگرد.^{۲۲} البته سایر شهرها از جمله قمصر نیز آماج طعن و انتقادات ملا حبیب‌الله واقع می‌شوند.^{۲۳} در این بخش، نویسنده به اوضاع سخت اجتماعی حاکم بر جامعه اشاره می‌کند و از شر و فساد فراگیر، روابط خانوادگی مسموم، ظلم حاکمان و تعطیلی درس‌های علمی و دینی سخن می‌گوید. نویسنده سپس به وضعیت مالی نامناسب خود در اواخر عمرش اشاره می‌کند و انتظار او برای کمک و توجه از مردم کاشان را بیان می‌کند. با این حال، او با بی‌مهری مردم مواجه می‌شود و به همین دلیل، به طعن و بدگویی از شهر کاشان می‌پردازد. او کاشان را شهری پر از فتنه می‌داند.

۳-۳. وضعیت دین‌داری و اصناف دینی

سرایش رباعیات مصادف با سال‌های پایانی عمر ملا حبیب‌الله شریف کاشانی است؛ دورانی که نه ثروت و مکتبی برای وی به ارمغان آورده و نه اوضاع اقتصادی و اجتماعی جامعه به گونه‌ای است که علما و بزرگان دین مورد احترام و ستایش قرار گیرند. در این اوضاع، ملا حبیب‌الله در رباعیات خود به نقد اصناف مختلف و طبقات مردم می‌پردازد و در کنار آن، توصیه‌ها و فضایل اخلاقی را نیز یادآور می‌شود.

وخامت اوضاع به گونه‌ای است که تمامی شئون زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخستین نمود این تأثیر را می‌توان در عرصه دین‌داری مشاهده کرد.

نه عدلی و نه دینی و نه مذهب همه گشته به نزد تو فسانه
(همان: ۶)

شاعر معتقد است که در این ایام از اسلام اثری نمانده و شرع پیامبر(ص) به کلی عوض شده^{۲۴} و بازیچه لامذهبان شده^{۲۵} و احکام آن به فراموشی سپرده شده^{۲۶} و رونق مساجد از بین رفته است:

چه شد خرمهره با گوهر برابر نه رونق ماند مسجد را نه منبر
میان مردمان رسمی دگر شد برفت از یادشان دین پیامبر
(همان: ۲۶)



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

وی در اشعار مختلفی به فقر و ناداری خود اشاره می‌کند.^{۲۷} ملا حبیب با لحنی انتقادی، اصناف دین‌داران را مورد اعتراض قرار می‌دهد و مردم را به دوری از ایشان توصیه می‌کند.

ز مَلائی بی‌دین حذر توکل علی الله فی کل شر
چه فاسد شود عالمی این فساد سرایت کند در همه بحر و بر
(همان: ۹)

ملا حبیب‌الله به قاضیان نیز طعنی وارد می‌کند:

ایا قاضی مشو راضی که غازی ز مال مردمان گیری نیازی
مخور رشوه مبر مال یتیمان که دینت را در این بازی بیازی
(همان: ۹)

شاید بیشترین نقد و اعتراض ملا حبیب‌الله به همین گروه علمای ظاهری و به‌نوعی ملایان باشد.^{۲۸} با توجه به شواهد موجود در سایر اشعار ملا حبیب‌الله، وی از ایشان با عناوینی همچون غافلان جاهل و تابعان باطل یاد می‌کند که اموال مردم را غارت کرده و اعتقادات آنان را تباه می‌سازند.

ای غافلان جاهل ای تابعان باطل دادی شرع از دست از گفته‌ ارادل
خوردید مال مردم، بردید دین مردم انداختید ما را در فتنه و زلازل
(همان: ۱۹)

وی از بی‌تفاوتی توانگران در برابر رنج مردم می‌نالند.

به روز عید نوروزم درم نیست چه در این تاجران هرگز کرم نیست
نه خمسی می‌دهند و نه زکاتی وجود تاجران به از عدم نیست
(همان: ۲۸)

شاعر شرایط بعد از گذشت از قحطی را به توانگران یادآوری می‌کند که سوهان جان ایشان خواهد بود:

پس از قحطی بلایی ناگهان است برای اغنیا سوهان جان است
(همان: ۲۲)

شاعر این اوضاع را آزمون و امتحانی برای اغنیا و توانگران می‌داند و به ایشان سفارش به دستگیری از مستمندان می‌کند.^{۲۹} و یقین دارد که گرانی خواهد رفت و ارزانی خواهد آمد:

پس از آن‌که توانگر امتحان شد گرانی رفت و ارزانی عیان شد
(همان: ۲۷)



به‌طور خلاصه و برای جمع‌بندی می‌توان چنین گفت که اشعار ملا حبیب کاشانی، آینه‌ای تمام‌نما از بحران اجتماعی و فرهنگی ناشی از قحطی در کاشان است. وخامت اوضاع به‌گونه‌ای است که تمامی شئون زندگی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. نخستین نمود این تأثیر را می‌توان در عرصه دین‌داری مشاهده کرد. شاعر معتقد است که در این ایام از اسلام اثری نمانده و شرع پیامبر(ص) به‌کلی عوض شده، شرع باز یچه لامذهبان شده و احکام آن به فراموشی سپرده شده و رونق مساجد از بین رفته است. در کنار بحران دینی، اوضاع اقتصادی نیز بسیار نابسامان است. ملا حبیب‌الله در اشعار مختلفی به فقر و ناداری خود اشاره می‌کند و از بی‌تفاوتی توانگران در برابر رنج مردم می‌نالند. او اوضاع بعد از گذشت از قحطی را به توانگران یادآوری می‌کند که سوهان جان ایشان خواهد بود. در واقع این اوضاع را آزمون و امتحانی برای اغنیا و توانگران می‌داند و به ایشان سفارش به دستگیری از مستمندان می‌کند. در کنار انتقادات اجتماعی، ملا حبیب‌الله به نقد اصناف مختلف و طبقات مردم نیز می‌پردازد. او با لحنی انتقادی، اصناف دین‌داران را مورد نقد قرار می‌دهد و مردم را به دوری از ایشان توصیه می‌کند. وی همچنین به قاضیان طعنی وارد می‌کند و بیشترین نقد و اعتراض خود را متوجه علمای ظاهری و ملایان می‌کند. با توجه به شواهد موجود در سایر اشعار ملا حبیب‌الله، وی از ایشان با عناوینی همچون غافلان جاهل و تابعان باطل یاد می‌کند که اموال مردم را غارت کرده و اعتقادات آنان را تباه می‌سازند.

در مجموع، اشعار ملا حبیب‌الله کاشانی تصویری تلخ و گزنده از بحران اجتماعی و فرهنگی ناشی از قحطی در کاشان ارائه می‌دهد. او با زبانی صریح و بی‌پرده، انتقادات خود را درباره تمامی طبقات جامعه، از حاکمان و علمای دین گرفته تا مردم عادی، بیان می‌کند. اشعار او سند ارزشمندی برای درک شرایط اجتماعی و فرهنگی کاشان در دوران قحطی و همچنین شناخت دیدگاه‌های انتقادی و اصلاح‌طلبانه وی است.

از دیگر مضامین رباعی‌های ملا حبیب‌الله می‌توان به اعتقاد وی به تشیع اشاره کرد. وی امام علی(ع) را جانشین برحق پیامبر(ص) می‌داند و در ابیات بسیاری به این موضوع اشاره می‌کند:

اندر هوای محرم و اندر غدیر خم آمد خطاب سوی رسول خدا که قم
بنشان به‌جای خویش پسر عم خویش را یعنی علی‌ست مظهر اکملت دینکم
(همان: ۱۴)

علاوه بر مضامین پیش‌گفته، رباعیات ملا حبیب‌الله به موضوعاتی چون زن، حرمت تراشیدن ریش و اندرزهای اخلاقی نیز می‌پردازد. توصیه‌های اخلاقی شاعر متناسب با مقتضیات زمان بوده و



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

شامل دعوت به قناعت، صبر، درخواست نکردن از افراد پست و فرومایه و... می‌شود. او در اشعاری درباره‌ی زنان چنین می‌سراید:

مترس از شیر نر کو بیشه دارد	بترس از زن که او صد تیشه دارد
درخت مکر زن صد ریشه دارد	فلک از مکر زن اندیشه دارد

(همان: ۷۸)

۴. نتیجه‌گیری

ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، فقیهی عالم و نویسنده‌ای پرکار در قرن چهاردهم هجری، با بیش از دوپست اثر در زمینه فقه، حدیث، تفسیر، شعر و سایر علوم، پس از سال‌ها تلاش به جایگاهی رفیع در علم و دانش دست یافت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. آخرین اثر او، *رباعیات فارسی*، به دلیل هم‌زمانی با جنگ جهانی اول، اهمیت ویژه‌ای برای درک اوضاع و احوال جامعه کاشان در آن دوران دارد. رباعیات ملا حبیب‌الله، فراتر از زیبایی‌های ادبی، آینه‌ای تمام‌نما از حوادث اجتماعی پیرامون شاعر، به‌ویژه قحطی بزرگ آن زمان است. او از دولت‌های استعماری روس و انگلیس شکوه می‌کند و به دراویش و صوفیه و عقیده وحدت وجودی ایشان می‌تازد. در اوج بحران مالی در اواخر عمر، با جنگ جهانی اول و شروع قحطی بزرگ در سراسر ایران، به‌ویژه کاشان روبه‌رو می‌شود. این بلای طبیعی همه شئون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد: بنیان‌های خانواده از هم می‌پاشد، گرسنگی بیداد می‌کند، ظلم ظالمان جاری می‌شود و وضعیت دین‌داری مردم ضعیف می‌گردد. شدت قحطی به حدی است که مردم به خوردن علف، گوشت سگ و گربه روی می‌آورند. با استناد به اقوال شاعر، یک‌سوم جمعیت کاشان آن زمان بر اثر قحطی از بین می‌رود. تنها کار شاعر در این زمان، تشویق مردم به صبر و توصیه به اغنیا برای رعایت حال مردم است. طبع نازک شاعر از این حوادث به تنگ می‌آید و زبان شکوه از زمین و زمان می‌گشاید. او منتقد مردم کاشان می‌شود، از فقر و نداری خود گله می‌کند و به علمای ظاهری می‌تازد و از افول دین‌داری مردم ناراحت است. پیداست که وضعیت اجتماعی شهر کاشان در آن زمان مطلوب نبوده و شاعر برای رهایی از این وضعیت، از خداوند طلب مرگ می‌کند، ولی خوشبختانه به سلامتی از این قحطی جان سالم به در می‌برد. مضامین دیگری نیز در شعر ملا حبیب وجود دارد؛ از جمله وصف خداوند، مدح پیامبر (ص)، مدح علی (ع)، مضامین و اندرزهای اخلاقی و زن.



پی‌نوشت‌ها

۱. مذهب صوفیه که گمراه است/ لیس فی جبتی سوی الله است (ص ۳۱)؛
نه آن چون صوفی بیگانه از شرع/ که دزد و رهن است اندر شریعت (ص ۳۲)؛
از این سجاده و دل‌ق مرقع/ می‌فکن خویش را در دام شیطان (ص ۳۲)؛
ما کاشف اسراریم صوفی تو چه می‌دانی/ ما مطلع انواریم صوفی تو چه می‌دانی // ما پاس شریعت را داریم
به هر حالت/ ما مرجع هر کاریم صوفی تو چه می‌دانی (ص ۳۳)؛
گفتند جماعتی که درویشانیم/ با زمرة اولیای حق کیشانیم // چون نیک بدیدیم که بدکیشانند/ بیزار ز کیش
و مذهب ایشانیم (ص ۳۴).
۲. دم تو از وحدت وجود زنی/ من ندانم تو در چه شغل و فنی // فرق مابین خالق و مخلوق/ از چه شد دانی
ای حکیم دنی (ص ۳۱)؛
لیس فی جبتی سوی الله است/ سخن وحدتی گمراه است // ذات مخلوق کی شود خالق/ آن‌که باشد قدیم،
الله است (ص ۳۱)؛
گویند جماعتی که بت عین خداست / این قول به نزد عارفان کفر و خطاست // مخلوق کجا و خالق لم
یزلی / گو در صفت و ذات ز هر عیب جداست (ص ۴۳)؛
۳. علم دین فقه است و تفسیر و حدیث/ نی و هوم فلسفی بی‌ثبات (ص ۱۷).
۴. طلا و نقره در ایام قحط ارزان است/ لباس ساتر تن در بهای یک نان است (ص ۲۵).
۵. کتاب و دفتر و دارایی‌ام به مفت برفت/ چراکه بیم فساد و هلاکت جان است (ص ۲۵).
۶. ... گویی تو که تنها قحط نان شد/ تمام خوردنی‌ها هم گران شد (ص ۲۶).
۷. عید آمد و در برم قبا نیست/ پیراهن تازه و عبا نیست (ص ۲۳)؛
عید آمد و صد عزا مهیاست/ این شورش و ناله چیست برپاست (ص ۲۳)؛
عید آمد و گرچه نوبهار است/ دل‌های فسرده صد هزار است (ص ۲۳)؛
عید آمد و دل کباب زار است/ دل‌خسته ز جور روزگار است (ص ۲۳)؛
این چه عیدی است که دل‌ها همه ماتم دارد/ این چه عیدی است که صد غصه دمام دارد // این چه عیدی
است که جان‌ها همه در تاب و تب است/ این چه عیدی است که صد غصه دمام دارد (ص ۲۳)؛
شب عید است و اطفالم گرسنه/ نمی‌دانم خبر داری تو یا نه (ص ۲۳)؛
شب عید است و من را نیست روغن/ برنجی نیستم مقدار ارزن (ص ۲۴)؛
چون سیم و زر و نان نیست عیدت به چه کار آید/ خواهد که خزان باشد یا فصل بهار آید (ص ۲۴).
۸. الا ای خداوند مال و منال/ در این قحط‌سالی تو هرگز ننال // تو بفروش از مال خود هر چه هست/ چه
دادت خدا پیش از این قحط‌سال (ص ۲۷)؛



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

- تو می‌گویی مسلمانم دروغ است / تو خوابی سیر و این مردم گرسنه (ص ۲۳)؛
در این سال قحطی و ایام تنگ / مکن با فقیران بیچاره جنگ (ص ۲۰).
۹. در این قحطی مسلمان امتحان شد / ز دین بیرون چه تیری از کمان شد (ص ۲۶)؛
در این قحطی اگرچه نان گران است / غرض از این گرانی امتحان است (ص ۲۲).
۱۰. پی هر عسر و سختی یسر آمد / رطب اندر پی هر بسر آمد // نمی‌باید جزع کردن ز هر عسر / بسی سودی
که اندر خسر آمد (ص ۲۲).
۱۱. بحمدالله که آن مهدی موعود / امارات ظهورش گشت مشهود (ص ۱۵)؛
وضع عالم به نظر وضع دگر می‌آید / خوار این شرع مطهر به نظر می‌آید // لیک امید که آن یار سفرکرده
ما / زود می‌آید و این غصه به سر می‌آید (ص ۱۷).
۱۲. همه روی زمین شر و فساد است / برادر با برادر در عناد است (ص ۱۶)؛
در این قحطی پسر یاد پدر نیست / پدر جویای احوال پسر نیست (ص ۲۱)؛
در سال مجاعه و گرانی / بیگانه‌توست یار جانی (ص ۲۵).
۱۳. جواهر را همه چون گه نموده / اراذل را وزیر شه نموده (ص ۱۸)؛
برادر نداند برادر که کیست / پسر از پدر می‌نماید فرار (ص ۸۱).
۱۴. ز ظلم ظالمان خون در جگر شد / دعای نیمه‌شب هم بی‌اثر شد (ص ۱۸).
۱۵. درس‌ها در این زمان تعطیل شد / کمتری اندر پی تحصیل شد // درس‌های کفر و درس زندگه / در محل
قول و قال و قیل شد (ص ۸۴)؛
ای که گفتی که قدر مرد به علم / این سخن نیست نزد من معلوم // این مطالب در آن زمان بوده / لیک در
این زمان همه موهوم (ص ۶۷).
۱۶. من ندیدم در این زمانه کسی / که برای خدا زند نفسی (ص ۱۲).
۱۷. نفاق مردم نادان به هم زند همه کار / فدای آن‌که مرا روبه‌رو خصیم و عدوست (ص ۶۷).
۱۸. در این قحطی و تنگی و گرانی / نپرسیدی از کس احوال ما را (ص ۲۴)؛
در این قحطی چرا یادم نکردی / چرا از لطف خود شادم نکردی (ص ۲۵)؛
کجا روم چه کنم با که راز دل گویم / ز فقر و فاقه بنالم به هر شب و روز (ص ۲۷)؛
نمی‌پرسد کسی از حال زارم / مگر جمعی فقیر و لابلالی (ص ۲۲).
۱۹. صد سال اگر کسی به زندان باشد / بهتر که دمی به شهر کاشان باشد // ای کاش که شهر کاش ویران
باشی / تا یک نفرش به عهد و پیمان باشد (ص ۲۹).
۲۰. فریاد و فغان ز اهل کاشان / کز بخل سرشته است ایشان // ای کاش خراب می‌شد این شهر / اهلبش همه
درهم و پریشان (ص ۳۰).

۲۱. هزاران بار این اهل کاشان تفو/ که ناگه‌ستیزند و هم فتنه‌جو// نه بدهند بر عالمی حق او/ نباشند در حال او در رفو (ص ۳۰).
۲۲. ز اهل و عیال و رفیقان بد/ از این مردم شهر کاشان گریز (ص ۸)؛
من به کاشان غریب و بی‌یارم/ همچو منصور بر سر دارم (ص ۳۱)؛
هست علامهٔ زمان مهجور/ گر نباشد برای او زر و زور (ص ۶۶)
۲۳. قمصر که هوش چون بهشت است/ اهلش چه جهنم و عذاب است// این فین بزرگ و همچه کوچک/
الحق که جهنم پرآب است (ص ۳۹).
۲۴. آه ز اسلام نمانده اثر/ بر اثرش جن و ملک نوحه‌گر// شرع پیمبر شده زیر و زبر/ کاش که بودیم به عهد
عمر (ص ۸۴)؛
- عالم غریب و زهد غریب و ناغریب/ سالک ز هر غنیمت دنیا است نصیب (ص ۵۱)؛
نه اسلامی به جا مانده نه مذهب/ هدر شد جمله در دینار و درهم (ص ۲۲)؛
خدایپرست نمی‌بینم اندرین مردم/ مثال زادهٔ تاریخ در این زمانه فریدم (ص ۲۲)؛
چون شد بساط شرع بنی در زمانه طی/ افتاد حکم محکمه در دست هر صبی (ص ۱۲).
۲۵. از ظلم این لامذهبان بازیچه شد شرع خدا/ بازیچه شد شرع خدا از دست این لامذهبان (ص ۶۷)؛
رسم شریعت همه بر باد رفت/ وای بر این مردم ناپایدار (ص ۶۴).
۲۶. در این زمان خدای غریب و بنی غریب/ احکام شرع جمله غریب و بنی غریب (ص ۵۱)؛
مسلمان اندرین دوران غریب است/ ز نعمت‌های دنیا بی نصیب است (ص ۱۸)؛
طریق شرع نخواهند اعتنا کنند/ به نائبان رسول و به نائبان امام (ص ۶۷).
۲۷. در فقر و بلا بر من گشودی/ از این مردم جفا بر من نمودی (ص ۳)؛
همه دربی به رویم بسته کردی/ دلم از فقر و فاقه خسته کردی (ص ۵)؛
ننالد عاشقی از فقر و فاقه/ رضای عاشقان اندر همین است (ص ۵).
۲۸. الا ای صاحب محراب و منبر/ همین داری تو از ارث پیمبر// گمان داری که او را جانشینی/ کجا شد
علم و تأییدان داور (ص ۶۰)؛
- ولی دارم شکایت بی‌نهایت/ از این بی‌مذهبان بی‌درایت (ص ۶۲)؛
به رشوه شرع پیغمبر همه زیر و زبر کردی/ به حيله حکم حق اندر درون سینه بنهفتی (ص ۸۲)؛
فساد عیش دنیا از اجل است/ چه از حاجی یا ملا سراج است (ص ۶۵).
۲۹. اگر باشی توانگر یاد او باش/ فقیران را نوازش کن به ایثار (ص ۶۶).



منابع

- استادی، رضا. (۱۳۷۳). نجوم امت؛ حضرت آیت‌الله آخوند ملا حبیب‌الله کاشانی. نور علم، شماره ۵۴، ۲۳-۶۷.
- امامت کاشانی، حاج سید عزیزالله. (بی‌تا). کشکول امامت. بی‌جا: بی‌نا.
- بلوری، مریم، و مختاری، نوری. (۱۳۹۷). بازتاب روحی و روانی بلاای طبیعی در متون ادبی قرن چهارم تا هشتم هجری. فصلنامه علمی تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۸(۲۶)، ۱۷-۳۴.
- سلمانی آرانی، حبیب‌الله. (۱۳۷۵). سیمای کاشان. قم: بشیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). سیر رباعی در شعر فارسی. تهران: فردوس.
- عاطفی، افشین. (۱۳۸۱). بزرگان کاشان. قم: افق فردا.
- عربشاهی کاشی، الهام، و فراهتی، عباسعلی. (۱۳۹۹). واکاوی شخصیت علمی، اخلاقی و اجتماعی آیت‌الله العظمی سید محمد علوی بروجردی (ره). دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، ۱۳(۲)، پیاپی ۶۵-۹۰.
- کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (۱۴۰۵ق). شرح دعای سحر. قم: چاپخانه علمیه.
- کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (۱۳۸۳). خواص و مفاهیم اسماء الحسنی؛ مفاهیم ویژه نام‌های زیبایی خداوند. ترجمه و شرح محمد رسول دریایی. تهران: صائب.
- کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (۱۳۷۳ق). رباعیات فارسی و قصیده عربی در مدح صاحب‌الزمان (ع). کاشان: مدرسه اسلامی.
- کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (بی‌تا). مجموعه آثار (تشویقات السالکین، تنبیهات الغافلین، گلزار اسرار و اشعار متفرقه). بی‌جا: بی‌نا.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم. (۱۳۴۱). تاریخ کاشان. به کوشش ایرج افشار. بی‌جا: بی‌نا.
- مجد، محمدقلی. (۱۳۸۶). قحطی بزرگ. ترجمه محمد کریمی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۹۴). ریحانه الادب. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- مدنی، امیرحسین. (۱۳۹۲). پژوهشی در دیدگاه‌های عرفانی حکمی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی با تأکید بر مشابهت اندیشه‌های وی با مولانا. پژوهش‌نامه کاشان، شماره ۳، ۱۴۰-۱۶۹.
- مدنی، قدسیه. (۱۳۵۷). ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، نشریه وحید، شماره ۲۳۰، ۱-۲.



نادری، علی. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی میان شرح دعای سحر امام خمینی (ره) با شرح دعای سحر ملا حبیب‌الله کاشانی و شرح دعای سحر سید ابوالحسن رفیعی قزوینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

نراقی، حسن. (۱۳۴۵). تاریخ اجتماعی کاشان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

References

- Arabshahi Kashi, E., & Farahati, A. A. (2020). Investigating the Scientific, Moral, and Social Personality of Ayatollah Seyyed Muhammad Alavi Borujardi. *Biannual Journal of Kashan Studies*, 13(2) (Serial No. 25), 65-90. [In Persian]
- 'Āṭifi, A. (2002). *Buzurgān-e Kāshān*. Vol. 2, Qom: Ufuq-e Fardā. [In Persian]
- Balouri, M., & Mukhtari, N. (2018). Reflection of Psychological and Emotional Impacts of Natural Disasters in Literary Texts from the 4th to 8th Centuries AH. *Quarterly Journal of the Study of Lyrical Literature*, 8(26), 2018, 17-34. [In Persian]
- Imamat Kashani, A. (n.d.). *Kashkul-e Imamati*, [no place]. [In Persian]
- Kalanter Zarābi, 'Abd al-Rahīm (1962), *Tārīkh-e Kāshān*, edited by Iraj Afshar, [no place], [no publisher]. [In Persian]
- Kashani, H. (1985). *Sharh-e Du'a-e Sahar*. Qom: Chaphkhaneh-ye 'Ilmiyyah. [In Persian]
- Kashani, H. (2004). *Khawassva Mafāhim-e Asmā'-e Husnā; Special Concepts of the Beautiful Names of God*. translated and annotated by Muhammad Rasul Daryaei. Tehran: Sā'eb. [In Persian]
- Kashani, Mulla Habibullah (n.d.), *Majmū'ah-ye Āthār (Tashwīqāt al-Sālikīn, Tanbīhāt al-Ghāfilīn, Gulzār-e Asrār va Ash'ār-e Mutafarriqah)*, [no publisher], [no place]. [In Persian]
- Kashani, H. (1994). Persian Rubā'iyāt and an Arabic Qasīdah in Praise of the Master of the Age (A.S.), *Madrāsah-ye Islāmī*. Kashan. [In Persian]
- Madani, A.H. (2013). A Study of the Mystical-Philosophical Views of Mulla Habibullah Sharif Kashani with an Emphasis on the Similarities of his Thoughts with Mawlana. *Paūhishnāmah-ye Kāshān*, No. 3, 140-169. [In Persian]
- Madani, Gh. (1974). Mulla Habib allah Shatif Kashani. *Vahid Journal*. 230, 1-2. [In Persian]
- Majid, M. Qh. (2007). *The Great Famine*. translated by Muhammad Karīmī. Tehran: Institute for Political Studies and Research. [In Persian]
- Mudarris Tabrīzī, M. A. (2015). *Raiḥānat al-Adab*. Vol. 5. Qom: Mu'assasah-ye Imām Ṣādiq.



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

- Naderi, A. (2010). *A Comparative Analysis of Khomeini's Dawn Prayer and Habib allah Sharif's and Rafie Ghazvini's Dawn Prayers*. M.A. Thesis, Islamic Azad University. Tehran: Central Branch. [In Persian]
- Narāqī, H. (1966). *Tārīkh-e Ijtimā'ī-ye Kāshān*. Tehran: Institute for Social Studies and Research. [In Persian]
- Ostadi, R. (1994). Najum-e Ummat; Ayatollah Akhund Mulla Habibullah Kashani. *Nur-e Elm*, No. 54, 23-67. [In Persian]
- Salmani Arani, H. (1996). *Simay-e Kashan*. Qom: Bashir. [In Persian]
- Shamīsā, S. (1995). *Sayr-e Rubā'īdarShi'r-e Fārsī*. Tehran: Firdaws. [In Persian]



Thematic Foundations of the Quatrains of Mullah Habibullah Sharif Kashani

Azim Hamzeian

Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, Faculty of Humanities, University of Semnan, Semnan, Iran. (Corresponding Author)
ahamzeian@semnan.ac.ir

Ghasem Roohi

PhD Student of Islamic Sufism and Mysticism, Faculty of Humanities, Department of Religions and Mysticism, University of Semnan, Iran.
ghasem.raufi@semnan.ac.ir

Received: 14/10/2023

Accepted: 11/02/2024

Introduction

Mullah Habibullah Sharif Kashani, a prominent scholar and jurist, was born in Kashan in 1261 AH. He attained the rank of mujtahid at the age of 16 and dedicated his life to teaching, writing, and guiding people. He trained numerous students and produced valuable works in various fields of knowledge. His notable works included *Montaqed al-Manafe* about jurisprudence, *Lubab al-Alqab* on biographies of scholars, *Tashil al-Masaalik ila al-Madarik fi Ru'us al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*, and *Qawamis al-Durar*. In addition to his numerous works, Mullah Habibullah Sharif Kashani also authored a collection of Persian quatrains and an Arabic qasida in praise of the Imam Mahdi, the twelfth Imam of Shiite. This work demonstrated his deep devotion and love towards Imam Mahdi. Mullah Habibullah's quatrains, in line with the requirements of the time, belonged to the category of protest and social quatrains. These quatrains provide valuable information about the society, the conditions, the people, and their circumstances at that time.

Materials, Methods, and Results

The ruba'i, an ancient Persian poetic form of a-four-line structure and an "aaba" rhyme scheme, has a high capacity for expressing profound and effective notions due to its simplicity and conciseness. This form has had diverse applications throughout the history of Persian literature, encompassing themes ranging from love and mysticism to wisdom, praise, and satire. Nevertheless, the ruba'i, owing to its structural characteristics, is also considered a suitable medium for expressing social and political themes. Mulla Habibullah's ruba'is serve as a comprehensive mirror of the social, economic, and political conditions of the Qajar era, particularly the epoch of the First World War and the famine of 1296 AH in Kashan. In addition to their



literary values, these ruba'is are a valuable resource for understanding the living conditions of the people, their thoughts and critiques of a religious scholar in the face of social problems. Besides, they reveal a better comprehension of the political situation of that period. The content of Mulla Habibullah's ruba'is encompasses a wide range of themes. They include the description of God, the praise of the Prophet Muhammad, Imam Ali, and Imam Mahdi, the promotion of moral virtues, the lamentation of the time, the reflection of the poet's poverty, the famine of the era, a criticism of the city of Kashan, its people, women, various professions, and different social classes. Within his poems, he also criticizes the Sufis and their beliefs in the unity of existence. Considering jurisprudence, Quranic exegesis, and Hadith the best sciences, he himself seems to believe in the unity of vision. A notable aspect of Mulla Habibullah's ruba'is is his political inclination, which opposed the Russian and English governments. He also has a sidelong glance at the constitutional situation. One of the main reasons for Mulla Habibullah's opposition to the colonial governments of Russia and England was his concern about the weakening and elimination of the Islamic religion. He refers to the severe social conditions prevailing in the society and speaks of the widespread evil and corruption, poisoned family relationships, the oppression of the rulers, and the closure of scientific and religious schools. He then alludes to his own unfavorable financial situation in the later years of his life and expresses his expectation for assistance and attention from Kashan's people. However, he faces indifference and, thus, resorts to sarcasm and disparagement of the city of Kashan, considering it a city full of sedition. The author, then, proceeds to criticize various professions and social classes. He expresses his disapproval of the religious class in a serious tone and advises people to distance themselves from them. He also makes remarks about the judges and directs the most extensive criticism towards the apparent scholars and clerics. According to the evidences found in his other poems, Mulla Habibullah refers to these people with titles such as "ignorant negligent ones" and "followers of falsehood," accusing them of plundering people's wealth and corrupting their beliefs. In short, the poems by Mulla Habibullah present a bitter and stinging portrayal of the social and cultural crises resulting from the famine in Kashan. He expresses his candid and unvarnished criticisms towards all segments of society, from the rulers and religious scholars to common people, through a direct and uncompromising language. His poems serve as a valuable document for understanding the social and cultural conditions of Kashan during the famine period. They also helped recognize Mulla Habibullah's critical and reformist perspectives. Another theme in his ruba'is is his belief in Islam practiced by the Shia. He considers Imam Ali as the rightful successor of the Prophet and refers to this issue in numerous verses. In addition to the aforementioned themes, Mulla Habibullah's ruba'is also address topics such as women, the sanctity of not shaving one's beard, and moral advice. The poet's ethical recommendations are tailored to the requirements of the time and include calls for moderation, patience, and abstinence from seeking help from inferior and mean people.

Conclusion

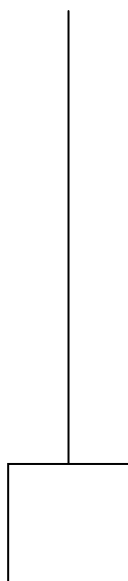
Mulla Habibullah's ruba'iyats (quatrains) are valuable resources for understanding the social, economic, and political conditions of Kashan during the First World War and the great famine of 1296 AH. These ruba'iyats, beyond their literary aspects,



present a bitter and stinging portrayal of the social and cultural crises of the era as well. In his poems, Mulla Habibullah expresses his direct criticisms of the colonial governments of Russia and England, Sufis and dervishes, the superficial scholars, and the people of Kashan. With a harsh and uncompromising language, he criticizes the prevailing corruption, injustice, poverty, and secularism in the society and calls for social reforms and the revival of religious values.

Mulla Habibullah's ruba'iyats also reflect the devastating impacts of the famine on the lives of the people. He speaks of hunger, death, the collapse of families, and the spread of corruption. His poems show that the famine had severely shaken the moral and social foundations of the society. Thus, Mulla Habibullah's ruba'iyat serve as a historical document for understanding the critical conditions of Kashan during the great famine as well as for recognizing the critical and reformist perspectives of a religious scholar in the face of social problems. His poems present a bitter and stinging portrayal of the social and cultural crises of that era and call for social reforms and the revival of religious values.

Keywords: Mulla Habibullah Sharif Kashani, Kashan famine, ruba'iyat, social conditions, Qajar era.



ABSTRACTS

- 39 ► Analyzing the Method of Categorizing and Assigning Carpets to the Weaving Geography of Kashan in Western Scientific Studies (1901-1926)
- 76 ► Abu al-Hasan Khan Ghaffari Kashani's Miniatures: Visual Documents for the Overt and Covert Aspects of Woven Products in the Zand Period
- 100 ► Investigating the Antibacterial Properties of Woolen Yarn Dyed with Rosa Damascene Mill Residue Obtained from Kashan Rose Extract
- 119 ► Social History of Kashan in the 6th A.H. Based on Abu al-Reza Ravandi's Divan
- 152 ► Tourism Destination Brand and an Explanation of its Shaping Factors in The city of Kashan
- 179 ► Marriage Customs in the Social History of Qamsar
- 213 ► The Development of a Model of Succession Management System in Water and Sewage Industry: A Case Study of Water and Sewage Company in Kashan
- 235 ► The Symbology of Tile Patterns in Khan's Historical Bathhouse
- 257 ► Investigating the Tradition of Construction and Maintenance of the Historical Parzaleh Mosque in Abyaneh Village
- 280 ► Thematic Foundations of the Quatrains of Mullah Habibullah Sharif Kashani

